اسلام و مطالعات اجتماعی

سال سیزدهم، شماره سوم، زمستان ۱۴۰۴

۵۱

صاحب امتیاز:
دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیه قم
پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
www.isca.ac.ir

مدیر مسئول: نجف لک‌زایی

سردبیر: حمید پارسانیا

مدیر اجرایی: محسن قنبری‌نیک

۱. فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی به استناد مصوبه۱۳۴ شورای عالی حوزه‌های علمیه در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۰۳ حائز رتبه علمی ـ پژوهشی گردید.
۲. به استناد ماده واحده مصوبه جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی «مصوبات شورای عالی حوزهٔ علمیه قم در خصوص اعطای امتیاز علمی، تأسیس انجمن‌های علمی، قطب‌های علمی و واحدهای پژوهشی و همچنین امتیازات کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره و آزاداندیشی در حوزه، دارای اعتبار رسمی بوده و موجد امتیازات قانونی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه می‌باشد».

فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)؛ بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)؛ سیویلیکا (Civilica)؛ مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)؛ پرتال جامع علوم انسانی(ensani.ir)؛ پایگاه Google Scholar نمایه و در سامانه نشریه: jiss.isca.ac.ir و پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی (http://journals.dte.ir) بارگذاری می‌شود.
هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله‌ها آزاد است. • دیدگاه‌های مطرح شده در مقالات صرفاً نظر نویسندگان محترم آنهاست.

نشانی: پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، طبقه همکف، اداره نشریات.
صندوق پستی: ۳۶۸۸ /۳۷۱۸۵ * تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۶۹۰۹ سامانه نشریه: jiss.isca.ac.ir
رایانامه Eslam.motaleat1394@gmail.com
چاپ: مؤسسه بوستان کتاب قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

اعضای هیئت تحریریه

(به ترتیب حروف الفبا)

نصرالله آقاجانی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام

کریم خان‌محمدی

دانشیار و مدیر گروه آموزشی مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام

محمود رجبی

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه‌الله

سیدعباس صالحی

استادیار پژوهشکده اسلام تمدنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

حسن غفاری‌فر

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام

حسین کچویان

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

نعمت‌الله کرم‌الهی

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام

شمس‌الله مریجی

استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام

داوران این شماره

محمدر ضا آقایی، سعید امیرکاوه، خلیل امیری‌زاده، محمدر ضا انواری، سیدعباس حسینی، سیدمیرصالح حسینی، داود رحیمی سجاسی، محمد رفیق، ابراهیم فتحی، محسن قنبری نیک، محمود ملکی راد.

فراخوان دعوت به همکاری

فصلنامه علمی ـ پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی بر اساس مصوبه هیئت امنای دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیه قم، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های علمی و فکری مراکز حوزوی و دانشگاهی و با هدف تولید دانش و معرفت علمی، ترویج و انتشار یافته‌های پژوهشی و آثار اندیشمندان در حوزهٔ مطالعات اجتماعی معطوف به دین و امور حوزوی، با صاحب امتیازی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر می‌شود.
فصلنامه علمی ـ پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی در عرصهٔ مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی و ناظر به اهداف ذیل منتشر می‌شود:

۱. توسعه تحقیقات در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی با رویکرد دینی؛
۲. تبیین مبانی معرفتی و فلسفی علم اجتماعی دینی؛
۳. تدوین و ترویج دانش اجتماعی اندیشمندان مسلمان؛
۴. گسترش و هدایت حوزه‌های دانش نظری و کاربردی در عرصهٔ فرهنگی و اجتماعی متناسب با نیازهای جامعه هدف، در جهت تکوین علوم انسانی ـ اسلامی؛
۵. تولید ادبیات بومی ـ اسلامی در حوزه فرهنگ و اجتماع؛
۶. ایجاد انگیزه و بسترسازی پژوهش در حوزه مطالعات فرهنگی و اسلامی؛
۷. توسعه همکاری و تعامل علمی میان استادان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه؛
۸. ارتقای سطح علمی استادان و دانش‌پژوهان حوزوی و دانشگاهی؛
۹. زمینه‌سازی نشر دستاوردهای علمی ـ پژوهشی اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی؛
۱۰. تقویت پژوهش‌های معطوف به مسئله‌محوری، راهبردپردازی و آینده‌پژوهی؛

اولویت‌های پژوهشی فصلنامه با رویکرد دینی، اعتقادی و تطبیقی

۱. بازخوانی و نقد نظریات حوزه علوم اجتماعی؛
۲. جریان‌شناسی حوزه مطالعات فرهنگی اجتماعی؛
۳. سیاست‌پژوهی ناظر به مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه؛
۴. روش‌شناسی حوزه علوم اجتماعی با تأکید بر نظریات فرهنگی.

رویکردهای اساسی

۱. تمرکز محتوایی بر مباحث فرهنگی و اجتماعی معطوف به حوزه دین با رویکرد تطبیقی، بین‌رشته‌ای؛
۲. رعایت معیارها و ضوابط علمی ـ پژوهشی به‌ویژه در ابعاد روشی و نظری؛
۳. پژوهش‌محوری با تأکید بر پژوهش‌های میدانی و پیمایشی؛
۴. مسئله‌محوری و راهبردپردازی با تأکید بر مطالعات کاربردی.

از کلیه صاحب‌نظران، استادان و پژوهشگران علاقه‌مند دعوت می شود تا آثار خود را جهت بررسی و چاپ در فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی بر اساس ضوابط و شرایط مندرج در این فراخوان از طریق سامانه نشریه به آدرس jiss.isca.ac.ir ارسال نمایند.

راهنمای تنظیم مقاله

شرایط اولیه پذیرش مقاله

- ✓ نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی در پذیرش یا رد و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.
- ✓ مقالات ارسالی به نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا همزمان جهت انتشار به نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- ✓ با توجه به اینکه همه مقالات فارسی ابتدا در سامانه سمیم نور مشابهت‌یابی می‌شوند، برای تسریع فرایند داوری بهتر است نویسندگان محترم قبل از ارسال مقاله، از اصالت مقاله خود از طریق این سامانه مطمئن شوند.
- ✓ نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی از دریافت مقاله مجدد از نویسندگانی که مقاله دیگری در روند بررسی دارند و هنوز منتشر نشده، معذور است.
- ✓ مقاله در محیط Word با پسوند DOCX (با قلم Noorzar نازک ۱۳ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰برای انگلیسی) حروف‌چینی گردد.

○ **شرایط مقالات استخراج شده از آثار دیگر:** چنانچه مقاله مستخرج از هر کدام از موارد ذیل باشد، نویسنده موظف است اطلاعات دقیق اثر وابسته را ذکر کند. در غیر این صورت در هر مرحله‌ای که نشریه متوجه عدم اطلاع‌رسانی نویسنده شود، مطابق مقررات برخورد می‌کند:

○ **پایان‌نامه** (عنوان کامل، استاد راهنما، تاریخ دفاع، دانشگاه محل تحصیل، دانشکده، گروه تحصیلی)

** مقاله ارسالی از **دانشجویان (ارشد و دکتری)** به‌تنهایی قابل پذیرش نبوده و ذکر نام **استاد راهنما** الزامی می‌باشد.

○ **طرح پژوهشی** (عنوان کامل طرح، تاریخ اجرا، همکاران طرح، سازمان مربوطه)

○ **ارائه شفاهی در همایش و کنگره** (عنوان کامل همایش یا کنگره، تاریخ، سازمان مربوطه)

○ **روند ارسال مقاله به نشریه:** نویسندگان باید فقط از طریق بخش ارسال مقاله سامانه نشریه جهت ارسال مقاله اقدام کنند، به مقالات ارسالی از طریق ایمیل یا ارسال نسخه چاپی ترتیب اثر داده نخواهد شد.

- ✓ برای ارسال مقاله، **نویسنده مسئول** باید ابتدا در بخش «**ارسال مقاله**» اقدام به ثبت نام در سامانه نشریه نماید.
- ✓ نویسندگان باید همه مراحل ارزیابی مقاله را تنها از طریق صفحه شخصی خود در سامانه مجله دنبال نمایند.

○ **قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش**

۱. نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی فقط مقالاتی را که حاصل دستاوردهای پژوهشی نویسنده و حاوی یافته‌های جدید است را می‌پذیرد.

۲. مجله از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری، گزارشی و ترجمه معذور است.

○ **فایل‌هایی که در زمان ثبت نام نویسنده مسئول باید در سامانه بارگذاری کند:**

- ✓ فایل اصل مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)
- ✓ فایل مشخصات نویسندگان (به زبان فارسی و انگلیسی)
- ✓ فایل تعهدنامه (با امضای همه نویسندگان)
- ✓ فرم عدم تعارض منافع
- ✓ فایل فرم مشابه‌یاب مقاله

تذکر: (ارسال مقاله برای داوری، مشروط به ارسال سه فایل مذکور و ثبت صحیح اطلاعات در سامانه است).

- **تکمیل و ارسال فرم عدم تعارض منافع**، توسط نویسنده مسئول الزامی می‌باشد.
- **حجم مقاله: واژگان کل مقاله:** بین ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه؛ **کلیدواژه‌ها:** ۴ تا ۸ کلیدواژه؛ **چکیده:** ۱۵۰ تا ۲۰۰ واژه (چکیده باید شامل هدف، مسئله یا سؤال اصلی پژوهش، روش‌شناسی و نتایج مهم پژوهش باشد).
- **نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان:** نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتماً مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده مورد نظر درج شود. فرستنده مقاله به‌عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.
- **وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوی‌های ذیل درج شود:**

۱. **اعضای هیئت علمی:** رتبه علمی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.

۲. **دانشجویان:** دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.

۳. **افراد و محققان آزاد:** مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.

۴. **طلاب:** سطح (۲،۳،۴)، رشته تحصیلی، حوزهٔ علمیه/ مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.

- **ساختار مقاله:** بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. **عنوان؛**

۲. **چکیده فارسی** (تبیین موضوع/ مسئله/ سؤال/ هدف/ روش/ نتایج)؛

۳. **مقدمه** (شامل تعریف مسئله، پیشینه تحقیق (فارسی و انگلیسی)، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش و دلیل جدیدبودن موضوع مقاله)؛

۴. **بدنه اصلی** (توضیح و تحلیل مباحث)؛

۵. **نتیجه‌گیری** (بحث و تحلیل نویسنده)؛

۶. **بخش تقدیر و تشکر:** پیشنهاد می شود از مؤسسه‌های همکار و تأمین‌کننده اعتبار بودجه پژوهش نام برده شود. از افرادی که به نحوی در انجام پژوهش مربوطه نقش داشته، یا در تهیه و فراهم‌نمودن امکانات مورد نیاز تلاش نموده‌اند و نیز از افرادی که به نحوی در بررسی و تنظیم مقاله زحمت کشیده‌اند، با ذکر نام، قدردانی و سپاس‌گزاری شود. کسب مجوز از سازمان‌ها یا افرادی که نام آنها برای قدردانی ذکر می‌شوند، الزامی است؛

۷. **منابع** (منابع غیرانگلیسی علاوه بر زبان اصلی، باید به انگلیسی نیز ترجمه شده و بعد از بخش **فهرست منابع**، ذیل عنوان **References** درج شوند).

- **روش استناددهی:** APA (درج پانویس، ارجاعات درون متن و فهرست منابع) می‌باشد که لینک دانلود فایل آن در سامانه نشریه (راهنمای نویسندگان) موجود می‌باشد.

فهرست مقالات

حکمرانی مهدوی الگوی حکمرانی ولی فقیه در ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار ۷
حسین الهی‌نژاد

چیستی حیات طیبه در اندیشه متفکران مسلمان و جامعه اسلامی ۳۴
هادی دنیادیده حاجی حسن

نقش سه عنصر «امام، زائر و خادم» در زیارت اربعین و دلالت‌های تمدنی آن ۶۶
سیدعلی‌اصغر علوی

روش اقناع‌سازی مخاطب بر اساس الگوهای قرآنی ۹۴
سیده کیانرخ موسوی ـ سعید امیرکاوه

بررسی و تحلیل علل غیررسانه‌ای چالش هویت‌یابی نوجوانان ایران معاصر ۱۲۷
مهدی نظری ـ حسین رضائی ـ سید حسام‌الدین حسینی

تحلیل جامعه‌شناختی تجربه هزاره‌های افغانستان از تعصب و تبعیض قومی بر مبنای اندیشه ابن‌خلدون و فارابی ۱۵۹
داود رحیمی سجاسی ـ سید مدثر امیر شاه

مطالعه جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین و رابطه آن با انسجام اجتماعی ۱۸۷
قنبر حسین‌پور ـ علی‌اصغر عباسی اسفجیر ـ منوچهر پهلوان

Islam and Social Studies
EISSN: 2676-7783
PISSN: 2345-5586

Mahdavi Governance as a Model for the Governance of Wali al-Faqih in Fighting Oppression and Arrogance*

Hossein Elahinejad
Professor, Department of Futures Studies of Religion and Religiosity, Institute of Mahdaviat and Futures Studies, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
h.elahinejad@isca.ac.ir

Abstract

By presenting three arguments, it can be claimed that the governance of Wali al-Faqih must follow and model itself after Mahdavi governance within its socio-political ecosystem. The first argument is the law of correlation which is established between the awaited society and the awaiting society. The second argument is the law of congruity which governs the pre-reappearance society and the post-reappearance society, and the third argument is the relationship established between the deputy (Wali al-Faqih) and the principal (Imam Mahdi); with these three arguments, the necessity of the relationship and the modeling of Wali al-Faqih's governance after Mahdavi governance becomes established. One of the cases of modeling with a socio-political approach is the issue of fighting oppression and combating arrogance, and to conduct this research, which is a qualitative study, we will utilize the library and documentary method in data collection and the descriptive and analytical method in data processing to achieve important results such as: 1- Fighting oppression and combating

* Elahinejad, Hossein. (2025). Mahdavi Governance as a Model for the Governance of Wali al-Faqih in Fighting Oppression and Arrogance. *Islam and Social Studies*, *13*(4), pp. 7-33. https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74069.2202

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy
▣ **Received:** 2025/06/22 • **Revised:** 2025/09/06 • **Accepted:** 2025/11/01 • **Online Published:** 2025/12/30

© 2025
authors retain the copyright and full publishing rights

arrogance as a shared goal between Mahdavi governance and the governance of Wali al-Faqih, 2- Public recognition of arrogance and identification of oppressors as a shared strategy between Mahdavi governance and Wali al-Faqih governance, and 3- Public satisfaction and gaining their contentment regarding the struggle of Mahdavi governance and Wali al-Faqih governance against oppressors and arrogant powers, and finally, we will conclude the process of the work with a result and outcome.

Keywords
Governance, Mahdavi Governance, Governance of Wali al-Faqih, Identification of Oppression, Anti-Oppression, Identification of Arrogance, Anti-Arrogance.

اسلام و مطالعات اجتماعی
EISSN: ۲۶۷۶-۷۷۸۳
PISSN: ۲۳۴۵-۵۵۸۶

حکمرانی مهدوی؛ الگوی حکمرانی ولی فقیه در ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار*

حسین الهی‌نژاد
استاد، گروه پژوهشی آینده‌پژوهی دین و دین‌داری، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
h.elahinejad@isca.ac.ir

چکیده

با طرح دلایل سه‌گانه می‌توان ادعا کرد که لازم است حکمرانی ولی فقیه در زیست‌بوم اجتماعی و سیاسی خودش از حکمرانی مهدوی پیروی و الگوبرداری کند. دلیل اول، قانون تضایف است که میان جامعه منتظَر و منتظِر بر قرار می‌باشد. دلیل دوم، قانون سنخیت است که میان جامعه قبل ظهور و جامعه پس از ظهور حکم‌فرما می‌باشد و دلیل سوم، رابطه‌ای است که میان نایب (ولی فقیه) و منوب عنه (امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) بر قرار می‌باشد؛ با این سه دلیل ضرورت رابطه و الگوگیری حکمرانی ولی فقیه از حکمرانی مهدوی مسجل می‌شود. یکی از موارد الگوگیری با رویکرد اجتماعی و سیاسی بحث ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار می‌باشد که جهت انجام این پژوهش که یک پژوهش کیفی است در جمع‌آوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و در پردازش اطلاعات از روش توصیفی و تحلیلی بهره خواهیم برد تا به دستاوردهای مهمی همچون: ۱- ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار به عنوان هدف مشترک میان حکمرانی مهدوی با

* الهی‌نژاد، حسین. (۱۴۰۴). حکمرانی مهدوی؛ الگوی حکمرانی ولی فقیه در ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۷-۳۳.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74069.2202

■ **نوع مقاله:** پژوهشی؛ **ناشر:** پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
■ **تاریخ دریافت:** ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ ● **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ ● **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ ● **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارندهٔ حق‌مؤلف مقالهٔ خود بدون محدودیت هستند»

حکمرانی ولی فقیه، ۲- شـناخت اسـتکبار و ظالم‌شـناسـی به مردم به عنوان راهکار مشـترک میان حکمرانی مهدوی و حکمرانی ولی فقیهی و ۳- رضـایت‌مندی مردم جلب خوشـنودی آنها نسـبت به مبارزه حکمرانی مهدوی و حکمرانی ولی فقیه با ظالمان و مستکبران، برسیم و در آخر فرایند کار را با نتیجه و برایندی به پایان خواهیم برد.

کلیدواژه‌ها

حکمرانی، حکمرانی مهدوی، حکمرانی ولی فقیه، ظلم‌شناسی، ظلم‌ستیزی، استکبارشناسی و استکبارستیزی.

مقدمه

استکبار یک کلمهٔ قرآنی است که در قرآن دربارهی امثال فرعون و گروههای بدخواه و معارض حق و حقیقت به‌کار رفته است. استکبار در گذشته هم بوده است، تا امروز هم وجود دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه‌ی دوره‌ها یکی است؛ البته شیوه‌ها و خصوصیات و روش‌ها در هر زمانی تفاوت می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۹). مبارزه با ظلم و ستم، و مقابله با ظالمان و ستمگران در اندیشه مهدویت دارای جایگاه مهمی بوده و این موضوع در شکل‌های گوناگونی در روایات مهدویت آمده است. برای مثال یک مرتبه در قالب اهداف حکمرانی مهدوی و مرتبه دیگر در قالب فلسفه غیبت و دیگر مرتبه در قالب عدم بیعت با حاکمان جور بیان شده است. پس مبارزه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با ظالمان و ستمگران در قالب مؤلفه سه‌گانه؛ اهداف حکمرانی، فلسفه غیبت و مبارزه با حاکمان جور، نمود و بروز دارد؛ اما در بیان اهداف حکمرانی گفته می‌شود: حکمرانی مهدوی دارای اهداف سه‌گانه کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت می‌باشد در هدف کوتاه مدت، به تشکیل نظام جهانی مهدوی و در هدف میان مدت مبارزه با ظالمان و ستمگران و تحقق عدالت در سراسر جهان و در هدف بلند مدت که از آن به هدف نهایی یاد می‌شود، به گسترش توحید و عبودیت در جهان پرداخته و مردم را تحت دین واحدی به نام اسلام گردهم می‌آورد. رهبر انقلاب در این خصوص فرمودند: «مأموریّت بزرگ حضرت بقیّةالله عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عبارت است از «یَملَأُ اللهُ بِهِ الأَرضَ قِسطاً وَ عَدلا»؛ مأموریّت بزرگ آن بزرگوار قسط و عدل است. در بسیاری از روایات، در دعاها، در زیارت‌ها به این معنا اشاره شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱/۲۱). پس گسترش عدل و داد و اضمحلال ظلم و جور از اهداف مهم حکمرانی مهدوی است که در این خصوص روایات فراوانی داریم تا جایی که برخی از بزرگان ادعای تواتر و اجماع نموده‌اند (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج۱۶، ص ۱۶۲). و همچنین در بیان فلسفه غیبت گفته می‌شود: غیبت و پنهان زیستی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دارای فلسفه و علل مختلفی است که یکی از آنها عدم بیعت با ظالمان و مستکبران می‌باشد؛ براین‌اساس امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در مبارزه با ظالمان و ستمگران، به‌طور قاطع عمل کرده و بدون هیچ‌گونه مماشات و ملاحظاتی با آنها برخورد می‌کند. گرچه بحث حکمرانی ولی

فقیه و حکمرانی مهدوی بحث جدید و نوپائی است، ولی مقالاتی نظیر «بررسی و تحلیل مبانی و مباحث نظری حکمرانی مهدوی و حکمرانی ولی فقیه» (الهی‌نژاد، ۱۴۰۴)، «حکمرانی ولی فقیه به منزله باز پیکربندی مسئله زمینه‌سازی ظهور در جهت تحقق خلافت الهی» (میرزاده، ۱۴۰۴)، «منطق تصمیم‌گیری رهبر معظم انقلاب در حکمرانی زمینه‌ساز» اثر (زارع، ۱۴۰۴) و «حکمرانی مهدوی؛ راهبرد زمینه‌سازی برای ظهور در پرتو انقلاب اسلامی(با اتکاء به بیانات امامین انقلابین)» نوشته (موسوی حسن رودی و نصوری، ۱۴۰۴) ، «حکمرانی مردم پایه حکمرانی زمینه ساز» اثر (پارسانیا و لک‌زایی ، ۱۴۰۴) و «مدل حکمرانی زمینه‌ساز در اندیشه امام خمینی‌ؒ: تبیین، شاخص‌ها و نسبت با مدل‌های مدرن حکمرانی» اثر (معینی‌پور، ۱۴۰۴) به رشته تحریر در آمده است نمونه‌هایی از پیشینه تحقیق در این راستا می‌باشد. و در آخر در بیان مؤلفه سوم که مبارزه با حاکمان جور است گفته می‌شود: در روایات و احادیث گوناگونی این مطلب آمده که با ظهور امام مهدیؑ بساط همه حکومت‌های جور و ستم برچیده می‌شود؛ ازاین‌رو در طول تاریخ اسلامی در مقاطع مختلف تاریخی یکی از کارهای مهم حاکمان جور، مبارزه با تولد امام زمانؑ و در صورت تولد امام، تلاش برای از بین‌بردن ایشان بوده است. پس در اندیشه مهدویت و حکمرانی مهدوی یکی از مسائل مهم و برجسته بحث مبارزه با ظلم و ستم و مقابله با ظالمان و ستمگران است. حکمرانی ولی فقیه که به عنوان حکمرانی زمینه‌ساز شهره است در راستای همراهی با حکمرانی مهدوی و نیز در راستای تحقق زمینه سازی ظهور باید با بهره‌گیری از اندیشه مهدویت به مبارزه با ظلم و ستم در جامعه و نیز مقابله با ظلمان و ستمگران در جهان نظیر استکبار و صهیونیزم جهانی بپردازد.

در این نوشتار جهت تحقیق و پژوهش ابتدا به بیان مفهوم‌شناسی و تبیین ادبیات بحث پرداخته و در ادامه با در افکندن مبحث چندگانه نظیر «راهبری حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم»، «معرفت‌افزایی حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم»، «همه جانبه‌گرایی حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم و استکبارستیزی»، «رضایت‌مندی مردم از حکمرانی مهدوی در استقرار عدالت»، «ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار، هدف حکمرانی ولی فقیه»، «معرفت‌افزایی حکمرانی ولی فقیه به مردم نسبت به ظلم و ستم»، «زمینه‌سازی ظهور با

ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار» با روش توصیفی و تحلیلی و بر اساس فن اسنادی و کتابخانه‌ای به تحقیق و پژوهش پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی و ادبیات نظری بحث

۱-۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱-۱. حکمرانی

حکمرانی در اصطلاح، فرایند نظام‌مندی جهت راهبری، هدایت‌گری، تسهیل‌گری و تنظیم‌گری جامعه از مبداء تا مقصد است؛ به بیان دیگر حکمرانی یک فرایند و یک تکنولوژی نرم است که از سیاست‌گذاری شروع شده تا به تحقق اهداف منتهی می‌شود (خسروپناه، ۱۴۰۲،) حکمرانی از قدیم مطرح بوده و دارای پیشینه طولانی از نظر تاریخی است (بور، ۱۳۹۷، ص۲۲). حکمرانی یعنی؛ راهبری پیشبرد امر عمومی در تمامی سطوح، ابعاد و بخش‌های مختلف و در ارتباط با دیگر ذینفعان، ذیربطان و اجزا از مبدا تا مقصد بر اساس محرک‌ها در بستر زمان و مکان؛ اما در تعریف حکمرانی اسلامی آمده؛ راهبری مؤمنانه قدرت برای تحقق امر عمومی در تمامی سطوح و بخش‌ها در ارتباط با دیگر ذینفعان، ذیربطان و اجزاء از مبدأ تا مقصد به بعث محرک‌ها در بستر زمان و مکان از طریق عمل صالح (لک‌زایی و همکاران، ۱۴۰۳،).

حکمرانی اسلامی شیوه و روش اعمال و تنظیم قدرت، سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها برای تحقق آرمان حیات طیبه از طریق مشارکت، هم‌افزایی و عملکرد بهینه نظام اسلامی است در بنیان‌های مفهوم حکمرانی اسلامی، ارجاع به آموزه‌های دین اسلام و منابع اسلامی محوریت دارد (قجری و نوربخش، ۱۴۰۰،). می‌توان گفت حکمرانی در آموزه‌های قرآن، خلافت و ولایت از سوی خداوند برای بسترسازی کمال‌یابی بشر است؛ ازاین‌رو همه چیز در محور توحید و تکامل انسانی معنا و مفهوم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۴۸).

پس حکمرانی به معنای راهبری صحیح و به هم پیوسته قدرت از مبداء تا مقصد برای حل مسائل و مشکلات با مشارکت کنشگران ذینفع در راستای تحقق اهداف جامعه

است. که اگر جامعه اسلامی باشد با هدف و شاخصه‌های اسلامی و اگر جامعه غیراسلامی باشد با هدف و شاخصه‌های دیگری تعریف می‌شود.

۱-۱-۱-۱. حکمرانی ولی فقیه

حکمرانی ولی فقیه، الگو و مدلی از حکمرانی اسلامی است که در زمان غیبت براساس اندیشه مهدویت شکل می‌گیرد و ولی فقیه به عنوان جانشین امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه سرپرستی جامعه را از ناحیه امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه برا ساس نظریه ولایت فقیه که مبتنی بر نظریه نیابت عام است، عهده‌دار بوده و به راهبری، هدایت‌گری، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تسهیل‌گری جامعه می‌پردازد؛ به بیان دیگر، حکمرانی ولی فقیه یعنی اجرا و اعمال سیا ست در جامعه زمان غیبت با نگرش مردم سالاری دینی، بر ا ساس نظریه ولایت فقیه جهت ترویج و اقامه دین در جامعه است.

۱-۱-۱-۲. حکمرانی مهدوی

حکمرانی مهدوی، آخرین الگو و مدل حکمرانی ا سلامی ا ست که بر ا ساس اندیشه مهدویت شکل گرفته و با رویکرد جهانی به راهبری، هدایت‌گری، سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و تسهیل‌گری جامعه و شهروندان برای رسیدن به عدالت جهانی، رفاه جهانی، امنیت جهانی و اقامه دین در جهان می‌پردازد. به بیان دیگر حکمرانی مهدوی یعنی اجرا و اعمال سیاست در جامعه با نگرش مردم‌سالاری دینی، بر اساس اندیشه مهدویت و حاکمیت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه جهت ر شد امور مادی و معنوی بشر در دو ساحت دنیا و آخرت است (الهی‌نژاد، ۱۴۰۴،).

۱-۱-۱-۳. استکبار

استکبار از ریشه «کبر» به معنای خودبزرگ‌پنداری، برتری‌جویی، گردن‌کشی، غرور و نخوت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج۵، ص ۱۲۶؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۷). در قرآن کلمه ا ستکبار و واژگان هم‌سو فراوان ا ستعمال شده ا ست «وا ستَکبَرَ هُوَ و جُنودُهُ فِی الأَرضِ

بِغَیرِ الحَقِّ...»؛ و او و سپاهیانش در آن سرزمین به ناحق سرکشی کردند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانیده نمی‌شوند (قصص، ۳۹). و «و اَمَّا الَّذینَ کفَروا اَفَلَم‌تَکن ءایتی تُتلی عَلَیکم فَاستَکبَرتُم و کنتُم قَومًا مُجرِمین» ، و اما کسانی که کافر شدند [بدانها می‌گویند:] «پس مگر آیات من بر شما خوانده نمی شد؟ و [لی] تکبّر نمودید و مردمی بدکار بودید (جاثیه، ۳۱).

استکبار به دو نوع فردی و اجتماعی قابل تقسیم است. استکبار فردی، تکبر در برابر خدا و خاضع‌نشدن در پیشگاه حقیقت است و استکبار اجتماعی، تکبر در برابر مردم و بزرگ‌تردانستن خود و مفهومی در مقابل استضعاف است، امام خمینی‌ﷺ استکبار اجتماعی و سیاسی را در برابر استضعاف قرار داده و در یک نگاه کلی معتقد است تجاوز به حقوق زیردستان و کوچک شمردن آنان، هرچند کم باشد از مصادیق استکبار است، ؛ ازاین‌رو مستکبران منحصر در قدرت‌های سلطه‌گر جهانی نیست، ؛ بلکه دولت‌هایی هم که ملت‌های خود را ضعیف می‌شمارند و بر آنان ظلم می‌کنند در ردیف مستکبران‌اند، ؛ همچنین کسی که به حقوق زیردستان خود تعدی کند و آنان را کوچک می‌شمارد نیز مستکبر است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج۷، ص ۴۸۸).

۲. ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار در حکمرانی مهدوی

۲-۱. راهبری حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم

چنان‌که بیان شد یکی از اهداف مهم حکمرانی مهدوی مبارزه با ظلم و ستم در جامعه است. حکمرانی مهدوی با سیاست‌گذاری و راهبری، فرهنگ عدالت و عدالت‌خواهی و قبح ظلم و ستم را در جامعه و در میان مردم اشاعه و ترویج می‌کند و با استمرار این فرهنگ به مرور روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در میان مردم گسترش پیدا می‌کند که درنتیجه نظام جهانی مهدوی و شهروندان آن برای اولین و آخرین مرتبه با اضمحلال ظلم و ستم اجتماعی به تجربه شیرین جامعه منهای ظلم و ستم دست پیدا می‌کنند. بی‌شک بر اساس داده‌های قرآنی، همه انبیاﷺ مأمور بوده‌اند تا با همین رویه با مردم تعامل نموده و با همین رویه سیاست‌گذاری، راهبری و تسهیل‌گری نمایند

تا مردم به صورت خودجوش به سوی اجرای عدالت و مبارزه با ظلم و ستم حرکت نمایند. «لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ ، ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حقّ از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (حدید، ۲۵).

در تفسیر آیه فوق گفته می‌شود؛ منظور از «کتاب» همان کتب آسمانی است و «میزان» به معنی «وسیله وزن‌کردن و سنجش» است که در نگاه معنوی احتمال دارد به معنای دین باشد. یعنی چیزی که تمام اعمال انسان‌ها را می توان با آن سنجید، و آن احکام و قوانین الهی، و یا آئین او به طور کلی است، که معیار سنجش نیکی‌ها و بدی‌ها، و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج۱۹، ص ۱۷۱). به این ترتیب پیامبران با سه وسیله مجهز بودند: دلائل روشن، کتب آسمانی، و معیار سنجش حق از باطل و خوب از بد، و مانعی ندارد که فی‌المثل قرآن مجید هم «بینه» (معجزه) باشد، و هم کتاب آسمانی، و هم بیان‌کننده احکام و قوانین، یعنی سه بعد در یک محتوی. نکته مهم در جمله «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» ا ست که از «خودجو شی مردم» سخن می گوید، نمی‌فرماید: هدف این بوده که انبیاء انسان‌ها را وادار به اقامه قسط کنند، ؛ بلکه می گوید: «هدف این بوده که با هدایت‌گری انبیا علیهم‌السلام مردم مجری قسط و عدل با شند آری مهم این ا ست که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند، و این راه را با پای خویش بپیمایند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۲۳، ص ۳۷۱). پس انبیا الهی علیهم‌السلام در طول تاریخ بدون تصدی‌گری و دخالت مستقیم با دلایل روشن بر اساس کتاب‌های آسمانی به سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، تسهیل‌گری و راهبری مردم پرداخته تا آنها خودشان به صورت خودجوش به اقامه عدل و داد، و مبارزه با ظلم و ستم در جامعه بپردازند.

چنان‌که امام باقر علیه‌السلام در این خصوص می‌فرماید: «إِذَا قَامَ يُبْطِلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ يَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلَ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص ۱۵۴). قائم هم موقعی که قیام می کند هر اعمال نامشروع و بدعتی را که هنگام سازش با بیگانگان در میان مسلمین مرسوم گشته از میان می‌برد و مردم را به عدالت گستری راهبری می‌نماید.

در این روایت دو نکته مهم وجود دارد: ۱. آنچه در دوران سازش، نظیر انحرافات و بدعت‌های ظالمان و ستمگران وجود دا شته، امام زمان ﷺ همه آنها را باطل کرده و از بین می‌برد. ۲؛ مردم و جامعه را بدون تصدی‌گری و بدون دخالت مستقیم به سوی عدالتخواهی و ظلم‌ستیزی راهبری می‌کند.

پس بر ا ساس داده‌های قرآنی و روایی ا صل اولیه بر این ا ست که مردم خود شان با خودآگاهی و به صورت خودجوشی در امور اجتماعی نظیر تحقق عدالت و قسط ورود پیدا کرده و خود شان به صورت جمعی به رفع معضلات و مشکلات اجتماعی نظیر ظلم و ستم و مبارزه با ستمگران و ظالمان اقدام کنند. از اینجاست که یکی از کارهای مهم امام زمان ﷺ در دوران حکمرانی جهانی، راهبری مردم در مسیر مبارزه با ظلم و ستم است؛ براین‌اساس نظام جهانی مهدوی برای تحقق عدل و داد، و برای رفع ظلم و ستم از جامعه، با اجتناب از دخالت‌گری و تصدی‌گری، فقط به سیاست‌گذاری، راهبری، تسهیل‌گری و حمایت‌گری بسنده کرده و مردم نیز به صورت خودخوش و خودآگاه به انجام کارهای اجتماعی اقدام می‌کنند.

۲-۲. معرفت‌افزایی حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم

یکی از راه‌های مهم مبارزه با ظلم و جور و اقبال به عدل و داد ارتقای معرفت مردم نسبت به قبح ظلم و جور و نقش منفی آن در زندگی اجتماعی و فردی و نیکویی عدل و داد و نقش مثبت آن در جامعه می‌باشد. به‌طورکلی معرفت‌افزایی مردم از نظر دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، موجب معرفت‌افزایی آنها نسبت به مقوله حق و حقیقت، عدل و داد و ظلم و جور می‌شود. هرچه این معرفت و آگاهی بیشتر، بالطبع حق‌شناسی و باطل شناسی و نیز ظلم شناسی و عدل شناسی بیشتر می شود. بر ا ساس فطرت خدادادی، مردم همیشه به سوی خوبی‌هایی مثل دین و آموزه‌های دینی، و حق و حقیقت، و عدل و داد گرایش داشته و در مقابل آن از بدی‌هایی نظیر ظلم و ستم، ناحقی و نابرابری و پلیدی و پلشتی متنفر و گریزان می‌باشند (فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها) و این گرایشات فطری که در وجود همه انسان‌ها وجود دارد وقتی با معرفت و شناخت عقلی همراه شود

تأثیراتش بیشتر شده و مبارزه و تقابل را در انسان‌ها شدیدتر و عمیق تر می‌کند.

در دوران پس از ظهور با حکمرانی مهدوی بسترهای رشد و ترقی برای مردم از لحاظ فکری و ذهنی مهیا شده و در واقع با این فراهم‌آوری و تمهیدگری نظام حکمرانی مهدوی، استعدادهای حق‌شناسی و حق‌یابی مردم شکوفاتر می‌شود و مردم با نیروی عقلانی و با قدرت فطری به حکمت و دانش برتر که به بواطن و اسرار جهان نفوذ دارد می‌رسند. پس در دوران نظام جهانی مهدوی مردم با دست‌یابی به دانش برتر (حکمت) به معرفت‌های یقینی و مطابق با واقع نایل می‌شوند. یعنی مفاهیم، براهین و قضایای معرفتی که در میان شان مطرح است به صورت مفاهیم صادق، واقعی، حقیقی و موجه، و نیز براهین صادق، مستدل و مطابق با واقع می‌باشد.

چنان‌که امام باقر علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: «تُؤْتَوْنَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۳۹). در دوران نظام جهانی مهدوی دانش حکمت، طوری در جامعه گسترش پیدا می‌کند که زن در خانه خود به کتاب خدا و سنت رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله اجتهاد می‌کند.

چنان که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه در وصف حال امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌فرماید: «قَدْ لَبِسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا وَأَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدَبِهَا مِنَ الْإِقْبَالِ عَلَيْهَا وَالْمَعْرِفَةِ بِهَا وَالتَّفَرُّغِ لَهَا وَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّتُهُ الَّتِي يَطْلُبُهَا وَحَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهَ... ؛ (مهدی موعود) سپر حکمت را پوشیده و آن را با تمام شرائطش از توجه به آن و شناختن آن و آمادگی برای اخذ آن، فرا گرفته پس حکمت گم شده است که آن را یافته است و آرزویی است که درخواست می‌نموده است» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه۱۸۲، ص ۲۶۳).

باز حضرت در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «إِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مِنَّا يَسْرِي فِيهَا بِسِرَاجٍ مُنِيرٍ وَيَحْذُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيَحُلَّ فِيهَا رِبْقاً وَيُعْتِقَ فِيهَا رِقّاً ... تُجْلَى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ وَيُرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ وَيُغْبَقُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ؛ ... بدانید کسی که از ما (امام زمان) آن آشوبها را درک کند، در تاریکی آن فتنه‌ها با چراغی روشن (نور امامت) راه خواهد رفت و بروش نیکان رفتار نماید، در آن وضع بحرانی بندی را بگشاید و اسیری را (از بند جهل) آزاد گرداند، دیدگان آنها به نور قرآن روشن شود و تفسیر آن

در گوشـهای‌شـان جایگزین گردد و جام حکمت را در صـبح و شـام به آنها بنوشـاند (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۵۰، ص۱۷۸).

در روایات فوق و امثال آنها به پیشـرفت حکمت (علم برتر) در دوران ظهور و استقرار نظام جهانی مهدوی اشاره شده است، البته منظور از علم و معرفت در اینجا، علم و معرفتی است که در قالب دانش برتر به نام «حکمت» (سجادی، ۱۳۷۹، ص ۴۸۵). خود نمایی می‌کند. یعنی در حکمرانی مهدوی، زمینه‌های فراگیری حکمت در جامعه مهیا می‌شـود و مردم به صورت مدام، صبحگاهان و شبگاهان یعنی به صورت شبانه‌روزی جام حکمت سـر می‌کشـند و بهرمندی از جام حکمت و نوشـیدن آن مخصـوص گروه خاص، نژاد خاص و فرهنگ خاصـی نیسـت؛ بلکه همه اقشـار مردم در همه سـطوح، با همه نژادها، رنگ‌ها و ملیت‌ها از این دانش برین بهرمند خواهند بود.

چنان‌که امام باقر علیه‌السلام در خصـوص رشـد عقل و عقلانیت شـهروندان نظام جهانی مهدوی می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا ع وَضَـعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامُهُم؛ ... چون قائم ما قیام کند دسـتش را بر سـر بندگان گذارد پس عقولشان را جمع کند و در نتیجه خردشان کامل شود (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج۲، ص ۹۷۵).

باز امام باقر علیه‌السلام در خصوص تعالی و رشد علمی و معرفتی عصر ظهور در تفسیر آیه «أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْـبَحَ ماؤُكُمْ غَوْراً فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِماءٍ مَعِينٍ» می‌فرماید: «هَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ يَقُولُ إِنْ أَصْـبَحَ إِمَامُكُمْ غَائِباً عَنْكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْنَ هُوَ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ ظَاهِرٍ يَأْتِيكُمْ بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ حَلَالِ اللهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ حَرَامِهِ ثُمَّ قَالَ وَ اللهِ مَا جَاءَ تَأْوِيلُ الْآيَةِ وَ لَا بُدَّ أَنْ يَجِيءَ تَأْوِيلُهَ»؛ ... این آیه در باره امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نازل شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «اگر امام شما از شما غائب شود و ندانید که او در کجا است. چه کسی امام را برای شما ظاهر می‌کند تا اخبار آسمان و زمین، و حلال خدا و حرام او را برای شما بیان کند» سـپس فرمود: «به خدا تأویل این آیه نیامده و به ناچار خواهد آمد» (صـدوق، ۱۳۹۵، ج۱۱، ص ۳۶۲).

در مفهوم روایت آمده اسـت که امام، علم آسـمانی و زمینی را برای مردم به ارمغان می‌آورد. یعنی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف با ظهور خویش، شناخت مردم را نسبت به مسائل فیزیکی

و متافیزیکی و یا علوم وحیانی و علوم بشری و یا علوم آسمان‌ها و کرات، و علوم زیستی و زمینی کامل می‌کند. این‌ها همه در واقع نمودار رشـــد یافتگی و تعالی علم و معرفت مردم در نظام جهانی مهدوی اســـت؛ زیرا امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «تأویل این آیه هنوز نیامده و در دوران ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه خواهد آمد».

پس مردم در زمان ظهور با حکمرانی مهدوی در دو ســـاحت علمی و عقلی رشـــد فزاینده و قابل توجه‌ای پیدا می‌کنند. این رشـــد فزاینده در امورات گوناگون معنوی و مادی، دنیایی و آخرتی، فردی و اجتماعی، و در امور اجتماعی در ساحت‌های گوناگون فرهنگی، ســـیاســـی، دینی، اعتقادی، تمدنی و... رخ می‌دهد؛ پس این‌چنین مردمی اولاً؛ حق‌شـــناس هســـتند، ثانیاً، به دین و آموزه‌های دینی علاقمندند، ثالثاً؛ عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز هستند رابعاً؛ با استکبار و ظالمان سر سازش ندارند. در جامعه این‌چنینی با مردم این‌چنینی روحیه عدالت‌خواهی و ظلم‌ســـتیزی گســـترش پیدا کرده و به عنوان یک فرهنگ غالب در میان‌شـان نهادینه شـده اسـت. نکته قابل توجه اینکه بر اسـاس داده‌های روایات فوق، همه تلاش‌ها و فعالیت‌های حکمرانی مهدوی که بیان شـــد، همگی به صـــورت راهبری، هدایت‌گری و تنظیم‌گری و بدون تصـــدی‌گری و دخالت مســـتقیم، همراه با فرهنگی‌سازی و تسهیل‌گری بوده و مردم نیز به صورت آگاهانه و خودجوشانه به انجام کارهای مثبت اجتماعی و مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی اقدام می‌کنند.

۲-۳. همه‌جانبه‌گرایی حکمرانی مهدوی در مبارزه با ظلم و استکبارستیزی

ازجمله کارهای مهمی که در روزهای اول شـــکل‌گیری نظام جهانی، به صـــورت فراگیر و همه‌جانبه در جامعه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌شود بحث مبارزه با ظلم و ستم است، یعنی این کار با اولویت اول به صورت فوری و فوتی و به صورت فراگیر در جامعه اجرائی و عملیاتی می‌شـود. براین‌اسـاس نهضـت جهانی مهدوی پس از تشـکیل حکمرانی جهانی با همراهی مردم در مسـیر مبارزه با سـتمگران، ظالمان و حاکمان جور قرار گرفته و بر اساس داده‌های روایی این کار در مدت زمان کوتاهی انجام شده و مردم با راهبری و تسهیل‌گری نظام جهانی برای همیشه بساط ظلم و ستم اجتماعی را در جامعه

بر می‌چینند و بشر و جوامع بشری برای اولین مرتبه و آخرین مرتبه طعم شیرین بی‌ظلمی، بی‌ستمی، و نیز بی‌ستمگران، بی‌ظالمان را تجربه خواهد کرد. چنان‌که رسول گرامی اسلامﷺ در این خصوص می‌فرماید: «فهو إمام تقیّ نقیّ بارّ مرضیّ هاد مهدیّ أوّل العدل و آخر؛ ... مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه امام تقی، نقی، خرم، مرضی، هادی و مهدی و اول العدل و آخر العدل می‌باشد (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج۱۱، ص ۲۶۷).

پس مردم با محوریت حکمرانی مهدوی در مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی اولاً؛ به صورت فراگیر و هم‌جانبه وارد می‌شوند ثانیاً؛ با شدت و حدّت تمام موضوع را پی‌گیری می‌نمایند. ثالثاً؛ با عده و عده کامل به صحنه می‌آیند رابعاً؛ با ضرورت و اولویت فوری با ظالمان و ستمگران برخورد کرده و با رویکرد سلبی و حذفی جامعه را از لوث آنها پاک‌سازی و جامعه را به سوی عدل و داد به پیش می‌برند.

چنان‌که در محضر امام رضاعلیه‌السلام از سامان‌یابی امور در دوران ظهور بدون سختی و بدون مبارزه با ظالمان و ستمگران گفت‌وگویی می شود که امام رضاعلیه‌السلام این دیدگاه را رد کرده و می‌فرمایید: «فَقَالَ أَنْتُمُ الْيَوْمَ أَرْخَى بَالًا مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ قَالُوا وَ كَيْفَ قَالَ لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَاعجل‌الله‌تعالی‌فرجه لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَ الْعَرَقُ وَ النَّوْمُ عَلَى السُّرُوجِ وَ مَا لِبَاسُ الْقَائِمِعجل‌الله‌تعالی‌فرجه إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ؛ ، ، شما امروز آسوده تر از آن روز هستید عرض کردند: چطور؟ فرمود: اگر قائم ماعجل‌الله‌تعالی‌فرجه خروج کند به جز خون و خون‌ریزی (نسبت به ظالمان) و بدون عرق‌ریختن در مبارزه با آنها و به جز بر روی زین‌های اسبان خفتن چیزی نخواهد بود و قائمعجل‌الله‌تعالی‌فرجه را به جز جامه درشت بافت و غذای ساده نخواهد بود» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۸۵).

امام رضاعلیه‌السلام در رابطه با عدل فراگیر در حکمرانی مهدوی می‌فرمایید: «فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ وُضِعَ مِيزَانُ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَداً؛ ... آن‌گاه که خروج کند، ترازوی عدل را در بین مردم می‌نهد، پس هیچ‌کس به دیگری ظلم نمی‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۵۲، ص ۳۲۲).

همچنین امام باقرعلیه‌السلام در تفسیر این آیه؛ «اعْلَمُوا أَنَّ اللهَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآياتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» فرمودند؛ «أَيْ يُحْيِيهَا اللهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا

بِجَوْرِ أَئِمَّةِ الضَّلَال» ، «بدانید که خداوند زمین را پس از مردنش زنده می‌گرداند» یعنی خداوند زمین را با عدل قائم در رستاخیز ظهور او زنده می‌گرداند، پس از آنکه از ستم فرمانروایان ضلالت مرده باشد» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۵).

از مجموع روایات فوق‌الذکر که به نحوی به موضوع عدالت و گسترش آن در جامعه می‌پردازد این نکات قابل برداشت می‌باشد: ۱. عدالت‌گستری امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف فراگیر و همه‌جانبه است، ۲. عدالت مهدوی در همه زوایای جامعه اعم از فردی و اجتماعی رسوخ می‌کند و۳. تحقق فراگیری و همه‌جانبگی عدالت همراه با آگاهی‌بخشی و معرفت‌افزایی مردم است.

۲-۴. رضایت‌مندی مردم از حکمرانی مهدوی در استقرار عدالت

ازجمله شاخصه‌های مهم یک حکمرانی خوب و متعالی، رضایت‌مندی مردم از عملکرد مثبت حکمرانان و توجه ویژه حکمرانان به مردم و رفع نیازمندی‌ها و مشکلات آن‌ها با رویکرد عدالت‌محوری و تکلیف‌محوری می باشد. چنان که بیان شد عدالت‌محوری در راستای تکلیف‌محوری به عنوان یکی از اهداف مهم حکمرانی مهدوی به شمار می‌آید. پیاده‌سازی عدالت و مساوات در جامعه جهانی به صورت تدریجی و سلسله مراتبی صورت می‌پذیرد. یعنی در این فرایند ابتدا نسبت به حقیقت و چیستی عدالت به مردم آگاهی‌بخشی می‌شود، پس از آگاهی‌بخشی به مردم، به کارکردهای و اثرات مهم آن و ضررهای فراوانی که ظلم و جور به همراه دارد پرداخته می شود و پس از معرفت‌افزایی نسبت به حقیقت و کارکرد عدالت، با استمراربخشی و تداوم آن به واسطه حکمرانی مهدوی به مرور زمان شاخصه عدالت‌خواهی در جامعه به عنوان یک فرهنگ غالب در آداب و معاشرت مردم نهادینه‌سازی می‌شود. در اینجاست که مردم با این روحیه عالی یعنی روحیه عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی از عملکرد حکمرانی مهدوی اعلان رضایت کرده و نظام جهانی را در این مسیر با علاقه‌مندی تمام مساعدت و همراهی می‌کنند.

چنان‌که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در این خصوص می‌فرماید: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي

عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زِلْزَالٍ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛ ... شما را مژده می‌دهم به مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که هنگام اختلاف مردم و تزلزل زمانه برانگیخته شود و زمین را از عدل و داد پر کند چونان که از ظلم و ستم پر شده باشد و ساکنان آسمان و زمین از وی خشنود باشند» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۸).

پس از این روایت این نکته قابل برداشت است که پس از مبارزه با ظلم جور و فراگیری عدل و داد به واسطه حکمرانی مهدوی، شهروندان نظام جهانی مهدوی به یک تجربه شیرین بی‌ظلمی و بی ستمی از ناحیه ظالمان و ستمگران رسیده و بابت این تجربه شیرین از حکمرانان مهدوی قدردانی کرده و رضایت عمومی خود را اعلان می‌دارند. مقام معظم رهبری در خصوص اضمحلال ظلم و ستم در دوران حکمرانی مهدوی می‌فرماید:

> این یک سنّت است، یک قانون است، یک روال طبیعی برای جریان تاریخ انسان است که دنیای آمیخته‌ی به ظلم و نامردمی، و دنیایی که در آن بدی و زشتی و نابسامانی و ناهنجاری و کجی و کمی و کاستی هست، همین دنیا دارد می‌رود به طرف یک مقصد و یک عاقبتی که در آن عاقبت نه کمی و کاستی هست، نه ناهنجاری و ناصافی هست، نه ظلم و ستم هست، نه فقر هست، نه جهل هست، دنیایی که در آن انسان میتواند به راستی انسان زندگی کند (خامنه‌ای، ۱۳۶۰/۳/۲۷).

۳. ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار در حکمرانی ولی فقیه

۳-۱. ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار، هدف حکمرانی ولی فقیه

بر اساس تناسب، تضایف و سنخیتی که میان جامعه منتظَر (حکمرانی مهدوی) و جامعه منتظِر (حکمرانی ولی فقیه) بر قرار است می‌طلبد در فرایند و برایند کار نیز میان‌شان اشتراک نظر وجود داشته باشد؛ ازاین‌رو از آنجایی که یکی از اهداف مهم جامعه منتظَر یعنی حکمرانی مهدوی، عدالت گستری و مبارزه با ظلم و استکبارستیزی است پس همین هدف باید برای جامعه منتظِر یعنی حکمرانی ولی فقیه نیز تعریف شده و برایند و نتیجه آن همان مبارزه با ظلم و ستم و گسترش عدالت در جامعه باشد.

بی شک ماهیت انقلاب ا سلامی ایران که در رأس آن ولی فقیه به عنوان نماینده امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه قرار دارد سیاست نه شرقی و نه غربی است تبلور این شعار و این سیاست، نفی استکبار بطور مطلق یعنی استکبار در همه سطوح و در همه جغرافیای جهان می‌باشد و شعارهایی نظیر عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفین و دوری از ا شراف‌گری همه آنها بیان‌گر ماهیت و آرمان‌خواهی انقلاب اسلامی است. پس حکمرانی ولی فقیه در راستای حکمرانی مهدوی نه فقط یکی از اهداف مهم آن مبارزه با ظلم و ستم است؛ بلکه اساس و ماهیت آن نیز متفرع بر رویکرد ا ستکبار ستیزی می‌با شد، یعنی حکمرانی ولی فقیه هم از نظر خاستگاه و هم از نظر ماهیت و هم از نظر غایت و هدف در پی تحقق عدالت و مبارزه با استکبار و ظلم‌ستیزی است؛ به بیان دیگر استکبارستیزی در حکمرانی ولی فقیه علاوه بر نقش علت محدثه، نقش علت مبقیه را نیز ایفاء می‌کند.

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

> انسان‌ها می‌توانند تلاش کنند و پرچم عدالت را (و لو در یک نقطه‌ی محدود) بلند کنند. شما ببینید ملّت‌هایی که امروز در گو شه و کنار عالم زیر فشارِ ظلم و ستم زندگی می‌کنند، اگر این امید را در دل خود بپرورانند که می‌شود با ظلم مبارزه کرد، چه اتّفاقی در دنیا می‌افتد و چطور ملّتها بیدار می‌شوند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰.)

باز ایشان می‌فرماید:

> انسان باید برای هدفی زندگی کند؛ ...کار برای اهداف عالی، همیشه موفّق است. این را خدای متعال در قوانین آفرینش قرار داده است که هرکس کار کند حتّی برای هدف‌های دنیایی خداوند او را به آن هدف‌ها خواهد رساند؛ مگر آنکه در خود کار، خللی وجود داشته با شد که این، به خود انسان برمی‌گردد. و الّا اگر کار برای هدف، با ا صول درست انجام گیرد، دست یافتن به آن هدف، قطعی است. ... اگر این هدف یک هدف الهی باشد؛ به بشریت برگردد، به آرمان‌های خدایی برگردد، به صلاح و خیر بشر برگردد، به ا ستقرار عدالت و به مبارزه با ظلم و جور مربوط شود، احساس می‌کند که به هدف نزدیکتر شده است (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۱۹).

پس علاوه بر وجود قوانینی نظیر اصل تناسب، تضایف و سنخیت که میان جامعه

منتظَر و منتظِر بر قرار بوده و براساس این قوانین و اصول همراهی و همپوشانی در فلسفه وجودی و غایت شـــناختی میان آن دو جامعه را الزامی می‌کند. الگوهای فکری و معرفتی امامین انقلاب که بر اساس اندیشه نه شرقی و نه غربی پی‌ریزی شده و به نوعی پایه و اساس شکل‌گیری حکمرانی ولی فقیه در زمان حاضر می‌باشد نیز این همراهی و همپوشانی را فهم پذیرتر و مدلل تر می‌نماید.

۳-۲. معرفت‌افزایی به مردم در زمان غیبت

از جمله الگوهای مهمی که حکمرانی ولی فقیه از حکمرانی متعالی مهدوی گرفته بحث معرفت‌افزایی منتظران و شـــهروندان نظام ولی فقیه در خصـــوص شـــناخت حق و حقیقت، ظلم و ستم، ظالمان و ستمگران است. بی‌تردید بیداری‌های اسلامی در منطقه و حتی جهان و تداوم مبارزه مردم ایران و منطقه با استکبار و صهیونیسم جهانی، همه نشان از معرفت‌افزایی مردم نسبت به استکبار و ظالمان جهانی دارد و تحقق این شاخصه مهم اجتماعی از روش حکمرانی ولی فقیه به ســـرپرســـتی امامین انقلاب رخ داده اســـت. بی شک هرچه مردم منطقه و ایران نسبت به اهداف شوم استکبار و صهیونیسم جهانی بیشتر آگاهی و معرفت پیدا نمایند، بیشتر به مبارزه و مقابله با استکبار جهانی و توطئه‌های آنها می‌پردازند.

چنان‌که در این خصوص بیاناتی از امام خمینی﵀ داریم که می‌فرماید:

> اصـلًا باید مسـلمین بیدار بشـوند. امروز روزی نیسـت که مسـلمان‌ها هر کدام یك گوشه‌ای زندگی تنهایی بکنند و خودشان بین خودشان در هر کشوری یک زندگی خاص به خود داشته باشند، نمی‌شود این معنا. در یک همچو زمانی که سیاست‌های ابرقدرت‌ها بلعیدن همه جاست، مسلمین باید بیدار بشوند، ملت‌ها. دولت‌ها را من از اکثرشـان مأیوس هسـتم، لکن ملت‌ها باید بیدار بشـوند، و همه تحت لوای اسـلام و تحت سیطره قرآن باشند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج۱۲، ص ۳۱۹).

و مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

> دشمن‌ترین اشخاص با این عقیده و با شخص آن بزرگوار، ستمگران عالمند. از روز

غیبت و بلکه از روز ولادت آن حضرت تا امروز، کسانی که وجود شان با ستم و زورگویی همراه بوده است، به دشمنی با این بزرگوار، با این پدیده الهی، با این نور الهی و با این شمشیر الهی مشغول بوده‌اند. امروز هم، مستکبرین و ستمگران عالم، با این فکر و عقیده، مخالف و دشمنند. می‌دانند این عقیده که در دل‌های مؤمنین است و این عشقی که در دل‌های مسلمین - به‌خصوص شیعه- وجود دارد، مزاحم هدف‌های ستمگرانه‌ی آنهاست (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۹/۱۴).

امام سجاد علیه‌السلام پیرامون با فضلیت‌بودن منتظران و مردمان زمان غیبت از همه مردمان در همه زمان‌های مختلف تاریخی، می‌فرماید: «يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُنْتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ وَ جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله بِالسَّيْفِ أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقّاً وَ شِيعَتُنَا صِدْقاً وَ الدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللهِ سِرّاً وَ جَهْراً؛ ... ای ابو خالد مردم زمان او که معتقد بامامت وی می‌باشند و منتظر ظهور او هستند، از مردم تمام زمان‌ها بهترند، زیرا خداوند عقل و فهمی به آنها داده که غیبت در نزد آنها حکم مشاهده را دارد! خداوند آنها را در آن زمان مثل کسانی می‌داند که با شمشیر در پیش روی پیغمبر (علیه دشمنان دین) پیکار کرده‌اند، آنها مخلصان حقیقی و شیعیان راستگوی ما هستند که مردم را به‌طور آشکار و نهان بدین خدا می‌خوانند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج۲، ص ۳۱۸).

براساس روایت امام سجاد علیه‌السلام انسان‌های دوران غیبت با فضلیت‌ترین انسان‌ها در طول تاریخ بشریت هستند و دلیل این فضلیت و برتری و فراگیری آن نسبت به همه انسان‌ها در همه اعصار بخاطر شاخصه‌هایی است که در روایت بدان اشاره شده است: ۱- اعتقادورزی به امامت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ۲- اعتقادورزی به ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ۳- آراستگی به وصف انتظار، ۴- بکارگیری عقل، فهم در راستای شناخت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ۵- عدم تفاوت میان غیبت و ظهور بخاطر اوج معرفت و اعتقادورزی به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ۶- مزین‌بودن آنها به شاخصه اخلاص، ۷- دغدغه‌مندی آنها به امر دین و تبلیغ آن در خلوت و جلوت. همه این شاخصه‌ها دلیل بر این است که آنها شیعیان واقعی مکتب

اهل‌بیت علیهم‌السلام و منتظران واقعی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بوده و از نظر منزلت در جایگاه مجاهدان در رکاب رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله هستند. شاید مهم‌ترین شاخصه‌ای که مردمان زمان غیبت که به واسطه آن به شاخصه اعتقادورزی و دین مداری و اخلاص‌گرایی و تبلیغ‌محوری روی می‌آورند شاخصه فهم عمیق و معرفت کامل و درک دقیق عقلی است. پس کاربست عقل، درایت، فهم و معرفت در میان مردمان زمان غیبت زمینه‌ساز روی‌آوری آنها به آموزه‌های اسلامی و مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر ظلم و ستم و مبارزه با ظالمان و ستمگران خواهد شد.

۳-۳. زمینه‌سازی ظهور با ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار

از جمله رسالت‌های مهم حکمرانی ولی فقیه و شهروندان آن بحث زمینه‌سازی ظهور است زمینه‌سازی ظهور که با آمادگی فراگیر و همه‌جانبه مردم و نظام ولی فقیه تحقق پیدا می‌کند دارای عوامل و علت‌هایی مختلفی است که یکی از آن عوامل و علت‌ها بحث شناخت ظلم و ستم، و ظالمان و ستمگران و مبارزه با آنها در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژی خواهد بود. در واقع رسالت مهم منتظران و حکمرانی منتظِر که همان زمینه‌سازی ظهور بوده با دو رویکرد ایجابی و سلبی توجیه‌پذیر می‌باشد. در رویکرد ایجابی به معرفت‌بخشی و معرفت‌افزایی مردم نسبت به ظلم و ستم و ظالمان و ستمگران در رویکرد سلبی به نفی ظالمان و ستمگران و مبارزه با آنها خواهد بود. امیر مومنان علی علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْمِي خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَى أَنْفُسِهِم ، ، بدانید که زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند، اما خداوند، در اثر ظلم و ستم و اسراف بر نفس (گناهان) مردم، پس بر اساس فرمایشات امام علی علیه‌السلام از جمله موانع مهم ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف وجود ظلم و جور در جامعه است که لازم است حکمرانی ولی فقیه و شهروندان آن در مسیر مبارزه با ظلم و ستم و از بین‌بردن آنها تلاش و کوشش نمایند» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۴۶).

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در روایتی به مبارزه و جهاد مردم و منتظران در زمان غیبت با

ظلم و ستم جهت رسیدن به رخداد ظهور اشاره کرده و می‌فرماید: «حَتَّی یَأْتِیَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَ مَعَهُمْ رَایَاتٌ سُودٌ فَیَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا یُعْطَوْنَهُ فَیُقَاتِلُونَ وَ یُنْصَرُونَ فَیُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا فَلَا یَقْبَلُونَ حَتَّی یَدْفَعُوهُ إِلَی رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی فَیَمْلَأَهَا قِسْطاً کَمَا مَلَئُوهَا جَوْراً؛ ... تا آنگاه که مردمی که از جانب مشرق با پرچم‌های سیاه بطلب حق قیام کنند. این حق را بآنها نمی‌دهند تا جنگ کنند و پیروزی یابند و حق را بگیرند و آن را بمردی از اهل‌بیت من بسپارند که دنیا را پر از عدل کند چونان که از ظلم پر باشد» (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج۲، ص ۴۷۲).

چنان‌که امام خمینی‌ؒ در خصوص مبارزه با ظلم و ستم می‌فرماید:

> الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است،] تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی توانیم بکنیم؛ چون نمی توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند. اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم‌کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت- سلام الله علیه- (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج۲۱، ص ۱۷).

چنانکه مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

> انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان‌ؑ آماده کنیم. سربازی امام زمان‌ؑ کار آسانی نیست.... امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه‌ی دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه‌ی با اینها آماده کنیم... بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی، اخلاقی و عملی پیوندهای دینی، اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۳۰).

پس یکی از راه رسیدن به ظهور، ظلم‌ستیزی و مبارزه با ستمگران و ظالمان جهانی است یعنی در برابر رویکرد ایجابی که به معرفت بخشی و کارهای ایجابی نظیر اصلاح و اصلاح‌گری، عدالت‌محوری و عدالت‌خواهی، اخلاق مداری و صداقت‌گفتاری و...

پرداخته می‌شود، به کارهای جهادی نیز لازم است توجه شود نظیر ظلم‌ستیزی و مقابله با ناهنجاری‌ها اجتماعی و مبارزه با استکبار و استثمار جهانی تا زمینه‌سازی ظهور که از جمله رسالت مهم منتظران و حکمرانی ولی فقیه است در جامعه تحقق پیدا نماید.

نتیجه‌گیری

حکمرانی مهدوی به عنوان جامعه منتظَر با حکمرانی ولی فقیه به عنوان جامعه منتظِر رابطه وثیق و گسترده‌ای دارند این رابطه با ادله سه گانه تناسب، تضایف و سنخیت قابل توجیه است قانون تناسب، نسبت میان آن دو را بیان می‌کند و قانون تضایف، معنا و مفهوم‌داری را میان آن دو توجیه می‌کند و قانون سنخیت، چیستی و ماهیت شناختی را میان آن دو تبیین می‌کند. بی‌تردید در راستای وجود رابطه وثیق و دلایل توجیهی آن لازم است به بیان موارد مصادیقی در این خصوص اشاره شود یکی از رابطه مصادقی که به نحوی حکمرانی ولی فقیه از حکمرانی مهدوی الگو گرفته در جامعه عصر غیبت پیاده‌سازی می‌کند بحث ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار است در این مورد بر اساس داده‌های روایی، حکمرانی مهدوی برنامه‌های متنوع و حیات‌بخشی را در میان شهروندان نظام جهانی پیاده‌سازی می‌نمایند. برای مثال در خصوص حق‌شناسی، باطل‌شناسی، ظلم‌شناسی و استکبارشناسی قدم‌های موثری برداشته و با معرفت‌افزایی زمینه شناخت و معرفت مردم را ازدیاد می‌بخشد و در خصوص اجرای ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در جامعه بدون تصدی‌گری با رویکرد تسهیل‌گری و تنظیم‌گری به راهبری و هدایت‌گری می‌پردازد و عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی را به صورت فوری و فوتی با رویکرد همه‌جانبه و فراگیر در میان مردم پیاده‌سازی می‌نماید. بی‌شک حکمرانی منتظِر که در رأس آن ولی فقیه به عنوان نماینده امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قرار دارد با تأسی از حکمرانی منتظَر، برنامه‌های مهم و متنوع فوق را در جامعه و در میان منتظران اجرائی و عملیاتی می‌نماید که در این خصوص با سیاست‌گذاری به راهبری و هدایت‌گری و نیز تنظیم‌گری و تسهیل‌گری بدون تصدی‌گری و دخالت مستقیم اقدام کرده و با تحقق‌بخشی نسبت به عدالت و مبارزه با ظلم و ستم که در رأس آن استکبار و صهیونیسم جهانی قرار دارد به

همراهی و الگوی‌گیری از حکمرانی مطلوب مهدوی را به منصــه ظهور می‌رســاند. پس حکمرانی ولی فقیه به عنوان حکمران زمینه ساز در راستای همراهی با حکمرانی مهدوی اولاً، برای زمینه‌ســازی ظهور اقدام به ظلم‌ســتیزی و مبارزه با اســتکبار جهانی می‌نماید، ثانیاً؛ جهت بســترســازی ظلم‌ســتیزی و مبارزه با اســتکبار به معرفت‌بخشــی مردم اقدام می‌نماید. ثالثاً، در اجرای تحقق عدالت و مبارزه با ظلم و ســتم بدون تصــدی‌گری به راهبری و هدایت‌گری مردماقدام می‌کنند. رابعاً؛ در راســتار تحقق عدالت و نفی ظلم و ستم در پی رضایت و خوشنودی مردم حرکت می‌نماید.

منابع

* قرآن، ترجمه فولادوند

** نهج البلاغه (صبحی). هجرت، قم ۱۴۱۴ق.

ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج۵، چاپ سوم). بیروت: دار صادر.

اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمه (ج۲). تبریز: بنی هاشمی.

الهی‌نژاد، حسین. (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل مبانی و مباحث نظری حکمرانی مهدوی. مطالعات حکمرانی اسلامی، ۱(۱)، صص ۱۳۶-۱۶۶.

بور، مارک. (۱۳۹۷). حکمرانی (مترجمان: عرفان مصلح و زهره کریم میان). تهران: نشر کرگدن.

پار سانیا، حمید؛ لک زایی، ر ضا. (شهریور ۱۴۰۴). *حکمرانی زمینه سازِ حکمرانی مردم پایه*. در: مدرسه حکمرانی زمینه ساز، آستان مقدس جمکران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). جامعه در قرآن. قم: اسراء.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۷/۰۹/۱۴). بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، در روز نیمه‌ی شعبان.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۱/۱۱/۱۹). بیانات در دیدار اعضای «نیروی هوایی» ارتش در روز نیروی هوایی. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/2654

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹/۰۱/۲۱). بیانات تلویزیونی رهبری به مناسبت ولادت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/45319

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۰/۰۳/۲۷). بیانات تحت عنوان انقلاب اسلامی ایران در تداوم ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲/۰۸/۲۹). بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/24524

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۱/۰۷/۳۰). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلّای تهران. قابل دسترس در: https://khl.ink/f/3149

خسروپناه، عبدالحسین. (۱۴۰۲). حکمرانی قبیله‌ای. مجله خردورزی، ۲(۲)، صص ۱۲-۲۱.

خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (ج۷، ۱۲، و ۲۱، چاپ پنجم). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی‌ﷺ.

راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات. بیروت: دارالقلم.

زارع، محمد مهدی. (۱۴۰۴). نموذج الحوكمة الممهّدة؛ تحليل منطق اتّخاذ القرار في سيرة القائد الأعلى للثورة الإسلامية. وعد الامم، ۲(۴)، صص ۵۸-۹۲.

سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

صدوق، محمد. (۱۳۹۵ق). کمال الدین (ج۲، و ۱۱، چاپ دوم). تهران: اسلامیه.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان (ج۱۹، چاپ دوم). بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

طبرسی، احمد. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج (ج۲). مشهد: نشر مرتضی.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). کتاب الغیبه. قم: دار المعارف الاسلامیه.

طوسی، محمد. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام (ج۶). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

قجری، علی و نوربخش، یونس. (۱۴۰۰). مطالعه نسبت مدل حکمرانی جمهوری اسلامی ایران با مدل حکمرانی خوب. مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۹(۱۷)، صص ۳۹-۶۷.

لک‌زایی، نجف؛ اکبری معلم، علی و حدادی، محسن. (۱۴۰۳). موضوع‌شناسی فقهی حکمرانی دینی، دین و قانون، ۱۲(۴۳)، صص ۵۱-۷۸.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار (ج۵۲، چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج۲۳، چاپ دهم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

موسوی حسن‌رودی، سید روح‌الله، نصوری، محمدرضا. (۱۴۰۴). الحوكمة المهدويّة: استراتيجية التمهيد للظهورفي ضوء الثورة الإسلاميّة (بالاستناد إلى تصريحات إمامَي الثورة)، وعد الامم، ۲(۴)، صص ۳۱۲-۳۴۳.

میرزاده، حجت. (۱۴۰۴). حوكمة الوليّ الفقيه بوصفها إعادة تشكيل لقضية التمهيد للظهور في سبيل تحقيق الخلافة الإلهيَّة. وعد الامم، ۲(۴)، صص ۱۶۴-۱۹۷.

معینی‌پور، مسعود؛ بایرامی، حمید. (۱۴۰۴). مدل حکمرانی زمینه‌ساز در اندیشه امام خمینی﵀: تبیین، شاخص‌ها و نسبت با مدل‌های مدرن حکمرانی. جامعه مهدوی، ۶(۱۱)، صص ۶۵-۱۰۳.

نعمانی، محمد ابن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). غیبت نعمانی. تهران: نشر صدوق.

هاشمی خویی، حبیب‌الله. (۱۴۰۰ق). منهاج البراعه (ج۱۶، چاپ چهارم). تهران: مکتبه الاسلامیه.

Islam and Social Studies
EISSN: 2676-7783
PISSN: 2345-5586

The Nature of Pure Life (Hayat-e Tayyibah) in the Thought of Muslim Thinkers and Islamic Society*

Hadi Donyadideh Haji Hassan
Assistant Professor, Faculty of Educational Sciences, Allameh Askari International University, Qom, Iran..
Donyadideh@aaiu.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to investigate the nature and essence of pure life (Hayat-e Tayyibah) in the thought of Islamic scholars. This research is an applied study. Data collection was performed using the note-taking method, and the grounded theory approach was utilized for data analysis. The obtained results indicate that the concept of "pure life" in the thought of Islamic philosophers and scholars is defined as an ideal and perfected human life achieved through the centrality of rationality, moral virtue, and proximity to God. These perspectives have been examined from various viewpoints, including philosophical, mystical, social, and Shiite dimensions. Miskawayh emphasizes self-purification and practical wisdom; Al-Farabi considers the utopian virtuous city (Madina al-Fadila) and the leadership of the philosopher-prophet as central; Avicenna identifies connection to the active intellect as the way to achieve happiness (Avicenna, 1384, pp. 310–315); Al-Ghazali gives primacy to Sufism and servitude; Khwaja Nasir al-Din al-Tusi offers a synthesis of reason and

* Donyadideh Haji Hassan, Hadi. (2025) Investigation and Analysis of Non-Media Causes behind the Identity Challenges of Contemporary Iranian Adolescents. *Islam and Social Studies*, *13*(4), pp. 34-65. https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73113.2179

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/06/28 ● **Revised:** 2025/09/11 ● **Accepted:** 2025/11/06 ●**Online Publication:** 2025/12/30

© 2025
authors retain the copyright and full publishing rights

divine law; and Ibn Khaldun explains pure life within primitive society using a historical-social approach. Contemporary thinkers such as Imam Khomeini, Ayatollah Motahhari, and Ayatollah Khamenei have also defined this concept within the context of Islamic government and the modern Islamic civilization by adding political and revolutionary concepts. The research results show that pure life manifests in three dimensions: the individual dimension, which includes the two components of rationality/wisdom and self-purification/ethics, achieved through theoretical reason, practical reason, and moral virtues; the social dimension, which includes the two components of society/justice and leadership/governance, drawn from the categories of the virtuous city, social solidarity, and the guardianship of the Islamic jurist (Wilayat al-Faqih); and the metaphysical dimension, which includes worship and divine proximity, shaped by the categories of mysticism and intuition, sincerity and servitude, and the immortality of the soul.

Keywords
Pure Life (Hayat-e Tayyibah), Thought, Muslim Thinkers, Islamic Society.

اسلام و مطالعات اجتماعی
EISSN: ۲۶۷۶-۷۷۸۳
PISSN: ۲۳۴۵-۵۵۸۶

چیستی حیات طیبه در اندیشه متفکران مسلمان و جامعه اسلامی*

هادی دنیادیده حاجی حسن
استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه بین المللی علامه عسکری قم، ایران.
Donyadideh@aaiu.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی ماهیت و چیستی حیات طیبه در اندیشه علمای اسلامی است. این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است. جمع‌آوری داده‌ها به روش فیش‌برداری بوده و برای تحلیل داده‌ها از روش داده‌بنیاد استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد مفهوم «حیات طیبه» در اندیشه فلاسفه و علمای اسلامی به عنوان زندگی آرمانی و متکامل انسانی تعریف می‌شود که با محوریت عقلانیت، فضیلت‌اخلاقی و تقرب به خدا تحقق می‌یابد. این دیدگاه‌ها از منظرهای گوناگون شامل فلسفی، عرفانی، اجتماعی و شیعی بررسی شده‌اند. مسکویه، بر تهذیب نفس و حکمت عملی تأکید دارد، فارابی، مدینه فاضله و رهبری حکیم-پیامبر را محور می‌داند، ابن سینا، اتصال به عقل فعال را راه رسیدن به سعادت (ابن‌سینا، ۱۳۸۴، صص ۳۱۰–۳۱۵) می‌شناسد، غزالی بر تصوف و بندگی اصالت می‌دهد، خواجه نصیرالدین طوسی تلفیق عقل و شرع را ارائه می‌کند، و ابن خلدون با رویکرد تاریخی-اجتماعی به تبیین حیات طیبه در جامعه بدوی می‌پردازد. اندیشمندان معاصر مانند امام خمینی، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای نیز با افزودن مفاهیم سیاسی و انقلابی، این مفهوم را در بستر حکومت اسلامی و تمدن نوین تعریف کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد حیات طیبه در سه بعد فردی، شامل دو مؤلفه عقلانیت و خردورزی و تهذیب

* دنیادیده حاجی حسن، هادی. (۱۴۰۴) بررسی و تحلیل علل غیررسانه‌ای چالش هویت‌یابی نوجوانان ایران معاصر. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۳۴–۶۵.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73113.2179

نوع مقاله: پژوهشی؛ **ناشر:** پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۷ ● **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۶/۲۰ ● **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۸/۱۵ ● **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارندهٔ حق‌مؤلف مقالهٔ خود بدون محدودیت هستند»

نفس و اخلاق، و جهت دستیابی به آن از عقل نظری، عقل عملی و فضائل اخلاقی اتفاق می‌افتد، در بعد اجتماعی که شامل دو مؤلفه اجتماع و عدالت و رهبری و حکمرانی است از مقوله مدینه فاضله، همبستگی اجتماعی و ولایت فقیه باید مدد جست و برای بعد متافیزیک که شامل عبادت و تقرب الهی است از مقوله‌های عرفان و شهود، اخلاص و بندگی و جاودانگی نفس قابل شکل‌گیری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

حیات طیبه، اندیشه، متفکران مسلمان، جامعه اسلامی.

مقدمه

حیات طیبه (زندگی پاک و نورانی) مفهومی بنیادی در جهان‌بینی اسلامی است که در آیه ۹۷ سوره نحل به آن اشاره شده است:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ هر کس کار شایسته‌ای کند، خواه مرد یا زن، درحالی‌که مؤمن باشد، قطعاً او را به زندگی پاک زنده می‌داریم. با سیری در مطالعه این مفهوم، علمای اسلامی سه بعد اصلی حیات طیبه را؛ ایمان عمیق (باور به خدا، قیامت و هدفمندبودن آفرینش) عمل صالح (رفتارهای همسو با ارزش‌های الهی در تمام عرصه‌ها) طهارت باطنی (پاکی از رذایل اخلاقی مانند حسد، تکبر و کینه) بیان کرده‌اند. افرادی که در پی حیات طیبه هستند، دارای شاخص‌های عینی آن شامل؛ آرامش درونی: «أَلَا بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸)، نعمت‌های معنوی (احساس قرب الهی حتی در سختی‌ها) و رفتارهای نورانی (صداقت، ایثار و عدالت در روابط اجتماعی) می‌گردند.

حیات طیبه نوعی زیست فردی و اجتماعی مبتنی بر ایمان، اخلاق، عدالت، عقلانیت و معنویت است که در چارچوب جامعه و حکومت اسلامی و با هدف دستیابی به کمال انسانی و تمدن نوین اسلامی تحقق می‌یابد (قرآن کریم، نحل: ۹۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج۱۲، ص ۳۴۶؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴). در گستره اندیشه اسلامی، مفهوم «حیات طیبه» به عنوان آرمانی متعالی برای زندگی انسان، همواره کانون توجه فلاسفه، عرفا و متفکران بوده است. این مفهوم که ریشه در متون دینی و حکمی دارد، به زندگی‌ای اشاره می‌کند که در آن انسان با تکیه بر عقلانیت، فضیلت اخلاقی و تقرب به خدا، به کمال مطلوب خویش دست می‌یابد. حیات طیبه جایگزین ضروری برای الگوهای زندگی مدرن است که با تمرکز بر مادیت، انسان را از معنویت و اخلاق دور کرده‌اند. تحقق آن نه یک انتخاب اختیاری، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای فرد، جامعه و تمدن اسلامی است و بدون آن، بقای معنوی جامعه در خطر خواهد بود. ازآنجاکه این موضوع از زوایای مختلف قابل بررسی است، دیدگاه‌های متفاوتی در میان اندیشمندان اسلامی شکل گرفته که هر یک با تأکید بر جنبه‌ای خاص، به تبیین ابعاد گوناگون آن پرداخته‌اند.

از مسکویه که با نگاهی فلسفی - اخلاقی به تهذیب نفس و حکمت عملی می‌پردازد (مسکویه، ۱۳۸۲، صص ۴۵-۴۷) تا فارابی که با طراحی «مدینه فاضله» آرمان‌شهر عقلانی را ترسیم می‌کند (فارابی، ۱۳۸۵، صص ۷۰-۷۵)، از ابن سینا که «اتصال به عقل فعال» را محور اصلی می‌داند (ابن‌سینا، ۱۳۸۴، صص ۳۱۰-۳۱۵)، تا غزالی که بر تصوف و عبادت تأکید می‌ورزد (غزالی، ۱۳۸۹، صص ۴۰-۵۰) ؛ و از خواجه نصیرالدین طوسی که تلفیق عقل و شرع را پیش می‌نهد (طوسی، ۱۳۸۶، صص ۴۵-۴۷)، تا ابن خلدون که با رویکردی تاریخی-اجتماعی به تحلیل جامعه آرمانی می‌پردازد (ابن‌خلدون، ۱۳۸۴، صص ۱۱۲-۱۱۸) ؛ همگی گویای تنوع و غنای این مفهوم در اندیشه اسلامی هستند. افزون بر این، متفکران معاصر همچون امام خمینی، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای با افزودن بُعد سیاسی و انقلابی به مفهوم حیات طیبه، آن را در چارچوب تحقق حکومت اسلامی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی بازتعریف کرده‌اند (خمینی، ۱۳۸۹، ج۳؛ مطهری، ۱۳۹۶، ج۲؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۷). اساس درباره حیات طیبه این است که این مفهوم فقط به آخرت محدود نیست؛ بلکه کیفیت زندگی دنیوی را نیز متحول می‌کند. همان‌طور که پیامبر اسلام ﷺ فرمودند «مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ وَرِثَهُ اللهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَم»؛ هر که به آنچه می‌داند عمل کند، خداوند علم آنچه نمی‌داند را به او ارث می‌دهد (مجلسی، ۱۳۸۴)؛ همچنین همه دانشمندان اسلامی اتفاق نظر دارند که حیات طیبه زندگی برتر است و با هیچ موهبت مادی قابل مقایسه نیست.

هدف این نوشتار آن است تا با بررسی تطبیقی دیدگاه‌های یاد شده، تصویری جامع از مفهوم حیات طیبه ارائه دهد و با روش توصیفی-تحلیلی، وجوه اشتراک و افتراق این دیدگاه‌ها را مورد کنکاش قرار دهد. در ادامه در پی سازوکار تحقق حیات طیبه است و در پایان، با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد، مدلی نظری برای تبیین این مفهوم ارائه خواهد شد که می‌تواند به عنوان چارچوبی برای پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.

۱. مبانی نظری حیات طیبه

مفهوم بنیادین حیات طیبه یکی از محورهای اصلی اندیشه اسلامی است که ریشه در آیه «من عمل صالحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فلنحیینّه حیوة طیبه» (نحل، ۹۷) دارد و از منظر

مفسران و پژوهشگران معاصر، این زندگی مطلوب فراتر از سعادت اخروی و رفاه مادی، بلکه ترکیبی از ایمان، عمل صالح، آرامش روانی، عدالت اجتماعی و زیست اخلاقی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۱۱، ص ۳۳۷؛ آزاد ارمکی، ۱۳۹۲، ص ۵۴).

۱-۱. مبانی قرآنی و روایی حیات طیبه

در قرآن کریم، حیات طیبه در پیوند با ایمان، تقوا، عمل صالح و یاد خدا مطرح می‌شود. روایات اسلامی نیز این مفهوم را با رضایت الهی، قناعت، اخلاق نیکو و سلامت اجتماعی گره می‌زنند. در روایات، حیات طیبه به معنای «قلب سلیم»، «آرامش نفس» و «زیست اخلاقی در جامعه» تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص ۱۶).

۱-۲. مبانی فلسفی - اخلاقی (دوره کلاسیک اسلامی)

مسکویه، سعادت را در تزکیه نفس، تعادل قوای نفسانی و عمل بر اساس فضیلت می‌داند (مسکویه، ۱۳۸۲، ص ۴۵)، فارابی، حیات مطلوب را نتیجه فضیلت جمعی، عقل و سامان سیاسی درست می‌داند (فارابی، ۱۳۸۵، ص ۷۲)، طوسی، سعادت انسان را در هماهنگی عقل نظری، اخلاق عملی و شریعت می‌بیند (طوسی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲)، غزالی، حیات طیبه را محصول طهارت باطن، نیت خالص، و عبادت همراه با مراقبه می‌داند (غزالی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۰).

۱-۳. مبانی اجتماعی - تاریخی

ابن‌خلدون، سعادت اجتماعی را وابسته به نظم، عدالت، عصبیت سالم و ثبات قدرت سیاسی می‌داند (ابن‌خلدون، ۱۳۸۴، ج۱، ص ۳۵۶).

۱-۴. مبانی سیاسی و تمدنی (اندیشه معاصر)

امام خمینی‌ﷺ، حیات طیبه را در گرو عدالت، استقلال سیاسی، و تشکیل حکومت

اسلامی می‌داند (خمینی، ۱۳۸۹، ج۳، ص ۱۴۵)، مطهری، حیات طیبه را نتیجه آزادی مسئولانه، عدالت اجتماعی، و ایمان آگاهانه می‌داند (مطهری، ۱۳۹۶، ج۲، ص ۸۷)، آیت‌الله خامنه‌ای حیات طیبه را در چارچوب خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی تبیین می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۵).

۱-۵. مبانی عرفانی

- مولوی در مثنوی معنوی: حیات طیبه را زندگی در اقیانوس عشق الهی توصیف می‌کند و می‌گوید: «مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم / دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم» (مولوی، ۱۳۸۶).
- ابن عربی در فصوص الحکم: حیات طیبه را حیات در پرتو تجلیات اسماء الهی می‌داند و معتقد است انسان کامل، مظهر اسم «الحی» است(ابن عربی، ۱۳۹۹).
- آیت الله بهجت حیات طیبه را در ذکر و مراقبه می‌دانستند و ذکر را اعم از ذکر قلبی و لسانی و حتی تمام طاعات می‌دانستند و تأکید بر عمق عبادت به جای کمیت داشتند (رخشاد، ۱۴۰۲، ص ۱۰۸).

بر اساس مبانی فوق، حیات طیبه دارای ابعاد زیر است:

جدول شماره ۱: ابعاد مبانی حیات طیبه

بُعد	مؤلفه‌ها
فردی	ایمان، اخلاق، تزکیه نفس
اجتماعی	عدالت، مسئولیت‌پذیری، نظم اجتماعی
سیاسی	حکومت صالح، مبارزه با ظلم
تمدنی	پیشرفت توأم با معنویت
معنوی	قرب الهی، آرامش درونی
عرفانی	تجلیات اسماء الهی

۲. روش پژوهش

برای به دست‌آوردن نتایج این پژوهش از روش داده بنیاد استفاده شده است. روش داده‌بنیاد یک روش تحقیق کیفی است که به پژوهشگر اجازه می‌دهد به جای شروع با نظریه‌های ازپیش‌موجود، مستقیماً از داده‌ها به تولید نظریه برسد. در روش داده‌بنیاد هدف کشف نظریه‌ای است که ریشه در داده‌های واقعی دارد و به توضیح پدیده‌ی مورد مطالعه می‌پردازد. در این روش نظریه به صورت استقرایی و از پایه (داده) به سمت کل (نظریه) شکل می‌گیرد (Glaser & Strauss, 1967, p. 1)

جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش فیش‌برداری از جامعه و منابع جدول (۱) صورت پذیرفت. و تا اشباع نظری (زمانی که داده‌های جدید اطلاعات تازه‌ای اضافه نکنند) جمع‌آوری داده متوقف شد. معیار انتخاب جامعه، مفاهیم و مطالبی است که درباره حیات طیبه در آثار فلاسفه و علمای فوق بیان شده است. در این پژوهش و در تجزیه و تحلیل متن پس از جمع‌آوری داده‌ها، ایجاد کدهای باز و تجزیه داده‌ها به واحدهای معنادار و اختصاص برچسب (کد) به آنها انجام گرفت. در مرحله بعد کدگذاری محوری وسازماندهی کدهای باز حول مقوله‌های محوری و کشف ارتباط میان آنها و سپس کدگذاری انتخابی و یکپارچه سازی مقوله‌ها حول یک مقوله هسته و درنهایت تدوین نظریه نهایی انجام گرفت.

جدول شماره ۲: منابع پژوهش؛ فلاسفه و عرفای کلاسیک اسلامی و اندیشمندان معاصر اسلامی

اندیشمند	دوره	منبع	محور دیدگاه
ابونصر فارابی	سده ۳-۴ ق	آراء اهل المدینه الفاضله	حیات طیبه در جامعه آرمانی (مدینه فاضله) با رهبری حکیم-پیامبر ﷺ
ابن مسکویه	سده ۴-۵ ق	تهذیب الاخلاق	حیات طیبه مبتنی بر تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی

اندیشمند	دوره	منبع	محور دیدگاه
ابن سینا	سده ۴-۵ ق	شفا، نجات	حیات طیبه از طریق اتصال به عقل فعال و کسب معرفت
ابن خلدون	سده ۸-۹ ق	مقدمه ابن خلدون	حیات طیبه در عمران (تمدن) و عصبیت (همبستگی)
امام غزالی	سده ۵-۶ ق	احیاء علوم الدین	حیات طیبه بر اساس تزکیه باطن و عبادت
ابن عربی	سده ۶-۷ ق	فصوص الحکم	حیات طیبه در پرتو تجلیات اسماء الهی
خواجه نصیرالدین طوسی	سده ۷ ق	اخلاق ناصری	تلفیق عقل و شرع در تحقق حیات طیبه
ملاصدرا	سده ۱۱ ق	اسفار اربعه	حیات طیبه با محوریت سیروسلوک وجودی
ملامهدی نراقی	سده ۱۲ق	جامع السعادات	حیات طیبه در تزکیه نفس و کسب فضایل اخلاقی
علامه طباطبایی رحمه‌الله	سده ۱۴ ق	المیزان	حیات طیبه زندگی همراه با طهارت معنوی
امام خمینی رحمه‌الله	سده ۱۴ ق	شرح چهل حدیث	حیات طیبه در چارچوب حکومت اسلامی و تهذیب نفس
شهید مطهری رحمه‌الله	سده ۱۴ق	مجموعه آثار	ترکیب عقلانیت و ایمان برای تحقق حیات طیبه
آیت‌الله بهجت رحمه‌الله	سده ۱۴ ق	بهجت الدعا	تأکید بر ذکر و مراقبه برای رسیدن به حیات طیبه
آیت‌الله خامنه‌ای رحمه‌الله	سده ۱۴ق	بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳	حیات طیبه به عنوان پایه تمدن نوین اسلامی

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش ابعاد اصلی حیات طیبه و ارتباط میان آن‌ها در دیدگاه دانشمندان اسلامی درباره حیات طیبه با استفاده از روش داده‌بنیاد استخراج گردید که در جدول زیر مفاهیم و آراء کلیدی دانشمندان آورده شده است.

جدول شماره ۳: مفاهیم و آراء کلیدی دانشمندان

ردیف	اندیشمند	کدهای مستخرج (مفاهیم کلیدی)
۱	فارابی	مدینه فاضله، رهبری حکیم-پیامبرﷺ، عقلانیت جمعی، همکاری اجتماعی، اتصال به عقل فعال
۲	ابوعلی سینا	عقل فعال (عقل‌القدس)، جاودانگی نفس، معرفت، تهذیب نفس، فضیلت فردی
۳	ابن مسکویه	تهذیب اخلاق، فضایل چهارگانه (حکمت، عفت، شجاعت، عدالت)، محاسبه نفس، مصاحبت با نیکان، عدالت‌محوری، اعتدال، پالایش نفس از رذایل، تزکیه عملی
۴	ابن عربی	حیات طیبه منزلت اقطاب، عمل به نیکویی‌ها، مقام فنای در حق، شهود، حیات دنیا متاع زودگذر، زندگی مبتنی بر عشق و محبت، همنشینی با اولیا، تولد دوباره معنوی
۵	غزالی	اخلاص، بندگی، قرب الهی، مجاهده نفس، عبادات قلبی، نقد فلسفه، شهودگرایی
۶	خواجه نصیرالدین طوسی	عدالت فردی و اجتماعی، تلفیق عقل و شرع، عرفان شیعی، مشارکت اجتماعی

ردیف	اندیشمند	کدهای مستخرج (مفاهیم کلیدی)
۷	ابن خلدون	عمران (تمدن)، عصبیت (همبستگی)، اخلاق بدوی، ساده‌زیستی، اجتناب از فساد شهری
۸	ملا مهدی نراقی	جامع‌السعادات (کمال نهایی)، سعادت حقیقی، تهذیب اخلاق، عدالت به‌عنوان اساس اصلاح جامعه، مبارزه با انحرافات (صوفیه و اخباری‌گری)، عزت نفس، قناعت، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح اجتماعی
۹	علامه طباطبائی رحمه‌الله	حیات طیبه حیاتی جدید و مختص مؤمنان دارای عمل صالح، خودشناسی منشأ عبادت، ایمان قرین با عمل صالح، پذیرش ولایت ائمه علیهم‌السلام، ترک لذت های زود گذر دنیایی، اعتباریات، اصالت واقعیت، حیات معقول، عبادت و بندگی، قرب به خدا
۱۰	امام خمینی رحمه‌الله	ولایت فقیه، اخلاق عرفانی، تقوا، جهاد، حکومت اسلامی، تلفیق عرفان و سیاست
۱۱	آیت‌الله بهجت رحمه‌الله	ذکر، مراقبه، اخلاص، دوری از غفلت، عمق عبادت
۱۲	مرتضی مطهری رحمه‌الله	عقلانیت انتقادی، عدالت، آگاهی، مسئولیت‌پذیری، مبارزه با ظلم، ارزش‌های الهی
۱۳	آیت‌الله خامنه‌ای رحمه‌الله	تمدن نوین اسلامی، عزت، استقلال، جهاد علمی، اقتصاد مقاومتی، خودباوری

بعد از جمع‌آوری داده های کلیدی، کدگذاری باز انجام گرفت. در مرحله بعد کدگذاری محوری و سازماندهی آنها حول مقوله‌های محوری و کشف ارتباط میان آنها و درنهایت کدگذاری انتخابی حول یک مقوله هسته انجام گرفت که در جدول زیر مراحل فوق آورده شده است.

جدول شماره ۴: مراحل کدگذاری در داده بنیاد

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
تهذیب نفس، تهذیب اخلاق، فضیلت فردی، فضایل چهارگانه (حکمت، عفت، شجاعت، عدالت)، محاسبه نفس، مصاحبت با نیکان، عدالت‌محوری، اعتدال، پالایش نفس از رذایل، تزکیه عملی، مجاهده نفس، اخلاق بدوی، جامع‌السعادات (کمال نهایی)، سعادت حقیقی، عزت نفس، قناعت، تقوا، دوری از غفلت، مسئولیت‌پذیری، ارزش‌های الهی، خودباوری	۱. تهذیب نفس و اخلاق	ابعاد فردی
عقلانیت جمعی، اتصال به عقل فعال، عقل فعال (عقل‌القدس)، معرفت، نقد فلسفه، عقلانیت انتقادی، خودشناسی منشأ عبادت، اعتباریات، اصالت واقعیت، حیات معقول، عقلانیت انتقادی، آگاهی	۲. عقلانیت و خردورزی	
مدینه فاضله، همکاری اجتماعی، عدالت فردی و اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عمران (تمدن)، عصبیت (همبستگی)، ساده‌زیستی، اجتناب از فساد شهری، عدالت به‌عنوان اساس اصلاح جامعه، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح اجتماعی، ایمان قرین با عمل صالح، عدالت، مبارزه با ظلم، تمدن نوین اسلامی، اقتصاد مقاومتی	۳. اجتماعی و عدالت	ابعاد اجتماعی
رهبری حکیم-پیامبرﷺ، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تلفیق عرفان و سیاست، رهبری حکیم-پیامبرﷺ	۴. رهبری و حکمرانی	

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
اخلاص، بندگی، قرب الهی، عبادات قلبی، شهودگرایی، عرفان شیعی، اخلاق عرفانی، ذکر، مراقبه، عمق عبادت، عبادت و بندگی، قرب به خدا، اخلاق عرفانی	۵.عبادت و تقرب الهی	ابعاد متافیزیک
پذیرش ولایت ائمه علیهم‌السلام، حیات طیبه منزلت اقطاب، همنشینی با اولیا	۶.توسل و زیارت	

در ادامه به تبیین هر یک از این ابعاد پرداخته می‌شود.

۳-۱. ابعاد فردی حیات طیبه

برای تحقق حیات طیبه در بعد فردی می‌بایست دو مؤلفه ۱) عقلانیت و خردورزی و ۲) تهذیب نفس و اخلاق در هر فردی شکوفا گردد.

۳-۱-۱. عقلانیت و خردورزی

مؤلفه عقلانیت و خردورزی مفاهیم مشترک در دیدگاه مسکویه، فارابی، ابن سینا و خواجه نصیرا ست. عقلانیت به معنای بهره‌گیری از خرد و اندیشه در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهاســـت که پایه‌ی تکامل فرد و جامعه به شـــمار می‌رود. خردورزی تنها به معنای هوش ذاتی نیســـت؛ بلکه توانایی تحلیل منطقی، تجزیه و تحلیل اطلاعات و انتخاب بهترین راه‌حل در شـرایط مختلف اسـت. در اندیشـه‌ی اسـلامی، عقل به عنوان «حجت باطنی» شناخته می شود که انسان را به شناخت حقایق و تمایز میان خوب و بد رهنمون می سازد (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۱). عقلانیت واقعی زمانی تحقق می‌یابد که همراه با اخلاق و معنویت باشـــد تا به جای خودمحوری، به خدمت به دیگران بینجامد. جامعه‌ای که خردورزی را ترویج کند، از جهل و تعصب فاصله گرفته و به سمت پیشرفت و عدالت حرکت می‌کند. عقلانیت همچنین مانع از تصـمیم‌های احسـاسـی و شـتابزده می‌شـود و زمینه‌ســـاز خلاقیت و نوآوری اســـت. در جهان امروز، ترکیب عقلانیت با فناوری‌های

مدرن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حل چالش‌های پیچیده است. عقلانیت و خردورزی یکی از پیش‌نیازهای فردی برای تحقق حیات طیبه است.

۳-۱-۲. تهذیب نفس و اخلاق

مؤلفه تهذیب نفس و اخلاق محوریت در آرای مسکویه، غزالی و خواجه نصیردارد. تهذیب نفس به معنای پالایش درون از رذایل اخلاقی و آراستگی به فضایل انسانی است که اساس سعادت فردی و اجتماعی محسوب می شود (غزالی، ۱۳۸۹). این فرایند مستلزم خودآگاهی، مراقبه و مبارزه‌ی مستمر با هواهای نفسانی است. در آموزه‌های اسلامی، تهذیب نفس پیش‌نیاز تقرب به خداوند و رسیدن به «حیات طیبه» دانسته شده است. اخلاق نیکو تنها به معنای رفتارهای ظاهری نیست؛ بلکه ریشه در نیت پاک و ایمان قلبی است. جامعه‌ای که بر پایه‌ی اخلاق استوار باشد، از فساد، بی‌عدالتی و تبعیض در امان می‌ماند. تهذیب نفس همچنین زمینه‌ساز تعامل سازنده با دیگران و تحکیم پیوندهای اجتماعی است. در زمان مدرن، تلفیق اخلاق با عقلانیت و دانش، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای پاسخ‌گویی به چالش‌های اخلاقی جدید است. بدون تهذیب نفس، دانش و ثروت ممکن است به ابزاری برای تخریب تبدیل شود؛ بنابراین، پرورش فضیلت‌های اخلاقی باید در قلب نظام‌های تربیتی و فرهنگی قرار گیرد. اخلاق و تهذیب نفس نیز به عنوان یکی از پیش‌نیازهای فردی برای تحقق حیات طیبه به شمار می‌آید.

۴. مؤلفه‌های تعالی‌بخش در بعد فردی حیات طیبه

در بعد فردی حیات طیبه و برای دستیابی به مؤلفه‌های عقلانیت و خردورزی و تهذیب نفس و اخلاق سه مؤلفه عقل نظری، عقل عملی و فضائل اخلاقی باید تکامل یابد.

۴-۱. عقل نظری

عقل نظری به عنوان پایه‌ای اساسی در تحقق حیات طیبه، نقشه‌ای جامع از حقیقت و معنای زندگی ارائه می‌دهد. این بعد از عقل، مسئول شناخت هستی، درک مفاهیم کلی

و کشف قوانین حاکم بر جهان است. در مسیر حیات طیبه، عقل نظری همچون چراغی فراراه انسان، حقایق متافیزیکی (مانند وجود خدا، هدف آفرینش و جایگاه انسان) را مشخص می‌کند. بدون هدایت عقل نظری، رفتارها و انتخاب‌ها ممکن است بر اساس جهل یا شبهه صورت گیرند و مسیر کمال انسانی منحرف شود (فارابی، ۱۳۸۵، ص ۴۱). این بعد از عقل، زمینه‌ساز خردورزی عمیق و تصمیم‌گیری آگاهانه در تمام مراحل زندگی است. این عقل با تفکر در آیات آفاقی و انفسی، زمینه‌ی ایمان آگاهانه و عمل صالح را فراهم می‌کند همان گونه که خداوند تعالی در قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۶۴ می‌فرمایند: «إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... لَآیَاتٍ لِّقَوْمٍ یَعْقِلُونَ». در متون اسلامی، عقل نظری «حجت باطن» نامیده می‌شود که انسان را به سوی سعادت رهنمون می‌سازد. تقویت این عقل از طریق مطالعه، تدبر و آموزش، برای دستیابی به حیات طیبه ضروری است (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۵۱). بدون بهره‌گیری از عقل نظری، شناخت اهداف آفرینش و مسیر کمال انسانی ناقص می‌ماند (ابن سینا، ۱۴۳۴ق، نمط ۹).

۴-۲. عقل عملی

عقل عملی به عنوان راهنمای رفتار و کردار انسان، نقش اساسی در تحقق حیات طیبه ایفا می‌کند. این بعد از عقل، مسئول ترجمه معرفت نظری به عمل اخلاقی و مدیریت رفتارهای فردی و اجتماعی است. عقل عملی با تنظیم غرایز، کنترل هیجانات و انتخاب راه‌های نیل به سعادت، مسیر زندگی را بر اساس ارزش‌های الهی هموار می‌سازد. در حیات طیبه، عقل عملی همچون فرماندهی حکیم، خواهش‌های نفسانی را مهار کرده وآنها را با معیارهای عدالت و تقوا همسو می‌کند. بدون آن، فضایل اخلاقی در مرحله نظر باقی می‌مانند و به مرحله عمل نمی‌رسند. عقل نظری به عنوان پایه‌ی شناخت در حیات طیبه، مسئول درک حقایق متافیزیکی و کشف رابطه‌ی جهان با خالق هستی است. این عقل با تدبر در آیات تکوینی (آفاق) و شناخت نفس (انفس)، انسان را به معرفت الله می‌رساند. خداوند در قرآن کریم می‌فرمایند: «إِنَّ فِی خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... لَآیَاتٍ لِّأُولِی الْأَلْبَابِ» (آل عمران، ۱۹۰). در روایات اسلامی، عقل نظری «چراغ هدایت» نامیده

شده که راه تمایز حق از باطل را نشان می‌دهد (کلینی، ۱۳۹۳). تقویت آن از طریق مطالعه‌ی فلسفی و تفکر در نظام آفرینش، زمینه‌ساز ایمان عمیق و عمل آگاهانه است. بدون بهره‌گیری از عقل نظری، حیات طیبه به سطحی ناقص و ظاهری کاهش می‌یابد.

۴-۳. فضائل اخلاقی

فضائل اخلاقی به عنوان ستون‌های اساسی حیات طیبه، تجلی تعادل و تعالی در رفتار فردی و اجتماعی انسان هستند. این فضائل که ریشه در فطرت الهی انسان دارند، شامل صداقت، عدالت، عفت، شجاعت و ایثار می‌شوند. در مسیر حیات طیبه، فضائل اخلاقی تنها به معنای رعایت آداب ظاهری نیستند؛ بلکه تجسم باطنی ایمان و تقرب به خداوند هستند. آن‌ها همچون پلی میان عقل نظری و عقل عملی عمل می‌کنند و شناخت را به عمل تبدیل می‌نمایند. بدون فضائل اخلاقی، حیات طیبه به مفهومی ناقص تبدیل می‌شود که فاقد جوهره اصیل انسانی است. تقویت این فضائل، جامعه را به سوی عدالت، اعتماد و همبستگی سوق داده و زمینه‌ساز ظهور تمدنی الهی می‌شود. در حقیقت، فضائل اخلاقی نفس انسان را از قید رذایل رها ساخته و آن را برای دریافت انوار الهی آماده می‌سازند. این فضائل، پایه کرامت انسانی و شرط ضروری برای قرب الهی و سعادت اخروی است (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷).

۵. سازوکار تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی

۵-۱. محاسبه نفس

محاسبه نفس در حیات طیبه با مرور روزانه اعمال، سنجش انگیزه‌ها و تصحیح خطاها محقق می‌شود. مسکویه بر بررسی شبانه‌ی افکار و رفتار با معیارهای عقل و شرع تأکید می‌کند. این عمل با نوشتن نقاط قوت و ضعف و تعیین برنامه برای بهبود، تدریجاً نفس را از رذایل پاک می‌کند. محاسبه مستمر نفس، کلید تهذیب باطن و تقرب به خداوند در مسیر حیات طیبه است (مسکویه، ۱۳۸۲).

۵-۲. اتصال به عقل فعال

اتصـــال به عقل فعال در حیات طیبه از طریق تهذیب نفس، تعقل عمیق و عبادت خالصانه محقق می شود. ابن سینا در کتاب شفا (بخش نفس) تأکید می‌کند که با کسب معرفت نظری و پالایش روح از مادیات، نفس انســانی آماده دریافت فیض از عقل فعال می‌گردد. این اتصـال موجب اشـراق معنوی و کشـف حقایق شـده و سـعادت دنیوی و اخروی را تضمین می‌کند. بدون این ارتباط، حیات طیبه به سطحی ناقص و مادی محدود می‌ماند (ابن سینا، ۱۴۳۴ق).

۵-۳. عبادت و مجاهده

عبادت و مجاهده در حیات طیبه از طریق مداومت در عبادات (نماز، روزه، ذکر) و مبارزه پیاپی با هوای نفس تحقق می یابد. غزالی بر ترکیب عبادت ظاهری (فرایض) با مجاهده باطنی (ترک رذایل) تأکید می‌کند. این مســیر با اخلاص نیت و پایداری در ترک معاصـی، قلب را برای دریافت انوار الهی آماده می‌سـازد. عبادت بدون مجاهده، صوری و مجاهده بدون عبادت، خشک و بی‌ثمر خواهد بود (غزالی، ۱۳۸۹).

۶. ابعاد اجتماعی حیات طیبه

برای تحقق حیات طیبه در بعد اجتماعی می‌بایســت دو مؤلفه ۱) اجتماع و عدالت و ۲) رهبری و حکمرانی در هر جامعه‌ای شکوفا گردد.

۶-۱. اجتماع و عدالت

این مؤلفه در دیدگاه فارابی، خواجه نصـیر، ابن خلدون و اندیشـمندان معاصـر بارز اسـت. عدالت اجتماعی در حیات طیبه به معنای تضـمین حقوق متعادل تمامی اعضـای جامعه و توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع است که از طریق قوانین الهی و نظارت همگانی محقق می شود. این ا صل، پایه‌ی ا ستحکام جامعه و شرط ضروری برای تحقق سعادت جمعی در حیات طیبه ا ست. خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرمایند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا

بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). عدالت پایه‌ای اساسی برای پایداری و تعالی هر جامعه‌ای به شمار می‌رود، زیرا زمینه‌ساز اعتماد، همکاری و آرامش جمعی است. در اجتماع عادلانه، حقوق همه‌ی اعضا به صورت برابر محترم شمرده می‌شود و فرصت‌های رشد و پیشرفت به صورت عادلانه توزیع می‌گردد. از دیدگاه اسلامی، عدالت تنها به برابری مادی محدود نیست؛ بلکه شامل برابری در کرامت انسانی و دسترسی به فرصت‌های معنوی نیز می‌شود. جامعه‌ای که عدالت را سرلوحه‌ی خود قرار دهد، از آسیب‌هایی چون فقر، تبعیض و ناامنی در امان می‌ماند. تحقق عدالت نیازمند قوانین منصفانه، نهادهای نظارتی کارامد و مشارکت فعال شهروندان است. افزون‌براین، عدالت بدون اخلاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پایدار نخواهد بود. در جهان امروز، عدالت باید در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و قضایی مورد توجه قرار گیرد. تقویت همبستگی اجتماعی و مقابله با ظلم و استثمار از نشانه‌های جامعه‌ی عدالت‌محور است. درنهایت، عدالت واقعی زمانی محقق می‌شود که تمامی اعضای جامعه احساس امنیت، احترام و امید به آینده داشته باشند. اجتماع و عدالت به عنوان پیش‌نیازهای اجتماعی برای استقرار مدینه فاضله به شمار می‌آید (فارابی، ۱۳۸۵).

۶-۲. رهبری و حکمرانی

مؤلفه رهبری و حکمرانی مفاهیم کلیدی در آرای فارابی، امام خمینی﵀ و آیت‌الله خامنه‌ای﵀ می‌باشد. رهبری و حکمرانی در حیات طیبه به معنای مدیریت جامعه بر پایه عدالت، اخلاق و قانون الهی است که از طریق شایسته‌سالاری، مشورت و مسئولیت‌پذیری محقق می‌شود. این رهبری، ضامن اجرای احکام الهی و زمینه‌ساز تحقق جامعه آرمانی در حیات طیبه است خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرمایند: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص، ۲۶). رهبری و حکمرانی نقش اساسی در شکل‌دهی به سرنوشت جوامع دارند. رهبری اثربخش مبتنی بر خرد، عدالت و اخلاق است و تنها به اعمال قدرت محدود نمی‌شود. حکمرانی خوب مستلزم ایجاد ساختارهای شفاف، پاسخگو و مشارکت‌پذیر است که منافع عمومی را تأمین کند. در

اندیشه اسلامی، رهبری «خدمت‌گزاری» تعریف شده و مسئولیت بزرگی در برابر خدا و مردم محسوب می‌شود. رهبران راستین با الهام از ارزش‌های الهی، مسیر تعالی و پیشرفت جامعه را هموار می‌کنند. حکمرانی عادلانه زمینه‌ساز اعتماد عمومی، همبستگی اجتماعی و توسعه پایدار است. در زمان حاضر، تلفیق حکمت دینی با دانش مدرن مدیریت، ضرورتی انکارناپذیر برای رهبری کارامد است. رهبری بدون مشورت و تفکر جمعی به استبداد و انحراف می‌انجامد. جامعه‌ای که رهبران شایسته و حکیم داشته باشد، از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی در امان می‌ماند. درنهایت، رهبری موفق با تحقق عدالت، تأمین امنیت و ایجاد بسترهای پیشرفت، میراثی پایدار برای نسل‌های آینده برجای می‌گذارد و ازاین‌رو، رهبری و حکمرانی شایسته به‌عنوان پیش‌نیازهای اجتماعی و نهادیِ استقرار مدینه فاضله و تحقق کمال انسانی تلقی می‌شوند (فارابی، ۱۳۸۵، ص ۷۲؛ طوسی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۴، ص ۳۵۶).

۷. مؤلفه‌های تعالی‌بخش در ابعاد اجتماعی حیات طیبه

در بعد اجتماعی و برای دستیابی به مؤلفه‌های اجتماع و عدالت و رهبری و حکمرانی سه مؤلفه مدینه فاضله، عصبیت و همبستگی و ولایت فقیه باید تکامل یابد.

۷-۱. مدینه فاضله

مدینه فاضله در مفهوم حیات طیبه، نماد جامعه‌ای آرمانی است که در آن عدالت، فضیلت و تعاون بر تمامی شئون زندگی حاکم است. این شهر آرمانی (که ریشه در اندیشه‌های فلسفی فارابی دارد) جایی است که انسان‌ها در پرتو رهبری حکیم و قوانین الهی، به سوی سعادت جمعی حرکت می‌کنند. در مدینه فاضله، عقلانیت و اخلاق مبنای تصمیم‌گیری‌ها هستند و رفاه مادی و تعالی معنوی در تعادل قرار دارند. چنین جامعه‌ای بستر تحقق حیات طیبه را فراهم می‌آورد، زیرا فرد و اجتماع در مسیر یکدیگر به کمال می‌رسند. بدون استقرار مدینه فاضله، تحقق کامل حیات طیبه در سطح جمعی ممکن نخواهد بود (فارابی، ۱۳۸۵).

۷-۲. همبستگی اجتماعی

عصبیت و همبستگی اجتماعی در نظریه ابن خلدون، به عنوان پایه‌ای اساسی برای تحقق حیات طیبه در سطح جامعه عمل می‌کند. عصبیت (که بر پایه پیوندهای خویشاوندی، فرهنگی و ارزشی استوار است) نیروی محرکه‌ای برای اتحاد، همکاری و دفاع جمعی در برابر تهدیدات است. در چارچوب حیات طیبه، این همبستگی باید بر محور عدالت و اخلاق شکل گیرد، نه بر اساس تعصبات کور قومی یا گروهی. چنین همبستگی‌ای زمینه‌ساز ایجاد مدینه فاضله می‌شود که در آن مصالح جمعی بر منافع فردی ارجحیت دارد. بدون عصبیت سازنده، جامعه به سوی تفرقه و ضعف حرکت می‌کند و تحقق حیات طیبه ناممکن می‌شود (ابن خلدون، ۱۳۸۴). همبستگی اجتماعی در حیات طیبه به معنای اتحاد و تعاون اعضای جامعه بر پایه ارزش‌های مشترک دینی و انسانی است که از طریق احترام متقابل و مسئولیت‌پذیری جمعی محقق می‌شود. خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرمایند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران، ۱۰۳). این همبستگی، پایه اقتدار جامعه اسلامی و زمینه‌ساز تحقق عدالت و پیشرفت در حیات طیبه است.

۷-۳. ولایت فقیه

ولایت فقیه به عنوان الگویی برای رهبری دینی و سیاسی در اندیشه شیعی، نقش محوری در تحقق حیات طیبه در سطح جامعه دارد. این مفهوم بر اساس نظریه‌ای است که بر اساس آن، در عصر غیبت امام معصوم علیه‌السلام، فقیه عادل و آگاه به زمان، مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده می‌گیرد تا قوانین الهی اجرا شود و عدالت برقرار گردد. ولایت فقیه در حیات طیبه به معنای رهبری جامعه اسلامی توسط فقیه عادل و آگاه به زمان است که تضمین‌کننده اجرای احکام الهی و تحقق عدالت اجتماعی می‌باشد. این نهاد، ادامه ولایت معصومین علیهم‌السلام و زمینه‌ساز تشکیل مدینه فاضله در عصر غیبت است (امام خمینی، ۱۳۷۹).

در چارچوب حیات طیبه، ولایت فقیه تضمین‌کننده‌ی اجرای احکام اسلامی، پاسداری از ارزش‌های اخلاقی و تحقق عدالت اجتماعی است. رهبری فقیه - که بر

پایه‌ی علم دینی، تقوا و کاردانی استوار است - جامعه را از افتادن در ورطه‌ی ظلم، فساد و انحراف حفظ می‌کند. این نهاد همچنین همبستگی ملی و وحدت اسلامی را تقویت می‌کند و با ارائه‌ی الگویی برای حکمرانی عادلانه، بستری برای تعالی فرد و جامعه فراهم می‌آورد. بدون چنین رهبری، ممکن است جامعه از مسیر الهی منحرف شده و تحقق حیات طیبه (که نیازمند نظم، امنیت و عدالت است) با مشکل مواجه شود. به طور خلاصه، ولایت فقیه به عنوان نماد عینیت‌یافتن دین در حکومت، ابزاری برای تحقق آرمان‌های حیات طیبه در سطح کلان است و زمینه‌ساز ظهور جامعه‌ی متکی بر قانون خدا و کرامت انسانی می‌باشد.

۸. سازوکار تحقق حیات طیبه در ابعاد اجتماعی

۸-۱. رهبری حکیم

رهبری حکیم در حیات طیبه از طریق اتصال به عقل فعال، عدالت‌محوری و الگوگیری از سنت پیامبران تحقق می‌یابد. فارابی تأکید می‌کند که رهبر باید دارای صفات حکمت، عفّت و شجاعت باشد و با اتصال به عقل کل، جامعه را به سعادت رهنمون شود. چنین رهبری با تشکیل نظام مشورتی و اجرای قوانین الهی، مدینه فاضله را پایه‌ریزی می‌کند. رهبری بدون حکمت، به استبداد و انحراف می‌انجامد (فارابی، ۱۳۸۵). رهبری حکیم در حیات طیبه از طریق ترکیب دانش عقلی، فضایل اخلاقی و التزام به شریعت محقق می‌شود. خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری (باب سیاست مدن) تأکید می‌کند که حاکم باید عارف به احکام الهی، دوربین در مصالح عمومی و قادر به ایجاد عدالت اجتماعی باشد. چنین رهبری با مشورت با صاحبان خرد و اجرای قوانین مبتنی بر حکمت، جامعه را به‌سوی کمال هدایت می‌کند. رهبری حکیم، زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه جمعی است (خواجه نصیر الدین طوسی، ۱۳۹۹).

۸-۲. توزیع عادلانه منابع

توزیع عادلانه منابع در حیات طیبه از طریق شناخت نیازهای واقعی جامعه،

اولویت‌بندی بر اساس عدالت و نظارت مستمر محقق می‌شود. امام علی علیه‌السلام در «نهج‌البلاغه» (نامه ۵۳) با تأکید بر اینکه «الَسَّبَبُ فِی العَدْلِ مُوَا ساةٌ»، بر مشارکت عمومی و رسیدگی به محرومان به عنوان پایه عدالت تأکید می‌کند. این رویکرد با شفافیت در تخصیص بودجه و جلوگیری از انباشت ثروت، شکاف طبقاتی را کاهش می‌دهد. توزیع عادلانه منابع، زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی و تحقق مدینه فاضله است (نهج البلاغه، ۱۳۸۷).

۸-۳. مشارکت مردمی

مشارکت مردمی در حیات طیبه از طریق مشورت‌پذیری حاکمان، مسئولیت‌پذیری شهروندان و نهادینه‌سازی مشارکت عمومی محقق می‌شود. امام علی علیه‌السلام در خطبه نهج‌البلاغه ۲۱۶ می‌فرماید: «مَنْ أَصْغَی إِلَی نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ» و بر ضرورت بهره‌گیری از خرد جمعی تأکید می‌کند. این مشارکت با تشکیل شوراهای مردمی، شفافیت در تصمیم‌گیری و واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی به مردم، جامعه را به سمت تعالی سوق می‌دهد. مشارکت واقعی، زمینه‌ساز مقابله با استبداد و تحقق حکومت عدل است (نهج البلاغه، ۱۳۸۷).

۹. بعد متافیزیک حیات طیبه

۹-۱. عبادت و تقرب الهی

این مؤلفه اساس دیدگاه غزالی، ابن عربی، امام خمینی رحمه‌الله و آیت‌الله بهجت رحمه‌الله است. عدالت و تقرب الهی در حیات طیبه دو روی یک سکه‌اند؛ عدالت اجتماعی بسترساز تقرب جمعی به خداست و تقرب فردی، عدالت‌ورزی را در وجود انسان نهادینه می‌کند. تحقق عدالت در جامعه، عینی‌ترین تجلی بندگی و مقدمه‌ای ضروری برای قرب الهی است (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷). عبادت، راهی برای ارتباط با خداوند و تقرب به اوست که در ادیان الهی به ویژه اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. این مفهوم فراتر از انجام مناسک ظاهری، به معنای تسلیم کامل در برابر اراده الهی و اخلاص در نیت است. تقرب الهی هدف نهایی عبادت است که در پرتو طاعت، ذکر و تفکر حاصل می‌شود. در متون

اسلامی، عبادت وسیله‌ای برای تکامل روحی و رسیدن به «حیات طیبه» معرفی شده است. عبادت واقعی علاوه بر رشد فردی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و خدمت به خلق را نیز در بر می‌گیرد. تقرب به خداوند آرامش درونی، معنای زندگی و مقاومت در برابر بحران‌ها را به ارمغان می‌آورد. در جهان امروز، عبادت می‌تواند پاسخی به پوچ‌گرایی و اضطراب‌های مدرن باشد. تلفیق عبادت با زندگی روزمره، آن را از صوری‌گرایی خارج کرده و به تجربه‌ای عمیق تبدیل می‌کند. تقرب الهی بدون تهذیب نفس و اخلاق ممکن نیست و این دو مکمل یکدیگرند. درنهایت، عبادت راستین انسان را به مقام «عبد صالح» می‌رساند که محبوب خداوند است. در دیدگاه‌های عرفانی، عبادت نه تنها مجموعه‌ای از اعمال ظاهری؛ بلکه غایت نهایی سلوک انسانی و طریق تحقق قرب الهی تلقی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که حقیقت عبادت در وصول به مقام قرب و عبودیت محض معنا می‌یابد (غزالی، ۱۳۸۹، ج۴، ص ۳۲۱).

۹-۲. توسل و زیارت

در اندیشه اسلامی، توسل و زیارت به عنوان یکی از ابعاد حیات طیبه، جایگاه والایی دارد که در آرای اندیشمندانی چون ابن عربی و علامه طباطبائی تبلور یافته است. ابن عربی با نگاه عرفانی خود، اولیای الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام را مظاهر اتم ولایت و حقیقت محمدیه می‌داند. وی در آثار خود چون فتوحات مکیه و فصوص الحکم، به تمجید از اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌ویژه حضرت علی علیه‌السلام پرداخته و ایشان را «باب مدینة العلم النبوی و صاحب الاسرار امام‌ها» معرفی می‌کند که نشان‌دهنده جایگاه والای ایشان در سلسله ولایت و عرفان اسلامی است (ابن عربی، بی‌تا، ج۲، ص ۴۹؛ عفیفی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۵). ابن عربی همچنین در اشعار خود درباره امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می سراید: «ألا إن ختم الأولیاء شهید و عین إمام العالمین فقید» (آگاه باش که قطعا خاتم اولیاء شاهد و ناظر است و شخص امام عالمیان از دیده‌ها پنهان است) که بیانگر اعتقاد وی به منزلت اقطاب و اولیاء در نظام هستی و نقش ایشان در هدایت معنوی انسان‌هاست (قیصری، ۱۳۷۵، ص ۳۲۴).

علامه طباطبائی رحمه‌الله نیز با رویکردی فلسفی-تفسیری، بر ضرورت توسل به اولیای الهی

تأکید می‌کند و آن را در چارچوب توحید و نظام علیت تبیین می‌نماید. ایشان در پاسخ به شبهه‌افکنان در مسئله توسل، تصریح می‌کند که شرک در جایی است که اشخاص یا اشیاء را مستقل از خداوند مؤثر بدانیم، اما توسل به اولیا به عنوان وسیله‌ای در پیشگاه خداوند، نه تنها شرک نیست؛ بلکه عین توحید و عمل به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مائده، ۳۵) است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج۵، ص ۱۸۹) علامه طباطبائی در رساله‌ای ارزشمند به نام رسالة الولایة، ولایت را باطن نبوت و حقیقت دین معرفی می‌کند و معتقد است سیر و سلوک عرفانی خالصانه، سالک را به درک عترت طیبه می‌رساند و از انوار جمالیه و جلالیه حق و نور ولایت ایشان بهره‌مند می‌نماید (طباطبائی، ۱۳۸۹، ص ۶۷). ایشان همچنین در تفسیر المیزان، زیارت قبور اولیا و تبرک به تربت آنان را از مصادیق تعظیم شعائر الهی و نشانه تقوای قلوب می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج۱۰، ص ۳۱۲).

۱۰. مؤلفه‌های تعالی‌بخش در بعد متافیزیک حیات طیبه

در بعد متافیزیک و برای دستیابی به مؤلفه عبادت و تقرب الهی سه مؤلفه عرفان و شهود، اخلاص و بندگی و جاودانگی نفس باید تکامل یابد.

۱۰-۱. عرفان و شهود

عرفان و شهود به عنوان جاده‌ای برای رسیدن به حقیقت، در تحقق حیات طیبه نقش اساسی ایفا می‌کنند. عرفان و شهود در حیات طیبه به معنای سیر باطنی و دریافت مستقیم حقایق معنوی از طریق تهذیب نفس و اخلاص در عبادت است. این مسیر، موجب کشف اسرار الهی و تقرب قلبی به خداوند می‌شود و حیات طیبه را از سطح ظاهر به عمق باطن ارتقا می‌دهد. خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرمایند: «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ» (بقره، ۲۸۲).

عرفان (با تأکید بر سیروسلوک باطنی و تهذیب نفس) قلب انسان را برای دریافت انوار الهی آماده می‌سازد. شهود نیز به عنوان چشم دل، حقایقی را فراتر از درک حسی و عقلی آشکار می‌کند که مبنای یقین و عمل صالح قرار می‌گیرد. در مسیر حیات طیبه،

عرفان و شهود پل ارتباطی بین انسان و خدا هستند و زندگی را از ظاهر به باطن و از ماده به معنا متحول می‌کنند. بدون این دو، حیات طیبه به سطحی ناقص و خشک کاهش می‌یابد که فاقد جذبه‌ی معنوی و عمق وجودی است. مولوی، در مثنوی معنوی، دفتر اول می‌سراید:

عقل را چشمی است دل را چشمی دگر زان دو چشمست اینقدر وان دیده بیش

(مولوی، ۱۳۸۶، دفتر اول، ص ۴۵).

۱۰-۲. اخلاص و بندگی

اخلاص و بندگی در حیات طیبه به معنای خالص کردن نیت برای خداوند و انجام تمام اعمال تنها برای رضای اوست. این اخلاص، روح عبادات و اعمال نیک را تشکیل می‌دهد و شرط اساسی قبولی اعمال و تقرب به درگاه الهی است. خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرمایند: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّين» (بینه، ۵).

اخلاص و بندگی، قلب تپنده حیات طیبه را تشکیل می‌دهند و نشان‌دهنده نیتی پاک و خالص برای عبادت و خدمت به خداوند هستند. اخلاص به معنای انجام اعمال تنها برای رضای الهی و دوری از هرگونه ریا و خودنمایی است. در مسیر حیات طیبه، بندگی خالصانه موجب می‌شود که تمامی اعمال انسان (از عبادت تا فعالیت‌های اجتماعی) به عبادتی تبدیل شود که مقبول درگاه الهی است. بدون اخلاص، اعمال هرچند بزرگ، فاقد روح و اثر معنوی‌اند و توانایی ارمغان‌آوردن سعادت حقیقی را ندارند؛ ازاین‌رو، اخلاص شرط ضروری برای رسیدن به قرب الهی و تحقق کامل حیات طیبه است (قرآن کریم، بیّنه، ۵؛ مائده، ۲۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۲، ص. ۳۴۶؛).

۱۰-۳. جاودانگی نفس

جاودانگی نفس در حیات طیبه به معنای بقای روح پس از مرگ و تداوم سیر تکاملی انسان در عوالم دیگر است. این باور، به زندگی دنیایی معنا بخشیده و انگیزه‌ای برای حرکت به سوی کمال و تقوا ایجاد می‌کند. جاودانگی نفس به عنوان یکی از ارکان

اساسی حیات طیبه، باور به بقای روح پس از مرگ و ادامه سیر تکاملی انسان در عوالم دیگر است. این مفهوم (که ریشه در تعالیم اسلامی دارد) به زندگی دنیایی معنا می‌بخشد و انگیزه‌ای برای حرکت به سوی کمال و تقوا ایجاد می‌کند. در مسیر حیات طیبه، جاودانگی نفس تأکید می‌کند که اعمال و اخلاق انسان نه تنها در زندگی دنیوی، بلکه در سرنوشت ابدی او تأثیر مستقیم دارد. بدون این باور، زندگی ممکن است به دایره‌ای محدود از لذات مادی کاهش یابد و از معنای عمیق خود دور شود؛ بنابراین، ایمان به جاودانگی نفس، محرکی برای انتخاب‌های آگاهانه و مسئولیت‌پذیری در برابر افکار و اعمال است (ملاصدرا، ۱۳۹۸).

۱۱. سازوکار تحقق حیات طیبه در بعد متافیزیکی

۱۱-۱. ذکر و مراقبه

ذکر و مراقبه در حیات طیبه از طریق تداوم یاد خدا، نظارت بر نیات و پالایش درونی محقق می‌شود. امام خمینی‌ﷺ ذکر را «غذای روح» و مراقبه را «کلید نجات از غفلت» می‌دانند. این عمل با اخلاص در عبادت، مرور اشتباهات و تصحیح مستمر نفس، قلب را برای دریافت انوار الهی آماده می‌سازد. ذکر و مراقبهٔ پیوسته، پل ارتباطی بنده با معبود و اساس سیر وسلوک در مسیر حیات طیبه است (امام خمینی، ۱۳۷۱).

۱۱-۲. عبادت آگاهانه

عبادت آگاهانه در حیات طیبه از طریق شناخت فلسفه عبادات، حضور قلب و درک آثار تربیتی آن محقق می‌شود. شهید مطهری در آشنایی با قرآن تأکید می‌کند که عبادت بدون معرفت، همچون پیکری بی‌روح است. این نوع عبادت با تدبر در مفاهیم نماز و روزه، ارتباط عاطفی با خدا و انعکاس آثار عبادی در اخلاق، بندگی را از صورت به معنا ارتقا می‌دهد. عبادت آگاهانه، زمینه‌ساز تکامل معنوی و تحقق حیات طیبه است (شهید مطهری، ۱۳۸۹، ج۴، ص ۱۲۳).

۱۱-۳. تسلیم در برابر اراده الهی

تسلیم در برابر اراده الهی در حیات طیبه از طریق رضایت به قضای خدا، توکل عملی و درک حکمت های الهی محقق می‌شـود. امام علی علیه‌السلام در حکمت ۱۴۷ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «رَضِـیتُ بِاللهِ رَبّاً...» و تسـلیم را نشـانه‌ی ایمان راسـتین می‌داند. این تسـلیم با پذیرش سـختی‌ها به عنوان آزمایش، شـکرگزاری در نعمت‌ها و اجتناب از اعتراض به تقدیر، آرامش درونی را به ارمغان می‌آورد. تسلیم واقعی، اوج عبودیت و زمینه‌ساز قرب الهی در حیات طیبه است (سیدرضی، ۱۳۸۷).

در پایان الگوی (شـکل ۱) جهت پیاده‌سـازی حیات طیبه در جامعه اسـلامی پیشـنهاد می‌گردد.

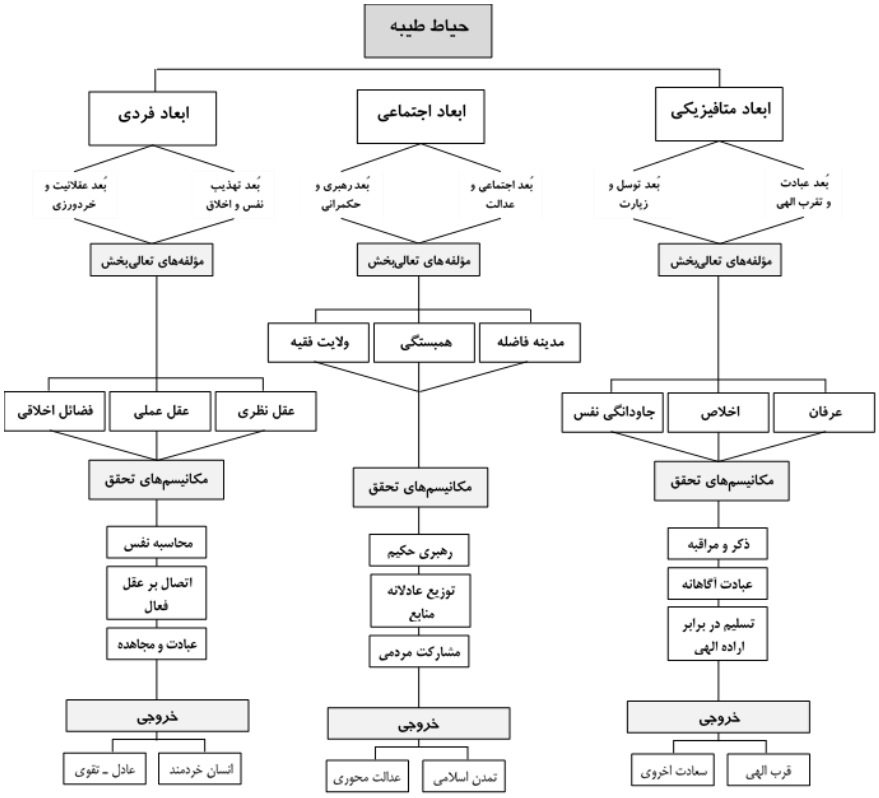

شکل (۱)

نتیجه‌گیری

حیات طیبه در اندیشه اسلامی یک ساختار چندبعدی دارد که شامل فرد (عقلانیت و اخلاق)، اجتماع (عدالت و رهبری) و متافیزیک (تقرب به خدا) است. تحقق آن نیازمند همنوایی میان عقل، شرع و عرفان است و در بستر یک نظام سیاسی-اجتماعی عادلانه امکان‌پذیر می‌شود. این مفهوم از نگاه تک‌بعدی فلسفی یا عرفانی فراتر رفته و به یک الگوی جامع تربیتی-تمدنی تبدیل می‌شود.

حیات طیبه در اندیشه اسلامی به مثابه یک الگوی جامع و چندبعدی، تصویری کامل از زندگی مطلوب انسانی ترسیم می‌کند که در سه سطح به هم‌پیوسته تعریف می‌شود؛

در سطح فردی، این مفهوم بر پایه عقلانیت و اخلاق استوار است. عقلانیت به معنای بهره‌گیری از خرد در تشخیص حق از باطل و اخلاق به معنای تجلی فضایل انسانی در رفتارهاست. این بعد تأکید می‌کند که انسان باید با تهذیب نفس و پرورش عقل نظری و عملی، خود را به کمال برساند.

در سطح اجتماعی، حیات طیبه بر عدالت و رهبری صالح تأکید دارد. عدالت به عنوان محور جامعه آرمانی، تضمین‌کننده حقوق تک‌تک جامعه است و رهبری و حکمرانی که بر اساس ارزش‌های الهی عمل می‌کند، زمینه‌ساز تحقق این عدالت می‌شود.این بعد اجتماعی نشان می‌دهد که سعادت فردی در گرو سعادت جمعی است.

در سطح متافیزیکی، تقرب به خدا به عنوان غایت نهایی مطرح می‌شود. این بعد بر ارتباط مستقیم انسان با خداوند از طریق عبادت، ذکر و اخلاص تأکید دارد و هدف نهایی حیات را فراتر از اهداف مادی تعریف می‌کند.

تحقق این سه بعد نیازمند همنوایی سه منبع معرفتی است: عقل، که توانایی کشف حقایق را دارد؛ شرع، که راهنمای الهی است و عرفان، که به درک شهودی حقایق می‌پردازد. این سه باید در تعامل هماهنگ با یکدیگر عمل کنند. این الگو تنها در بستر یک نظام سیاسی-اجتماعی عادلانه قابل تحقق است. نظامی که بر پایه قوانین الهی استوار باشد، مشارکت مردم را تضمین کند و زمینه رشد همه‌جانبه انسان را فراهم آورد.

حیات طیبه از نگاه تک‌بعدی فراتر رفته و به یک الگوی تربیتی-تمدنی تبدیل

می‌شـود. به این معنا که هم برنامه‌ای برای تربیت فردی ارائه می‌دهد و هم الگویی برای ساختن تمدن اسلامی پیش‌رو می‌نهد. این مفهوم پاسخی جامع به بحران‌های جهان مدرن است. هم به نیازهای مادی انسان توجه دارد و هم پاسخ‌گوی نیازهای معنوی اوست. هم به عدالت اجتماعی می‌اندیشـد و هم به کمال فردی توجه می‌کند. درنهایت، حیات طیبه به عنوان راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسـلامی مطرح می‌شـود که می‌تواند الگویی برای همه جوامع انسـانی ارائه دهد. الگویی که مبتنی بر فطرت انسـان اسـت و می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی او را تضمین کند.

منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۲). حیات طیبه در اندیشه اسلامی: ابعاد، شاخص‌ها و الزامات. تهران: سمت.

ابن خلدون. (۱۳۸۴). مقدمه ابن خلدون (ج۱، مترجم: محمد پروین گنابادی). تهران: امیرکبیر.

ابن عربی، محیی الدین. (۱۳۹۹). فصوص الحکم (مترجم: حسین مریدی). تهران: انتشارات جامی.

ابن عربی، محیی‌الدین. (بی‌تا) . الفتوحات المکیة (ج۲). بیروت: دار صادر.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۸۴). الاشارات و التنبیهات (مصحح: سلیمان دنیا). تهران: انتشارات حکمت.

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. (۱۴۳۴ ق). الشفاء. تهران: انتشارات ذوی القربی.

بهجت، محمدتقی. (۱۳۹۶). بهجت الدعا. قم: انتشارات موسسه فرهنگی هنری البهجه.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: دفتر نشر انقلاب اسلامی.

خمینی، سیدروح‌اله. (۱۳۷۱). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی.

خمینی، سیدروح‌اله. (۱۳۷۹). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی.

خمینی، سیدروح‌اله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (ج۳). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

رخشاد، محمدحسن. (۱۴۰۲). در محضر بهجت. تهران: انتشارات فیض فرزان.

السید الرضی، محمدبن حسین شریف. (۱۳۸۷). نهج‌البلاغه (مترجم: محمد دشتی). قم: انتشارات الهادی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۹). رسالة الولایة .قم: بوستان کتاب.

طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). تفسیر المیزان (ج۵، ۱۰ و ۱۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طو سی، محمد بن محمد بن حسن (خواجه نصیرالدین). (۱۳۸۶). اخلاق ناصری (به کو شش: مجتبی مینوی و علینقی منزوی). تهران: انتشارات خوارزمی.

طوسی، محمد بن محمد بن حسن (خواجه نصیرالدین). (۱۳۸۹). التبیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات آل البیت علیهم‌السلام.

عفیفی، ابوالعلا. (۱۳۹۶). فصـــوص الحکم و مکتب ابن عربی (مترجم: محمدجواد گوهری). تهران: روزنه.

غزالی، محمد. (۱۳۸۹). احیاء علوم‌الدین (ج۴، مترجم: محمد خلیلی). تهران: انتشـارات علمی و فرهنگی.

فارابی، ابونصر محمد بن محمد. (۱۳۸۵). آراء اهل المدینة الفاضلة (مترجم و مصحح: سیدجعفر سجادی). تهران: انتشارات حکمت.

قیصری، داود. (۱۳۷۵). .شرح فصوص الحکم .تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۳). الکافی (ج۲). تهران: انتشارات دارالثقلین.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۴). بحار الانوار. تهران: انتشارات اسلامیه.

مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۸۲). تهذیب‌الاخلاق و تطهیرالاعراق (مصحح: ابوالقا سم امامی). تهران: انتشارات حکمت.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). آشنایی با قرآن. تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۶). مجموعه آثار (ج۲). تهران: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (ج۱۱). تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیة.

ملاصدرا. (۱۳۹۸). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الاربعة. تهران: انتشارات مولی.

مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۶). مثنوی معنوی (مترجم: بدیع‌الز مان فروزانفر، مصـــحح: نیکلسون، دفتر اول). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

نراقی، ملا مهدی. (۱۳۹۰). جامع السعادات. قم: انتشارات قائم آل محمد عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.

Islam and Social Studies
EISSN: 2676-7783
PISSN: 2345-5586

The Role of the Three Elements of "Imam, Pilgrim, and Servant" in the Arbaeen Pilgrimage and Its Civilizational Implications*

Seyyed Ali Asghar Alavi
PhD in Quran and Sciences (Management Concentration),
Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
modirekarbala313@chmail.ir

Abstract

Arbaeen Husayni, as one of the largest religious gatherings in the world, represents unity, love, and the solidarity of millions. In this ritual, the role of the three elements of "Imam, pilgrim (Zair), and servant (Khadim)" holds a special significance. This article investigates the role of these three key elements in the ceremony and analyzes their civilizational implications. The purpose of this research is to extend and develop the culture of the Arbaeen pilgrimage through a civilizational lens. Utilizing an analytical-inferential method, this study aims to present an analysis of the epic of roles in the Arbaeen pilgrimage and evaluate them from a civilizational standpoint. The research findings indicate that the Arbaeen epic, as a global and religious event, provides a unique opportunity to redefine and transform the social identities of individuals. The subject of roles in Arbaeen demonstrates that the capacity to transform roles and identities is not exclusive to Arbaeen;

* Alavi, Seyyed Ali Asghar. (2025). The Role of the Three Elements of "Imam, Pilgrim, and Servant" in the Arbaeen Pilgrimage and Its Civilizational Implications. *Islam and Social Studies*, *13*(4), pp. 66-93.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74069.2202

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy
▣ **Received:** 2025/07/06 ● **Revised:** 2025/09/16 ● **Accepted:** 2025/11/09 ●**Online Publication:** 2025/12/30

© 2025
authors retain the copyright and full publishing rights

rather, it can be repeated and replicated under different conditions, times, and locations. What makes Arbaeen a remarkable civilizational phenomenon is precisely these roles, which have generated a massive social epic. If organizations view their relationship with clients through the exact same dynamic of servant and pilgrim, many of the bottlenecks within the administrative system will be resolved.

Keywords
Imam Husayn, Arbaeen Pilgrimage, Society, Civilization, Pilgrim (Zair), Servant (Khadim).

اسلام و مطالعات اجتماعی
EISSN: ۲۶۷۶-۷۷۸۳
PISSN: ۲۳۴۵-۵۵۸۶

نقش سه عنصر «امام، زائر و خادم» در زیارت اربعین و دلالت‌های تمدنی آن*

سیدعلی‌اصغر علوی
دکتری تخصصی قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران.
modirekarbala313@chmail.ir

چکیده

اربعین حسینی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تجمعات مذهبی جهان، نمایانگر وحدت، محبت و همبستگی میلیونی است. در این مناسک نقش سه عنصر «امام، زائر و خادم» اهمیت ویژه‌ای دارد. در این مقاله، به بررسی نقش سه عنصر کلیدی «امام»، «زائر» و «خادم» در این مراسم پرداخته شده و دلالت‌های تمدنی این عناصر مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این پژوهش امتداد و توسعه دادن فرهنگ زیارت اربعین با نگاه تمدنی است. این تحقیق بر آن است با استفاده از روش تحلیلی استنباطی، تحلیلی از حماسه نقش‌ها در زیارت اربعین ارائه داده و آنها را از منظر تمدنی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار دهد. ره‌آوردهای پژوهش نشان می‌دهد که حماسه اربعین به عنوان یک رویداد جهانی و مذهبی، فرصتی منحصر به فرد برای بازتعریف و تغییر هویت‌های اجتماعی افراد فراهم می‌آورد. موضوع نقش‌ها در اربعین نشانگر آن است که قابلیت تغییر نقش‌ها و هویت‌ها نه فقط مختص اربعین است، ؛ بلکه می‌تواند در شرایط و زمان‌ها و مکان‌های مختلف نیز تکرار و تکثیر شود. آنچه که اربعین را یک پدیده قابل توجه تمدنی کرده است، همین نقش‌ها است. این نقش‌ها مولد یک حماسه عظیم اجتماعی شده است. سازمان‌ها اگر نسبت به ارباب رجوعشان همان نسبت خادم و زائر را ببینند، بسیاری از مشکلات نظام اداری حل خواهد شد.

کلیدواژه‌ها

امام حسین علیه‌السلام، زیارت اربعین، اجتماع، تمدن، زائر، خادم.

* علوی، سید علی‌اصغر. (۱٤۰٤). نقش سه عنصر «امام، زائر و خادم» در زیارت اربعین و دلالتهای تمدنی آن. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(٤)، صص ٦٦-۹۳.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73567.2194

▣ **نوع مقاله:** پژوهشی؛ **ناشر:** پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
▣ **تاریخ دریافت:** ۱٤۰٤/۰٤/۱۵ ● **تاریخ اصلاح:** ۱٤۰٤/۰٦/۲۵ ● **تاریخ پذیرش:** ۱٤۰٤/۰۸/۱۸ ● **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱٤۰٤/۱۰/۰۹

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارندهٔ حق‌مؤلف مقالهٔ خود بدون محدودیت هستند»

مقدمه

زیارت اربعین به‌عنوان یک پدیده مذهبی و اجتماعی در تاریخ اسلام جایگاهی ویژه دارد. این مراسم، هر ساله میلیون‌ها زائر را از سرتاسر جهان به کربلا می‌کشاند و موجب ایجاد حماسه‌ای گسترده و پرشور می‌شود. یکی از ویژگی‌های بارز این تجمع، نقش‌های مختلفی است که در آن ظهور می‌یابد؛ نقش‌هایی که نه تنها فردی بلکه اجتماعی و تمدنی نیز هستند. سه عنصر کلیدی «امام»، «زائر» و «خادم»، هریک به نوبه خود، تأثیرات عمیقی بر این مراسم دارند. امام حسین علیه‌السلام به عنوان محور اصلی این زیارت، آموزه‌هایی از ایستادگی در برابر ظلم و عدالت‌خواهی را به زائران منتقل می‌کند. زائران، به عنوان نمایندگان ارادت و عشق به امام، در این مراسم با یکدیگر به هم پیوسته و همبستگی خود را به نمایش می‌گذارند؛ همچنین، خادمان اربعین با فراهم‌کردن امکانات خدمت‌رسانی، فضایی از همدلی و ایثار را ایجاد می‌کنند.

نقش سه عنصر «امام، زائر و خادم» در اربعین نه‌تنها نشانه‌ای از محبت و ارادت به اهل‌بیت علیهم‌السلام است، ؛ بلکه دلالت‌های تمدنی عمیقی نیز دارد. این عناصر با ایجاد همبستگی، ترویج ارزش‌های انسانی و اخلاقی و شکل‌دهی به یک تمدن مشترک می‌توانند تحولی در روابط بین‌المللی و همزیستی مسالمت‌آمیز ایجاد کنند. با بهره‌گیری از این آموزه‌ها، جوامع می‌توانند به یک آینده بهتر و با ارزش‌تری دست یابند.

این مقاله، قصد دارد به بررسی عمیق‌تر نقش‌های این سه عنصر پرداخته و دلالت‌های تمدنی آنها را در خصوص هویت فرهنگی، همزیستی مسالمت‌آمیز و انتقال ارزش‌های انسانی مورد تحلیل قرار دهد. این پژوهش به ما کمک می‌کند تا دلالت‌های تمدنی اربعین به عنوان یک کانون فرهنگی و اجتماعی و الگویی برای ارتقاء جامعه انسانی و بهبود روابط بین‌فرهنگی بررسی شود.

۱. پیشینه پژوهش

در حوزه زیارت اربعین پژوهش‌های ارزش‌مندی انجام شده است، مانند:

طاهرزاده (۱۳۹۵) ، ، در کتاب اربعین حسینی، امکان حضور در تاریخی دیگر...

موضـوع اربعین را در سـه ضـلع مورد بررسـی قرار داده اسـت. بحث «معنای حماسـه‌ی میلیونی پیاده‌روی اربعین حسـینی» متوجه نقش پیاده‌روی در زیارت امام حسـین علیه‌السلام و تأکید ائمه علیهم‌السلام بر این امر به عنوان یک حرکت سـلوکی اسـت، ازآن‌جهت که بنا بر روایات مربوط به این امر، زائر به انسـان مصـلحی تبدیل می‌شـود که عزم تغییر تاریخ خود را در خود می‌یابد. در بحث «اربعین؛ سـنتی در حال شـکوفایی» ذهن‌ها متوجه فرهنگ اربعینی اسـت، در بحث «اربعین؛ امکان حضـور در تاریخی دیگر» همه‌ی تلاش این بوده اسـت تا معنای «حضـور تاریخی» تبیین شـود و خواننده متوجه باشـد با چه احسـاسـی باید حضـور تاریخی خود را در رخدادی که ظهور کرده است دریابد.

پویافر، و رضایی (۱۴۰۰)، در کتاب زیارت‌های پیاده در جهان معاصر؛ نگاهی جامعه شـناختی... به مطالعه و معرفی همزمان ۷ آیین پیاده‌روی زیارتی در جهان پرداخته ا ست. این آیین ها عبارتند ازآیین زیارتی هندوها به نام کومب میلا در هند، زیارت پیروان شینتو به نام « شیکوکو یا ۸۸ معبد» در ژاپن، ۴ زیارت مسیحیان به ترتیب شامل: «کامینو دسـانتیاگو در اسـپانیا، فاطیما در پرتغال، فرانسـیجنا در ایتالیا، گوادالوپ در مکزیک» و درنهایت بزرگ‌ترین آیین زیارتی شیعیان و بلکه تمامی مسلمانان «پیاده‌روی اربعین» که در عراق می‌باشد.

رسـتمی (۱۴۰۰)، ، در پایان‌نامه خود با عنوان شـبکه مضـامین تمدنی پدیده اربعین، آورده اسـت که پیاده‌روی اربعین، پدیده ظرفیت مطالعه علمی در زمینه‌های مختلفی را داراست. یکی از این زمینه‌ها، مطالعات تمدنی اربعین است که آن را به‌عنوان یک پدیده تمدنی مورد مطالعه قرار می‌دهد و ظرفیت‌های تمدنی آن را بررسی می کند. مسئله مورد نظر پژوهش حا ضر، احصای مضامین تمدنی اربعین و سپس ا ستخراج شبکه مضامین تمدنی این پدیده است.

شبانی (۱۴۰۲)، ، در رساله ظرفیت‌های تمدن ساز اربعین حسینی... به این مو ضوع ، پرداختـه و درصـدد پـاسـخ‌گویی بـه این پرسـش اسـت کـه «ظرفیـت‌هـای تمدن‌ساز اربعین حسینی کدام است و موانع آن چیست»؟

پژوهش‌های زیادی درباره آن انجام شـــده که هرکدام از منظری به این رویداد مهم نگریسـته‌اند ازجمله سـیاسـی، امنیتی، فرهنگی و تربیتی. اما بعد تمدن‌سـازی آن با آنکه بسـیار مهم و راهبردی می‌باشـد، کمتر مورد توجه قرار گرفته و درنهایت در حد کلیات باقی مانده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. زیارت اربعین

زیارت، دیدار کردن است، دیدارکردن و رفتن به سرزمینی مقدس (لغتنامه معین). منظور از زیارت در لغت تمایل و میل پیداکردن اسـت؛ اینکه از راه دور یا از نزدیک باشـد و خواه با گرایش قلبی و قصد هم همراه با شد یا نه، و اعمّ از این‌که با اکرام و تعظیم مزور همراه باشـد یا نه (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۹). در اصـطلاح دینی، زیارت تمایلی اسـت که افزون بر میل و حرکت حسّـی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسـبت به مزور هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشـد (طریحی، ۱۳۷۵، ج۱، ص ۳۰۵، «زور»). بدیهی اسـت که دیدار، دو طرف دارد: فرد زائر و آنکه مورد دیدار و زیارت قرار می‌گیرد، آن مزور که تقدس و شرافت بخشیده به سرزمینی که برای زیارتش به آن سرزمین می‌روند که « شرف المکان بالمکین». برای همین در لسان اندیشمندان اسلامی برای زیارت، دو مؤلفه اصـلی ذکر کرده‌اند: زائر و مزور (ر.ک جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج۱، صـص ۲۳-۲۵). مزور آن امامی اسـت که مورد زیارت قرار می‌گیرد و زائر کسـی اسـت که به دیدار امام می‌رود، ؛ اما نه هر کسـی که به دیدار دیگری می‌رود زائر اسـت و نه در هر کسـی به ملاقاتش بیایید مزور. در ادبیات دینی سـخن از امام و مأموم اسـت که زائر و مزور هم هستند. این شرافت مزور و سرزمین حول او اعتباری نیست، ؛ بلکه حقیقتی در عالم دارد. زیارت با دو مؤلفه اساسـی شـکل می‌گیرد: مزور و زائر و روح زیارت ارتباط و اتصـال زائر با مزور است.

زیارت اربعین به معنای حضـور و زیارت حرم مطهر امام حسـین علیه‌السلام در روز اربعین، اسـت. این روز به یاد شـهدای کربلا و به‌ویژه امام حسـین علیه‌السلام و یاران او گرامی داشـته

می شود و در روایات جزو علامات مؤمن شناخته شده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ج۲، ص ۷۸۸؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج۲، ص ۵۸۹). زائران در این روز معمولاً با پیاده‌روی از نقاط مختلف، به سمت کربلا حرکت می‌کنند تا در حرم امام حسین علیه‌السلام گرد هم آیند و ارادت خود را به ایشان ابراز کنند (نک: پویافر و رضایی، ۱۴۰۰، صص ۳۵۵-۳۶۲). زیارت اربعین به عنوان یک عمل عبادی، اجتماعی و فرهنگی، نه تنها جنبه مذهبی دارد، ؛ بلکه به خلق احساس همبستگی و اشتراک فرهنگی میان مسلمانان در سرتاسر جهان نیز می‌پردازد. این مراسم با روایت‌ها و سنت‌های خاص خود، بازتاب‌دهنده ارزش‌های معنوی و انسانی است که امام حسین علیه‌السلام به‌عنوان یک الگوی کامل ایثار و فداکاری به بشریت ارائه کرده است.

۲-۲. امام

در زیارت اربعین، واژه «امام» به معنای پیشوای معصوم و رهبری الهی است که در اصول دین و مذهب شیعه دارای اهمیت ویژه‌ای است. امام به عنوان نماینده‌ی خداوند در زمین و الگوی کامل اخلاق و رفتار برای مسلمانان شناخته می‌شود که در اینجا منظور امام حسین علیه‌السلام است. امام حسین علیه‌السلام به‌عنوان امام سوم شیعه، در واقعه عاشورا برای احیای دین و مقابله با ظلم و فساد جان خود را فدای اصول انسانی و الهی کرد، که این ایثار و فداکاری او، موجب تأسیس فرهنگی غنی و آموزه‌های عمیق در جامعه اسلامی شد. امام حسین علیه‌السلام به‌عنوان کسی که جان خود را برای مکتب اسلام و ارزش‌های انسانی فدا کرد، تأثیر عمیقی بر زائران دارد و آنان را به پیروی از اصول دین الهام می‌بخشد. معناداری امام به عنوان ولیّ خدا نه‌تنها در زمان خود او، بلکه در تمامی دوره‌ها و نسل‌ها ادامه دارد و زائران در زیارت اربعین، تجدید عهدی با این ولایت می‌کنند. امام به عنوان واسطه‌ای برای نزدیک‌شدن زائران به خداوند و تبدیل‌شدن به انسان‌های صالح و فداکار شناخته می‌شود. در کل، امام در زیارت اربعین به‌عنوان نشانه‌ای از قدرت و رحمت الهی و نماد حق‌خواهی و ایثارگری مطرح است، که زائران با یادآوری آن‌ها، در مسیر رشد معنوی و اخلاقی خود گام برمی‌دارند.

۲-۳. زائر

زائر در زیارت اربعین به فردی اطلاق می‌شود که به منظور عرض ارادت، طلب رحمت، و انجام زیارت، به سوی حرم مطهر امام حسین علیه‌السلام و مسیرهای منتهی به آن سفر می‌کند. زائران با اهداف معنوی و مذهبی به این مراسم حاضر می‌شوند و در طول مسیر با روحیه‌ای از ایثار، همدلی و خدمت به یکدیگر به پیاده‌روی می‌پردازند. زائران معمولاً در کنار یکدیگر و در قالب گروه‌های بزرگ به سوی کربلا پیاده‌روی می‌کنند و این روح جمعی، خود به نوعی تجلی روحیه همبستگی و اتحاد است. زائر در این مراسم، به‌نوعی خود را از عناوین اجتماعی و مقام‌های مختلف رها می‌کند و به عنوان یک انسان برابر و هم‌سطح در جمع حضور می‌یابد؛ همچنین حضور در پیاده‌روی اربعین و نزدیکی به حرم امام حسین علیه‌السلام برای زائران تجربه‌ای عمیق و معنوی به ارمغان می‌آورد، که با حس حضور امام و ارتباط با ایشان همراه است و این سفر برای او فرصتی برای تجدید عهد با امام حسین علیه‌السلام و آموزه‌های حضرت است.

۲-۴. خادم

خادم در ادبیات عاشوایی یعنی کسی که کارهای امام را انجام می‌دهد (نک: علوی، ۱۳۹۳، ص ۲۶). در زیارت اربعین، «خادم» به فردی اطلاق می‌شود که به زائران امام حسین علیه‌السلام خدمت می‌کند. این خدمت ممکن است شامل فراهم‌کردن امکانات رفاهی، تغذیه، اسکان و دیگر خدمات لازم برای زائران باشد. خادمان در این مراسم با انگیزه‌های مذهبی و انسانی خود، تلاش می‌کنند تا به زائران خدمت کنند و به نوعی از آن‌ها پذیرایی نمایند. خادمان با هدف خشنودی امام حسین علیه‌السلام و خدمت به زائران به این نقش وارد می‌شوند. نیت خالص و خدمت‌رسانی بدون چشم‌داشت، از ویژگی‌های بارز خادمان است. خادمان معمولاً به‌طور داوطلبانه و بدون انتظار پاداش، زمان و منابع خود را صرف کمک به زائران می‌کنند. ایثار و فداکاری در این زمینه بسیار تجلی می‌یابد. در مجموع، خادم در زیارت اربعین نقش محوری در به وجودآوردن فضایی معنوی و

خدمت‌گزارانه دارد، که نه تنها به تسهیل سفر زائران کمک می‌کند، ؛ بلکه نمادی از آموزه‌های انسانی و اسلامی را نیز به نمایش می‌گذارد.

۲-۵. تمدن

مطالعات انسان‌شناسی در قرن نوزدهم بر روی اقوام و فرهنگ‌های ابتدایی و همچنین مناطق تمدنی و فرهنگی قدیمی در آسیا، آفریقا و اروپا، دو مفهوم «فرهنگ» و «تمدن» را در کنار یکدیگر قرار داده است که به شدت به هم مرتبط هستند و گاهی به طور مشابه به کار می‌روند. البته تاریخ‌نگاران و فرهنگ‌پژوهان تلاش کرده‌اند تا این دو مفهوم را از یکدیگر تفکیک کنند. از این منظر، تمدن بیشتر به جنبه‌های مادی ساخت‌های انسانی نظیر معماری، شهرسازی و فناوری مربوط می‌شود، درحالی‌که فرهنگ بیشتر جنبه‌های معنوی زندگی جمعی انسانی را شامل می‌شود، مانند: آیین‌ها، آداب، زبان، دین و دانش. از دیدگاهی دیگر، تمدن به نظام‌های بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ا شاره دارد که معمولاً در یک قلمرو و سیع جغرافیایی، مانند یک امپراتوری، شکل گرفته و دارای فرهنگی گسترده و متنی نو شتاری ا ست. در مقابل، فرهنگ می‌تواند به تنهایی مربوط به مردمی با شد که به صورت ابتدایی در یک قبیله زندگی می‌کنند (ولایتی، ۱۳۹۶، ص ۲۱). در یک نگاه متعالی و کلان، حرکت انبیا و اولیای الهی را میتوان بر اساس رویکردی تمدنی دید و تحلیل نمود (ر.ک: همایون، ۱۳۹۷). تمدن به‌طورکلی به مجموعه‌ای از دستاوردها، افکار، فرهنگ‌ها و نهادها اطلاق می‌شود که یک جامعه را در زمینه‌های مختلف مثل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و علمی تعریف می‌کند. تمدن‌ها نه تنها محدوده جغرافیایی خاصی دارند، ؛ بلکه در طی زمان نیز شکل می‌گیرند و تغییر می‌کنند و آثار و تأثیرات متقابل دارند. به طور عام، تمدن به عنوان ترکیبی از این عوامل و ویژگی‌ها درمی‌آید که زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را در بستر زمانی و مکانی خاص خودش شکل می‌دهد.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق در این مقاله، روش اجتهادی (تحلیلی استنباطی) است. این تحقیق برای

جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی کتابخانه‌ای (یادداشت‌برداری به صورت تحلیلی توصیفی) بهره خواهد برد؛ همچنین مقاله حاضر می‌کوشد تا با استفاده از این روش مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

۴. تجزیه و تحلیل

۴-۱. نسبت سه عنصر «امام»، «زائر» و «خادم»

۴-۱-۱. نقش امام حسین علیه‌السلام در زیارت اربعین

امام حسین علیه‌السلام به عنوان الگوی اعلای انسانیت و آزادگی، نقش مهمی در احیای فرهنگ مقاومت و ایثار دارد. او از طریق قیام عاشورا، مفاهیم اخلاقی و انسانی را زنده کرده و به عنوان یک نماد برای مبارزه با ظلم و فساد شناخته می‌شود.

وقتی گفته می‌شود که زیارت امام معادل چندین حج مستحبی است، این بدان معناست که بدون ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام، حج که جامع‌ترین عبادات به شمار می‌رود، مفهوم و ارزشی ندارد. در واقع، تمام این عبادات باید مسلمانان را برای شکل‌گیری حکومت جهانی اسلام به رهبری حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف آماده کنند؛ بنابراین، مهم‌ترین پیام سیاسی نهفته در زیارت حرم امامان، زمینه‌سازی برای حکومت ایشان است. این پیام از زیارت همه حرم‌ها قابل برداشت است؛ اما زیارت هر امامی که این محتوا را بهتر منتقل کند و مردم را به تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نزدیک‌تر کند، ارزش و فضیلت بیشتری دارد. به همین دلیل در روایات بر زیارت حرم امام حسین علیه‌السلام تأکید بیشتری شده است و این زیارت تأثیر عمیق‌تری دارد (جعفری، ۱۳۹۷). با این حال، در برخی شرایط سیاسی و اجتماعی، ممکن است پیام زیارت امام دیگری مانند امام رضا علیه‌السلام نمود بیشتری پیدا کند؛ اما به‌طورکلی و در طول تاریخ، تا زمان ظهور حضرت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، پیام زیارت قبر مطهر امام حسین علیه‌السلام برای تشکیل حکومت اسلامی از دیگر امامان علیهم‌السلام قوی‌تر است و به همین خاطر تأکید بیشتری بر زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام شده است.

۴-۱-۲. نقش زائر در زیارت اربعین

زائران با حضـور خود در مراسـم اربعین، نماد همبسـتگی و وحدت ملت‌ها و پیروان مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام هستند. این حضور جمعی نشان‌دهنده عشق و ارادت نسبت به امام حسـین علیه‌السلام و اهداف قیام او می‌باشـد. تجمع میلیونی زائران در اربعین، به ایجاد فضـایی جهانی برای تبادل فرهنگ‌ها و ایده‌ها کمک می‌کند. این امر می‌تواند به شـکل‌گیری فرهنگ‌های مشـترک و ارتقاء همدلی و هم‌زیسـتی مسـالمت‌آمیز در جوامع مختلف منجر شود.

۴-۱-۳. نقش خادم در زیارت اربعین

خادمان اربعین با خدمت به زائران، نماد ایثار و خلوص در عمل هسـتند. این خدمت می‌تواند شامل فراهم‌سازی امکانات، تغذیه، اسکان و دیگر نیازهای زائران باشد. خدمت به زائران نه‌تنها جنبه‌های اجتماعی و انسـانی را تقویت می‌کند؛ بلکه باعث تقویت روحیه تعاون و همکاری در جامعه می‌شود. این امر به ایجاد بسترهای جدید اجتماعی و فرهنگی در میان مسلمانان و دیگر ملت‌ها کمک می‌کند.

۴-۱-۴. بررسی نسبت این سه عنصر

اربعین و این سه عنصر نقش بزرگی در تقویت هویت اسلامی و تأکید بر ارزش‌های انسـانی و اخلاقی دارند. این موضـوع باعث می‌شـود که مسـلمانان به هویت خود بیشـتر افتخار کنند و به ترویج ارزش‌های اسـلامی بپردازند. قشـر خادمان در خدمت به زائران، موجب گسـترش فرهنگ عشـق و ایثار در جامعه می‌شـود و منجر به ایجاد ارتباطات عمیق‌تری میان افراد و جوامع گوناگون می‌گردد. آموزه‌ها و پیام‌های قیام امام حسین علیه‌السلام، در کنار حضور زائران و خدمات خادمان، می‌تواند به شکل‌گیری تمدنی انسانی و توأم با رأفت و انصـاف منجر شـود. این تمدن می‌تواند به عنوان الگویی برای جوامع مختلف طرح شود.

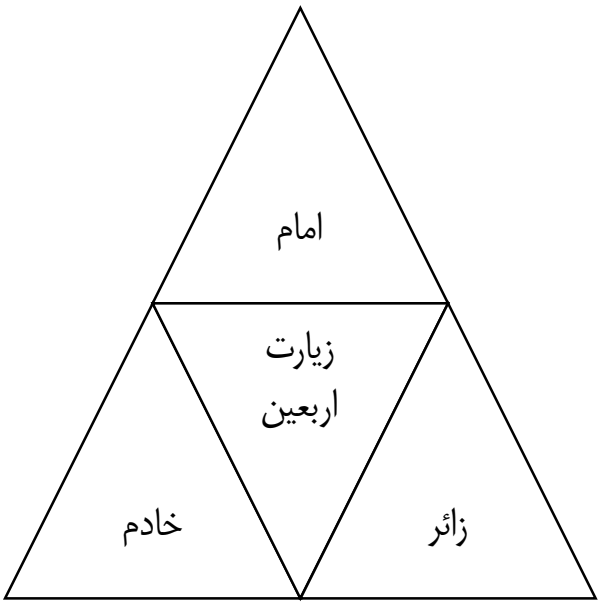

رسم توضیحی ۱: سه عنصر اصلی در زیارت اربعین

٤-۲. حضور «عنصر سوم» در اربعین در کنار «زائر» و «مزور»

عنصر «خادم» در جریان اربعین بسیار چشم‌گیر و برجسته است. نکته قابل توجه آن است که در موسم‌های دیگر غیر از اربعین، دو عنصر امام و زائر هست، اما آنچه حرف تازه اربعین است، حضور عنصر سوم یعنی خادمینی است که به زائران امام حسین علیه‌السلام خدمت می‌رسانند. البته این دو عنصر زائر و خادم تحت ولایت و مدیریت امام حسین علیه‌السلام است و ایشان در اربعین ظرفیت برجسته خادمان را و تاثیر تمدن ساز آنها را بیشتر نشان داده‌اند. خادم و زائر نقش خود را تحت ولایت و مدیریت مزور یعنی امام ایفاء می‌کنند. در زیارت دیگر ائمه و زیارت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام غیر از ایام اربعین نقش خادم یا وجود ندارد یا کمرنگ‌تر است. برای در زیارت ائمه علیهم‌السلام مظلوم بقیع خادم به معنای کسی که ملازم حرم باشد با نیت خدمت به امام و زائران وجود ندارد. آنچه که خادم را در اربعینِ اباعبدالله خاص می‌کند حضور موثرتر و پر رنگ‌تر او در این میان است. در ایام دیگر نیز حرم سیدالشهدا علیه‌السلام و یا مثلا امام رضا علیه‌السلام خادم دارد، خادمان شرایط رفاه

زائران را فراهم می‌کنند با نیت خدمت به امام به کار خود مشـغول هسـتند اما در اربعین قضیه متفاوت است.

خادم همیشـه نقش خدمت رسـانی داشـته اسـت، نیتش همیشـه خدمت به امام(مزور) بوده و در عمل خدماتش در جهت رفاه حال زائران بوده اسـت. گویی تحت ولایت امام این چنین نقشی شکل گرفته است، امام بی‌نیاز است از خدمت دیگران و خادم نیز این را می‌داند پس برای جلب رضـایت حضـرت او به دعوت‌شـدگانِ حرمش، مهمانان امام، خدمت می‌کند. یعنی با خدمت به زائر که مورد توجه و محبت امام است و مهمان اوست رضـایت خود امام را جلب می‌کند. تفاوت خدمت‌رسـانی خادم در اربعین به زائر، که وجه تمایز اربعین و دیگر زیارت هاسـت این اسـت که عنصـر سـوم یعنی خادم، از چند جهت از انحصار خارج می‌شود:

الف: از انحصار انسان‌های خاص

در ایام غیر از اربعین و دیگر حرم‌های ائمه علیهم‌السلام افراد خاصـی با سـاز وکار مشـخصـی می‌توانند در حرم مشـغول فعالیت باشـند. اما در اربعین صـغیر و کبیر و همه مردم عادی می‌توانند نقش خادم را ایفا کنند.

ب: از انحصار کارهای مشخص

در ایام غیر از اربعین و دیگر حرم‌های ائمه برای خادم کارهایی مشـخص اسـت و خارج از دایره آن کارها خادمی وجود ندارد. برای خادم بخش مضیف، خادم نظم‌دهنده صفوف نماز، خادم کفشداری و... اما در اربعین از حصار کارهای معمول خارج می‌شود. هر کسـی با هرچه دارد به رفاه حال زائرها برای جلب رضـایت امام کمک می‌کند. جایی غیر از اربعین سـراغ دارید که خادمی مسـئول ماسـاژدادن باشـد؟ خادمی کیف و کوله‌های آسیب دیده را ترمیم کند؟ خادمی سراغ دارد که هیچ نداشته باشد و نذر کند سایه باشد برای زائران؟ (حامد عسکری ماجرای عربی که هیچ نداشت و نذر کرده بود سایه زوار باشد).

ج: از انحصار مکان خدمت مشخص

آنچه از خادم در ذهن ما شـکل گرفته سـت این اسـت که در حرم و اطراف حرم مشـغول خدمت‌رسـانی باشـد؛ اما در اربعین در مسـیر حدوداً ۹۰ کیلومتری در هر قدم خادمی اسـت که حتی از حصـار حرم هم خارج شـده، اما از حصـار خدمت به مزور و حضور امام نه!

٤-٣. توجه به نقش‌ها در زیارت اربعین

نقش‌ها در ایجاد هویت موثرند. با ایجاد نقش‌های جدید می‌توان هویت‌های تازه‌ای ایجاد کرد. نقش‌ها به عنوان کارکردهای اجتماعی و فرهنگی در زندگی انسـان‌ها دارای اهمیت زیاد هستند. این نقش‌ها نه‌تنها بر رفتار و تعاملات فردی تأثیر می‌گذارند، ؛ بلکه در شـکل‌دهی به هویت افراد و جوامع نیز نقش اسـاسـی ایفا می‌کنند. نقش به معنای وظایف، مسئولیت‌ها و انتظاراتی است که افراد در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی ایفا می‌کنند. این نقش‌ها می‌توانند شامل والد، همسر، عضو جامعه، کارمند و غیره باشـند. نقش‌ها به طور عمده بر اسـاس انتظارات اجتماعی و فرهنگی تعریف می‌شـوند. با ورود به نقش‌های جدید یا تغییر در نقش‌های پیشـین، هویت فرد نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. زمانی که افراد نقش‌های جدیدی را به عهده می‌گیرند، این امر می‌تواند فرصـت‌های جدیدی برای رشـد و توسـعه فردی و اجتماعی فراهم کند. برای مثال، پذیرش نقش‌های رهبری می‌تواند به ارتقای مهارت‌های مدیریتی و اجتماعی بیانجامد. با تغییرات اجتماعی و فرهنگی، نقش‌ها نیز دچار تغییر می‌شـوند. این تغییرات می‌توانند به بازتعریف هویت‌های فردی و اجتماعی منجر شـوند و فضـایی برای ظهور هویت‌های تازه فراهم کنند؛ بنابراین، فهم دقیق نقش‌ها و تأثیر آن‌ها بر هویت، می‌تواند منجر به توسعه اجتماعی و فرهنگی مثبت گردد.

برخی از جامعه شناسان هر جامعه را به تناسب نظم‌هایی تقسیم کرده‌اند که هر یک بخشـی از نیازهای اجتماعی را تامین می‌کنند (پارسـانیا، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰). هویت و لایه‌های بنیادین؛ در لایه‌های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی، اجزا و پدیده‌هایی قرار دارند که

تأثیرات همه جانبه و فراگیر نسبت به دیگر اجزاء دارند و کمتر در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرند. هویت جهان اجتماعی با این دسته از پدیده‌ها پیوند می‌خورد. پدیده‌هایی که در لایه‌های غیر عمیق و غیر بنیادین جهان اجتماعی قرار دارند هم تأثیرات محدودتری دارند و هم بیشتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند. برخی از این پدیده‌ها در مقاطع زمانی خاص به وجود آمده اند و در مقطعی دیگر از میان می‌روند. برای برخی از آنها به راحتی می‌توان بدیل‌های مناسبی پیدا کرد.

نمادها، کنش‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و عقاید و... در لایه‌های مختلفی از جهان اجتماعی قرار می‌گیرند و جهان اجتماعی بدون حضور نمادهای مختلف نمی‌تواند تحقق پیدا کند. انسان معانی مورد نظر خود را در زندگی اجتماعی از طریق نمادها آشکار کرده و منتقل می‌کند. نقش‌ها در ایجاد هویت موثرند. با ایجاد نقش‌های جدید می‌توان هویت‌های تازه‌ای ایجاد کرد.

٤-٤. زیارت اربعین، حماسه نقش‌ها

حماسه اربعین به عنوان یک رویداد جهانی و مذهبی، فرصتی منحصر به فرد برای بازتعریف و تغییر هویت‌های اجتماعی افراد فراهم می‌آورد. شرکت‌کنندگان در این مراسم معمولاً از اقشار مختلف اجتماعی هستند؛ از روحانیان و علمای دین گرفته تا دانشمندان، مهندسان، کارگران و دیگر مشاغل. با این وجود، در این فضای معنوی و عمیق، همه افراد به دو نقش اصلی «زائر» و «خادم» تبدیل می‌شوند و هویت‌های اجتماعی خود را در سایه این دو نقش بازتعریف می‌کنند. در اربعین انسان‌ها با اعتبارات مختلف اجتماعی حاضر می‌شوند، اما هیچ‌یک از آنها به چشم نمی‌آید. همه هویت‌ها در قالب دو نقش «زائر و خادم» تغییر می‌یابد. انسان‌ها با بالاترین شئون اجتماعی در این پدیده حاضر می شوند اما حاضر نیستند به آن شأن اجتماعی (آیت الله، دکتر، مهندس، مدیر، رئیس و...) شناخته و معرفی شوند. تا آنجا که شعار اربعین همین نقش برجسته خدمت است که در طول مسیر کربلا بر همه تابلوها و نوشته‌ها یادآوری می‌شود: «خدمه زوار الحسین عزه لنا و شرف لنا» (یعنی خدمت زائران امام حسین علیه‌السلام عزت و شرافت ما است).

در اربعین اعتباریات، به گونه دیگری اعتبار و نقش‌ها با حساب دیگری تقسیم شده‌اند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۶۲). افراد در شرایط اربعین، با توجه به نیازهای مراسم، نقش‌های جدیدی برای خود تعریف می‌کنند. همین تغییر نقش در فضایی جدید می‌تواند باعث فاصله‌گیری از مقامات و جایگاه‌های اجتماعی قبلی گردد. این‌گونه است که افرادی با مدارج بالا، در نقش‌های جدید خود از دیگران، حتی کسانی با مشاغل پایین‌تر، اطاعت می‌کنند. به عبارت دیگر اربعین تنها یک راهپیمایی انبوه نیست، ؛ بلکه صحنه‌ای است که در آن «هویت‌های ایستا» به «نقش‌های پویا» تبدیل می شوند. در این حماسه، هر فرد فارغ از جایگاه اجتماعی‌اش در دنیای بیرون، در یک ساختار جدید بازتعریف می‌شود.

این همان اتفاقی است که نمونه‌اش در دفاع مقدس مشهود بود. آیت‌الله، دکتر، مهندس، کارگر و... نقش‌های قبلی خود را مثل لباسی از تن بیرون آوردند و لباسی دیگر به تن کردند. نقش‌های جدیدی چون: فرمانده، سرباز و دشمن که با آرمان و دلیل جنگیدنشان کاملا منطبق بود. نقش‌ها با حساب دیگری تقسیم شده بودند؛ چه‌بسا دکتر، مهندس، رئیس و... که در نقش جدیدشان از کارگر ساده‌ای چون عبدالحسین برونسی فرمانبرداری می‌کردند!

در زندگی روزمره، نقش‌های ما بیشتر بر اساس قدرت، ثروت یا رتبه اداری تعریف می شود؛ اما در حماسه اربعین، این قراردادها فرو می‌ریزد. مدیر ارشد یک مجموعه در نقشِ «کفش‌جفت‌کن» و پزشک متخصص در نقشِ «ماساژور زائر» ظاهر می شود. این جابه‌جایی، نشان‌دهنده بازگشت به فطرت انسانی و ایثارگری است که در آن، خدمت‌کردن نه یک کسر شأن، بلکه یک مدال افتخار است.

این تغییر نقش‌ها و تغییر هویت‌ها مختص به اربعین نیست. وقتی همین اتفاق در دفاع مقدس هم وجود داشته است نشان می‌دهد قابلیت تکثیر در شرایط و مکان و زمان دیگری نیز، با درک و پیاده‌سازی صحیح قواعد حاکم بر این اتفاق، وجود دارد. در دفاع مقدس نیز مشابه همین تغییر نقش‌ها مشاهده می شود. افراد با پیشینه‌های گوناگون حرفه‌ای به میدان جنگ می‌روند و نقش‌های جدیدی مانند فرمانده، سرباز و مدافع را به عهده می‌گیرند. در این شرایط، افراد با هر نوع عنوانی، حتی اگر دکتر یا مهندس باشند،

ملزم به تبعیت از فرماندهان نظامی و برتری آن‌ها می‌شـــوند. در هر دو مورد، این تغییر نقش‌ها نشان‌دهنده یکسانی در آرمان‌ها و اهداف مشترک است. افراد از تمامی اقشار، خود را در خدمت به یک هدف بزرگ و مقدس قرار می‌دهند و به احیای روح جمعی و هم‌گرایی اجتماعی کمک می‌کنند.

٤-٥. قابل تکثیر و توسعه‌بودن نقش‌های اربعین

موضـــوع نقش‌ها در اربعین نشـــان می‌دهد که قابلیت تغییر نقش‌ها و هویت‌ها نه‌تنها مختص اربعین یا دفاع مقدس اســـت، ؛ بلکه می‌تواند در شـــرایط و زمان‌ها و مکان‌های مختلف نیز تکرار شـــود. با درک و پیاده‌ســـازی صـــحیح قواعد حاکم بر این تجربیات، می‌توان به نوعی از تکثیر روح همدلی، همکاری و خدمت‌رسانی دست یافت. آنچه که اربعین را یک پدیده قابل توجه تمدنی کرده است همین نقش‌ها است. این نقش‌ها مولد یک حماسه عظیم اجتماعی شده است. اگر عنصر زمان و مکان از این نقش‌ها برداشته شـــود و از فردای اربعین، انســـان‌ها با عنایت به همان نقش زائری و خادمی در اجتماع حاضر شوند شاهد یک اتفاق بزرگ تمدنی خواهیم بود. سازمان‌ها اگر نسبت به ارباب رجوعشان همان نسبت خادم و زائر را ببینند، یعنی بسیاری از مشکلات نظام اداری حل خواهد شد.

بزرگ‌ترین چالش در این میان «حرکت از خدمت فصـــلی به زیســـت خادمانه» یا به عبارت دیگر امتداددادن روحیه «تواضـــع بی‌قید و شـــرط» از موکب‌ها به کوچه و بازار اســـت. خادم اربعین یاد گرفته اســـت که پایین‌ترین مرتبه را برای خود برگزیند تا دیگران در آسایش باشند. امتداد این نقش به این معناست که فرد در محله، مسجد و محیط کار نیز نقش «تسهیل‌گر» و «پناهگاه» را ایفا کند. درواقع، خادمی از یک برچسب مقطعی به یک «سبک زندگی» تبدیل می‌شود که در آن نفع جمعی بر سود شخصی مقدم است.

خادمین در زیارت اربعین با ایثار و فداکاری در خدمت به زائران، ارزش‌های انسـانی و اخلاقی را ترویج می‌کنند. این رفتارها نشـــان‌دهنده روحیه همدلی و نوع‌دوســـتی در جامعه اســـلامی اســـت. این تعاملات اجتماعی باعث شـــکل‌گیری روابط مثبت و ایجاد

احســـاس یکپارچگی در جامعه می‌شـــود. خدمات خادمان نه‌تنها به زائران بلکه به شکل‌گیری یک نظام اجتماعی متعهد و پشتیبان برای ترویج ارزش‌های اسلامی کمک می‌کند. این نظام می‌تواند به عنوان الگویی برای ایجاد حکومت‌هایی با رویکردهای انسانی و اسلامی در آینده عمل کند. خادمان با ارائه خدمات به زائران، مفاهیم حقوقی و انسانی را در جامعه ترویج می‌دهند. این امر باعث ارتقای سطح آگاهی عمومی نسبت به اهمیت خدمت به زائران می‌شـود. این همان ظرفیت بزرگ تمدنی اســت که در زیارت اربعین وجود دارد. این نقش‌ها اگر از بســتر زمانی اربعین به مابقی ایام توســعه پیدا کند، اتفاقی بزرگ در عرصه حکمرانی و مدیریت اجتماع رخ خواهد داد.

برای امتداد اربعین تا افق تمدن باید مفاهیم کلیدی اربعین را از ظاهر به باطن عبور داد و عمق بخشـید. به عبارتی پوســته‌اش را کنار زد و روحش را حفظ نمود. برای مثال خادم‌الحسین را که خادم‌الزائر است، اما نه بالاصاله؛ بلکه با نیت خدمت به امام، به خادم هر کسـی که در مسـیر توحید حرکت می‌کند، توسـعه داد. اگر جامعه توحیدی باشـد و افراد به ســمت توحید حرکت کنند حکم «زائر الحســین» به آنها ســرایت می‌کند. البته تعبیر ســرایت دقت لازم را ندارد، زیرا در حقیقت همان اســت، ؛ بلکه پوسـته و ظاهرش متفاوت شده.

در نگرش اربعینی، «ارباب‌رجوع» همان «زائر» اســـت که تکریم او نه یک وظیفه اداری، بلکه یک فرصت برای رشد معنوی به شمار می‌رود. کارمندی که با نگاه اربعینی به میز خود می‌نگرد، به جای تمرکز صرف بر سلسله‌مراتب قانونی، روحیه «گره‌گشایی سریع» و «ایثار وقت» را جایگزین بروکراسی خسته‌کننده می‌کند. در این نگاه، اداره نه محیطی برای گذران وقت، بلکه سنگری برای خدمت به خلق خداست.

٤-٦. لوازم تحقق نقش‌های اربعینی در جامعه

تحقق و امتداد نقش‌های اربعینی در جامعه نیازمند تغییرات اســاســی در نگرش‌ها و آموزه‌هاست. این تغییرات به ویژه در شخصیت‌های کلیدی مانند کارمندان، خادمین و زائران تأثیرگذار است:

٤-٦-١. تغییر نگرش تبدیل احساس استعلا به برادری

امتداددادن به نقش‌های اربعینی یک پیش نیاز اساسی دارد و آن تغییر نگرش است. تا نگرش کارمند به ارباب رجوع تغییر نکند و آن احساس استعلا در او به احساس برادری و خدمت تبدیل نشود، نقش‌های اربعین امتداد نخواهد یافت. لازم است که نگرش کارمندان و خادمین به زائران از حالت برتری و احساس استعلا به احساس برادری و خدمت منجر شود. این تغییر نگرش اساساً بر همه تعاملات اجتماعی تأثیر می‌گذارد و موجب می‌شود که خدمت به زائران به عنوان یک وظیفه انسانی و اخلاقی در نظر گرفته شود. نگرش زائران به امام حسین علیه‌السلام باید به گونه‌ای باشد که آنها خود را متعهد به خدمت به دیگران بدانند. بدون شناخت و اعتقاد به امام، هویت و انگیزه زائران کاهش می‌یابد.

٤-٦-٢. تولید معارف اخلاقی

برای تحقق نقش‌های اربعینی لازم است معارفی که در متن اربعین موجب تولید آن اخلاق اربعینی شده، در سطح سازمان‌ها بازتولید و برخی از گره‌های ذهنی برطرف شود. معارف و آموزه‌های اربعینی باید در سطح سازمان‌ها و جوامع بازتولید شوند تا فرهنگ خدمت به دیگران و احساس مسئولیت اجتماعی تقویت گردد. این معارف شامل اصولی مانند خدمت به دیگران، همدلی و ایثار است؛ همچنین گره‌های ذهنی موجود در شناخت و درک اصول اربعینی باید برطرف شود تا افراد بتوانند به‌راحتی این معارف را در زندگی روزمره خود به کار گیرند.

٤-٦-٣. تغییر نظام انگیزه‌ها

موکب‌دار اربعین، خدمت برای زائر را برای خشنودی امام انجام می‌دهد. زائر بدون امام و زیارت هویتی ندارد که بخواهد خادم، نقش‌آفرینی کند. چیزی که در اربعین مشخص است، این است که خوشحال‌کردن زائر امام مساوی خوشحال‌کردن امام است. فراتر از اربعین و کربلای ظاهری، در شهر و در ادارات و سازمان‌ها، نقش‌ها چه می‌شود؟

خدا و مردم و خادم‌الخلق عیال الله هستند، همان‌طور که زائر عیال امام! چیزی مثل خوشحال‌کردن بندگان، خدا را خوشحال نمی‌کند، همان‌طور که چیزی مثل خوشحال‌کردن زائر، امام را. انگیزه خادمین در موکب‌ها باید بر اساس رضا و خشنودی امام حسین علیه‌السلام شکل گیرد. وقتی افراد به این درک برسند که خدمت به زائران همانند خدمت به امام است، به تحقق حماسه اربعین کمک می‌کند. حماسه اربعین زمانی شکل می‌گیرد که انگیزه‌های فردی و مالی مغفول واقع شوند و افراد با نیت خالص و الهی به خدمت پرداخته و از توجه به منافع شخصی دست بردارند.

٤-٦-٤. تربیت نسلی بر اساس آموزه‌های اربعینی

از لوازم امتداد اربعین در زندگی، تربیت نسل‌ها بر اساس آموزه‌های اربعینی است. نقش کودکان در اربعین چیست؟ نقش کودکان در تمدن چیست؟ در اربعین کودکانی مشاهده می‌شود که برای خود موکبی علم کرده‌اند یا چند ساعتی در موکبی به اندازه توان خودشان کمک کنند. کار آنها بیشتر به موکب بازی شبیه است تا موکب داری! اما همین که امروز موکب بازی می‌کند، موکب دارِ فرداست! برای تمدن‌ساز بارآمدن کودکان باید برنامه داشت. سازوکارهای تربیتی باید برای تربیت کودکانی در افق تمدن خود را آماده کنند. کودکان باید از سنین پایین با مفاهیم اربعینی آشنا شوند و در فعالیت های مربوط مشارکت نمایند. ایجاد موکب برای تجربه مستقیم این آموزه‌ها به درک بهتر آن کمک می‌کند. برای تربیت نسلی که توانایی تمدن‌سازی داشته باشد، لازم است برنامه‌های تربیتی مشخصی طراحی شود. این برنامه‌ها باید بر اساس آموزه‌های اربعینی مبتنی باشد و کودکان را برای به عهده‌گیری نقش‌های اصلی در آینده آماده سازد.

٤-٦-٥. عنایت به سازوکارهای تربیتی

باید در پی ایجاد بسترهای آموزشی و فعالیت‌های خلاقانه برای کودکان بود تا آنها در نوجوانی و جوانی به موکب‌داران و جامعه‌سازان قدرت‌مند تبدیل شوند. تشویق

کودکان به مشـــارکت در کارهای خیریه و خدمات اجتماعی می‌تواند به شـــکل‌گیری روحیه همکاری و همدلی در آنها کمک کند.

امتداد نقش های اربعینی در زندگی نیازمند تغییر نگرش، تولید معارف اخلاقی، تنظیم نظام انگیزشـــی، و تربیت نســـل‌های آینده مبتنی بر آموزه‌های اربعینی اســـت. با فراهم‌کردن زیرســـاخت‌های لازم و برنامه‌ریزی درســـت می‌توان در جهت تحقق اهداف اربعینی و ایجاد تمدن انســـجام یافته گام برداشـــت. جذابیت این آموزه ها از طریق فعالیت‌های موکب‌داری و خدمت به زائران می‌تواند به نسـل آینده منتقل شـود و روحیه ایثار و همکاری را در آنها پرورش دهد.

٤-٧. موانع نگرشی امتداد اخلاق اربعینی

امتداد اخلاق اربعینی در زندگی روزمره، به‌ویژه در جامعه‌های امروز، با چالش‌ها و موانع زیادی مواجه اســـت. در این راســـتا، مهم‌ترین موانع نگرشـــی که می‌تواند تأثیرات منفی بر تحقق این اهداف داشته باشد، در ذیل بررسی می‌شود:

٤-٧-١. خاص‌نگری نسبت به اربعین و اجتناب از الگوپذیری

یکی از مهم‌ترین موانع، توجه به اربعین به عنوان یک اتفاق منحصـــر به فرد و خاص اســـت. اگر اربعین تنها به عنوان یک رویداد ویژه و تاریخی در نظر گرفته شـــود، ظرفیت‌های آن برای الگوپذیری و الهام‌بخشـــی از میان می‌روند. تفکیک از رویکردهای روزمره آســـیبی اســـت که در اینجا قابل توجه اســـت. در این صـــورت، مفاهیم و اصـــول اربعینی نمی‌توانند به زندگی‌های روزمره منتقل شـــوند و در نتیجه، آموزه‌های آن به فراموشی سپرده خواهند شد.

٤-٧-٢. حس عدم حضور امام

تجربه ناقص از حضور امام مانع دیگری است که لازم است به آن توجه شود. اگر زائران نتوانند حس حضـــور امام را در طول مســـیر کربلا تجربه کنند، تأثیرات معنوی و

اخلاقی اربعین کمرنگ می‌شـود. این حس حضـور، که به زائران امکان می‌دهد عمق بیشـتری از زیارت را احسـاس کنند، باید در زندگی روزمره نیز تقویت شـود. وقتی زائر تنها به فیزیک مکان و زمان محدود شـود، از عمق معنوی و روحی اربعین فاصـله می‌گیرد و این احسـاس را در دیگر جنبه‌های زندگی خود از دسـت می‌دهد. بحث حضـور امام اربعین تمرین تقویت حس حضـور امام اسـت و زائر در پیاده‌روی توجه خواسـته یا ناخواسـته به این موضـوع دارد. هنر بزرگ اربعین آن اسـت که زائری که امام را تنها در حرم و در ضـریح زیارت می‌کرد با افق جدیدی مواجه می‌کند و از کیلومترها دورتر از حرم، امام را حاضر می‌بیند. حس حضور، بهترین احساسی است که زائر اربعین در طول مسـیر کربلا تجربه می‌کند. اهمیت این حس تا بدانجا اسـت که برخی اساساً زیارت را همین حس حضور معنا کرده‌اند و گفته‌اند زیارت «حضور الزائر عند المزور» است.

٤-٧-٣. نگرش نسبت به نیت خدمت

نبود توجه به نیت و اخلاص در خدمت مانع نگرشی دیگر است. برخی افراد ممکن است خدمت به زائران اربعین را به‌عنوان یک رویداد خاص در نظر بگیرند و معتقد باشند که شرایط خدمت در کربلا متفاوت است. این نگرش باعث می‌شود که این افراد نتوانند در زندگی روزمره خود با همین روحیه به دیگران خدمت کنند. اگر نگرش افراد به خدمت در اداره امور روزمره تعلقی به نیت و اخلاص نداشـته باشـد، نارضـایتی‌های اجتماعی و کاهش کیفیت خدمت‌رسانی مشاهده خواهد شد. در اربعین کسی به نیت افراد کار ندارد و خدمتش به زوار را مشروط به نیت و اخلاص آنها نمی‌کند. این نگرش پاسخ خوبی به کسانی است که پس از اربعین و در مراجعه به ایران، در مواجهه با ارباب رجوع بهانه می‌آورند که در کربلا ماجرای خدمت فرق می‌کند. اگر نیت خدمت، خالصـانه باشـد و انسـان ارباب رجوع را از این منظر ببیند هر دو را با یک نیت خدمت می‌رساند. اگر حس اربعینی به زندگی اجتماعی منتقل شود، روحیه همکاری و ایثار در جامعه به تدریج افزایش می‌یابد.

٤-٧-٤. وجود روحیه سکولاریسم

یکی از موانع مهم دیگر، حضور روح سکولاریسم در جوامع است که می‌تواند بر روند انتقال و گسترش آموزه‌های اربعینی تأثیر منفی بگذارد. این روحیه ممکن است باعث شود که افراد به جنبه‌های معنوی زندگی کمتر توجه کنند و در نتیجه، الگوهای اخلاقی و آموزه‌های اربعینی در زندگی روزمره به حاشیه بروند. روح سکولاریسم مانع امتداد اربعین در زندگی است. واضح است که نه دولت عراق، نه دولت ایران و نه هیچ دولت دیگری در حال حاضر توانایی مدیریت چند ده ملیونی اربعین را با نظامات اداری‌اش ندارد، اربعین حماسه مردم است. مردم و امام! مردم به عشق امام زوّار میلیونی اربعین را غذا و اسکان می‌دهند، .

نتیجه‌گیری

عنصر «خادم» در جریان اربعین بسیار چشم‌گیر و برجسته است. نکته قابل توجه آن است که در موسم‌های دیگر غیر از اربعین، دو عنصر امام و زائر هست، ؛ اما آنچه حرف تازه اربعین است، حضور عنصر سوم یعنی خادمینی است که به زائران امام حسین علیه‌السلام خدمت می‌رسانند. آنچه که خادم را در اربعینِ اباعبدالله علیه‌السلام خاص می‌کند حضور موثرتر و پررنگ‌تر او در این میان است. در ایام دیگر نیز حرم سیدالشهدا علیه‌السلام و یا برای مثال امام رضا علیه‌السلام خادم دارد، خادمان شرایط رفاه زائران را فراهم می‌کنند با نیت خدمت به امام به کار خود مشغول هستند، اما در اربعین قضیه متفاوت است. تفاوت خدمت‌رسانی خادم در اربعین به زائر، که وجه تمایز اربعین و دیگر زیارت هاست این است که عنصر سوم یعنی خادم، از چند جهت از انحصار خارج می‌شود:

الف: از انحصار انسان‌های خاص؛ ب: از انحصار کارهای مشخص؛ ج: از انحصار مکان خدمت مشخص

از این منظر اربعین «حماسه نقش‌ها» است. حماسه اربعین به عنوان یک رویداد جهانی و مذهبی، فرصتی منحصر به فرد برای بازتعریف و تغییر هویت‌های اجتماعی افراد فراهم می‌آورد. شرکت‌کنندگان در این مراسم به طور معمول از قشرهای مختلف اجتماعی

هستند، با این وجود، در این فضای معنوی و عمیق، همه افراد به دو نقش اصلی «زائر» و «خادم» تبدیل می‌شوند و هویت‌های اجتماعی خود را در سایه این دو نقش بازتعریف می‌کنند. در اربعین انسان‌ها با اعتبارات مختلف اجتماعی حاضر می‌شوند؛ اما هیچ‌یک از آنها به چشم نمی‌آید. همه هویت‌ها در قالب دو نقش «زائر و خادم» تغییر می‌یابد. اربعین «مدرسه نقش‌آفرینی» است؛ جایی که انسان تمرین می‌کند چگونه می‌تواند در عین سادگی، تأثیرگذارترین و حماسی‌ترین نسخه از خودش را به نمایش بگذارد.

موضوع نقش‌ها در اربعین نشان می‌دهد که قابلیت تغییر نقش‌ها و هویت‌ها نه تنها مختص اربعین یا دفاع مقدس است، بلکه می‌تواند در شرایط و زمان‌ها و مکان‌های مختلف نیز تکرار شود. با درک و پیاده‌سازی صحیح قواعد حاکم بر این تجربیات، می‌توان به نوعی از تکثیر روح همدلی، همکاری و خدمت‌رسانی دست یافت. آنچه که اربعین را یک پدیده قابل توجه تمدنی کرده است همین نقش‌ها است. این نقش‌ها مولد یک حماسه عظیم اجتماعی شده است. اگر عنصر زمان و مکان از این نقش‌ها برداشته شود و از فردای اربعین، انسان‌ها با عنایت به همان نقش زائری و خادمی در اجتماع حاضر شوند شاهد یک اتفاق بزرگ تمدنی خواهیم بود. سازمان ها اگر نسبت به ارباب رجوع‌شان همان نسبت خادم و زائر را ببینند یعنی بسیاری از مشکلات نظام اداری حل خواهد شد.

خادمین در زیارت اربعین با ایثار و فداکاری در خدمت به زائران، ارزش‌های انسانی و اخلاقی را ترویج می‌کنند. این رفتارها نشان‌دهنده روحیه همدلی و نوع‌دوستی در جامعه اسلامی است. این تعاملات اجتماعی باعث شکل‌گیری روابط مثبت و ایجاد احساس یکپارچگی در جامعه می‌شود. خدمات خادمان نه تنها به زائران بلکه به شکل‌گیری یک نظام اجتماعی متعهد و پشتیبان برای ترویج ارزش‌های اسلامی کمک می‌کند. این نظام می‌تواند به عنوان الگویی برای ایجاد حکومت هایی با رویکردهای انسانی و اسلامی در آینده عمل کند. خادمان با ارائه خدمات به زائران، مفاهیم حقوقی و انسانی را در جامعه ترویج می‌دهند. این امر باعث ارتقای سطح آگاهی عمومی نسبت به اهمیت خدمت به زائران می‌شود. این همان ظرفیت بزرگ تمدنی است که در زیارت

اربعین وجود دارد. این نقش‌ها اگر از بستر زمانی اربعین به مابقی ایام توسعه پیدا کند، اتفاقی بزرگ در عرصه حکمرانی و مدیریت اجتماع رخ خواهد داد.

تحقق و امتداد نقش‌های اربعینی در جامعه نیازمند تغییرات اساسی در نگرش‌ها و آموزه‌ها است. این تغییرات به ویژه در شخصیت‌های کلیدی مانند کارمندان، خادمین و زائران تأثیرگذار است:

الف: تغییر نگرش تبدیل احساس استعلا به برادری؛ ب: تولید معارف اخلاقی؛ ج: تغییر نظام انگیزه ها؛ د: تربیت نسلی بر اساس آموزه های اربعینی؛ ه: عنایت به سازوکارهای تربیتی

امتداد اخلاق اربعینی در زندگی روزمره، به‌ویژه در جامعه‌های امروز، با چالش‌ها و موانع زیادی مواجه است. مانند:

الف: خاص‌نگری نسبت به اربعین و اجتناب از الگوپذیری؛ ب: حس عدم حضور امام؛ ج: نگرش نسبت به نیت خدمت؛ ه: وجود روحیه سکولاریسم

برای پررنگ‌ترشدن این آموزه‌ها در زندگی، لازم است که این افکار و موانع به چالش کشیده شوند و بر روی تداوم تجربیات عمیق انسانی و معنوی اربعین تأکید گردد. تلاش برای گسترش مبانی اربعینی به زندگی روزمره می‌تواند به حل مشکلات اجتماعی و تقویت ارزش‌های انسانی کمک کند.

زائر در طول مسیر اربعین، زیستن در یک «جامعه توحیدی کوچک» را تجربه می‌کند؛ جامعه‌ای که در آن امنیت، سخاوت و محبت موج می‌زند. تغییر نگرش زائر به این معناست که او پس از بازگشت، خود را «سفیر» آن فرهنگ بداند. زائر نباید تنها مصرف‌کننده خدمات معنوی باشد، ؛ بلکه باید بیاموزد که چگونه نظم، صبر و ایثارِ مسیر راهپیمایی را به تعاملات خانوادگی و اجتماعی خود تزریق کند و از «تماشاگر» به «کنشگر» تبدیل شود.

بالاترین سطح حماسه اربعین، تبدیل‌شدن فرد به جزئی از یک «امت» است. در اینجا دیگر نقشِ «من» به عنوان یک «شهروند یک کشور خاص» مطرح نیست، ؛ بلکه «من» به عنوان «عضوی از تمدن نوین اسلامی» ایفای نقش می‌کند. اینجا ست که اربعین از یک

زیارت ساده به یک «مانور قدرت» و یک «الگوی زیست اجتماعی» تبدیل می شود که می‌تواند در مقابل سبک زندگی مادی‌گرایانه قد علم کند.

منابع

* قرآن کریم

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱٤۰۹ق). إقبال الأعمال (ط- القدیمة) (ج۲). تهران: دارالکتب الإسلامیه.

پارسانیا، حمید. (۱۳۹۱). جهان‌های اجتماعی. قم: کتاب فردا.

پویافر، محمدرضا؛ رضایی، مهشید. (۱۴۰۰). زیارت‌های پیاده در جهان معاصر؛ نگاهی جامعه‌شناختی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

جعفری، جواد. (۱۳۹۷). تأملی در روایات مقایسه زیارت کربلا با حج و عمره. فرهنگ زیارت، ۹(۳۵)، صص ۷-۲۴.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). ادب فنای مقربان (ج۱، محقق: محمد صفایی). قم: اسراء.

جوادی آملی، مرتضی. (۱۳۸۸). فلسفه زیارت و آیین آن. قم: اسراء.

رستمی، رضا. (۱۴۰۰). شبکه مضامین تمدنی پدیده اربعین (استاد راهنما: سیدمجید مطهری‌نژاد)، کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات.

شبانی، حسین. (۱۴۰۲). ظرفیت‌های تمدن‌ساز اربعین حسینی (استاد راهنما: مهدی نادری،). کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی.

طاهرزاده، اصغر. (۱۳۹۵). اربعین حسینی، امکان حضور در تاریخی دیگر. اصفهان: لب المیزان.

طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۶۲). اصول فلسفه و روش رئالیسم (به مقدمه و پاورقی: مرتضی مطهری). تهران: صدرا.

طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین (ج۱). تهران: مرتضوی.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱٤۱۱ق). مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد (ج۲). بیروت: مؤسسة فقه الشیعة.

علوی، سیدعلی‌اصغر. (۱۳۹۳). خادم ارباب کیست؟. تهران: سدید.
علوی، سید علی اصغر. (۱۳۹٤). گنبد مستجاب (تربیت زیر نگاه امام). تهران: سدید.
مفید، محمد بن محمد. (۱٤۱۳ ق). المزار- مناسك المزار(محقق و مصحح: محمدباقر ابطحی). قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، مدرسه عالی تربیتی و قضایی.
ولایتی، علی‌اکبر. (۱۳۹٦). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد نمایندگی مقام رهبری در دانشگاه).
همایون، محمدهادی. (۱۳۹۷). تاریخ تمدن و ملک مهدوی. تهران: دانشگاه امام صادق.

Islam and Social Studies
EISSN: 2676-7783
PISSN: 2345-5586

Audience Persuasion Methods Based on Quranic Models*

Seyedeh Kianrokh Mousavi[1] **Saeid Amirkaveh**[2]

1. Master's Degree, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran (**Corresponding Author**).
kianaamoosavi@gmail.com
2. PhD, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran.
samirkave@gmail.com

Abstract

The purpose of this study is to explore audience persuasion methods based on Quranic models. The significance of this investigation stems from the fact that the Holy Quran, as a revelatory and guiding text, presents multi-layered methods not only at the epistemological and belief levels but also in the realm of persuasion and influencing the audience. This study adopted a qualitative research method based on thematic analysis. Data were extracted through the examination of verses related to persuasion and modeling; following the coding process, the themes were organized into three categories: cognitive, emotional, and behavioral. Research findings: The analysis of the verses demonstrated that the Quran offers a comprehensive model for persuasion. In the cognitive dimension,

∗ This article is taken from a statement titled: "The method of persuasion, addressing the basics of the Quranic language and its appeal in this program, is clear and distinct" (Reported by: Mr. Saeed Amir Kava & Mr. Advisor: Kamal Akbari). Faculty of Religion and Its Responsibility, University of Radio and Television, Qom, Iran.

* Mousavi, Seyedeh Kianrokh; Amirkaveh, Saeid. (2025). Audience Persuasion Methods Based on Quranic Models. *Islam and Social Studies*, *13*(4), pp. 94-126.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73972.2201

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/07/11 ● **Revised:** 2025/09/21 ● **Accepted:** 2025/11/11 ●**Online Publication:** 2025/12/30

© 2025
authors retain the copyright and full publishing rights

presenting the attributes of role models, displaying divine traditions in their lives, and emphasizing reasoning and wisdom stand out as rational foundations. In the emotional dimension, utilizing emotions such as fear, hope, love, and empathy creates a balanced atmosphere between fear and hope (Bim and Raja), allowing an emotional bond to form between the audience and the role models. In the behavioral dimension, the representation of moral actions and the comparison between positive and negative behaviors encourage the audience to choose the desired behavior. The findings show that the Quran does not fulfill persuasion as a purely rational or emotional process, but rather realizes it through the interconnection among cognition, emotion, and action. This multi-layered approach provides a comprehensive model for persuasive communication, which is effective in intellectual guidance, strengthening collective identity, and altering individual and social behavior. Thus, the Quran presents an authentic and enduring paradigm for persuasive processes, possessing a high capacity to address the communicative and educational needs of mankind.

Keywords
Persuasion, Quranic Models, Holy Quran, Cognitive, Emotional, Behavioral, Role Model (Uswah), Behavior Change, Collective Identity.

اسلام و مطالعات اجتماعی
EISSN: ۲۶۷۶-۷۷۸۳
PISSN: ۲۳۴۵-۵۵۸۶

روش اقناع‌سازی مخاطب بر اساس الگوهای قرآنی*

سیده کیانرخ موسوی[۱] سعید امیرکاوه[۲]

۱. کارشناسی ارشد، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران (**نویسنده مسئول**).
kianaamoosavi@gmail.com

۲. دکتری، گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده دین و رسانه قم، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران.
samirkave@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش با هدف واکاوی روش‌های اقناع مخاطب بر اساس الگوهای قرآنی انجام شده است. اهمیت این بررسی از آن‌جا ناشی می‌شود که قرآن کریم، به‌عنوان متنی وحیانی و هدایت‌گر، نه‌تنها در سطح معرفتی و اعتقادی بلکه در عرصه اقناع و اثرگذاری بر مخاطب نیز شیوه‌هایی چندلایه ارائه کرده است. این پژوهش با روش تحقیق کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون بود. داده‌ها از طریق بررسی آیات مرتبط با اقناع و الگودهی استخراج شدند و پس از کدگذاری، مضامین در سه دسته شناختی، احساسی و رفتاری سامان یافتند. یافته‌های تحقیق: تحلیل آیات نشان داد قرآن الگویی جامع برای اقناع عرضه می‌کند. در بعد شناختی، معرفی اوصاف الگوها، نمایش سنت‌های الهی در زندگی آنان و تأکید بر استدلال و حکمت به‌عنوان پشتوانه عقلانی برجسته است. در بعد احساسی، بهره‌گیری از عواطفی چون ترس، امید، محبت و

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه با عنوان: «روش اقناع سازی مخاطب برا ساس الگوهای قرآنی و بهره‌گیری از آن در برنامه‌های صدا و سیما» (استادراهنما: آقای سعید امیر کاوه و استاد مشاور: آقای کمال اکبری). دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران، می‌باشد.

* موسوی، سیده کیانرخ؛ امیرکاوه، سعید. (۱۴۰۴) روش اقناع سازی مخاطب بر اساس الگوهای قرآنی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۹۴-۱۲۶.

https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73972.2201

نوع مقاله: پژوهشی؛ **ناشر:** پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰ ● **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۶/۳۰ ● **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۸/۲۰ ● **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارندهٔ حق‌مؤلف مقالهٔ خود بدون محدودیت هستند»

همدردی فضـــایی متوازن میان بیم و رجاء ایجاد می‌کند تا پیوند عاطفی مخاطب با الگوها شـــکل گیرد. در بعد رفتاری نیز، بازنمایی کنش‌های اخلاقی و مقایســـه میان رفتارهای مثبت و منفی مخاطب را به انتخاب رفتار مطلوب ترغیب می سازد. یافته‌ها نشان می‌دهد قرآن اقناع را نه تنها عقلانی یا احساسی، بلکه در پیوند میان شـــناخت، عاطفه و عمل محقق می‌ســـازد. این رویکرد چندلایه الگویی جامع برای ارتباط اقناعی فراهم می‌آورد که در هدایت فکری، تقویت هویت جمعی و تغییر رفتار فردی و اجتماعی مؤثر اســـت. بدین‌ســـان، قرآن الگویی اصـــیل و ماندگار برای فرایندهای اقناع ارائه می‌دهد که ظرفیت بالایی برای پاســـخ به نیازهای ارتباطی و تربیتی بشر دارد.

کلیدواژه‌ها

اقناع، الگوهای قرآنی، قرآن کریم، شناختی، احساسی، رفتاری، اسوه، تغییر رفتار، هویت جمعی.

مقدمه

اقناع‌سازی یکی از بنیادی‌ترین کارکردهای ارتباطات انسانی است؛ فرایندی که از طریق آن نگرش‌ها شکل می‌گیرند، باورها تثبیت می‌شوند و رفتارها جهت می‌یابند. در جهان معاصر که رسانه‌ها به مهم‌ترین بازیگران عرصه معنا، فرهنگ و هویت بدل شده‌اند، مسئله اقناع بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. رقابت روایت‌ها، تکثر منابع اطلاعاتی و تغییر الگوهای مصرف رسانه‌ای سبب شده است که شیوه‌های خطابی و یک‌سویه گذشته، کارامدی خود را تا حد زیادی از دست بدهند و نیاز به الگوهای عمیق‌تر، چندبعدی و تجربه‌پذیر برای هدایت افکار و رفتارها بیش از پیش احساس شود.

در این میان، قرآن کریم به‌عنوان متنی هدایتی و تربیتی، از شیوه‌ای منسجم و چندلایه برای اقناع مخاطب بهره می‌گیرد. این کتاب آسمانی نه‌تنها از روش استدلال عقلانی، و نه‌تنها با تحریک عواطف، بلکه با ترکیب هماهنگ سه ساحت شناخت، احساس و عمل، فرایند هدایت را سامان می‌دهد. معرفی اسوه‌ها و الگوهای انسانی در قرآن، تنها بیان فضایل اخلاقی نیست؛ بلکه طراحی الگویی اقناعی است که مخاطب را در مسیر آگاهی، همدلی و انتخاب رفتاری قرار می‌دهد. از این منظر، الگوهای قرآنی را می‌توان به‌مثابه سازوکارهای ارتباطی فعال تحلیل کرد، نه صرفاً نمونه‌های اخلاقی و تربیتی.

با وجود پژوهش‌های فراوان درباره اسوه‌ها و شخصیت‌های قرآنی، بیشتر این مطالعات در چارچوب‌های تفسیری، تاریخی یا اخلاقی باقی مانده‌اند و کمتر به بُعد ارتباطی و اقناعی این الگوها پرداخته‌اند. در حوزه مطالعات ارتباطات نیز، نظریه‌های اقناع به طور عمده بر مبانی روان‌شناختی یا تجربی غربی استوارند و کمتر کوشیده‌اند ظرفیت‌های متون دینی، به‌ویژه قرآن، را به‌عنوان منبعی نظری برای صورت‌بندی الگوهای اقناع بررسی کنند. این گسست میان مطالعات قرآنی و نظریه‌های ارتباطی، خلأیی نظری ایجاد کرده است که نیازمند بازخوانی روش‌مند و تحلیلی است.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که: الگوهای قرآنی چگونه و بر اساس چه سازوکارهایی مخاطب را اقناع می‌کنند؟ آیا می‌توان از دل این الگوها، مدلی سه‌بعدی و

منسجم برای اقناع استخراج کرد که هم‌زمان ابعاد شناختی، احساسی و رفتاری را در بر گیرد؟ و این مدل چه ظرفیت نظری برای توسعه ادبیات اقناع در مطالعات دینی و ارتباطی دارد؟

هدف این مقاله آن است که با واکاوی تحلیلی الگوهای قرآنی و بررسی سازوکارهای اقناعی نهفته در آن‌ها، الگویی جامع و سه‌بعدی ارائه کند که نشان دهد قرآن چگونه از طریق معرفی اسوه‌ها، استدلال، روایت، عاطفه و نمایش پیامدهای رفتاری، فرایند هدایت و اقناع را سامان می‌دهد. این چارچوب می‌تواند ضمن پرکردن خلأ نظری موجود، مبنایی برای گفت‌وگوی میان مطالعات قرآنی و نظریه‌های ارتباطی فراهم آورد و افق‌های تازه‌ای در فهم کارکرد ارتباطی متون دینی بگشاید.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. تعریف و مفهوم اقناع

اقناع از دیرباز در کانون مباحث ارتباطی قرار داشته است. ارسطو ارتباط را جستجوی ابزارهای موجود برای ترغیب و اقناع می‌دانست (محسنیان‌راد، ۱۳۹۳، ص ۴۹). در روان‌شناسی نیز اقناع به‌عنوان فرایندی ارتباطی تعریف شده که هدف آن نفوذ در ذهن مخاطب و تغییر نگرش یا رفتار اوست، به‌گونه‌ای که رضایت و پذیرش داوطلبانه حاصل شود (مرادی، ۱۳۸۴، ص ۲۱). پژوهشگران دیگر آن را تغییر شناخت‌ها، عواطف و رفتارها از طریق ارائه‌ی اطلاعات مستند و تأثیرگذاری عاطفی می‌دانند (حکیم‌آرا، ۱۳۸۴، ص ۱۰). ساروخانی (۱۳۸۳، ص ۹۶) نیز بر جنبه عقلانی و اخلاقی این فرایند تأکید دارد.

۱-۲. جایگاه اقناع در کارکردهای ارتباط

اقناع یکی از بنیادی‌ترین اهداف ارتباط انسانی به‌شمار می‌رود و در حوزه‌های تبلیغ، آموزش و رسانه نقشی محوری دارد. تبلیغات بدون اقناع، صرفاً اطلاع‌رسانی است و اثرگذاری ماندگار نخواهد داشت. از این منظر، اقناع را می‌توان «روح تبلیغ» و موتور محرک کارکردهای ارتباطی دانست (سورین و تانکارد، ۱۳۹۲).

۱-۳. نظریه‌های اقناع

نظریه یادگیری اجتماعی بندورا:

این نظریه با تأکید بر مشاهده و الگوبرداری، یادگیری را حاصل تعامل میان عوامل فردی، محیطی و رفتاری می‌داند. مفهوم «موجبیت دوجانبه» نشان می‌دهد که باور فرد به توانمندی خویش، نقش مهمی در بروز رفتار دارد (آقایوسفی، ۱۳۸۶، صص ۲۳۹–۲۴۰؛ پارسا، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷؛ کدیور، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹).

نظریه درست‌نمایی تفسیر (پتی و کاسیوپو):

این نظریه بیان می‌کند که مخاطب پیام‌های اقناعی را از دو مسیر پردازش می‌کند: مسیر مرکزی مبتنی بر تحلیل منطقی که به تغییر نگرش پایدار و اقناع شناختی می‌انجامد، و مسیر حاشیه‌ای متکی بر نشانه‌های سطحی مانند جذابیت منبع که بیشتر با اقناع احساسی مرتبط است (لیتل‌جان، ۱۳۸۴، صص ۳۳۸–۳۴۱).

نظریه یادگیری نگرشی هاولند:

هاولند نگرش را متشکل از سه مؤلفه شناختی، عاطفی و رفتاری می‌داند (سورین و تانکارد، ۱۳۹۲، صص ۲۳۵–۲۳۸). مدل شش‌مرحله‌ای او برای تغییر نگرش شامل مواجهه با پیام، توجه، درک، پذیرش، یادداری و تبدیل به رفتار است (زیمباردو و لیپ، ۱۹۹۱، ص ۸). این نظریه سه سطح اصلی اقناع (شناختی، احساسی، رفتاری) را هم‌زمان توضیح می‌دهد.

۱-۴. مفهوم الگو و اسوه

در علوم اجتماعی، الگو نمایشی ساده‌شده از واقعیت برای درک و تحلیل بهتر پدیده‌هاست (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴، ص ۶۵؛ رزاقی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴). در قرآن، واژه‌ی «اسوه» به معنای مقتدا و پیشوا به‌کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷؛ راغب اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۸). این کلمه بار ارزشی مثبت دارد و بیشتر در معنای «اسوه حسنه» به‌کار می‌رود (احزاب، ۲۱؛ ممتحنه، ۴ و ۶). مفاهیم نزدیک به آن در قرآن شامل «اقتدا» (انعام، ۹۰)، «امام» (بقره، ۱۲۴؛ انبیاء، ۷۳)، «شهید» (نحل، ۸۹) و «مثل» (تحریم، ۱۱–۱۲) هستند.

۲. پیشینه تحقیق

۲-۱. کتاب‌ها

اقناع در قرآن (کاملی، ۱۳۹۶)؛ کاملی اقناع قرآنی را با ترکیب عقل و عاطفه و ابزارهایی چون قصه‌پردازی و اسوه سازی بررسی کرده و اهمیت الگو سازی در تحلیل رسانه‌ای را برجسته می‌سازد.

نقش الگوهای قرآنی در تربیت (اکبری، ۱۴۰۱)؛ این کتاب با تمرکز بر شخصیت‌های قرآنی نشان می‌دهد الگوها افزون بر جنبه تربیتی، کارکردی اقناعی دارند. اکبری الگوسازی را راهی عملی برای تغییر رفتار می‌داند؛ رویکردی که قابلیت کاربرد رسانه‌ای دارد.

۲-۲. پایان‌نامه‌ها

مقایسه مدل هاولند و قرآن در اقناع مخاطب (نصرتی، ۱۴۰۱)؛ نصرتی با مقایسه نظریه هاولند و روش‌های قرآنی نشان می‌دهد قرآن نیز بر سه مؤلفه منبع، پیام و مخاطب تأکید دارد، اما با عمق بیشتر و برجستگی بعد رفتاری. این دیدگاه با پژوهش حاضر مرتبط است، زیرا چارچوب سه‌بعدی هاولند (شناختی، احساسی، رفتاری) مبنای تحلیل اقناع قرآنی قرار گرفته است.

- کاربرد تکنیک مقایسه در قرآن (رئیسی وانانی، ۱۴۰۱)

این پژوهش نشان می‌دهد مقایسه‌های قرآنی (تقابلی، تشویقی، تنبیهی) ابزار مؤثر اقناع‌اند و با نمایش پیامدهای رفتار درست و نادرست، مخاطب را به انتخاب آگاهانه هدایت می‌کنند. اهمیت آن برای پژوهش حاضر در استخراج «نمایش مقایسه‌های تقابلی» به‌عنوان مقوله رفتاری و تطابق با یافته‌های نظری است.

۳. روش‌شناسی و مدل مفهومی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش کتابخانه‌ای و سپس تحلیل مضمون انجام شد و درنهایت به مدلی مفهومی برای تبیین فرایند اقناع الگویی در قرآن دست یافت. در این

مدل، اقناع قرآنی به‌عنوان فرایندی جامع در سه بُعد شناختی، احساسی و رفتاری سامان یافته است:

- بعد شناختی: معرفی اوصاف و ویژگی‌های الگوها، نمایش سنت‌های الهی در زندگی آن‌ها و استفاده از استدلال و حکمت برای اقناع.
- بعد احساسی: برانگیختن همدلی و احترام نسبت به الگوها، ایجاد ترس و امید متوازن و تقویت هویت جمعی.
- بعد رفتاری: بازنمایی رفتارهای عاقلانه و اخلاقی و استفاده از مقایسه‌های تقابلی برای برجسته‌سازی پیامدها.

این ابعاد سه‌گانه در ارتباط متقابل با یکدیگر عمل می‌کنند و الگویی جامع برای اقناع مخاطب بر اساس آموزه‌های قرآنی فراهم می‌آورند.

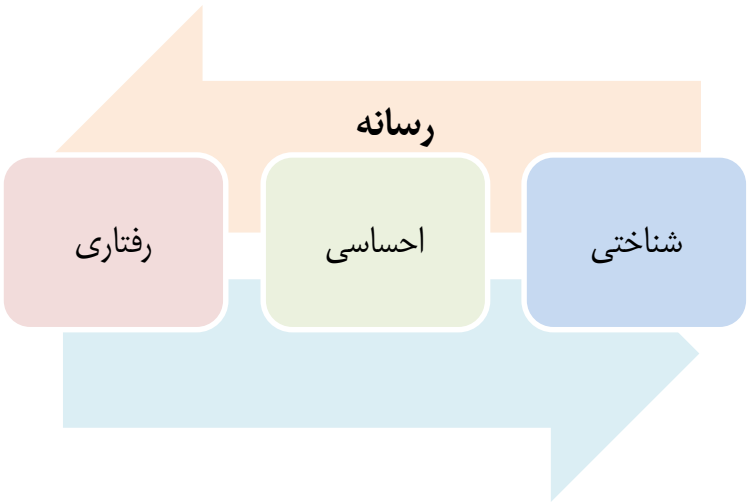

٤. یافته‌ها

٤-١. تحلیل اقناع شناختی

در قرآن، نمونه‌های تاریخی و شخصیتی مخاطب را به تحلیل عقلانی رفتارها و پیامدهایشان فرا می‌خوانند. این الگوها جنبه‌ای انگیزشی و آموزشی دارند و ذهن

مخاطب را در باز سازی یا تثبیت باورها هدایت می‌کنند. بررسی آیات نشان می‌دهد که الگوپردازی قرآنی می‌تواند باورهای شناختی را تغییر یا تثبیت کرده و سازوکارهای اقناع دینی را آشکار سازد.

٤-١-١. احزاب ٢١

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ ...؛ قطعاً برای شما در سیره‌ی پیامبر خدا، سرمشقی نیکوست...».

در آیات ۲۰ تا ۲۳ سوره احزاب، پیامبر اکرمﷺ در مقام «أسوه حسنه» معرفی می‌شود. این بیان، پیامبر را به‌عنوان الگوی شناختی در شرایط دشوار معرفی می‌کند و مخاطب را به تحلیل عقلانی و عبرت‌گیری از تجربه تاریخی فرامی‌خواند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۱۶، ص ۴۳۳؛ قرائتی، ۱۳۹۱، ج۷، ص ۳۴۵).

کدگذاری:

- واحد معنایی آیه: قرآن با بیان سخنان پیامبر و معرفی او به‌عنوان اسوه، پیامد رفتارها را نشان می‌دهد.
- مضمون اولیه: بیان پیامدها و عواقب رفتارها از زبان پیامبر برای اقناع مخاطب و تقویت پذیرش الگو.
- مضمون فرعی: معرفی پیامبر به عنوان الگو و نشان‌دادن پیامدهای تبعیت یا مخالفت با او.

٤-١-٢. سوره یوسف، آیه ۹۰

«إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ؛ همانا هر کس تقوا پیشه کند و صبر ورزد، خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند».

در آیات ۸۸ تا ۹۲ سوره یوسف، گفت‌وگوی برادران با حضرت یوسفؑ و بخشش او روایت شده است. این استدلال، بر تجربه زیسته پیامبر و سنت الهی تکیه دارد و از طریق برهان عقلانی، مخاطب را به پذیرش قاعده‌ی «صبر و تقوا = پاداش الهی» قانع

می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۱۱، ص ۳۲۳؛ قرائتی، ۱۳۹۱، ج۴، ص ۲۷۳).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با روایت تجربه زیسته حضرت یوسف علیه‌السلام، به مخاطب الگو معرفی می‌کند.
- مضمون اولیه: بازنمایی عملی سنت الهی (صبر و تقوا برابر است با پاداش و رستگاری) در حیات یوسف علیه‌السلام
- مضمون فرعی: نمایش سنت الهی در تجربه زیستی الگو.

٤-١-٣. ممتحنه ۴

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ؛ برای شما در رفتار ابراهیم و کسانی که با او بودند، الگوی نیکویی است...».

در آیات ۴ تا ۶ سوره ممتحنه، حضرت ابراهیم علیه‌السلام و یارانش به‌عنوان «أسوه حسنه» معرفی می‌شوند. این الگو بر پایه‌ی مرزبندی روشن میان ایمان و کفر شکل گرفته و اقناع در آن شناختی است؛ زیرا بر تمایز معرفتی و عقلانی تکیه دارد نه بر تحریک احساسات (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۱۹، ص ۳۹۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۵، ص ۱۶۱).

کدگذاری:

- واحد معنایی: حضرت ابراهیم علیه‌السلام با صراحت مرز اعتقادی خود را از مشرکان جدا می‌کند.
- مضمون اولیه: اعلام روشن مرز میان ایمان و کفر برای هدایت مخاطب.
- مضمون فرعی: بازنمایی شناخت مرزها توسط الگو

٤-١-٤. ص ٢٦

«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى...؛ ای داوود! ما تو را جانشین در زمین قرار دادیم، پس میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن ...».

در آزمون حضرت داوود علیه‌السلام، او پس از داوری شتاب‌زده سریعاً توبه می‌کند و سپس به‌عنوان خلیفه معرفی می‌شود. این روایت نمونه‌ای از اقناع شناختی است که بر حق‌محوری در قضاوت و سنت الهیِ «لغزش-توبه-ارتقا» تأکید دارد (قرائتی، ۱۳۹۱، ج۸، ص ۹۶؛ طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۱۷، ص ۲۹۳).

کدگذاری:

- واحد معنایی: داوود علیه‌السلام نشان می‌دهد که لغزش انسانی با توبه‌ی صادقانه نه تنها بخشوده می‌شود، بلکه زمینه ارتقای مقام را نیز فراهم می‌سازد.
- مضمون اولیه: قرآن با الگوی لغزش و توبه نشان می‌دهد که بازگشت آگاهانه همواره ممکن و ارزشمند است.
- مضمون فرعی: بیان سنت الهی (پذیرش توبه و ارتقای درجه بندگی).

٤-١-٥. نساء ۶۹

«وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَداءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا؛ و هر کس خدا و پیامبر را اطاعت کند، آنان با کسانی خواهند بود که خداوند به آنان نعمت داده است: از پیامبران و راست‌کرداران (صدّیقان) و شهیدان و شایستگان. و اینان چه نیکو هم‌نشینانی هستند!».

اطاعت از خدا و رسول، انسان را به همراهی با چهار گروه نمونه (انبیا، صدیقین، شهدا، صالحین) می‌رساند. این استدلال شرطی–نتیجه‌ای عقلانی است (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۴، ص ۶۵۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۲، ص ۹۸).

کدگذاری

- واحد معنایی: آیه نشان می‌دهد الگوهای معرفی‌شده (انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین) با آگاهی و انتخاب عقلانی، مسیر اطاعت خدا را پیمودند و نتیجه آن، رسیدن به مراتب برتر انسانی بوده است.
- مضمون اولیه: بیان نمونه‌های تاریخی که نشان می‌دهند اطاعت آگاهانه از خدا و رسول، به نتایج روشن و عقل‌پسند منتهی می‌شود.

- مضمون فرعی: نمایش رابطه علی میان اطاعت آگاهانه و رسیدن به مراتب برتر

٤-١-٦. مؤمنون ١-١١

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... أُولَـٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ به‌راستی مؤمنان رستگار شدند ... آنان وارثان‌اند؛ همان کسانی که فردوس را به ارث می‌برند و در آن جاودانه‌اند».

قرآن در آغاز سوره مؤمنون، مجموعه‌ای از اوصاف عینی مؤمنان (خشوع در نماز، پرهیز از لغو، زکات، امانتداری و ...) را برمی‌شمارد و نتیجه می‌گیرد. این ساختار علّی، مخاطب را به اقناع شناختی فرامی‌خواند؛ زیرا رستگاری نه بر احساسات گذرا، بلکه بر التزام عقلانی به معیارهای رفتاری استوار است (قرائتی، ١٣٩١، ج٦، ص ٨١).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با ترسیم ویژگی‌های عینی مؤمنان، نشان می‌دهد که رستگاری نتیجه التزام عملی به ایمان است نه صرف ادعا.
- مضمون اولیه: معیارهای رفتاری مؤمنان (نماز با خشوع، دوری از لغو، زکات، عفت، امانت‌داری و مراقبت بر نماز) به عنوان الگوی زیسته برای تحقق ایمان.
- مضمون فرعی: بیان اوصاف الگو.

٤-١-٧. کهف ١٣

«إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى؛ آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم».

داستان اصحاب کهف نمونه‌ای روشن از اقناع شناختی است؛ رابطه ایمان و هدایت در آن عقلانی ترسیم شده و الگویی از رشد تدریجی باورها ارائه می‌دهد. از منظر تفسیری، این فرایند نشان می‌دهد که پایبندی معرفتی به ایمان زمینه ارتقای عقلانی و هدایت بیشتر را فراهم می‌کند (طباطبایی، ١٣٨٣، ج١٣، ص ٣٤٨؛ قرائتی، ١٣٩١، ج٥، ص ١٤٧).

کدگذاری:

- واحد معنایی: جوانان اصحاب کهف با ایمان اولیه، به‌تدریج در مسیر رشد شناختی قرار گرفتند و خداوند هدایت بیشتری به آنان عطا کرد.
- مضمون اولیه: رشد تدریجی شناخت و هدایت در جوانان مؤمن.
- مضمون فرعی: بیان اوصاف الگو

٤-١-٨. انبیا ۶۷

«أُفٍّ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ اف بر شما و بر آنچه جز خدا می‌پرستید! آیا عقل نمی‌ورزید؟».

ابراهیم علیه‌السلام در برابر مشرکان، با استدلالی روشن، پوچی پرستش بت‌ها را آشکار می‌سازد و با جمله «أفلا تعقلون» عقلانیت را مبنای داوری قرار می‌دهد. این الگو نمونه‌ای از اقناع شناختی است که بر بیدارسازی فطرت عقلانی انسان استوار است و مخاطب را به بازاندیشی در باورهای باطل فرا می‌خواند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۱۴، ص ۴۲۴؛ قرائتی، ۱۳۹۱، ج۵، ص ۴۷۰).

کدگذاری:

- واحد معنایی: ابراهیم با شجاعت و استفاده از استدلال عقلانی، پوچی بت‌پرستی را در جامعه منحرف آشکار می‌کند.
- مضمون اولیه: شجاعت ابراهیم در نقد عقلانی باورهای باطل.
- مضمون فرعی: استفاده از استدلال و نقد عقلانی.

٤-١-٩. انعام ۷۹

«إِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِیفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِینَ؛ من روی خود را به سوی کسی گرداندم که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، با گرایش کامل به سوی او، و من از مشرکان نیستم».

ابراهیم علیه‌السلام با مناظره‌ای تدریجی درباره ستاره، ماه و خورشید، ناپایداری و زوال‌پذیری آن‌ها را دلیل بر بطلان ربوبیتشان معرفی می‌کند. نتیجه این فرایند عقلانی در

آیه ۷۹ سوره انعام بیان می‌شود که او تنها به خدای یکتا روی می‌آورد. این شیوه، نمونه‌ای از اقناع شناختی است که بر برهان عقلی و تجربه محسوس استوار است (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج۳، ص ۳۱۵؛ قرائتی، ۱۳۹۱، ج۲، ص ۴۹۵).

کد گذاری

- واحد معنایی: قرآن با نمایش مناظره ابراهیم علیه‌السلام، اقناع شناختی را از طریق برهان عقلی و مقایسه تدریجی محقق می‌سازد.
- مضمون اولیه: استفاده از استدلال منطقی و نفی امور زوال‌پذیر در اثبات توحید.
- مضمون فرعی: بیان استدلال عقلانی و مناظره تدریجی.

٤-١-١٠. انبیاء ۷۹

«فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا؛ و ما [حکم درست] را به سلیمان فهماندیم، و به هر یک [از داوود و سلیمان] حکمت و دانشی عطا کردیم».

ماجرای قضاوت داوود و سلیمان علیهماالسلام بیانگر آن است که عقلانیت و عمق فهم می‌تواند راه‌حل‌های عادلانه‌تری را برای مسائل پیچیده فراهم سازد. قرآن با تأکید بر «فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ» نشان می‌دهد که داوری صحیح نیازمند تعقل و الهام الهی است، و همین نکته مبنای اقناع شناختی در این آیات به شمار می‌رود (قرائتی، ۱۳۹۱، ج۵، ص ۴۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۳، ص ۱۸۱).

کد گذاری

- واحد معنایی: فرایند اقناع شناختی در داستان داود و سلیمان علیهماالسلام بر اهمیت فهم عمیق، عقلانیت و تحلیل علمی در حل مسائل و مدیریت مسائل فردی و اجتماعی تأکید دارد.
- مضمون اولیه: به‌کارگیری علم و عقلانیت برای ارائه راه‌حل عادلانه و مدیریت مؤثر زندگی فردی و اجتماع.
- مضمون فرعی: بیان اهمیت تکیه بر حکمت و علم.

بررسی آیات نشان داد که قرآن در اقناع شناختی رویکردی نظام‌مند دارد که بر الگوهای عینی، روایت‌های تاریخی و استدلال عقلانی تکیه می‌کند. سه محور اصلی این اقناع عبارت‌اند از: معرفی اوصاف الگوها (مانند صفات پیامبران و مؤمنان)، نمایش سنت‌های الهی (چون پاداش صبر یا پذیرش توبه)، و تکیه بر استدلال و حکمت (نمونه‌هایی چون مناظرات ابراهیم یا داوری سلیمان). این سه رکن، عقل مخاطب را فعال کرده و او را به تدبر معرفتی و تبعیت عملی از الگوها دعوت می‌نماید.

٤-۲. اقناع‌سازی احساسی مخاطب

در فرایند اقناع، احساسات نقش محوری در جهت‌دهی به باور و رفتار انسان دارند.

قرآن کریم با روایت داستان‌ها و معرفی الگوهای عاطفی، از ظرفیت همدلی، شفقت، ترحم، امید و تحسین استفاده می‌کند تا مخاطب را به پذیرش پیام الهی ترغیب کند. در این شیوه، مخاطب نه صرفاً با عقل، بلکه با دل و تجربه‌ی احساسی قانع می‌شود.

٤-٢-١. قصه مادر موسی (قصص، ٧-١٣)

«فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللهِ حَقٌّ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس او را به مادرش بازگرداندیم تا دیده‌اش روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده خدا حق است؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

این آیات با روایت دل‌نگرانی و امید مادر موسی علیه‌السلام، تجربه‌ای عاطفی خلق می‌کنند که مخاطب را به همذات‌پنداری وامی‌دارد. این فراز، اقناع احساسی را شکل می‌دهد؛ زیرا ایمان و اطمینان، از راه لمس عاطفه مادری و وفای الهی منتقل می‌شود (طباطبایی، ١٣٨٣، ج١٦، ص ١٣).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با استفاده از روایت احساسی و الگوهای مادرانه، مخاطب را به همذات‌پنداری و اعتماد قلبی به وعده‌های الهی وامی‌دارد.
- مضمون اولیه: برانگیختن حس همذات‌پنداری خواننده، با اضطراب و آرامش مادر موسی علیه‌السلام.
- مضمون فرعی: برانگیختن حس همذات پنداری مخاطب با الگو.

٤-٢-٢. انصار (حشر، ٩)

«وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ؛ و کسانی [از انصار] که پیش از [مهاجران] در سرای [هجرت] و ایمان جای گرفتند، کسانی را که به سوی ایشان هجرت کردند دوست دارند، و در دل خود نیاز و چشم‌داشتی نسبت به آنچه به مهاجران داده شده نمی‌یابند، و آنان را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خود به شدت نیازمند باشند».

قرآن، انصـــار را با ویژگی های محبت، ایثار و پاکی درونی معرفی می کند. این توصـیف، تحســین و اشــتیاق مخاطب را برمی‌انگیزد و او را به همذات‌پنداری با الگوی ایثار و محبت صـادقانه دعوت می کند. تمرکز بر فداکاری در اوج نیاز، اقناع احسـاسـی ایجاد می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۵، ص ۱۴۳).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با معرفی انصـار، حس تحسـین مخاطب را برانگیخته و او را به ایثار و محبت صادقانه دعوت می کند.
- مضمون اولیه: برانگیختن حس تحسین مخاطب نسبت به ایثار الگوها در اوج نیاز.
- مضمون فرعی: برانگیختن حس همذات‌پنداری مخاطب با الگو.

٤-٢-٣. وسوسه زلیخا و مقاومت یوسف (یوسف، ٢٤)

«وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (و در حقیقت، آن زن قصـد او کرد، و او نیز قصـد او می کرد اگر برهان پروردگارش را نمی‌دید. این چنین کردیم تا بدی و زشتی را از او بازگردانیم. بی‌تردید او از بندگان مخلص ما بود.)

این روایت پرتنش، با نمایش مقاومت یوســف در برابر وســوســه و بیان «معاذالله»، مخاطب را به تحســین پاکدامنی و تقوا ســوق می‌دهد. تمرکز بر لحظه تصــمیم‌گیری و پایبندی به تقوا، اقناع احساسی ایجاد می کند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۱۱، ص ۱۶۵).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با نمایش یک موقعیت پرتنش و احســاســی، مخاطب را به تحسین و پذیرش عفاف و مقاومت در برابر وسوسه اقناع می کند.
- مضــمون اولیه: معرفی عفاف به عنوان یک ارزش اقناعی از طریق نمایش موقعیت پرتنش و دراماتیک حضرت یوسف علیه‌السلام.
- مضمون فرعی: برانگیختن احساس ترس از سقوط.

٤-٢-٤. آسیه همسر فرعون (تحریم، ١١)

«وَضَـــرَبَ اللهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِندَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛ و خدا برای کســـانی که ایمان آورده‌اند، زن فرعون را مَثَل زد؛ آنگاه که گفت: «پروردگارا، برای من نزد خودت خانه‌ای در بهشت بنا کن، و مرا از فرعون و کارهایش نجات ده، و مرا از قوم ستمکار رهایی بخش».

دعای کوتاه و خالصانه آسیه در اوج قدرت و شکنجه، الگویی عاطفی از استقامت و ایمان می‌آفریند. این آیه بی‌آنکه اســـتدلال عقلانی بیاورد، دل مخاطب را با تحســـین و همدلی جذب می‌کند (قرائتی، ١٣٩١، ج١٠، ص ١٣٩).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن ایمان آســیه را در اوج قدرت و شــکنجه، با دعای عاشــقانه و بریدن از تعلقات ناسالم، به‌عنوان الگوی استقامت معرفی می‌کند.
- مضمون اولیه: بیان دعای «رَبِّ ابْنِ لِي عِندَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ» به‌عنوان عصاره‌ی ایمان و عاطفه.
- مضمون فرعی: برانگیختن تحسین و همدلی نسبت به الگوی استقامت در برابر ظلم.

٤-٢-٥. عبادالرحمن (فرقان، ٦٣).

«وَعِبَادُ الرَّحْمانِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ و بندگان [ویژه] خدای رحمان کسانی‌اند که بر زمین با تواضع راه می‌روند، و چون نادانان با آنان سخن گویند، [با بزرگواری] سلام می‌گویند».

آیه با تصویر راه رفتن فروتنانه و پاسخ آرام به جاهلان، الگویی عاطفی از آرامش و کرامت می‌سازد. این شخصیت‌پردازی لطیف، میل مخاطب را به الگوگیری برمی‌انگیزد (طباطبایی، ١٣٨٣، ج١٥، ص ٣٣١).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با تصــویرســازی از عبادالرحمن، اقناع احســاســی را از طریق بازنمایی رفتار فروتنانه و پاسخ مسالمت‌آمیز به جاهلان محقق می‌سازد.

- مضمون اولیه: شخصیت‌پردازی لطیف و آرام از بندگان خدا.
- مضمون فرعی: برانگیختن میل مخاطب به الگوگیری از آرامش، کرامت و فروتنی عبادالرحمن.

٤-٢-٦. مؤمن آل فرعون (غافر، ٣٠)

«وَقَالَ الَّذِی آمَنَ یَا قَوْمِ إِنِّی أَخَافُ عَلَیْکُمْ مِثْلَ یَوْمِ الْأَحْزَابِ؛ و آن مرد مؤمن گفت: ای قوم من! بی‌تردید من بر شما از روزی مانند روز [عذاب] گروه‌ها می‌ترسم».

این آیه نمونه‌ای برجسته از اقناع احساسی است. مرد مؤمن با بیان نگرانی و دلسوزی برای قوم خود، اضطراب اخلاقی و عبرت تاریخی را یادآوری می‌کند و مخاطب را نسبت به پیامبران و پیام الهی حساس می‌سازد. تأکید بر ترس و هشدار، همدلی و وجدان جمعی را فعال می‌کند (مکارم شیرازی، ١٣٧٤، ص ٢٦٩).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن در این آیات از همدلی، اضطراب اخلاقی و عبرت تاریخی برای ایجاد اثر احساسی در مخاطب استفاده کرده است.
- مضمون اولیه: هشدار خیرخواهانه با یادآوری پیامدهای تاریخی برای بیدارکردن وجدان و احساس مسئولیت مخاطب
- مضمون فرعی: برانگیختن حس دلسوزی مخاطب

٤-٢-٧.گفت‌وگوی ابراهیم با پدر (مریم، ٤٧)

«قَالَ سَلَامٌ عَلَیْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّی إِنَّهُ كَانَ بِی حَفِیًّا؛ ابراهیم گفت: سلام بر تو، به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می‌خواهم؛ زیرا او همواره نسبت به من بسیار نیکوکار و مهربان است».

گفت‌وگوی ابراهیم با پدرش در سوره مریم نشان می‌دهد او در برابر تهدید خشونت‌آمیز، با احترام و محبت پاسخ می‌دهد. آیه ۴۷ با عبارت «سلامٌ علیک» و اشاره به آمرزش الهی، فضیلت اخلاقی و اقناع عاطفی را برجسته می سازد. این سیاق مخاطب را به همذات‌پنداری

با ابراهیم و درک ارزش احترام و دلسوزی دعوت می‌کند (قرائتی، ۱۳۹۱، صص ۲۷۲–۲۷۶).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با بازنمایی گفت‌وگوی محبت‌آمیز ابراهیم با پدرش، اهمیت اقناع احساسی از راه احترام و دلسوزی را برجسته می‌کند.
- مضمون اولیه: ابراهیم با خطاب محبت‌آمیز و پاسخ آرام، قلب مخاطب را هدف می‌گیرد.
- مضمون فرعی: برانگیختن احساس محبت و احترام.

٤-٢-٨. بهترین امت (آل‌عمران، ۱۱۰)

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ...؛ شما بهترین امتی هستید که [برای اصلاح جوامع انسانی] پدیدار شده‌اید، به کار شایسته و پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند و زشت بازمی دارید، و [از روی تحقیق، معرفت، صدق و اخلاص] به خدا ایمان می‌آورید...».

آیه با ستایش امت اسلامی به‌عنوان «خیر امت»، حس ارزش‌مندی و عزت نفس را در مخاطب برمی‌انگیزد و او را به ایمان و مسئولیت اجتماعی ترغیب می‌کند (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج۲، ص ۲۰۹).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با ستایش امت اسلامی به عنوان بهترین امت، احساس عزت و افتخار را در مخاطب برمی‌انگیزد و او را به ایمان و مسئولیت اجتماعی ترغیب می‌کند.
- مضمون اولیه: تحریک احساس ارزشمندی و افتخار به‌عنوان انگیزه‌ای برای پایبندی به ایمان و مسئولیت اجتماعی
- مضمون فرعی: برانگیختن عزت نفس و هویت جمعی افراد

٤-٢-٩. برادری ایمانی (حجرات، ۱۰)

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند؛ بنابراین [در همه نزاع‌ها و اختلافات] میان برادرانتان صلح

و آشتی برقرار کنید، و از خدا پروا نمایید که مورد رحمت قرار گیرید».

این آیه با تعبیر «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» پیوندی خانوادگی و عاطفی میان مؤمنان ایجاد می‌کند که مخاطب را به صلح و اصلاح روابط ترغیب می‌سازد (قرائتی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰).

کدگذاری

- واحد معنایی: مؤمنان یک خانواده‌ی ایمانی‌اند که با اصلاح روابط، رحمت الهی را تجربه می‌کنند.
- مضمون اولیه: مؤمنان به‌مثابه برادران یکدیگر.
- مضمون فرعی: بازنمایی پیوند خانوادگی میان مؤمنان و برانگیختن غرور جمعی.

٤-٢-١٠. بیعت رضوان (فتح، ١٨)

«لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا؛ یقیناً خدا از مؤمنان هنگامی که زیر آن درخت [که در منطقه حدیبیه بود] با تو بیعت می‌کردند خشنود شد، و خدا آنچه را [از خلوص نیّت و پاکی قصد] در دل هایشان بود می‌دانست، درنتیجه آرامش را بر آنان نازل کرد، و پیروزی نزدیکی را [که پیروزی در خیبر بود] به آنان پاداش داد».

این آیه در سیاق آیات ۱۸ تا ۲۰ سوره فتح آمده و در جریان بیعت مؤمنان زیر درخت حدیبیه و وعده غنایم و پیروزی‌ها قرار دارد. در این آیات، رضایت و تأیید الهی به‌طور مستقیم اعلام می‌شود و این تأیید موجب آرامش قلبی و تقویت امید جمعی مؤمنان می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۱۸، ص ۴۲۵).

کدگذاری

- واحد معنایی: خداوند با اعلام رضایت خود از بیعت‌کنندگانِ حدیبیه، وفاداری آنان را تأیید کرده و آرامش و امید را در دل‌هایشان نازل می‌سازد.
- مضمون اولیه: تأیید مستقیم خداوند بر عمل مؤمنان موجب ایجاد عزت، سکینه و اعتماد به آینده در آنان می‌شود.
- مضمون فرعی: تقویت آرامش و امید در مخاطب

اقناع احساسی در قرآن با فعال سازی عواطف و احساسات گوناگون، قلب و روح مخاطب را درگیر می‌کند. این اقناع در سه مقوله کلیدی خلاصه می‌شود:

- برانگیختن همدلی، احترام و همذات‌پنداری توسط الگوها: همذات‌پنداری با مادر موسی، تحسین ایثار انصار و همدردی با مؤمن آل‌فرعون نشان می‌دهد عواطف انسانی پلی برای پذیرش پیام الهی‌اند.
- ایجاد انذار و امید و شوق: ترس از سقوط اخلاقی در داستان یوسف و شوق به الگوگیری از عبادالرحمن بیانگر تعادل میان بیم و امید است.
- تقویت هویت جمعی و تقویت احساس در این ارتباط: آیاتی مانند «مؤمنان برادرند» و «شما بهترین امتید» عزت نفس و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کنند.

٤-٣. اقناع رفتاری

اقناع رفتاری، رویکردی اســت که در آن رفتار، خود به‌عنوان ابزار اقناع به کار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که مخاطب با مشــاهده و تقلید الگوهای رفتاری، پیام را می‌پذیرد. قرآن کریم با ارائه‌ی الگوهای عملی، توصیه‌های رفتاری، داستان پیامبران و نظام تشویق و تنبیه، مخاطب را فراتر از شناخت و احساس، در عرصه عمل و سبک زندگی به ارزش‌های الهی سوق می‌دهد.

٤-٣-١. سوره نور، آیه ٢٦

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ؛ زنان پلید برای مردان پلید، و مردان پلید برای زنان پلیدند؛ و زنان پاک برای مردان پاک، و مردان پاک برای زنان پاک‌اند. آنان از آنچه [تهمت‌زنندگان] می‌گویند، مبرّا هستند؛ برای ایشان آمرزش و روزی‌ای نیکوست».

این آیه با معرفی دو گروه «طیبین» و «خبیثین» الگویی تقابلی ارائه می‌دهد و نشــان می‌دهد که رفتار پاک و ناپاک، ســرانجامی متفاوت در اجتماع و آخرت دارد؛ طیبین به برائت، مغفرت و رزق کریم می‌رسند (طباطبایی، ١٣٨٣، ج١٥، ص ١٣٧؛ قرائتی، ١٣٩١، ج٦، ص ١٦٨).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با ترســیم دوگانه‌ی رفتاری «طیب» و «خبیث»، انســان را به انتخاب رفتار پاک در روابط اجتماعی و فردی اقناع می‌کند.
- مضمون اولیه: الگودهی رفتاری از طریق مقایسه‌ی مثبت (طیب) و منفی (خبیث) و نمایش پیامدهای اجتماعی و اخروی هر یک.
- مضمون فرعی: بازنمایی تقابل «طیب/خبیث»

٤-٣-٢. سوره حجرات، آیه ٣

«إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِندَ رَسُولِ اللهِ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ؛ به یقین کسانی که صدای خود را نزد رسول خدا فرو می‌آورند، همانان‌اند که خدا دل‌هایشان را برای تقوا آزموده است؛ برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است».

آیات ۲ و ۳ سوره حجرات بر ادب گفتاری در محضر پیامبرﷺ تأکید دارند؛ بلندکردن صدا تقبیح و آرام سخن‌گفتن نشانه تقوای درونی معرفی می‌شود. این چینش تهدید و پاداش الگویی از اقناع رفتاری است که رفتار بیرونی را به تقوای قلبی پیوند می‌زند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۱۸، ص ۴۵۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۹، ص ۱۵۸).

کدگذاری:

- واحد معنایی: مؤمنان با رعایت ادب در برابر پیامبر، تقوای درونی خود را آشکار می‌سازند.
- مضمون اولیه: ترکیب نهی دستوری، اسوه‌سازی ایجابی و اعتباربخشی درونی برای هدایت رفتار مؤمنان.
- مضمون فرعی: نمایش رعایت ادب با بزرگان.

٤-۳-۳. سوره توبه، آیه ۱۰۰

«وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ...؛ و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که به نیکی از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود است و آنان نیز از خدا راضی‌اند؛ و برای آنان بهشت‌هایی فراهم کرده که از زیر آن نهرها جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند؛ این است رستگاری بزرگ».

آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره توبه دو گروه مؤمنان را معرفی می‌کنند: بادیه‌نشینانی با انفاق خالصانه و مهاجران و انصارِ پیشگام در ایثار. قرآن با تمجید و وعده رضایت الهی، الگویی سلسله‌مراتبی از ایمان و عمل ارائه می‌دهد که رفتار نسل‌های بعدی را هدایت می‌کند. واحد معنایی آیه بر الگوگیری تاریخی و پیوستگی ایمان و عمل استوار است (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۹، ص ۵۰۴).

کدگذاری:

- واحد معنایی: مخاطب از طریق پیروی از الگوهای سلسله‌مراتبی نسل اول مسلمانان، به رفتار مؤمنانه و رضایت الهی دست می‌یابد.

- مضمون اولیه: الگوگیری از مهاجران نخستین، انصار و پیروان نیکوکار آنان به صورت سلسله مراتبی.
- مضمون فرعی: نمایش پیوستگی ایمان و عمل در سلسله مراتب الگوها.

٤-٣-٦. سوره فتح، آیه ٢٩

«مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ... ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ...؛ محمد، فرستاده خداست؛ و کسانی که با اویند، در برابر کفار سختگیر و در میان خود شان مهربان‌اند. آنان را می‌بینی که در حال رکوع و سجودند، در حالی که همواره فضل و رضوان خدا را می‌جویند. نشانه‌ی آنان در چهره‌شان از اثر سجده پیداست... این است توصیف آنان در تورات، و وصفشان در انجیل...».

آیه، یاران پیامبر را با ویژگی‌های فردی و اجتماعی (سخت‌گیری بر کفار، مهربانی درونی، عبادت خالصانه) معرفی می‌کند. این تصویر عینی و چندوجهی اقناع رفتاری ایجاد می‌کند؛ زیرا مخاطب می‌تواند نشانه‌های الگو را در زندگی روزمره مشاهده کند (طباطبایی، ١٣٨٣، ج ٢٠، ص ٢٧۶).

کدگذاری:

- واحد معنایی: خداوند با معرفی یاران پیامبر به‌عنوان الگوهای عینی، ایمان را از مرحله باور قلبی به عرصه رفتارهای فردی، اجتماعی و عبادی می‌کشاند.
- مضمون اولیه: ایمان حقیقی در قرآن تنها با اعتقاد قلبی تعریف نمی شود؛ بلکه در کنش‌های روزمره و روابط اجتماعیِ قابل مشاهده متجلی می‌گردد.
- مضمون فرعی: نمایش الگوهای عملی چند وجهی.

٤-٣-٧. سوره تحریم، آیه ١٢

«وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَ صَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَ كَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ؛ و [نیز] مریم دختر عمران را [مثل زده است]، همان که

پاکدامنی خود را حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدیم، و او سخنان پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد، و از فرمان‌برداران بود».

آیات ۱۰ تا ۱۲ سوره تحریم با مقایسه دو دسته الگو، همسران نوح و لوط را نمونه بی‌ایمانی و آسیه و مریم را نمونه ایمان و نجات معرفی می‌کنند. این تقابل نشان می‌دهد ارزش انسان در رفتار و تصمیم فردی است، نه جایگاه خانوادگی یا اجتماعی. انتخاب مریم به‌عنوان الگوی مثبت، کدهای «مقایسه تقابلی» و «الگوی رفتاری فردی» را برجسته می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۲۴، ص ۳۶۹).

کدگذاری:

- واحد معنایی: ارزش انسان در رفتار و انتخاب‌های فردی اوست، نه در جایگاه خانوادگی.
- مضمون اولیه: تضاد الگوهای مثبت و منفی.
- مضمون فرعی: مقایسه تقابلی.

٤-٣-٨. سوره اعراف، آیه ۱۷۰

«وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ؛ و آنان که به کتاب [آسمانی] تمسک جویند و نماز را برپا دارند [سزاوار پاداشند]؛ یقیناً ما پاداش اصلاح‌گران را ضایع نمی‌کنیم».

این بخش از سوره اعراف سرگذشت بنی‌اسرائیل را روایت می‌کند؛ گروهی با نافرمانی گرفتار عذاب شدند و گروهی با نهی از منکر و پایبندی به کتاب خدا نجات یافتند. در آیه ۱۷۰، اصلاح‌گران واقعی کسانی معرفی می‌شوند که به کتاب و نماز تمسک دارند و وعده اجر قطعی دارند. این ساختار هم تمجید مقایسه‌ای و هم کدهای رفتاریِ پایبندی عملی را برجسته می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۸، ص ۳۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۰).

کدگذاری:

- واحد معنایی: پایبندی به کتاب خدا و اقامه نماز موجب اصلاح فرد و جامعه می‌شود.

- مضمون اولیه: تمسک به کتاب الهی و برپایی نماز، نشانه اصلاح‌گری و زمینه‌ساز نجات.
- مضمون فرعی: تمجید مقایسه‌ای.

٤-٣-٩. سوره انسان، آیه ٨

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا؛ و غذای خویش را با وجود علاقه به آن، به مسکین و یتیم و اسیر می‌بخشند».

این آیه در بستر آیات ۷ تا ۱۰ سوره انسان قرار دارد که سیمای «ابرار» را ترسیم می‌کند؛ کسانی که هم وفای به نذر و هم خوف از قیامت را در عمل نشان می‌دهند. نقطه اوج این سیاق در آیه ۸ است که اطعام ایثارگرانه به نیازمندان (با وجود میل شخصی به غذا) همراه با اخلاص کامل در نیت بازنمایی می‌شود. این روایت قرآنی، کد رفتاری «ایثار» و «خدمت خالصانه برای رضای خدا» را تثبیت می‌کند و الگویی جاودانه برای مؤمنان می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۲۰، صص ۲۰۰-۲۰۶).

کدگذاری:

- واحد معنایی: قرآن با معرفی الگوی «ابرار»، رفتار ایثارگرانه و خالصانه در خدمت به نیازمندان را تبلیغ و تثبیت می‌کند.
- مضمون اولیه: ایثار در اطعام نیازمندان و انجام عمل خالصانه بدون چشم‌داشت.
- مضمون فرعی: بازنمایی الگوی ایثار.

٤-٣-١٠. سوره بقره، آیه ١٧٧

«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ... وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ... أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ نیکی آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت... ایمان آورد، انفاق کند، نماز برپا دارد، زکات دهد، وفای به عهد کند و در سختی‌ها صابر باشد؛ آنان همان راستگویان و پرهیزگارانند».

این آیه با رویکردی اصلاح‌گرانه، نیکوکاری را از سطح مناسک ظاهری به ایمان و عمل اجتماعی عمیق پیوند می‌دهد. به‌جای تقلیل آن به جهت‌یابی در نماز، مجموعه‌ای از رفتارهای عینی چون ایثار مالی، اســتقامت و پایبندی به عهد را معیار قرار می‌دهد و مخاطب را به تغییر نگرش و التزام عملی فرا می‌خواند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج۱، ص ٦٥٠؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷٤، ج۱، ص ۱۵۵).

کدگذاری:

- واحد معنایی: نیکوکاری واقعی در رفتارهای عینی مثل ایثار، وفای به عهد و صــبر متجلی می‌شود، نه در ظواهر عبادی.
- مضمون اولیه: جلوه‌گری نیکوکاری در ایثار مالی، وفای به عهد و صبر.
- مضمون فرعی: بازتعریف نیکوکاری در عمل و ایمان.

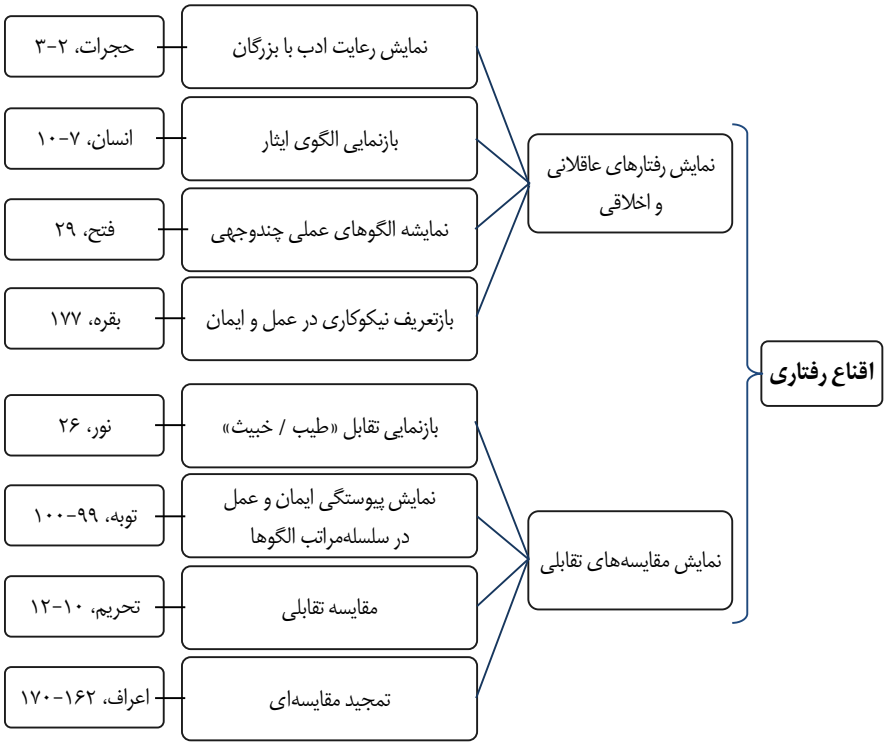

قرآن در حوزه رفتاری، دو شیوه‌ی اساسی را برای اقناع مخاطب به‌کار می‌گیرد:

- نمایش رفتارهای عاقلانه و اخلاقی: با تأکید بر ایثار، وفای به عهد، صبر و ادب، نشان می‌دهد که ایمان در رفتار روزمره متجلی می‌شود و الگوی عملی برای مؤمنان می‌سازد.
- نمایش مقایسه‌های تقابلی: با ترسیم دوگانه‌هایی چون مؤمن/کافر و طیب/خبیث، مخاطب را به بازشناسی جایگاه خود و انتخاب الگوهای مثبت دعوت می‌کند.

در مجموع، اقناع رفتاری قرآن هم پالایش فردی را تقویت می‌کند و هم انسجام اجتماعی را از طریق مقایسه‌های روشن میان الگوهای مثبت و منفی شکل می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بررسی آیات قرآن کریم نشان داد که روش اقناع مخاطب در سه سطح شناختی، احساسی و رفتاری، ساختاری جامع و چندبعدی دارد که بر محور «الگو» سامان یافته است. این ساختار، نه‌تنها ذهن مخاطب را به تفکر و تدبر فرا می‌خواند؛ بلکه قلب و عاطفه او را درگیر می‌سازد و درنهایت به کنش و رفتار عملی سوق می‌دهد.

در سطح شناختی، اقناع از سه مسیر اصلی شکل می‌گیرد: بیان ویژگی‌ها و اوصاف الگو که شفافیت و الگوپذیری را ممکن می‌سازد؛ بیان و نمایش سنت‌های الهی از طریق الگو که پیوند علت و معلولی میان عمل و پیامد را روشن می‌کند؛ و به کارگیری استدلال و حکمت توسط الگو که عقلانیت را به‌عنوان زیربنای پذیرش تقویت می‌نماید.

در سطح احساسی، اقناع بر ظرفیت‌های عاطفی انسان تکیه دارد: برانگیختن همدلی و احترام از طریق الگوها که پیوند روانی با شخصیت‌های قرآنی ایجاد می‌کند؛ ایجاد انذار و امید و شوق که تعادل عاطفی بیم و رجاء را می‌سازد؛ و تقویت هویت جمعی و احساس تعلق که پیوندهای اجتماعی را حول ایمان و ارزش‌های مشترک استوار می‌سازد.

در سطح رفتاری نیز قرآن، اقناع را از طریق کنش‌های عینی محقق می‌کند: نمایش رفتارهای عاقلانه و اخلاقی که ایمان را از سطح ذهنی به عرصه‌ی عمل می‌کشاند، و

نمایش مقایسه‌های تقابلی که مخاطب را در برابر انتخاب‌های واقعی میان الگوهای مثبت و منفی قرار می‌دهد.

در مجموع، این هشـــت مقوله نشـــان می‌دهند که قرآن با ارائه‌ی الگوهایی جامع و چندلایه، فرایند اقناع را از شـــناخت تا احســـاس و رفتار پیوند می‌زند. بدین ترتیب، اقناع قرآنی نه تنها یک روش ارتباطی، بلکه یک نظام تربیتی و فرهنگی اســـت که توانســـته است در طول سده‌ها مخاطبان خود را هدایت و همراه سازد.

منابع

* قرآن کریم

آقایوسفی، علیرضا؛ شقاقی، فرهاد؛ علیپور، احمد؛ کرباسی، منیژه؛ پناهی شهری، محمود؛ ارکانی، ابراهیم؛ زارع، حسین؛ مجدآبادی‌فراهانی، زهره؛ علی‌اکبری دهکردی، مهنازو پولادی، الله کرم. (۱۳۸۶). روان‌شناسی عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

افتخاری، اصغر؛ کاظمی، سیدمحمدصادق. (۱۳۹۵). مدل اقناع افکار عمومی در قرآن کریم؛ مطالعه موردی مواجهه با منافقین. پژوهش‌های راهبردی سیاست. ۳(۲۲)، صص ۹-۳۹.

اکبری، غلامحسین. (۱۴۰۱). نقش الگوهای قرآن در تربیت انسان. تهران: نشر کتاب.

اکبری، محسن. (۱۳۹۳). روش‌های اقناع در قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. گروه فرهنگ و ارتباطات. دانشکده دین و رسانه دانشگاه صداوسیما قم.

پارسا، محمد. (۱۳۸۳). زمینه نوین روانشناسی. تهران: بعثت.

حکیم‌آرا، محمدعلی. (۱۳۸۴). ارتباطات متقاعدگرایانه و تبلیغ. تهران: انتشارات سمت.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷) . لغت‌نامه دهخدا (چاپ دوم). تهران: موسسه انتشارات و چاپ تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۹۲). ترجمه فارسی مفردات راغب (مترجم: حسین خداپرست). تهران: نوید اسلام.

رزاقی، افشین. (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات اجتماعی. تهران: پیکان.

رئیسی‌وانانی، امین. (۱۴۰۱). تکنیک مقایسه و فرایند اقناعی در قرآن کریم و بهره‌گیری آن در برنامه‌های صداوسیما. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. گروه فرهنگ و ارتباطات. دانشکده دین و رسانه دانشگاه صداوسیما قم.

زیمباردو، پی. جی. و لیپه، ام. آر. (۱۹۹۱). روان‌شناسی تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی. فیلادلفیا: انتشارات دانشگاه تمپل.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰) . دایرة المعارف علوم اجتماعی (چاپ سوم). تهران: کیهان.
سورین، ورنر؛ تانکارد، جیمز. (۱۳۹۲). نظریه‌های ارتباطات (مترجم: علیرضا دهقان، چاپ دوم). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
شاه‌عبدالعظیمی، سیدحسین. (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری (ج۳). تهران: انتشارات میقات.
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۳). تفسیر المیزان (ج۱، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰، مترجم: محمدباقر موسوی). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
قرائتی، محسن. (۱۳۹۱). تفسیر نور (ج۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۰). تهران: مؤسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
کاملی، ابراهیم. (۱۳۹۶). اقناع در قرآن و شیوه‌های اجرایی آن. قم: مارینا
کدیور، پروین. (۱۳۸۵). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.
لیتل‌جان، استیفن. (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات. (مترجمان: سید مرتضی نوربخش و سیداکبر میرحسنی). تهران: جنگل.
محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۹۳). ارتباط‌شناسی. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران).
مرادی، حجت‌الله. (۱۳۸۴). اقناع‌سازی و ارتباطات اجتماعی. تهران: نشر ساقی.
مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (ج۱، ۲، ۳، ۵، ۹ و ۲۴). تهران: دارالکتب الاسلامیة.
مهدیان‌فر، رضا. (۱۳۹۹). ابراهیم علیه‌السلام الگوی تربیت موحدانه. مطالعات قرآن و حدیث سفینه، ۴(۶۹)، صص ۱۸۳-۱۹۳.
نصرتی، فهیمه. (۱۴۰۱). بررسی مدل اقناعی کارل هاولند از منظر قرآن کریم. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. گروه فرهنگ و ارتباطات. دانشکده دین‌ورسانه دانشگاه صداوسیما قم.

Islam and Social Studies
EISSN: 2676-7783
PISSN: 2345-5586

Investigation and Analysis of Non-Media Causes behind the Identity Challenges of Contemporary Iranian Adolescents*

Mahdi Nazari[1] **Hossein Rezaei**[2] **Seyyed Hesamoddin Hosseini**[3]

1. PhD Student in Cultural Policy-Making, Faculty of Culture, Social and Behavioral Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.
mahdinazari780404@gmail.com
2. PhD Student in Ethics, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran.
hosseini.he@gmail.com
3. PhD in Social Knowledge of Muslims, Faculty of Culture, Social and Behavioral Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (**Corresponding Author**).
dr.hosein.rezaei110@gmail.com

Abstract

Adolescence marks the beginning of an individual's conscious, choice-oriented encounter with the surrounding world and the structuring of personal identity. As its core research question, this study explores the causes behind the identity challenges faced by contemporary dual-spatial Iranian adolescents, with a specific emphasis on non-media factors. The methodology of this study is the qualitative method of thematic analysis. From the utilized sources, 112 rich codes were extracted for analysis. Following three stages of categorization, two macro-categories were identified: "Inefficiency and Deficiencies of the National Ecosystem of Identity Formation" and "Globalization of Culture and Global Production

* Nazari, Mahdi; Rezaei, Hossein; Hosseini, Seyyed Hesamoddin. (2025). Investigation and Analysis of Non-Media Causes behind the Identity Challenges of Contemporary Iranian Adolescents. *Islam and Social Studies*, *13*(4), pp. 127-158.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.70592.2116

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/08/16 ● **Revised:** 2025/09/27 ● **Accepted:** 2025/11/26 ● **Online Publication:** 2025/12/30

© 2025
authors retain the copyright and full publishing rights

and Distribution Networks of Identity Products." Under the first macro-category, ten meso-categories were identified: "adverse influences of peers and associates," "adverse influences of reference groups," "intergenerational gap and disconnection," "historical, literary, linguistic, ethnic, and familial roots in identity formation," "weakness of the family institution in shaping adolescent identity," "inefficiency of the education system in shaping adolescent identity," "weakness of the economic institution," "weak efficiency of the religious institution in shaping adolescent identity," "negative impacts of urban space on identity formation," and "governance models incompatible with proper identity formation." Under the second macro-category, four meso-categories were identified: "the global value supply chain for the production and distribution of identity-shaping content and the weakening of identity in countries of the Global South," "the industrialization of culture," and "the expansion of postmodern intellectual and cultural discourse and the weakening of foundational structures of identity."

Keywords
Thematic Analysis, Identity, Adolescence, Identity Formation, Causes.

اسلام و مطالعات اجتماعی
EISSN: ۲۶۷۶-۷۷۸۳
PISSN: ۲۳۴۵-۵۵۸۶

بررسی و تحلیل علل غیررسانه‌ای چالش هویت‌یابی نوجوانان ایران معاصر*

مهدی نظری[۱] حسین رضائی[۲] سید حسام‌الدین حسینی[۳]

۱. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران.
mahdinazari780404@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.
hosseini.he@gmail.com

۳. دکتری دانش اجتماعی مسلمین، دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران (**نویسنده مسئول**).
dr.hosein.rezaei110@gmail.com

چکیده

نوجوانی آغاز مواجهه‌ی آگاهانه انتخاب‌گرایانه‌ی فرد با جهان پیرامونی خود و ساماندهی به هویت شخصی است. در این تحقیق واکاوی علل چالش هویتی یابی نوجوان دوضایی ایران معاصر با تأکید بر عوامل غیررسانه‌ای به عنوان پرسش اصلی تحقیق پرداخته می شود. روش شناسی این پژوهش، روش کیفی تحلیل مضمون است. از منابع مورد استفاده جهت کدگذاری ۱۱۲ مضمون غنی استخراج شده که پس از سه مرحله مقوله‌بندی، دو کلان مقوله «ناکارامدی و نقایص زیست‌بوم ملی هویت‌یابی» و «جهانی‌شدن فرهنگ و شبکه‌های تولید و توزیع جهانی محصولات هویتی» شناسایی شد. در ذیل کلان مقوله اول، «تأثیرات نامطلوب معاشران و همسالان»، «تأثیرات نامطلوب گروه‌های مرجع»، «شکاف و انقطاع ارتباط بین‌نسلی»، «ریشه‌های تاریخی، ادبی، زبانی، قومی و خانوادگی در شکل‌گیری هویت»، «ضعف نهاد خانواده در

* نظری، مهدی؛ رضائی، حسین و حسینی، سید حسام‌الدین. (۱۴۰۴). بررسی و تحلیل علل غیررسانه‌ای چالش هویت‌یابی نوجوانان ایران معاصر. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۱۲۷-۱۵۸.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.70592.2116

نوع مقاله: پژوهشی؛ **ناشر:** پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵ ● **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۷/۰۵. ● **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ ● **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارندهٔ حق‌مؤلف مقالهٔ خود بدون محدودیت هستند»

هویت‌بخشی به نوجوان»، «ناکارامدی نظام آموزش و پرورش در هویت‌بخشی به نوجوان»، «ضعف نهاد اقتصاد»، «ضعف کارامدی نهاد دین در هویت‌بخشی به نوجوان»، «تأثیرات منفی فضای شهری در هویت‌بخ شی» و «الگوی حکمرانی نا سازگار با هویت‌یابی صحیح» به عنوان ده میان‌مقوله مورد شنا سایی قرار گرفت؛ همچنین ذیل کلان مقوله دوم، «جهانی‌شدن فرهنگ و شبکه های تولید و توزیع جهانی محصولات هویتی»، مقوله‌های «زنجیره تأمین ارزش جهانی تولید و توزیع محتوای هویت‌ساز و تضعیف هویت کشورهای جنوب ارتباطی»، «صنعتی‌شدن مقوله فرهنگ» و «گسترش گفتمان فکری و فرهنگی پست‌مدرن و تضعیف سازه‌های پایه‌ای هویت» به عنوان چهار میان مقوله شناسایی شد.

کلیدواژه‌ها

تحلیل مضمون، هویت، دوره نوجوانی، هویت‌یابی، علل.

۱. مقدمه و بیان مسأله

نوجوانی دوره‌ای پیچیده و حیاتی در زندگی انسان است که در آن، فرایند هویت‌یابی به عنوان یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین جنبه‌ها مطرح می‌شـــود. در این مرحله از زندگی، نوجوانان در تلاش هستند تا با شناسایی و تعریف خود، جایگاهشان را در جهان پیدا کنند. این فرایند، که با تغییرات جســـمی، روانی، و اجتماعی همراه اســـت، می‌تواند موجب بروز چالش‌ها و بحران‌های متعدد شود.

چالش‌های هویت‌یابی نوجوانان نه تنها شامل شناخت و پذیرش خود، بلکه همچنین مواجهه با انتظارات جامعه، خانواده، و دوســـتان می‌شـــود. در دنیای امروز که تحولات ســـریع و گســـترده در حوزه‌های گوناگون از جمله فناوری، فرهنگ، و ارتباطات جریان دارد، این چالش‌ها بیشتر از هر زمان دیگری برجسته می‌شوند.

گیدنز[1] معتقد است که جهان مدرن متأخر، به شدت بازتابی است. اطلاعات فراوانی مبادله می‌شـــود و از بازتاب این اطلاعات در زندگی و هویت افراد، هویت‌های جدیدی شـــکل می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۶۲). الگوهای هویتی در حال پیچیده‌تر شـــدن هســـتند، آن‌چنان‌که مردم در عین دفاع‌کردن از وفاداری‌های محلی، خواهان پیوســـتن به ارزش‌ها و ســـبک‌های زندگی جهانی هســـتند (Pieterse, 2009, p. 79). براین‌اســـاس، تعاملات در عرصه‌های مختلف از جمله جوامع گوناگون، می‌تواند سبک زندگی و الگوهای رفتاری جدیدی را شکل دهد (گیدنز، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹).

گستردگی، تنوع ابزار و سهولت دسترسی ارتباط با فضای مجازی، بازه سنی استفاده از آن را توسعه داده و بسامد تغییرات مختلفی را در سنین مختلف رقم زده است. از طرفی در نســـل نوجوان امروزی، این تحولات، با تغییرات تند و اجتناب‌ناپذیر ارتباطات رســـانه‌ای به گونه‌ای همراه شـــده اســـت که ابعاد شـــخصـــیتی نوجوان را هم در برگرفته و آنان را در جست‌وجوی سازه‌های جدید هویت اجتماعی و فرهنگی کشانده است تا جایی که سخن از هویت مجازی، زندگی دوم، خانواده دیجیتال و... به میان آمده است (قنبری آلانق، ۱۳۹۸).

1. Giddens

با وجود تأثیرات فزاینده‌ای که فضای مجازی و رسانه بر هویت‌یابی نوجوانان داشته و فرصت‌ها و تهدیدهای فراوانی که در فرایند هویت‌یابی نوجوانان به وجود آورده است، این عامل، تنها عامل مؤثر بر چالش‌های هویتی نوجوان ایرانی معاصر نبوده و عوامل غیررسانه‌ای نیز نقش مهمی در این چالش ایفا می‌کنند. شناخت این عوامل و تأثیرات آن‌ها، نقش بسزایی در مقابله با این چالش و اتخاذ رویکردی مناسب در مواجهه با آن دارد.

هدف این مطالعه، ارائه بینش‌هایی عمیق‌تر در زمینه واکاوی علل چالش هویت‌یابی نوجوان با تأکید بر عوامل غیررسانه‌ای است.

۲. پیشینه پژوهش

در سال‌های واپسین، پژوهش‌های قابل توجهی در زمینه شکل‌گیری هویت انجام شده است. برای مثال، در تحقیقی که توسط مارکویچ و همکاران (۲۰۱۷) انجام شد، به تأثیر ژنتیک و نقش محیط در شکل‌گیری هویت پرداخته شده است؛ همچنین، رقیبی و همکاران (۱۳۹۶) به مقایسه سبک‌های هویت و کیفیت دوستی در نوجوانان دختر و پسر شهرستان خاش پرداخته‌اند.

شریفی (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی به بررسی راهکارهای پرورش هویت اخلاقی نوجوانان در سبک زندگی خانواده اسلامی پرداخته است. در این راستا، پژوهشگری دیگر بر نقش حیاتی خانواده در شکل‌گیری هویت نوجوانان از طریق فرایندهای شناسایی تأکید کرده و بر لزوم ایجاد محیط‌های حمایتی خانوادگی برای ترویج توسعه هویت سالم تأکید می‌کند (Moguillansky, 2013).

همچنین، تحقیقی به تعامل پیچیده میان شکل‌گیری هویت آموزشی و سیستم آموزشی نوجوانان پرداخته و بر اهمیت درک این پویایی‌ها برای بهبود شیوه‌ها و سیاست‌های آموزشی تأکید دارد (Negru-Subtirica, 2024).

در پژوهش دیگری، لطف‌آبادی و نوروزی (۲۰۰۴) فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت دینی و ملی دانش‌آموزان را بررسی کرده و سه نوع نگرش منفعل، مخالف و فعال نسبت به پدیده جهانی‌شدن را شناسایی کرده‌اند.

لِمی‌آشوا[1] (۲۰۲۳) یک کاوش جامع از هویت سیال در زمان پست‌مدرنیسم ارائه داده و بی‌ثباتی، تنوع و تأثیر فناوری‌های دیجیتال را مورد بحث قرار داده است. این پژوهش، همچنین بریکولاژ[2] را به عنوان یک مکانیسم کلیدی در شکل‌گیری هویت معرفی می‌کند. آگاهی و احترام به ارزش‌ها، مسئولیت پذیری، ارتقای مهارت‌های ارتباطی جوانان و حضور فعال در فعالیت‌های مدنی و اجتماعی، از دیگر فرصت‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی است. پژوهش‌های انجام‌شده بیان‌گر آن هستند که تعهد به هویت ملی در نوجوانان که رسانه غالب آنها از نوع اجتماعی است، کمتر از نوجوانانی است که رسانه غالب آنان از نوع جمعی است (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰).

وجه تمایز و نوآوری این تحقیق در مقایسه با تحقیقات پیشین، به ویژه در زمینه مسئله مورد بررسی، تمرکز بر چالش‌های هویتی و تحلیل علل غیررسانه‌ای مؤثر در فرایند هویت‌یابی نوجوانان است؛ به بیان دیگر، این مطالعه به بررسی عمیق‌تر عوامل غیررسانه‌ای می‌پردازد که بر چالش هویت‌یابی نوجوان دوفضایی تأثیرگذارند. وجه دیگر از حیث روش، بهره‌گیری از مقالات مرتبط و مصاحبه با صاحب‌نظران به صورت ترکیبی بوده و از حیث نتایج ترسیم شبکه مفهومی علل و زمینه‌های شکل‌گیری این چالش‌ها با نگاه جامع و نتایج ۳۶۰ درجه می‌باشد.

۳. روش پژوهش

به منظور واکاوی علل چالش هویت‌یابی نوجوان دوفضایی واقعی - مجازی، در این تحقیق از روش تحلیل مضمون استفاده می‌شود. وجه اصلی به‌کارگیری این روش، استخراج کدهای غنی از میان مصاحبه‌ها و مطالعات است. بدین‌منظور ۵۰۰ مقاله مرتبط با مسئله، شناسایی[3] و از میان آنها ۵۰ مقاله برتر برگزیده شد و درنهایت متن مقالات

1. Lemiashova

۲. تجربه‌گری خلاق و به دنبال روش‌های غیرخطی.

۳. برای شناسایی مقالات در پایگاه‌های مقالات علمی فارسی‌زبان به منظور جستجو از کلیدواژه‌های هویت، نوجوان، فضای مجازی و کلمات مترادف آنها استفاده شد.

۵۰ گانه مورد کدگذاری و تحلیل مضـــمون قرار گرفت. ازآنجاکه تحولات و تغییرات نسـل جدید، پیچیده و پرشـتاب اسـت، به خصـوص تفاوت‌ها و چالش‌های جدی هویتی ظهوریافته در وقایع تاســف‌انگیز پاییز ۱۴۰۱، مقالات علمی کافی برای تجزیه و تحلیل آخرین تحولات وجود نداشت؛ لذا برای تکمیل داده‌های تحقیق از روش مصاحبه استفاده شد؛ بنابراین با ۱۵ نفر از صاحب‌نظران جامعه شنا سی، روان شنا سی، اخلاق، علوم تربیتی، فرهنگ و ارتباطات، فضـــای مجازی، مدیران صـــاح‌بنظر و دارای تجربه در ســـازمان‌های مرتبط با مسـئله مصـاحبه انجام گرفت و پیرامون پرسـش اصـلی این تحقیق گفتگو شـد. درنهایت داده‌های حاصل از مقالات و مصاحبه‌ها، کدگذاری و تحلیل مضمون شد.

روش تحلیل مضمون، یکی از شیوه‌های متداول تحلیل محتوای متنی و به عنوان یک روش اسـاسـی برای تحلیل کیفی در نظر گرفته می‌شـود. تحلیل مضـمون، روشـی برای شناخت، شنا سایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی ا ست (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۵۳).

مراحل انجام این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون عبارتند از:

- آشناشدن با داده‌ها
- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری
- جستجو و شناخت مضامین
- ترسیم شبکه مضامین
- تحلیل شبکه مضامین
- ادغام و یکپارچه‌کردن مجدد متن (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۵۷).

۴. چارچوب مفهومی

۴-۱. هویت

واژه «آیدنتیتی»[1] به معنای هویت از «آیدنتیتوس»[2] مشـــتق شـــده و همواره با دو مفهوم

1. Identity
2. Identities

متضاد تعریف می شود: همسانی و تفاوت. از طرفی این واژه، به سبب ظهور حوزه‌های معرفتی متفاوت، معناهای مختلفی یافته است؛ ازاین‌رو هویت از منظرهای متفاوت موردتوجه متفکران قرارگرفته است که می‌توان از منظر روان‌شناسی اجتماعی، رابطه هویت را نوعی رابطه بین شخصیت فرد و ساختار اجتماعی دانست. بدین‌معنا هویت نسبتی است که فرد بین عوالم ذهن خود و واقعیت زندگی برقرار می سازد (فیرحی، ۱۳۸۶، صص ۳-۴).

به‌هرحال سنگ بنای هویت را می‌توان در مفهوم «خود» جستجو کرد. اولین معنای آن، بیانگر مفهوم تشابه مطلق است و دومین معنای آن، به مفهوم تمایز اشاره دارد که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد؛ بنابراین مفهوم هویت به‌طور هم‌زمان میان افراد و اشیا دو نسبت محتمل را برقرار می‌سازد؛ ازیک‌طرف شباهت و از طرفی تفاوت (جنکینز، ۱۳۸۱، ص ۵).

اریکسون به‌عنوان نظریه‌پرداز هویت، تحول انسانی را در هشت مرحله توصیف می‌کند و بر اهمیت هویت «من» در نوجوانی تأکید دارد. او هویت را به‌عنوان انسجام درونی و یکسانی در طول زمان تعریف می‌کند که از طریق تعامل فرد با واقعیت اجتماعی و هماهنگی میان تصویر خود و انتظارات دیگران شکل می‌گیرد. اریکسون وفاداری را به‌عنوان فضیلت مرتبط با هویت می‌داند و تعهد به ارزش‌ها و عقاید را اساس هویت و یکی از وظایف کلیدی نوجوانی تلقی می‌کند (Erikson,1956).

مارسیا[1] (۲۰۰۷) هویت را با دو روند اصلی تعریف می‌کند: بحران و تعهد. بحران دوره‌ای از جستجوی هویت است که فرد درباره تقلیدهای گذشته، نقش‌ها و آرمان‌ها تأمل کرده و شکل‌های گوناگون هویت را آزمایش می‌کند. تعهد به تصمیم‌گیری‌های به نسبت پایدار در زمینه‌های هویتی و جهت‌دهی تلاش‌ها اشاره دارد. مارسیا با ترکیب وجود یا عدم بحران و تعهد، چهار پایگاه هویت را تعیین کرده است:

هویت موفق[2]: پایگاه فردی است که دوره‌ای از بحران را در پی یافتن نگرش‌های

1. Marcia
2. Identity Achievment

شخصی تجربه کرده و تعهداتی را به وجود آورده است. در این مرحله، فرد میان نیازهای درونی و خواست‌های اجتماعی، سازش برقرار می‌کند.

هویت دیررس (مهلت‌خواه)[1]: پایگاه فردی است که در حال حاضر در بحران است و جستجوی فعال و پرسش‌گری عمیق را در زمینه هویت تجربه می‌کند، اما هنوز به تعهداتی نرسیده است.

هویت زودرس[2]: پایگاه فردی است که بدون داشتن دوره‌ای از بحران و جستجو، تعهداتی را پذیرفته است که اساس آنها، تقلید و همانندسازی‌های دوران کودکی و ارزش‌های والدین است.

هویت مغشوش (سردرگم)[3]: این پایگاه به فردی اشاره دارد که نه دوره‌ای از بحران هویت را تجربه کرده و نه به تعهداتی رسیده است. او ممکن است درگذشته جستجوی هویت داشته، اما در حل آن توفیق نداشته و اکنون نیز نگرانی یا دل‌مشغولی در این زمینه ندارد.

مارسیا اعتقاد دارد که ساختار هویتی که به‌خوبی شکل‌گرفته باشد، انعطاف‌پذیر است و در برابر تغییرات اجتماعی و روابط، باز و گشوده است. این گشودگی موجب می شود که سازمان‌دهی‌های مجدد فراوانی در محتوای «هویت من» فرد در طول زندگی انجام گیرد.

هویت از حوزه‌های کلیدی و موردتوجه در فضای مجازی است. در ارتباط میان افراد، اولین مسئله ضروری برای درک و ارزیابی کامل یک تعامل، توجه به هویت آنان است؛ اما در دنیای مجازی این هویت مبهم و بسیاری از نشانه‌های شخصیتی و نقش اجتماعی که در فضای مجازی نمایان می‌شود با جهان فیزیکی واقعی تطابق ندارد (Donahue, & Benson, 1995, p. 1) (دوناس، ۱۹۹۸، ص ۱). فضای مجازی با مقوله شناوری هویت‌ها عجین است.

۴-۲. نوجوان

روان‌شناسان در زمینه تعریف نوجوانی اتفاق نظر ندارند، اما به‌طورکلی می‌توان گفت

1. Moratoriom
2. Foreclosure
3. Diffusion

نوجوانی دوره‌ای است بین کودکی و بزرگسالی که طول مدت آن بر حسب فرهنگ‌ها و محیط‌های مختلف، متفاوت است و حدوداً از ۱۱ تا ۲۰ سالگی ادامه دارد (نجفی علمی، ۱۳۸۹). در دستورالعمل‌های مراقبتی، گروه سنی نوجوان در بازه ۵ تا ۱۸ سال قرار داشته (ترابی و همکاران، ۱۴۰۰) و سازمان بهداشت جهانی، دوران نوجوانی را بین ۱۰ تا ۱۹ سالگی تعریف می‌کند (WHO, 2023).

۵. نتایج تحلیل مضمون و یافته‌های تحقیق

در کدگذاری اولیه بیش از ۱۱۲ مضمون غنی (از حیث محتوایی) در خصوص پرسش اصلی تحقیق استخراج شد. طی سه مرحله مقوله‌بندی، مقوله اولیه، میان مقوله و کلان مقوله درنهایت ذیل محور علل و زمینه‌های مربوط به علل و زمینه‌های چالش‌هویت‌یابی نوجوان ناشی از ناکارامدی زیست‌بوم دو کلان مقوله قرار گرفت و ذیل این دو مورد در مجموع ۱۴ میان مقوله دسته‌بندی شده است. در ادامه ضمن تبیین علل دوگانه چالش هویتی نوجوان، به مقولات میانی ذیل آن پرداخته می‌شود.

نمودار - شبکه مضامین علل و زمینه‌های چالش هویت‌یابی نوجوان ایرانی معاصر با تأکید بر علل غیررسانه‌ای

زیســـت‌بوم هو یت یابی نوجوان ایرانی، با چالش های متعددی روبروســـت. این عوامل نقش بســیار مهمی در چالش هویت‌یابی نوجوان دارند که مربوط به ناکارامدی و نقایص نهادهایی اســـت که پیش از گســـترش رســـانه‌های نوین هویت‌بخشـــی را بر عهده داشته‌اند.

مجموعه این عوامل قابل برر سی در دو بعد هستند. یک بعد آن مربوط به زیست‌بوم نوجوان در فضـای درون‌مرزی و ملی اسـت. بعد دیگر مسـئله مربوط به عوامل فراملی و نظام تحولات جهانی ا ست که فارغ از زیست‌بوم هویت‌یابی ملی و ناکارآمدی‌های آن، تأثیرات و تبعات خود را بر کل جهان بشـری گذاشـته اسـت و هویت‌یابی نوجوانان را با چالش مواجه کرده است.

۵-۱. ناکارامدی و نقایص زیست‌بوم ملی هویت‌یابی

یکی از مجموعه علل مهم در چالش‌های هویتی نوجوانان ناکارامدی زیست‌بوم ملی هویت‌یابی در جامعه ایرانیسـت. بخش عمده این زیسـت‌بوم شـامل نهادهای سـنتی مانند دین، خانواده، مدر سه، اقت صاد و گروه‌های اجتماعی ا ست که پیش از این نقش کلیدی در شـکل‌دهی به هویت نوجوانان داشـتند؛ اما اکنون با ضـعف‌ها و کاسـتی‌هایی روبرو هســتند که نتوانســته‌اند نیازهای جدید نســل نوجوان را به‌خوبی درک و پاســخ دهند و به‌طور مؤثر در شـــکل‌گیری هو یت نوجوا نان ایفای نقش کنند. این عوا مل به ایجاد بحران‌های هویتی در میان نوجوانان دامن زده است.

در ادامه به مقولات اســـتخراج شـــده در زمینه ناکارامدی و نقایص زیســـت‌بوم ملی هویت‌یابی پرداخته می‌شود:

۵-۱-۱. تأثیرات نامطلوب معاشران و همسالان

معا شران و همسالان یکی از رکن‌های کلیدی زیست‌بوم نوجوانان هستند و تعاملات آن‌ها می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی بر ر شد شخصیت و تو سعه هویت نوجوانان دا شته باشـد. تمایل به انطباق با انتظارات گروه و پذیرش در این جمع‌ها ممکن اسـت نوجوانان

را وادار کند تا ارزش‌ها و هنجارهای خود را که بخشی از هویتشان است، نادیده بگیرند. این تعاملات می‌تواند منجر به بروز رفتارهای ناسالم و ناهنجار شود؛ همچنین، مقایسه‌های اجتماعی و احساس ناکافی‌بودن در این روابط می‌تواند هویت نوجوانان را تحت‌الشعاع قرار دهد و عزت نفس و اعتماد به نفس آن‌ها را کاهش دهد. در این زیست‌بوم، نوجوانان به شدت تحت تأثیر نظرات و رفتارهای همسالان خود قرار دارند و این تأثیرات نامطلوب می‌تواند بر تصویر خودشان تأثیر گذاشته و آن‌ها را دچار بحران هویتی کند.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- امروزه معاشران و همسالان تاثیر نامطلوبی در هویت‌یابی نوجوان دارند (امین‌پور، ۱۳۹۰).

در پژوهش‌های انجام‌شده، به این موضوع پرداخته شده است که نوجوانان با عدم قطعیت زیادی در مورد هویت و رفتار خود مواجه هستند و به شدت به همسالان خود برای تثبیت احساساتشان روی می‌آورند (Hogg et al., 2011). والدین غالباً نگران تأثیر منفی همسالان بر فرزندانشان هستند و از احتمال رد ارزش‌ها و باورهای خانوادگی و فشار برای رفتارهای خطرناک نگرانند. با این حال، تأثیر همسالان پیچیده‌تر از تصورات کلیشه‌ای درباره تأثیرات منفی دوستان است (Rosario Guzman, 2007).

۵-۱-۲. تاثیرات نامطلوب گروه‌های مرجع

گروه‌های مرجع به مجموعه‌ای از گروه‌ها اطلاق می‌شود که افراد در تعاملات خود به آن‌ها توجه کرده و ارزش‌ها، رفتارها و سبک زندگی‌شان را به‌عنوان الگو و راهنما در نظر می‌گیرند، ؛ چراکه این گروه‌ها در میان مردم مقبولیت بیشتری دارند. در حال حاضر، با تنوع و تعدد گروه‌های مرجع مواجه هستیم. ارتباطات افراد با این گروه‌ها نیز از حالت یک‌سویه به رابطه‌ای دوسویه تغییر یافته است. در سال‌های واپسین، جایگاه گروه‌های مرجع در ایران دستخوش تغییراتی شده است. سیر تحول مرجعیت اجتماعی در دهه‌های گذشته از گروه‌های مرجع سنتی مانند روحانیون، دانشگاهیان، روشنفکران و نخبگان سیاسی به سمت نخبگان عمومی‌پسندتر مانند ورزشکاران، هنرمندان و چهره‌های رسانه‌ای (سلبریتی‌ها) حرکت کرده است. نوجوانان به شدت تحت تأثیر هنجارها و

ارزش‌های این گروه‌ها قرار می‌گیرند که چه بسا با رفتارها و نگرش‌های هویتی آنان ناسازگار باشند.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- باید توجه داشت که گروه‌های مرجع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز تاثیر نامطلوبی در هویت‌یابی نوجوان دارند (امین‌پور، ۱۳۹۰).

در تحقیقی اشاره شده است که گروه‌های مرجع می‌توانند هویت و ادراک فرد را، بیشتر به شکل منفی، با تقویت مقایسه‌های غیرواقعی شکل دهند (Gordon, et. al, 1978). در این شرایط، نوجوان با انتظارات غیر واقعی روبرو می‌شود که او را به رقابت‌های اجتماعی وادار می‌کند و در صورت عدم موفقیت، ممکن است به انزوای اجتماعی دچار شود؛ همچنین، گروه‌های مرجع ممکن است نوجوانان را به پذیرش ایدئولوژی‌هایی وادار کنند که با باورهای هویتی آنان در تضاد است. این مسائل می‌تواند منجر به سردرگمی هویتی نوجوانان شود و تلاش آن‌ها تنها معطوف به هم‌خوانی با انتظارات این گروه‌ها گردد.

۵-۱-۳. شکاف و انقطاع بین نسلی

شکاف بین نسلی به تعارض و بحران در انتقال فرهنگی میان نسل‌ها اشاره دارد که باعث بروز اختلاف در ارزش‌ها و هنجارها میان والدین و فرزندان می‌شود. این تغییر به ویژه در زمان دیجیتال به دلیل دسترسی آسان نوجوانان به اطلاعات و تجربیات متنوع است که به آن‌ها امکان می‌دهد با فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی مختلف آشنا شوند و از مرزهای سنتی خانواده و جامعه فراتر روند. این امر منجر به شکل‌گیری هویت‌های چندگانه و پیچیده‌تری در نوجوانان می‌شود که ممکن است با ارزش‌ها و باورهای نسل‌های قبلی در تضاد باشد.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- شکاف و انقطاع ارتباط بینانسلی فرایند هویت‌یابی نوجوان امروز را با بحران جدی مواجه کرده است (علی جانباز، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).

در تحقیقی اشاره شده است که این پدیده تا پیش از این در جامعه ایران به عنوان

یک موضوع جدی مطرح نبوده و تداوم الگوهای فکری مشابه در طول نسل‌ها از بروز فاصله و درگیری‌های بین نسلی جلوگیری کرده است. برخی جامعه‌شناسان این ناپیوستگی را ناشی از شکاف میان سنت و مدرنیته می‌دانند (Najafiasl, 2015).

۵-۱-۴. ریشه‌های تاریخی، ادبی، زبانی، قومی و خانوادگی در شکل‌گیری هویت

هر ملتی در طول تاریخ خود تحولات اجتماعی متعددی را تجربه می‌کند که هویت جمعی‌اش را شکل می‌دهد و افراد را به حفظ میراث فرهنگی ترغیب می‌کند. ادبیات به عنوان ابزاری برای بیان باورها و احساسات جامعه، نقش مهمی در ایجاد هویت فرهنگی دارد. زبان نه‌تنها و سیله‌ای برای ارتباط، بلکه حامل فرهنگ و هنجارهای اجتماعی است و زبان‌های محلی احساس تعلق به هویت فرهنگی را تقویت می‌کنند. هویت قومی، که فراتر از زبان و ادبیات است، در چالش‌های اجتماعی به عنوان منبع قدرت عمل می‌کند. بااین‌حال، هویت ایرانی-اسلامی به عنوان هویت مطلوب نوجوانان ایرانی با چالش‌هایی مواجه است.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- بخشی از چالش هویت‌یابی در ایران به ریشه‌های تاریخی، زبانی، قومی و فرهنگی کشور (از جمله تفاوت زبان رسمی و زبان مذهبی) برمی‌گردد (مهدی علیزاده، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).

در پژوهشی اشاره شده است که زمینه‌های تاریخی هویت از طریق خاطرات جمعی و پویایی فرهنگی شکل می‌گیرند و به تدریج از شناسایی مبتنی بر خویشاوندی به هویت‌های پیچیده‌تری مانند ملی و قومی تبدیل می‌شوند. ادبیات نقش مهمی در این فرایند دارد، ؛ زیرا روایات معمولاً نمایانگر مبارزات و آرزوهای افرادی هستند که در تلاشند هویت خود را در مواجهه با فشارهای اجتماعی تعریف کنند (Herzberger, 1998).

۵-۱-۵. ضعف نهاد خانواده در هویت‌بخشی به نوجوان

یکی از مهم‌ترین زیست‌بوم‌های هویت‌یابی نوجوانان، نهاد خانواده است. خانواده به

عنوان یک نهاد کلیدی، ارزش ها و الگو های رفتاری را به فرزندان منتقل می‌کند. حمایت‌های عاطفی از جمله ارکان اساسی برای جلوگیری از سردرگمی هویتی نوجوانان به شمار می‌رود که محیط امن خانواده آن را فراهم می‌آورد. متأسفانه در سال‌های واپسین، ارتباط مؤثر میان فرزندان و خانواده‌ها به تدریج کاهش یافته است و نوجوانان برای تأمین محبت و توجهی که نیاز دارند، به منابع دیگری غیر از خانواده روی می‌آورند. این وضعیت موجب می‌شود که هویت نوجوانان در زمینه‌های دیگری شکل بگیرد.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- ضعف نهاد خانواده در هویت‌بخشی به نوجوان، هویت‌یابی نوجوان را با چالش مواجه کرده است (محسن باقری، مصاحبه شفاهی (۱۴۰۲)؛ نعمتی و همکاران (۱۴۰۱)).

در یک پژوهش بیان شده است که اعطای هویت فرضی تحت عنوان «روند شناسایی» به تأثیرات والدین بستگی دارد و برای تعیین هویت نوجوانان بسیار حیاتی است. بااین‌حال، پویایی ناکارامد در خانواده می‌تواند مانع از پیشرفت این فرایند شود (Moguillansky, 2013).

۵-۱-۶. ناکارامدی نظام آموزش و پرورش در هویت بخشی به نوجوانان

مدرسه به عنوان یک زیست‌بوم فرهنگی نقش مهمی در هویت‌یابی نوجوانان دارد. اجزای مختلف نهاد مدرسه، از نظام آموزشی و تربیتی تا جو و بافت آن، به طور مستقیم بر هویت دانش‌آموزان تأثیر می گذارند. برنامه های درسی به طور عمده بر انتقال اطلاعات علمی تمرکز دارند و به مسائل اجتماعی و عاطفی که بر هویت نوجوانان تأثیر می‌گذارد، کمتر توجه می‌کنند؛ همچنین، محیط‌های آموزشی به طور معمول فضایی برای ابراز خلاقیت و خودآگاهی فراهم نمی‌کنند و این امر مانع رشد هویت فردی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود. نبود آموزش‌های مناسب در زمینه مهارت‌های زندگی، نوجوانان را در مواجهه با چالش‌های هویتی ناتوان می‌سازد.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- نهادهای رسمی هویت‌بخشی به خصوص نظام تعلیم و تربیت کشور ناکارامد بوده و دارای کاستی‌های است (صفری شالی و عبدمولایی، ۱۳۹۴).

تحقیقات نشان داده‌اند که در طول سال‌های تحصیلی، نوجوانان یاد می‌گیرند که خود را در زمینه تحصیل و آموزش قرار دهند و اهمیت نهادهای آموزشی را برای شکل‌گیری هویت خود درک کنند...(Negru-Subtirica, 2024). بسیاری از مدارس به‌ویژه برای دو سوم نوجوانان، ناکارامد و حتی ویرانگر هستند. نوجوانان معمولی تنها با مواجهه با چالش‌های واقعی زندگی، مانند کار و جنسیت، می‌توانند خود را پیدا کنند و رشد کنند. ارائه محتوای درسی تکراری و تقلیدی به آن‌ها بی‌فایده است و مدارس به نوعی به «قبرستان‌های آرزوها» تبدیل شده‌اند (Crittenden, 1981).

۵-۱-۷. ضعف نهاد اقتصاد

الگوی درآمدزایی متناسب با زیست‌جهان نسل نو در حال تغییر است و این تحول می‌تواند تأثیرات عمیقی بر فرایند هویت‌یابی آن‌ها بگذارد. پرسش از «من کیستم؟» به طور فزاینده‌ای به پرسش «من چه‌کاره‌ام؟» نزدیک می‌شود. احساس بی‌عدالتی و نارضایتی اقتصادی می‌تواند نوجوانان را به کنشگری‌های سیاسی و اجتماعی علیه نظام حاکم سوق دهد. این حس محرومیت نه‌تنها موجب کاهش اعتماد به نفس و خودباختگی در هویت فردی آن‌ها می‌شود، ؛ بلکه نبود امکانات لازم برای توسعه فردی و دسترسی به تفریح و آموزش، منجر به انزوا و چالش‌های هویتی نیز می‌گردد.

گزاره‌های مرتبط با این مقوله:

- الگوی نامطلوب اقتصاد خانواده‌ها و اشتغال هر دوی والدین توان هویت‌سازی نهاد خانواده و توان خودباوری نوجوانان را با چالش‌های جدی مواجه کرده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۸).
- الگوی اشتغال و درآمدزایی با گسترش فضای مجازی در حال تغییرات و تحولات جدی بوده، به‌گونه‌ای‌که پیشرفت پله‌ای مبتنی بر تجربه و تخصص جایگاه خود را از دست داده و سن ورود به بازارهای دیجیتال بسیار کاهش یافته است (سید محمد کاظمی، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).

- پول فاقد قدرت در کشور می‌تواند تأثیرات عمیق و منفی بر هویت نوجوانان داشته باشد (سید محمد کاظمی، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نوجوانان در غیاب الگوهای مثبت و ارزش‌های اجتماعی، مستعد پذیرش هویت‌های انحرافی اقتصادی هستند (Alexandrova, et al., 2020)؛ همچنین، شرایط اقتصادی مانند فقر، فرصت‌ها را محدود کرده و ننگ اجتماعی ایجاد می‌کند که شکل‌گیری هویت را پیچیده‌تر می‌کند (Phillips & Pittman, 2003).

۵-۱-۸. ضعف کارامدی نهاد دین در هویت‌بخشی به نوجوانان

نهاد دین یکی از ارکان مهم در هویت‌بخشی به نوجوانان است. ناکارامدی این نهاد می‌تواند منجر به سردرگمی و عدم ثبات در ارزش‌ها و باورهای نوجوانان شود. یکی از دلایل اصلی جستجوی هویت در منابع نامناسب، کم‌کاری نهاد دین در پاسخ به نیازهای روانی و اجتماعی نوجوانان است. مدرنیته چالش‌های جدیدی را در این زمینه ایجاد کرده و نبود توجه به پرسش‌های عمیق فلسفی و عدم ارائه پاسخ‌های مناسب، نوجوانان را از نهاد دین دور کرده است. این امر باعث می‌شود که آن‌ها به گروه‌ها و ایدئولوژی‌هایی روی بیاورند که ممکن است با ارزش‌های بنیادین جامعه‌شان در تضاد باشد و درنتیجه دچار بحران هویت شوند.

گزاره‌های مرتبط با این مقوله:

- ضعف در رویکرد اسلامی، ضلع ناکارامد دیگر نهادهای سنتی در هویت‌یابی را تشکیل می‌دهند (فرهاد فلاح، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).
- ضعف گروه‌ها و مراجع دینی در مواجهه با جهانی‌سازی فرهنگ مدرن از جمله علل چالش هویت‌یابی نوجوانان است (رفیعی حصار و سلیمانی، ۱۳۹۶).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دین و معنویت نقش مهمی در شکل‌دهی ارزش‌ها و کمک به نوجوانان در معنادادن به تجربیات روزمره دارند، که این امر بر نتایج رفتاری، آموزشی و روان‌شناختی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (Cleveland & Martin, 2024)؛

همچنین، مشخص شده است که سطح دینداری در سال‌های نوجوانی به طور متوسط کاهش می‌یابد (Donahue & Benson, 1995).

۹-۱-۵. تأثیرات منفی فضای شهری در هویت بخشی

حس تعلق به مکان، زمانی برا افراد رخ می‌دهد که فضاهای عمومی دارای روح و جان باشند تا احساس جدایی و بیگانگی نکنند. این گزاره تجربه زیسته افراد مختلفی است که در مکان‌های مذهبی چون حرم‌های مطهره و مساجد حضور داشته‌اند. بافت اقتصادی و اجتماعی کلان‌شهرها، به ویژه نابرابری‌های اجتماعی و توزیع ناعادلانه امکانات، بر هویت فرهنگی و جمعی تأثیر می‌گذارد. فضاهای شهری می‌توانند از طریق فرایندهایی مانند ننگ‌زدن ارضی و خصوصی‌سازی بر هویت تأثیر بگذارند و این موضوع به کاهش احساس تعلق در ساکنان، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای منجر می‌شود.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- آلودگی‌های زیست‌محیطی خود باعث کاهش کیفیت زندگی است و تاثیر نامطلوبی بر هویت اجتماعی افراد دارد. فضاها و کالبدهای شهری تأثیرات منفی در هویت‌یابی نوجوان دارند (سیدمحمد کاظمی، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).

در تحقیقی بیان شده است که ننگ‌زدن سرزمینی بر هویت ساکنان با ارتباط‌دادن آنها با برداشت‌های منفی از محله‌هایشان تأثیر می‌گذارد، که می‌تواند منجر به طرد اجتماعی و از دست‌دادن غرور جامعه شود (Slater, et al., 2014).

۱۰-۱-۵. الگوی حکمرانی ناسازگار با هویت‌یابی صحیح

الگوی توسعه کنونی کشور که شباهت زیادی به کشورهای غربی دارد، چالش‌هایی در هویت‌یابی نوجوانان ایجاد کرده است. این نوجوانان با مواجهه با تناقض‌های نظری و عملی، دچار خود باختگی فرهنگی می‌شوند و جهانی‌سازی را بدون تفکیک می‌پذیرند. حکمرانی ناسازگار با هویت‌یابی صحیح، نه‌تنها ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی را فراموش می‌کند، ؛ بلکه ممکن است به بحران هویتی در جامعه منجر

شـود. سـیسـتم مدیریتی که بر سـیاسـت‌های یکسـان‌سـازی و جهانی‌سـازی تأکید دارد، به تنوع فرهنگی و هویتی توجه کافی نداشـته و موجب نابرابری های اجتماعی و اقتصادی می‌شود.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- همخوان‌نبودن الگوی توسـعه در کشـور با مبانی فکری و دینی هویتی، هویت‌یابی نوجوان را دچار چالش می‌کنند (امین‌پور، ۱۳۹۰).

در یک پژوهش اشـاره شـده اسـت که دولت می‌تواند حکمرانی اقتدار سـیاسـی را تکه‌تکه کند و این موضوع باعث می شود که اشکال سنتی هویت سیاسی و شهروندی پیچیده‌تر شود و درنتیجه ارتباط فرد با بافت‌های اجتماعی قطع گردد (Jose, 2010).

۵-۲. نظام جهانی تحولات فرهنگی و شبکه‌های تولید و توزیع جهانی

جهانی‌شـدن و تحولات نظام فرهنگ جهانی، امروزه یکی از مهم‌ترین مسـائل فرهنگی کشـورهای جهانی اسـت. امروزه جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و هویت‌یابی در سراسر جهان، تحت تاثیر عامل بسیار مهمی تحت عنوان نظام جهانی تحولات فرهنگی و شبکه‌های تولید و توزیع جهانی محتوای رسانه‌ای و هویت‌ساز قرار گرفته است.

چنان‌چه در قبل گفته شد عوامل غیررسانه‌ای و فارغ از فضای مجازی که در زیست واقعی نوجوان هویت او را دچار چالش می‌کنند، از دو بعد قابل بررسی هستند. بعد اول که مربوط به زیسـت‌بوم هویت‌یابی نوجوان در فضـای ملی بود گذشـت. بعد دوم این عوامل مربوط به عوامل فراملی و نظام تحول جهانی اسـت. در موارد پیش‌رو به این عوامل پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. جهانی‌شدن فرهنگ و تهاجم فرهنگی

پذیرش بی‌قید و شـرط فرهنگ جهانی توسـط بخشـی از جامعه می‌تواند تبعات قابل توجهی داشته باشد، به ویژه در نادیده‌انگاری هویت ایرانی اسلامی که ریشه در دین و مرزهای سـرزمینی دارد. این وضـعیت چالش‌های هویتی متعددی را به وجود می‌آورد و

منجر به غرق‌شـــدن برخی افراد در فرهنگ جهانی می‌شـــود، ؛ جایی که تبادل و تعامل فرهنگی به حداقل می‌رســـد و امکان گفت‌وگو از میان می‌رود. در چنین فضـــایی، افراد به گروه‌های بسته‌ای تقسیم می‌شوند که تنها به ارزش‌ها و باورهای خود پایبند هستند، که این امر مانع از فهم متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز می شود. جهانی سازی فرهنگی، با ترویج یک فرهنگ استاندارد و غالب، مفهوم «دهکده جهانی» را به میان می‌آورد و موجب تبادل باورها و سنت‌ها می‌شود. این فرایند منجر به شکل‌گیری فرهنگ‌های هیبریدی می‌شود که ارزش‌ها و سنت‌های محلی را به چالش می‌کشد و ممکن است افراد را دچار بحران هویتی کند. درنتیجه، هویت‌های فرهنگی جدیدی شکل می‌گیرد که تمایزات سنتی را زیر سؤال می‌برد و هویت‌یابی نوجوانان را با چالش‌هایی مواجه می‌کند.

گزاره‌های مرتبط با این مقوله:

- انتقال فرهنگی حاصل از فرایندهای جهانی‌شدن می‌تواند به انسداد و گره‌خوردگی فرهنگ داخلی منجر شود (توانا و هاشمی‌اصل، ۱۳۹۴).
- این امر باید مورد توجه قرار گیرد که فرهنگ با تأثیرات ناخواســـته و ناســـاخته‌ای مواجه است (کوچکزائی و دیگران، ۱۳۹۷).
- انقلاب فناوری های ارتباطاتی و اطلاعاتی، تعامل و تأثیر و تأثّر فزاینده میان فرهنگ‌ها را در پی‌داشته است (توانا و هاشمی‌اصل، ۱۳۹۴).
- در راستای انطباق با فرهنگ جهانی، ریشه‌های فرهنگی افراد بریده شده و احساس تعلق به هویت های محلی از بین برود. با توجه به انفعال و عدم بازتولید فرهنگ درون (امین‌پور، ۱۳۹۰).

تحقیقات نشان می‌دهد که انسداد فرهنگی می‌تواند منجر به شکل‌گیری هویت‌های انحصـــاری و درنتیجه تفکیک عاطفی و زندگی های موازی شـــود. این وضـــعیت مانع از توســـعه حس مشـــترک شـــهروندی می‌شـــود و امکان بیان هویت‌های متنوع را محـدود می‌کنـد (Kolig, 2007). جهـانی شـــدن تـأثیرات عمیقی بر هویـت فرهنگی دارد و ادراکـات را تغییر می‌دهـد و تبـادل فرهنگی را تســـهیـل می‌کنـد. این فراینـد فرهنگ‌های محلی را غنی می‌کند، اما همچنین هنجارهای سنتی را به چالش می‌کشد و

به ظهور اشـــکال فرهنگی ترکیبی و ترکیب عناصـــر محلی و جهانی منجر می‌شـــود (Kerubo, 2024). ترکیب فرهنگ‌ها و هویت‌های جدید ناشی از این فرایند، تصورات سنتی درباره مرزهای فرهنگی را زیر ســـؤال می‌برد و ماهیت پویا و تعاملی فرهنگ را نمایان می‌سازد (Moslund, 2024).

۵-۲-۲. زنجیره تأمین ارزش جهانی تولید و توزیع محتوای هویت‌ســـاز و تضـــعیف هویتی کشورهای جنوب ارتباطی

کشورهای کمتر توسعه‌یافته، به‌ویژه آن‌هایی که در زمینه ارتباطات ضعیف هستند، در دوران پس از انقلاب ارتباطی به شدت تحت تأثیر فرهنگ‌های کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌گیرند. کشـــورهای جنوب ارتباطی به کشـــورهایی اطلاق می‌شـــود که به دلیل ضـــعف زیرســـاخت‌های رســـانه‌ای، محدودیت‌های دســـترســـی به اطلاعات و چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در برقراری ارتباطات مؤثر و تبادل تجربیات با یکدیگر و جهان با مشـــکلات جدی مواجه‌اند. این وضـــعیت موجب ناتوانی در بازخوانی هویتی ملت‌ها می‌شود و فرهنگ‌های غیر بومی به‌ویژه برای نوجوانان و جوانان به‌طور مداوم القا می شود. ضعف در این زمینه معادل خودباختگی هویت ملی- فرهنگی است و باورها و ارزش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای تقویت موقعیت این کشـــورها، ضـــروری اســـت که زیرســـاخت‌های ارتباطی توسـعه یابد و توانمندی‌های محلی ترویج شـود تا بتوانند در عرصه جهانی تأثیرگذارتر باشند و هویت مطلوب خود را بازخوانی کنند.

گزاره مرتبط با این مقوله:

- به‌طورکلی، این کشورها در عرصه رسانه و ارتباطات تأثیرگذاری کمتری دارند و بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰).

در پژوهشی اشاره شده است که کشورهای با ارتباطات ضعیف ممکن است به‌راحتی در حاکمیت جهانی به حاشیه رانده شوند و فاقد توانایی لازم برای تأثیرگذاری بر تصمیماتی باشند که به‌طور مستقیم بر زندگی و آینده آن‌ها تأثیر می‌گذارد (Choer Moraes, 2019).

۵-۲-۳. صنعتی‌شدن مقوله فرهنگ

نظام جهانی در پی ایجاد یک فرهنگ جهانی واحد از طریق فرایند جهانی‌سازی است که الگوهای مصرف فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. صنعتی‌شدن به‌عنوان یک پدیده فرهنگی، فرهنگ جهانی استانداردی را ترویج می‌کند که ایدئولوژی خاص خود را دارد و تأثیرات عمیقی بر جوامع مختلف می‌گذارد. این تحولات به‌ویژه در صنعت مد و سرگرمی نمایان می‌شود و یک اکوسیستم فرهنگی پیچیده را شکل می‌دهد که بر هویت افراد تأثیر می‌گذارد و چالش هایی را برای آن ها ایجاد می‌کند.

این تغییرات در دو سطح بروز می‌یابد: در لایه‌های درونی، به شکل باورها و ارزش‌ها و در لایه‌های بیرونی، در قالب سبک زندگی و رفتارهای اجتماعی افراد. صنعتی‌شدن نه‌تنها ساختار فرهنگی جوامع را تغییر می‌دهد؛ بلکه چالش‌هایی را برای حفظ هویت‌های فرهنگی و اجتماعی به وجود می‌آورد. جوامع با فشارهای ناشی از فرهنگ جهانی استاندارد شده روبه‌رو هستند که می‌تواند منجر به تضعیف هویت‌های محلی و سنتی شود. تکنولوژی‌های پیشرفته و تولید انبوه نیازهای جدید مصرفی را ایجاد کرده‌اند و فرهنگی صنعتی شکل گرفته است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. این تحولات تضادهایی میان هویت‌های ملی فرهنگی و هویت‌های تحمیل‌شده توسط صنعت فرهنگ به وجود می‌آورد.

گزاره‌های مرتبط با این مقوله:

- در عصر حاضر، شاهد توسعه صنایع چهارگانه مد، تجملات، شایعات و سرگرمی در فضای مجازی هستیم (محمدرضا برزویی، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).
- فضای مجازی نیز در این بین بستری برای افزونگی صنعتی‌شدن مقوله فرهنگ است (کوچکزائی و دیگران، ۱۳۹۷).

تحقیقات نشان می‌دهد که تسلط رسانه‌های جهانی و فرهنگ مصرف‌کننده به فرسایش هویت‌های منحصر به فرد منجر شده و جهانی شدن تهدیدی برای همگن‌سازی

فرهنگی اســـت (Kerubo, 2024). افراد با الهام از تصـــاویری ایده‌آل از تولیدات فرهنگی، هویت خود را شـــکل می‌دهند و وجود خود را اســـطوره‌ای می‌کنند. این فرایند به آن‌ها اجازه می‌دهد تا حســـی از خود بســـازند که با هویت‌های رســـانه‌ای هم‌راســـتا باشـــد، و بدین ترتیب، تمایل به پذیرش مسئولیت هویت خود و اسطوره سازی وجود شان تسهیل می‌شود (David, 2012).

۵-۲-۴. گسترش گفتمان فکری و فرهنگی پست‌مدرن و تضعیف سازه‌های پایه‌ای هویت

از اواخر سده بیستم، مفاهیم و ساختارهای سنتی با چالش‌های جدی مواجه شدند که به دوران پست‌مدرن معروف است. در این دوره، تأکید بر نسبیت حقیقت و چندگانگی هویت‌ها به‌عنوان ویژگی‌های بارز شناخته می شود. اندیشمندان پست‌مدرن مانند میشل فوکو و ژاک دریدا به تحلیل قدرت و زبان پرداخته و نشـان داده‌اند که دانش و حقیقت تحت تأثیر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی قرار دارند. دوران پســـت‌مدرن تأثیر عمیقی بر شـکل‌گیری هویت انسـانی داشـته و هویت دیگر به‌عنوان سـاختاری ثابت در نظر گرفته نمی‌شـــود، ؛ بلکه به‌عنوان پدیده‌ای پویا و متغیر شـــناخته می‌شـــود. این تنوع تجربیات به افراد اجازه می‌دهد هویت‌های چندگانه‌ای را تجربه کنند، ؛ اما در عین حال ممکن است موجب سردرگمی در تعریف خود شود. نوجوانان و جوانان در جستجوی هویت خود با چالش‌هایی مواجه‌اند، زیرا در دنیای پســت‌مدرن هیچ روایت واحدی برای هویت وجود ندارد و هر فرد باید راه خود را برای تعریف خویش بیابد. این کثرت‌گرایی می‌تواند چالش‌هایی در فرایند هویت‌یابی نوجوانان ایجاد کند و آن‌ها را دچار تردید کند. جهانی شدن نیز عامل مهمی در واسازی هویتی و کمرنگ ساختن مرزها و تعینات هویتی است که به ناهویتی از خود و دیگری منجر می‌شود.

گزاره‌های مرتبط با این مقوله:

- هسته‌ی اصلی و دال مرکزی تحولات فرهنگی کنونی جهان، اندیشه‌های پست‌مدرن و انتقادی است (محمدرضا برزویی، مصاحبه شفاهی، ۱۴۰۲).

- مهم‌ترین نتایج جهان‌بینی پست مدرنیسم، نسبیت‌گرایی و عدم قطعیت است (توانا و هاشمی‌اصل، ۱۳۹۴).

در پژوهشی بیان شده است که پست‌مدرنیسم مفهوم «هویت سیال» را مطرح می‌کند، که در آن افراد تجربه‌ای از بی‌ثباتی و تکه شـــدن در حس خود را تجربه می‌کنند (Lemiashova, 2023).

نتیجه‌گیری

زیســت‌بوم رشـد و تعالی نوجوانان در فرایند هویت‌یابی آن‌ها شـامل دو فضـای واقعی و مجازی اســت. تحقیق حاضــر به بررســی علل و زمینه‌های واقعی زیســت‌بوم نوجوانان می‌پردازد که هویت‌یابی آن‌ها را با چالش مواجه کرده اســت. این علل از محیط واقعی که در آن رشــد و هویت‌یابی نوجوانان صــورت می‌گیرد ناشــی می‌شــود. مجموعه این عوامل را می‌توان در دو بعد بررسی کرد:

یک بعد، مربوط به زیست‌بوم نوجوانان در فضای درون مرزی و ملی است که شامل نهادهای ســنتی می‌شــود. بعد دیگر، به عوامل فراملی و نظام تحولات جهانی مربوط می‌شود که فارغ از زیســت‌بوم هویت‌یابی ملی، تأثیرات و تبعات خود را بر کل بشـریت گذاشته و هویت‌یابی نوجوانان را نیز به چالش کشیده است.

اگرچه هویت نوجوانان با رسانه‌ها و فضای مجازی ارتباط نزدیکی دارد و این عوامل نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند، اما در نظام جهانی، ارائه و توســعه هویت به یک چرخه تبدیل شده است و این عوامل هویت‌بخش، تصادفی و اتفاقی نیستند؛ بنابراین، این علل باید مســتقل از تأثیر رســانه‌ها و فضــای مجازی بر هویت نوجوانان مورد بررســی قرار گیرند.

حال تحقیق حاضــر به بررســی واکاوی علل چالش هویتی یابی نوجوان دوفضــایی ایران معاصــر با تأکید بر عوامل غیر رســانه‌ای پرداخت که در کدگذاری اولیه، ۱۱۲ مضـمون غنی اسـتخراج شـده اسـت. این مضـامین در سـه مرحله مقوله‌بندی به دو کلان

مقوله اصلی دسته‌بندی شده‌اند که شامل ناکارامدی و نقایص زیست‌بوم هویت‌یابی ملی و نظام جهانی تحولات فرهنگی و شبکه‌های تولید و توزیع جهانی می‌شود.

در کلان مقوله ناکارامدی و نقایص نهادهای سنتی هویت‌یابی نوجوان به ضعف نهادهایی مانند خانواده و نظام تعلیم و تربیت اشاره دارد که نمی‌توانند نیازهای جدید نسل جوان را درک و پاسخ دهند. در کنار توجه به ریشه‌های تاریخی، ادبی، زبانی، قومی و خانوادگی در شکل‌گیری هویت، نبود رویکرد اسلامی در فرایندهای هویت‌سازی و ضعف کارامدی نهاد دین، فرایند هویت‌یابی را مخدوش کرده است. عوامل مختلفی ازجمله تأثیر منفی گروه‌های مرجع، معاشران و همسالان، فضاهای شهری و ضعف ارتباطات بین‌نسلی، بحران‌های هویتی را تشدید کرده است. نقش حاکمیت و الگوی حکمرانی به عنوان عامل تعیین‌کننده در هویت‌یابی نوجوانان مطرح است. ضعف نهاد اقتصادی و پول فاقد قدرت، الگوی نامطلوب اقتصادی خانواده در کنار همخوان نبودن الگوی توسعه کشور و مبانی فکری و دینی هویتی، چالش‌های جدی برای نوجوانان ایجاد کرده است.

در کلان مقوله دیگر جهانی شدن و تحولات نظام فرهنگی جهانی به‌ویژه با ظهور فناوری‌های ارتباطاتی و شبکه‌های اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر فرایندهای جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری و هویت‌یابی در سطح جهانی داشته است. این تحولات باعث افزایش تعامل میان فرهنگ‌ها و جهانی‌شدن فرهنگ شده است. کشورهای ضعیف از نظر ارتباطی و رسانه‌ای بیشتر تحت تأثیر محتوای رسانه‌ای خارجی قرار می‌گیرند و در نتیجه، هویت‌سازی آنها تحت الشعاع تولیدات خارجی قرار می‌گیرد. رسانه‌های جهانی با ترویج ارزش‌ها و سبک‌های زندگی غربی از طریق صنعتی شدن مقوله فرهنگ، نوجوانان را با دوگانگی‌های هویتی مواجه کرده‌اند. این وضعیت موجب شده است که نوجوانان در تلاش برای یافتن هویتی میان ارزش‌های سنتی و مدرن دچار سردرگمی شوند. درنهایت، اندیشه‌های پست‌مدرن و انتقادی به عنوان هسته مرکزی تحولات فرهنگی، نسبیت‌گرایی و عدم قطعیت را به ارمغان آورده و موجب واسازی هویتی

نوجوانان و کمرنگ‌شدن مرزها و تعینات هویتی می‌شود.

توجه به عوامل یادشـده، نیاز به بازنگری در رویکردها و سـیاسـت‌ها برای حمایت از فرایند هویت‌یابی نوجوانان را ضروری می سازد. برای مقابله با این چالش‌ها، لازم ا ست که سـیاسـت‌گذاران، خانواده‌ها، نظام آموزشـی و نهادهای مرتبط با تربیت و هویت‌یابی نوجوانان، نقش خود را بازتعریف کنند و با بهره‌گیری از راهکارهای مؤثر، به نوجوانان کمک کنند تا در مواجهه با چالش‌های هویت‌یابی، هویتی پایدار و متعادل داشته باشند.

منابع

ابراهیمی، معصـــومه؛ ســـاروخانی، باقر و میرزایی، خلیل. (۱۳۹۸). نقش شـــبکه‌های اجتماعی مجازی در ایجاد اَشـــکال مقاومت نوجوانان در پذیرش هنجارهای خانوادگی. پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۱۳(۴۷) صص ۷- ۳۴.

اساتید و صاحب‌نظران مصاحبه شونده. (تیرماه ۱۴۰۲). مهدی علیزاده، حامد حاجی ملامیرزایی، حســن بوســلیکی، محمد شــیخ‌الاســلامی، حمید رفیعی‌هنر، محمد قطبی، حســین رضــایی، فرهاد فلاح، محمدرضـــا برزویی، ســـیدمحمدعلی غمامی، ســـیدمحمد کاظمی، ســـید محمدساجد هاشمی، مصطفی ضابط، علی جانباز، محسن باقری.

امین‌پور، فاطمه. (۱۳۹۰). فرهنگ‌پذیری دینی و رســانه. مطالعات جوان و رســانه، ۱(۲)، صــص ۱۰-۳۷.

ترابی، پریســـا؛ عبداللهی، زهرا؛ مینایی، مینا؛ صـــادقی قطب‌آبادی، فرزانه؛ زارعی، مریم؛ فلاح، حسین و نوبخت حقیقی، فرید (۱۴۰۰). بسته آموزشی تغذیه در برنامه تحول سلامت در نظام بهداشت ویژه پزشکان شاغل در مراکز خدمات جامع سلامت. قم: اندیشه ماندگار.

توانا، محمدعلی؛ ها شمی‌ا صل، سید عبدالله. (۱۳۹۴). درآمدی بر فضای مجازی فراقلمرویی و ســیالیت هویت ســوژه در پرتو تحلیل انتقادی بینامتنی. مطالعات بین‌رشـــته‌ای در رســـانه و فرهنگ، ۵(۹)، صص ۱۵-۳۶.

جعفری، فاطمه؛ بهرامی، ســوســن و جعفری هرندی، رضــا. (۱۴۰۰). پیش‌بینی میزان اســتفاده از شــبکه‌های اجتماعی مجازی بر اســاس ســبک‌های هویت در دانش‌آموزان شــهر قم. علوم و فنون مدیریت اطلاعات، ۷(۲۴)، صص ۲۱۹-۲۴۲.

جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی (مترجم: تورج یاراحمدی). تهران: شیرازه.

خنیفر، حســین؛ مســلمی، ناهید. (۱۳۹۶). اصــول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی رویکردی نو و کاربردی. تهران: انتشارات نگاه دانش.

رفیعی حصار، شهناز؛ سلیمانی، توران. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر میزان استفاده از شبکه‌های مجازی بر هویت ملّی و دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوره دوم شهر اردبیل. تغییرات اجتماعی ـ فرهنگی (مطالعات علوم اجتماعی ایران سابق)، ۱۴(۵۳)، صص ۳۱-۴۵.

رقیبی، مهوش؛ مظاهری، مهرداد؛ شجاعی، مهلا؛کرمی، امیر. (۱۳۹۶). مقایسهٔ سبک‌های هویت و کیفیت دوستی در دانش‌آموزان دختر و پسر. مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۴(۲۶)، صص ۱۴۴-۱۲۳. https://doi.org/10.22111/jeps.2017.3237

شریفی، فاطمه. (۲۰۱۷). راهکارهای پرورش هویت اخلاقی نوجوانان در سبک زندگی خانواده اسلامی. مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۴(۶)، صص ۹۷-۱۱۸.

صفری شالی، رضا؛ عبدمولایی، آتیه. (۱۳۹۴). تأثیر عوامل اجتماعی‌شدن بر هویت نوجوانان (همسالان، مدرسه و رسانه). خانواده و پژوهش، ۱۲(۲۷)، صص ۱۱۷-۱۳۶.

فیرحی، داود. (۱۳۸۶). نسبیت هویت‌ها و خرده هویت‌ها. در کتاب: مبانی نظری هویت و بحران هویت (علی‌اکبر علیخانی). تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

قنبری آلانق، محسن. (۱۳۹۸). صلح سازی ایمان‌محور در فضای مجازی. Pure Life، ۶(۱۷)، صص ۸۵-۹۹.

کوچکزائی، مصطفی؛ فیضیان، مجیدرضا و شاه‌آبادی، محمد. (۱۳۹۷). بررسی سلبریتی سازی در رسانه و بحران هویت نوجوان در جامعه. جامعه، فرهنگ و رسانه، ۷(۲۹)، صص ۱۰۳-۱۲۱.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید (مترجم: ناصر موفقیان). تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). تجدد و تشخص (مترجم: ناصر، موفقیان، چاپ پنجم). تهران: نشر نی.

لطف‌آبادی، حسین؛ نوروزی، وحیده. (۱۳۸۳). بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان. نوآوری‌های آموزشی، ۳(۹)، صص ۸۸-۱۱۹.

نجفی علمی، محمود. (۱۳۸۹). فناوری اطلاعات، نوجوانان و بحران هویت. ره آورد نور، ۱۱(۴۳)، صص ۱۲-۳۲.

نعمتی، فاطمه؛ بلند، حسن؛ صیادی، علی. (۱۴۰۱). بررسی نقش واسطه‌ای بحران هویت و انسجام خانواده در تعیین رابطه مشارکت در شبکه‌های اجتماعی با نگرانی از تصویر بدنی در میان دانش‌آموزان. پژوهش‌های مشاوره، ۲۱(۸۱)، صص ۲۵۶-۲۸۰.

Berzonsky, Michael, Branje, Susan, & Meeus, Wim. (2007). Identity-Processing Style, Psychosocial Resources, and Adolescents' Perceptions of Parent-Adolescent Relations. *Journal of Early Adolescence*, 27, pp. 324-345. https://doi.org/10.1177/0272431607302006

Crittenden, Brian. (1981). The Identity Crisis in Secondary Education. *Australian Journal of Education*, 25(2), pp. 146-165. https://doi.org/10.1177/000494418102500205

Choer Moraes, Henrique. (2019). Beyond a Seat at the Table: Participation and Influence in Global Governance. Global Governance: *A Review of Multilateralism and International Organizations*, 25(4), pp. 563-586. https://doi.org/10.1163/19426720-02504007

Cleveland, Tiera, & Martin, Pamela P. (2024). Spirituality and Religion and Youth Development. https://doi.org/10.1016/b978-0-323-96023-6.00139-1

David, K., Herzberger. (1998). Writing Without a Grain: Identity Formation in Three Works by Muñoz Molina. Arizona Journal of Hispanic Cultural Studies, 2(1), pp. 23-40. https://doi.org/10.1353/HCS.2011.0023

David, Marie-Pierre. (2012). L'identité culturelle et le champ de l'apparence: une situation de soi fictive et active. 15, 63-90.

Donahue, Michael J., & Benson, Peter L. (1995). Religion and the Well-Being of Adolescents. Journal of Social Issues, 51(2), pp. 145-160. https://doi.org/10.1111/J.1540-4560.1995.TB01328.X

Erikson, E. H. (1956). The Problem of Ego Identity. *Journal of the American Psychoanalytic Association*, 4(1), pp. 56-121. https://doi.org/10.1177/000306515600400104

Gordon, L., Bultena, Edward A., & Powers, Edward A. (1978). Denial of Aging: Age Identification and Reference Group Orientations. *Journal of Gerontology*, 33(5), pp. 748-754. https://doi.org/10.1093/GERONJ/33.5.748

Herzberger, David K. (1998). Writing Without a Grain: Identity Formation in Three Works by Muñoz Molina. *Arizona Journal of Hispanic Cultural Studies*, 2(1), pp. 23-40. https://doi.org/10.1353/HCS.2011.0023

Kolig, Erich. (2007). *Freedom, Identity Construction and Cultural Closure*: The Taniwha, the Hijab and the Wiener Schnitzel as Boundary Markers. pp. 25-39. https://doi.org/10.1057/9780230625303_2

Kopelman, S. (2009). *The Effect of Culture and Power on Cooperation in Commons Dilemmas*: Implications for Global Resource Management. Organization Behavior and Human Decision Processes, 108, pp. 153-163. https://doi.org/10.1016/j.obhdp.2008.06.004

Lemiashova, Tatyana V. (2023). Bricolage and the «Fluid Identity» of Postmodernism. Vestnik of Samara State Technical University. *Series Philosophy*. https://doi.org/10.17673/vsgtu-phil.2023.4.8

Markovitch, N., Luyckx, K., Klimstra, T., Abramson, L., & Knafo-Noam, A. (2017). Identity Exploration and Commitment in Early Adolescence: Genetic and Environmental Contributions. *Developmental Psychology*, 53, pp. 2092–2102. https://doi.org/10.1037/dev0000318

Maria, Rosario T., de Guzman. (2007). Friendships, Peer Influence, and Peer Pressure During the Teen Years.

Marcia, James. (2007). Ego Identity and Personality Disorders. *Journal of Personality Disorders*, 20, pp. 577-596. https://doi.org/10.1521/pedi.2006.20.6.577

Michael, A., Hogg, Jason T., Siegel, Zachary P., & Hohman, Zachary. (2011). Groups Can Jeopardize Your Health: Identifying with Unhealthy Groups to Reduce Self-uncertainty. *Self and Identity*, 10(3), 326-335. https://doi.org/10.1080/15298868.2011.558762

Negru-Subtirica, Oana. (2024). Educational Identity Processes in Adolescence: An Analysis of Longitudinal Evidence and the Role of Educational Systems. *Child Development Perspectives*. https://doi.org/10.1111/cdep.12504

Najafiasl, Zohreh. (2015). Intergenerational Gap: An Emerging Phenomenon in Iran. *IAU International Journal of Social Sciences*, 5(1), pp. 59-70.

Pieterse, Nederveen, J. (2009). *Globalization and Culture*: Global Mélange. United States: Rowman & Littlefield.

Phillips, Joe F., & Pittman, Tommy M. (2003). *Identity Processes in Poor Adolescents*: Exploring the Linkages Between Economic Disadvantage and the Primary Task of Adolescence. Identity. https://doi.org/10.1207/S1532706XID030202

Pultz Moslund, Sten. (2024). *Cultural Hybridity and Migration*. 23-34. https://doi.org/10.4324/9781003270409-3

Rodolfo, Moguillansky. (2013). The Role of Family in Adolescent Identity. Vertex (Buenos Aires, Argentina), 24(108), pp. 139-147.

Slater, Tom, Wacquant, Loïc, & Pereira, Virgílio Borges. (2014). Territorial Stigmatization in Action. Environment and Planning A, 46(6), 1270-1280. https://doi.org/10.1068/A4606GE

WHO. (2023). *Global Accelerated Action for the Health of Adolescents* (AA-HA!) - Second Edition: Guidance to Support Country Implementation. Retrieved from https://www.who.int/publications/i/item/9789240081765

Yulya, Yu., Alexandrova, Janna V., Korobanova, Nikolaj S., Priazhnikov, Elena Yu., Priazhnikova, Olga S., & Markina. (2020). *Deviant Economic Identity in Childhood and Adolescence*: Problem Statement. https://doi.org/10.11621/VSP.2020.03.03

Zohreh, Najafiasl. (2015). Intergenerational Gap: An Emerging Phenomenon in Iran. *IAU International Journal of Social Sciences*, 5(1), pp. 59-70.

Islam and Social Studies
EISSN: 2676-7783
PISSN: 2345-5586

A Sociological Analysis of the Afghan Hazaras' Experience of Ethnic Prejudice and Discrimination Based on the Thought of Ibn Khaldun and Al-Farabi*

Davoud Rahimi Sojasi[1] **Seyyed Mudassir Amir Shah**[2]

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Governance, Shahed University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**).
d.rahimi@shahed.ac.ir

2. PhD in Social Knowledge of Muslims, Department of Social Studies, Complex of Islamic Human Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.
smastg84@gmail.com

Abstract

Ethnic prejudice and discrimination against the Hazaras of Afghanistan over the past two centuries has been a dynamic process that has evolved from overt forms of violence into more complex formulations. Utilizing a genealogical-sociological approach, this article addresses the core question of how ethnic prejudice (*Asabiyyah*), as a superiorist attitude and belief, has laid the groundwork for mechanisms of discrimination, and how these mechanisms have transformed from a logic of macro-exclusion during the state-building era of the late 19th century into institutional exclusion, and subsequently into a scattered network of everyday mechanisms that we term the "micro-physics of discrimination." The theoretical framework of

* Rahimi Sojasi, Davoud; Amir Shah, Seyyed Mudassir. (2025). A Sociological Analysis of the Afghan Hazaras' Experience of Ethnic Prejudice and Discrimination Based on the Thought of Ibn Khaldun and Al-Farabi. *Islam and Social Studies*, *13*(4), pp. 159-186.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74104.2205

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/08/18 ● **Revised:** 2025/10/07 ● **Accepted:** 2025/11/26 ●**Online Publication:** 2025/12/30

© 2025
authors retain the copyright and full publishing rights

the article is a synthesis of Ibn Khaldun's theory of *Asabiyyah*, Al-Farabi's concept of justice, Honneth's recognition theory, Giddens' structuration theory, and Bourdieu's concepts of symbolic violence, which critically addresses the instrumentalization of religion through a Quranic perspective. Data were collected using the documentary analysis method applied to historical texts, academic research, and human rights reports. The findings reveal the transformation of prejudice and discrimination across three distinct stages: during the reign of Abdur Rahman Khan (1880–1901), ethnic-religious prejudice led to ethnic cleansing and land confiscation, crushing the Hazara *Asabiyyah*; in the mid-20th century, discrimination became institutionalized within laws, education, and social discourse; and from the 1990s onward, it precipitated into everyday language, schools, the labor market, and public spaces. Conversely, collective agency has initiated the reclamation of recognition through the politicization of identity, the enhancement of cultural capital, and positive self-representation. The theoretical contribution of this article lies in conceptualizing the micro-physics of discrimination, synthesizing Islamic thought with contemporary sociology, and demonstrating the duality of structure and agency.

Keywords
Ethnic Prejudice, Ethnic Discrimination, Micro-physics of Discrimination, *Asabiyyah*, Ibn Khaldun, Al-Farabi, Recognition Theory, Afghanistan Hazaras, Identity Reclamation.

اسلام و مطالعات اجتماعی
EISSN: ۲۶۷۶-۷۷۸۳
PISSN: ۲۳۴۵-۵۵۸۶

تحلیل جامعه‌شناختی تجربه هزاره‌های افغانستان از تعصب و تبعیض قومی بر مبنای اندیشه ابن‌خلدون و فارابی*

داود رحیمی سجاسی[۱] سید مدثر امیر شاه[۲]

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (**نویسنده مسئول**).
d.rahimi@shahed.ac.ir

۲. دکتری دانش اجتماعی مسلمین، گروه مطالعات اجتماعی، مجتمع علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی، قم، ایران.
smastg84@gmail.com

چکیده

تعصب و تبعیض قومی علیه هزاره‌های افغانستان در دو سده اخیر، فرایندی پویا بوده که از شکل‌های آشکار خشونت به صورت‌بندی‌های پیچیده‌تر تحول یافته است. در این مقاله با رویکرد تبارشناختی-جامعه‌شناختی به این پرسش می‌پردازیم که چگونه تعصب قومی (عصبیت) به‌عنوان نگرش و باور برتری‌جویانه، زمینه ساز سازوکارهای تبعیض شده و این سازوکارها از منطق حذف کلان در دوره دولت‌سازی اواخر سده نوزدهم، به طرد نهادی و سپس به شبکه پراکنده‌ای از مکانیسم‌های روزمره که آن را میکروفیزیک تبعیض می‌نامیم، تحول یافته‌اند. چارچوب نظری مقاله، تلفیقی از نظریه عصبیت ابن‌خلدون، اندیشه عدالت فارابی، نظریه شناسایی هونت، نظریه ساختاربندی گیدنز و مفاهیم خشونت نمادین بوردیو است که با رویکرد نقادانه قرآنی به ابزارسازی دین می‌پردازد. داده‌ها را از روش تحلیل اسنادی متون تاریخی، پژوهش‌های دانشگاهی و گزارش‌های حقوق بشری گردآوری کرده‌ایم. یافته‌ها تحول تعصب و تبعیض را در سه مرحله نشان می‌دهد:

* رحیمی سجاسی، داود؛ امیر شاه، سید مدثر (۱۴۰۴). تحلیل جامعه‌شناختی تجربه هزاره‌های افغانستان از تعصب و تبعیض قومی بر مبنای اندیشه ابن‌خلدون و فارابی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۱۵۹-۱۸۶.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.74104.2205

▣ **نوع مقاله:** پژوهشی؛ **ناشر:** پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ **تاریخ دریافت:** ۱۴۰۴/۰۵/۲۷ ● **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ ● **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ ● **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارندهٔ حق‌مؤلف مقالهٔ خود بدون محدودیت هستند»

در دوره عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱)، تعصب قومی-مذهبی به پاک سازی قومی و مصادره زمین منجر شد و عصبیت هزاره را شکست؛ در سده بیستم میانی، تبعیض در قوانین، آموزش و گفتمان نهادینه شد؛ و از دهه ۱۹۹۰ به بعد، در زبان روزمره، مدرسه، بازار کار و فضای عمومی رسوب کرد. در مقابل، عاملیت جمعی از روش سیا سی شدن هویت، ارتقای سرمایه فرهنگی و بازنمایی مثبت، بازیابی شنا سایی را شروع کرده است. مشارکت نظری این مقاله در مفهوم‌سازی میکروفیزیک تبعیض، تلفیق اندیشه اسلامی و جامعه‌شناسی معاصر، و نشان‌دادن دوگانگی ساختار-عاملیت است.

کلیدواژه‌ها

تعصب قومی، تبعیض قومی، میکروفیزیک تبعیض، عصبیت، ابن‌خلدون، فارابی، نظریه شنا سایی، هزاره‌های افغانستان، بازیابی هویت.

مقدمه

تعصب و تبعیض قومی از مخرب‌ترین پدیده‌های زندگی اجتماعی‌اند. تعصب، نگرشی است که یک گروه را ذاتاً برتر از دیگری می‌انگارد؛ و تبعیض، عمل برخورد نابرابر بر پایه این نگرش است. مطالعات جامعه شناسی تبعیض، از آلپورت تا فانون، نشان داده‌اند که این پدیده، فراتر از رفتارهای فردی، سازوکارهای ساختاری و نمادین دارد که در طول زمان بازتولید می‌شوند و به تجربه زیسته قربانیان شکل می‌دهند. آسیب‌های این پدیده، فقط به محرومیت مادی و حقوقی محدود نمی‌ماند؛ به هویت و شخصیت گروه‌های تحقیرشده نفوذ می‌کند و آسیب‌های روانی-اجتماعی پایداری بر جای می‌گذارد که هونت آن را «عدم شناسایی» نامیده است؛ ازاین‌رو، تبعیض پدیده‌ای ایستا نیست؛ در دوره‌های مختلف تاریخی شکل‌های گوناگون - از خشونت آشکار تا طرد نهادی و سپس سازوکارهای نامرئی روزمره -به خود می‌گیرد و درست همین تحول‌پذیری است که شناسایی و مقابله با آن را دشوارتر می‌کند.

تجربه هزاره‌های افغانستان، نمونه‌ای حاد از این تحول است. این جامعه شیعه‌مذهب که برآوردهای مختلف جمعیت آن‌ها را میان بیست‌وپنج تا سی‌وپنج درصد جمعیت کشور تخمین می‌زنند، یکی از مستمرترین و چندلایه‌ترین اشکال تعصب و تبعیض قومی را در تاریخ افغانستان تجربه کرده است (موسوی، ۱۳۷۹). این فرایند با دولت‌سازی خشونت‌بار اواخر قرن نوزدهم در دوره عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱) آغاز شد؛ دوره‌ای که در آن کشتارهای گسترده، برده‌سازی و مصادره زمین، بخش بزرگی از جمعیت هزاره‌نشین را از میان برد (طغیان، ۱۴۰۱). از آن پس تا به امروز، این جامعه با شکل‌های گوناگونی از محرومیت نهادی، تحقیر فرهنگی، طرد آموزشی و خشونت‌های هدفمند مواجه بوده است ـ فرایندی که در تمام لایه‌های آن، «عدم شناسایی» هویت جمعی هزاره‌ها نمایان است (Ibrahimi, 2017).

مطالعات تاریخی، خشونت‌های آشکار این فرایند را به‌خوبی مستند کرده‌اند و پژوهش‌های سیاسی، محرومیت‌های حقوقی و نهادی را شناسایی کرده‌اند؛ اما خلأ اصلی

در درک جامعه شناختی از سازوکارهای تحول تعصب و تبعیض است. اینکه این پدیده چگونه از منطق حذف کلان و آشکار، به منطق طرد و حذف پنهانی و نهادی در نهادها، گفتمان و زندگی روزمره ـ آنچه ما «میکروفیزیک تبعیض» می‌نامیم ـ تحول یافته، در پژوهش‌های پیشین کمتر تحلیل شده است؛ همچنین، بیشتر این مطالعات از ظرفیت سنت اندیشه اسلامی ـ به‌ویژه مفهوم عصبیت ابن‌خلدون و عدالت فارابی، برای تحلیل این فرایندها بهره نگرفته‌اند.

این مقاله با رویکردی تبارشناختی-جامعه‌شناختی و چارچوب نظری تلفیقی از اندیشه ابن‌خلدون و فارابی در کنار نظریه‌های معاصر هونت، گیدنز و بوردیو، به تحلیل و تبیین این تحول تاریخی می‌پردازد. داده‌ها از روش تحلیل اسنادی متون تاریخی، پژوهش‌های دانشگاهی و گزارش‌های حقوق بشری گردآوری شده‌اند. در ادامه، پس از تبیین مسئله و پیشینه پژوهش، چارچوب نظری معرفی می‌شود؛ سپس یافته‌ها در سه مرحله تاریخی تحلیل می‌گردند و در پایان، بحث و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۱. بیان مسئله

تعصب و تبعیض قومی در افغانستان، به‌ویژه علیه هزاره‌ها، از اواخر قرن نوزدهم تاکنون، یکی از مسائل مزمن و حل‌نشده این کشور بوده است. با گذشت بیش از یک قرن از دوره کشتارهای عبدالرحمن خان و علی‌رغم تحولات سیاسی متعدد، هزاره‌ها همچنان با شکل‌های گوناگون محرومیت، تحقیر و طرد مواجه هستند. اما مسئله اصلی این نیست که تعصب و تبعیض وجود دارد؛ بلکه این است که چرا این تعصب و تبعیض تا این حد مستمر و مقاوم بوده و چگونه در طول زمان، شکل و منطق خود را تغییر داده است.

مطالعات تاریخی، کشتارها و خشونت‌های آشکار را به‌خوبی مستند کرده‌اند؛ مطالعات سیاسی، محرومیت‌های حقوقی و نهادی را شناسایی کرده‌اند؛ اما خلأ اصلی در درک جامعه شناختی از سازوکارهای تحول تعصب و تبعیض است. پرسش اصلی ما در این پژوهش این است: تعصب و تبعیض قومی علیه هزاره‌های افغانستان چگونه از منطق حذف کلان و آشکار (دوره عبدالرحمن خان) به منطق طرد خرد و پراکنده در نهادها،

گفتمان و زندگی روزمره (دوره معا صر) تحول یافته ا ست، و چرا این تحول در شرایط تاریخی-سیاسی خاص افغانستان ممکن شده است؟

برای پاسخ به این پرسش اصلی، به پرسش‌های فرعی زیر می‌پردازیم:

۱. چگونه ساختار قدرت تک‌قومی در دوره عبدالرحمن خان از روش شکستن عصبیت هزاره‌ها تشکیل شد و چه پیامدهای بلندمدتی داشت؟

۲. نهادینه‌شدن تعصب و تبعیض در قرن بیستم از طریق چه سازوکارهایی (قوانین، آموزش، اقتصاد، گفتمان) رخ داد و چگونه به بازتولید نابرابری منجر شد؟

۳. «میکروفیزیک تبعیض» در دوره معاصر چگونه در زبان، مدرسه، بازار کار، فضای عمومی و رسانه عمل می‌کند؟

۴. چه آ سیب‌های روانی-اجتماعی بر هویت و شخ صیت جمعی هزاره‌ها وارد شده است؟

۵. فرایند بازیابی شناسایی از دهه ۱۹۹۰ به بعد، از طریق چه اشکالی از عاملیت جمعی، سرمایه فرهنگی و بازنمایی مثبت آغاز شده است؟

۶. چارچوب نظری تلفیقی (ابن‌خ لدون، فارابی، هو نت، گیدنز، بوردیو) چگو نه می‌تواند به تحلیل و تبیین این فرایندها کمک کند؟

۷. ابزارسازی دین برای توجیه تعصب و تبعیض در دوره عبدالرحمن خان، چگونه با پایه‌های قرآنی عدالت در تضاد قرار می‌گیرد؟

این پژوهش بر این فرض استوار است که تعصب و تبعیض علیه هزاره‌ها، نه یک پدیده ثابت و تک‌بعدی، بلکه فرایندی پویا و چندلایه است که در سه سطح عمل می‌کند: سطح ساختاری (شکستن عصبیت و ایجاد نابرابری قدرت)؛ سطح نهادی (قوانین، آموزش، اقتصاد)؛ و سطح میکروفیزیک (زبان، گفتمان، تعاملات روزمره). مفهوم «میکروفیزیک تبعیض» که در این پژوهش مطرح می‌کنیم، به همین سطح سوم اشاره دارد ـ یعنی رسوب تعصب و تبعیض در لایه‌های عمیق و نامرئی زندگی اجتماعی که بیشتر نادیده گرفته می‌شوند.

۲. اهمیت نظری پژوهش

اهمیت نظری این پژوهش در سه وجه است. نخست، این مقاله مفهوم «میکروفیزیک تبعیض» را به‌مثابه ابزاری تحلیلی به ادبیات نظری جامعه‌شناسی تبعیض معرفی می‌کند. مطالعات موجود درباره تبعیض قومی در افغانستان، به طور عمده بر خشونت‌های آشکار یا محرومیت های حقوقی-نهادی متمرکز بوده‌اند و لایه های خرد، روزمره و نامرئی تبعیض را به‌صورت سیستماتیک تحلیل نکرده‌اند؛ این مفهوم همان خلأ را نشانه می‌گیرد و سطح تازه‌ای از تحلیل را ممکن می سازد. دوم، این پژوهش نشان می‌دهد که گذار از حذف کلان به طرد روزمره، نه گسست تصادفی، بلکه فرایندی تاریخی با منطق درونی است که با رویکرد تبار شناختی قابل ردیابی است ـ و این، مشارکتی روش شناختی در پژوهش‌های تاریخی - جامعه‌شناختی درباره تبعیض است. سوم، این مقاله با تلفیق سنت فکری اسلامی و جامعه‌شناسی معاصر، چارچوبی نظری ارائه می‌دهد که در تحلیل تبعیض قومی در جوامع مسلمان کمتر آزموده شده و می‌تواند فراتر از مورد هزاره‌ها، در موارد مشابه نیز به کار رود.

۳. اهمیت عملی پژوهش

درک سازوکارهای میکروفیزیک تبعیض، برای طراحی سیاست‌های مؤثر مبارزه با تعصب و تبعیض ضروری است. اگر تعصب و تبعیض فقط در سطح قوانین و سیاست‌های کلان دیده شود، اما لایه‌های عمیق‌تر آن ـ در زبان، مدرسه، بازار کار و فضای عمومی ـ نادیده گرفته شوند، هیچ اصلاحات نهادی نمی‌تواند به تغییر پایدار منجر شود. این پژوهش با شناسایی این لایه‌ها، می‌تواند به سیاست‌گذاران، فعالان حقوق بشر و نهادهای بین‌المللی کمک کند تا برنامه‌های جامع‌تری برای مقابله با تبعیض طراحی کنند؛ همچنین، این پژوهش با تحلیل فرایندهای بازیابی شناسایی نشان می‌دهد که گروه های تحقیرشده، صرفاً قربانیان منفعل نیستند، بلکه عاملیت و استراتژی‌های مقاومت خود را دارند که می‌تواند الهام‌بخش جنبش‌های اجتماعی مشابه در دیگر بسترها باشد.

۳-۱. اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش، تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی تحول سازوکارهای تعصب و تبعیض قومی علیه هزاره‌های افغانستان در دو قرن اخیر است، با تمرکز بر گذار از حذف آشکار به میکروفیزیک تبعیض، و شناسایی فرایندهای بازیابی شناسایی.

در راستای دستیابی به این هدف کلی، در وهله نخست به تحلیل نقش شکستن عصبیت هزاره‌ها در دوره عبدالرحمن خان می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که چگونه این شکست، ساختار قدرت تک‌قومی را تشکیل داد و چه پیامدهای بلندمدتی بر جای گذاشت. این تحلیل، پایه فهم ما از تداوم تبعیض در دوره‌های بعدی است.

سپس سازوکارهای نهادینه‌شدن تعصب و تبعیض در قرن بیستم را شناسایی و بررسی می‌کنیم. این سازوکارها ـ از قوانین تبعیض‌آمیز گرفته تا نظام آموزشی یکسویه و اقتصاد محرومیت ساز ـ نشان می‌دهند که چگونه تبعیض از شکل خشونت مستقیم به شکل ساختاری تحول یافت و در لایه‌های مختلف جامعه رسوب کرد.

در سطح نظری، به مفهوم‌سازی و تحلیل «میکروفیزیک تبعیض» در دوره معاصر می‌پردازیم. این مفهوم، که یکی از نوآوری‌های این پژوهش است، به ما امکان می‌دهد تا نشان دهیم چگونه تبعیض در زبان روزمره، مدرسه، بازار کار و فضای عمومی رسوب یافته و به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده است ـ لایه‌ای از تبعیض که هم نامرئی است و هم عمیقاً آسیب‌زا.

همچنین آسیب‌های روانی-اجتماعی ناشی از سه شکل عدم شناسایی را تحلیل می‌کنیم و نشان می‌دهیم که چگونه این آسیب‌ها در سطح محبت (خشونت جسمی)، سطح حقوق (محرومیت از شهروندی کامل)، و سطح تضامن (تحقیر فرهنگی) بر هویت جمعی هزاره‌ها تأثیر گذاشته است.

اما تحلیل ما فقط به تبعیض محدود نمی‌شود. فرایندهای بازیابی شناسایی را نیز مورد توجه قرار می‌دهیم و نشان می‌دهیم که چگونه از دهه ۱۹۹۰ به بعد، هزاره‌ها از طریق عاملیت سیاسی، ارتقای سرمایه فرهنگی، بازنمایی مثبت و جنبش‌های اجتماعی، به بازیابی جایگاه خود پرداخته‌اند. این تحلیل دوگانه ـ هم تبعیض و هم بازیابی ـ به ما

امکان می‌دهد تا دوگانگی ساختار- عاملیت را در عمل نشان دهیم.

در بعد نظری، چارچوبی تلفیقی از نظریه عصبیت ابن‌خلدون، اندیشه سیاسی فارابی و نظریه‌های جامعه‌شناختی معاصر ارائه می‌دهیم که می‌تواند ابزاری کارامد برای تحلیل تبعیض قومی در دیگر جوامع نیز باشد. این تلفیق نظری، نشان می‌دهد که مفاهیم اسلامی و جامعه‌شناختی معاصر، در تعامل با یکدیگر، می‌توانند فهم عمیق‌تری از پدیده‌های پیچیده اجتماعی فراهم کنند.

علاوه بر این، به نقد ابزارسازی دین برای توجیه تعصب و تبعیض می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که چگونه این ابزارسازی در دوره عبدالرحمن خان، با پایه‌های قرآنی عدالت و برابری در تضاد آشکار قرار دارد. در نهایت، شرایط تاریخی-سیاسی-فرهنگی امکان‌ساز تحول تبعیض از حذف آشکار به میکروفیزیک را تبیین می‌کنیم و نشان می‌دهیم که چرا این تحول در بستر خاص افغانستان رخ داده است.

۴. پیشینه پژوهش و خلأهای نظری

مطالعات درباره تبعیض قومی در افغانستان را می‌توان به سه دسته مطالعات تاریخی-اسنادی، مطالعات انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی، و گزارش‌های حقوق بشری تقسیم کرد. در دسته اول، کتاب هزاره‌های افغانستان (سیدعسکر موسوی، ۱۳۷۹) یکی از جامع‌ترین کارهای تاریخی- سیاسی-فرهنگی درباره این گروه است که تبعیض را در بستر تاریخ طولانی‌مدت تحلیل می‌کند. (Ibrahimi, N, 2017).

در کتاب هزاره‌ها و دولت افغان به فرایند طرد، مقاومت و تلاش برای شناسایی سیاسی می‌پردازد و نشان می‌دهد که مبارزه هزاره‌ها، اساساً مبارزه برای شناسایی بوده است (Monsutti, 2005) در «جنگ و مهاجرت» به استراتژی‌های اقتصادی و شبکه‌های اجتماعی هزاره‌ها در شرایط جنگ و تبعیض پرداخته است.

با این حال، خلأهای مهمی در این مطالعات وجود دارد. اولاً، بیشتر مطالعات، توصیفی-تاریخی هستند و از چارچوب‌های نظری جامعه‌شناختی جامع استفاده نکرده‌اند؛ در نتیجه، سازوکارهای جامعه‌شناختی بازتولید تبعیض و تحول آن در طول

زمان کمتر تحلیل شـــده اســـت. ثانیاً، کمتر به پیامدهای روانی-اجتماعی تبعیض و مکانیسم‌های درونی سازی آن پرداخته شده است؛ بیشتر مطالعات بر محرومیت مادی و حقوقی تمرکز دارند، نه بر آسیب‌های شناسایی و هویت. ثالثاً، تحول تاریخی اشکال تبعیض از حذف آشـکار به سـازوکارهای پیچیده‌تر نهادی و روزمره کمتر به‌صـورت سیستماتیک دنبال شـده اسـت. رابعاً، فرایند بازیابی شـناسـایی و مقاومت فرهنگی در دهه‌های اخیر، به نسبت نادیده گرفته شده است.

این مقاله تلاش می‌کند این خلأها را با ارائه چارچوب نظری تلفیقی (ابن‌خلدون، فارابی، هونت، گیدنز، بوردیو)، تحلیل دوگانه (هم تبعیض و هم بازیابی)، و رویکرد تبارشناختی (تحول سازوکارها از ماکرو به میکرو) پر کند.

۵. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و تبارشناختی انجام شده است. روش اصلی، تحلیل اسنادی است که در آن، داده‌ها از سه منبع: متون تاریخی (کتاب‌ها و اسناد درباره تاریخ هزاره‌ها و دوره عبدالرحمن)؛ پژوهش‌های دانشگاهی (مطالعات جامعه شناسی، انسان شناسی و علوم سـیاسـی درباره تبعیض قومی در افغانسـتان)؛ و گزارش‌های حقوق بشـری (گزارش‌های سازمان ملل و سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر) گردآوری شده‌اند.

تکنیک تحلیل، تحلیل مضـمون بوده اسـت که در آن، الگوهای تکرارشـونده تبعیض، عدم شناسایی، و بازیابی شناسایی از میان اسناد استخراج و کدگذاری شده‌اند. در این مقاله، تحلیل به معنای صورت‌بندی سازوکارها و نشان‌دادن چگونگی عمل‌کرد تبعیض در سطوح گوناگون (تاریخی، نهادی، فرهنگی، روزمره) به کار می‌رود؛ و تبیین گامی فراتر است که به چرایی تداوم این سـازوکارها و شـرایط تاریخی-نهادی-فرهنگی امکان‌سـاز آن‌ها می‌پردازد. براین‌اساس، تحلیل در این پژوهش، مقدمه‌ای برای تبیین جامعه‌شناختی است.

۶. چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله تلفیقی اسـت و بر دو محور: اندیشـه ابن‌خلدون و فارابی برای

تبیین ساختارهای تاریخی قدرت و عدالت، و نظریه‌های جامعه‌شناختی معاصر برای تحلیل سازوکارهای بازتولید و تغییر استوار است.

۶-۱. ابن‌خلدون: عصبیت، چرخه قدرت و ساختار تک‌قومی

ابن‌خلدون (۱۳۳۲-۱۴۰۶) در مقدمه خود، مفهوم عصبیت - همبستگی قومی-قبیله‌ای - را به‌عنوان نیروی اصلی تشکیل دولت‌ها و چرخه‌های قدرت مطرح می‌کند. او معتقد است که دولت‌ها زمانی شکل می‌گیرند که یک گروه قومی یا قبیله‌ای با عصبیت قوی، قدرت را به دست می‌گیرد؛ اما اگر این دولت، عدالت را نادیده بگیرد و بر محور انحصار یک عصبیت بماند، به ظلم و خراب‌العمران منجر می شود (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵، صص ۱۷۰-۱۴۵). او می‌نویسد: «الظُّلْمُ مُؤْذِنٌ بِخَرَابِ العُمْرَان» (ظلم، نویدبخش ویرانی عمران است). این بینش، به ما امکان می‌دهد تا دوره عبدالرحمن خان را نه‌تنها به‌عنوان دوره خشونت، بلکه به‌عنوان لحظه تشکیل ساختار قدرت تک‌قومی بر محور عصبیت پشتون تحلیل کنیم. پاکسازی هزاره‌ها، حذف نخبگان، تخریب قلعه‌ها و مصادره زمین‌ها، در واقع شکستن عصبیت هزاره بود - یعنی از بین‌بردن توان دفاعی، سازمان اجتماعی و پایگاه اقتصادی آن‌ها. این شکستن عصبیت، ساختار قدرت نابرابری ایجاد کرد که در دوره‌های بعدی نهادینه شد و به شکل‌های پیچیده‌تری ادامه یافت.

۶-۲. فارابی: عدالت، مدینه فاضله و نقش رهبری

ابونصر فارابی (۸۷۰-۹۵۰) در «آراء اهل المدینه الفاضله» و «السیاسة المدنیه»، جامعه ایده‌آل را بر محور عدالت و همکاری میان گروه‌های مختلف بنا می‌کند (فارابی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۰-۷۵؛ فارابی، ۱۳۷۶، صص ۹۵-۶۵). او معتقد است که رهبری فاضل، باید بر اساس عقل و عدالت حکم کند و همه اعضای جامعه را، صرف‌نظر از تفاوت‌ها، به‌عنوان شهروند کامل بشناسد. اگر رهبری، به جای عدالت، بر محور تعصب و انحصار قومی عمل کند، جامعه به «مدینه جاهله» یا «مدینه فاسقه» تبدیل می‌شود. این چارچوب مفهومی، به ما امکان می‌دهد تا غیاب عدالت و سلطه عصبیت انحصاری در افغانستان را به‌عنوان عامل

اصـلی تداوم تبعیض تبیین کنیم. در طول تاریخ، رهبری‌های مختلف افغانسـتان، به جای ایجاد «مدینه فاضله» که همه گروه‌ها در آن شناسایی شوند، ساختار قدرت تک‌قومی را حفظ کردند.

۶-۳. اکسل هونت: نظریه به‌رسمیت‌شناسی و سه سطح بی‌حرمتی

اکسل هونت در کتاب مبارزه برای به‌رسمیت‌شناسی شناسایی را نیاز بنیادین انسانی و شرط شکل‌گیری هویت سالم می‌داند و معتقد است فرد تنها در بستر روابطی که در آن به‌رسمیت شناخته می شود، می‌تواند رابطهٔ مثبتی با خویشتن پیدا کند (سعادتی و همکاران، ۱۴۰۰،). او با الهام از هگل، سه ساحت متمایز برای به‌رسمیت‌شناسی قائل است: ۱. عشق در روابط عاطفی و صمیمی، ۲. حقوق در سطح نظم حقوقی-سیاسی، و ۳. شأن یا ارزش اجتماعی در عرصهٔ ارج‌گذاری جمعی که متناظر با سه شکل رابطهٔ فرد با خود هستند: اعتمادبه‌نفس بنیادی، احترام به‌خویش و عزت‌نفس اجتماعی.

در سـطح عشـق، روابط عاطفیِ ایمن و سـرشـار از مراقبت، امکان شـکل‌گیری اعتمادبه‌نفس بنیادی را فراهم می‌آورد و فرد خود را در پیوندی می‌یابد که در آن نیازها و آسیب‌پذیری‌هایش دیده و پذیرفته می شود. در سطح حقوق، به‌رسمیت شناسی فرد به‌مثابهٔ صـاحب حقوق برابر و شـهروند کامل، مبنای «احترام به‌خویش» اسـت و زمانی محقق می‌شـود که او عملاً امکان اسـتفاده از حقوق و مشـارکت در نهادهای رسـمی و فرایندهای تصـمیم‌گیری را داشـته باشـد. در سـطح اجتماعی، ارج‌گذاری به توانایی‌ها، سـبک زندگی و هویت فرهنگی افراد و گروه ها، «عزت‌نفس اجتماعی» را تولید می‌کند و به کنشـگران اجازه می‌دهد خود را حامل ارزش‌های مثبت و معنادار در جامعه تجربه کنند.

هونت این سـه سـاحت را از خلال «اشـکال متناظر بی‌حرمتی» نیز توضـیح می‌دهد: سوءاستفادهٔ بدنی و خشونت علیه بدن در سطح عشق، انکار حقوق برابر و محروم‌سازی حقوقی در سـطح حقوق، و تحقیر و بی‌ارزش‌شـمردن هویت و کنش‌های فرهنگی در سطح اجتماعی. این اشکال عدم به‌رسمیت‌شناسی، جراحت‌های اخلاقی و روانی عمیقی

بر فرد و گروه وارد می‌کند و به فروپاشی اعتمادبه‌نفس، تبدیل‌شدن به «شهروند درجه‌دوم» و تخریب عزت‌نفس اجتماعی می‌انجامد. به باور هونت، ازباشت این تجربه‌های تحقیر و بی‌عدالتی، نوعی «آشفتگی اخلاقی» و احساس عمیق بی‌حرمتی ایجاد می‌کند که می‌تواند به صورت نبردها و جنبش‌های اجتماعی برای به‌رسمیت‌شناسی بروز یابد؛ جنبش‌هایی که در آن، گروه‌های فرودست و تحقیرشده می‌کوشند با به چالش کشیدن نهادها و هنجارهای تبعیض‌آمیز، اعتمادبه‌نفس، حرمت خویش و عزت‌نفس اجتماعی ازدست‌رفته را بازسازی کنند (سعادتی و همکاران، ۱۴۰۰،). این چارچوب در تحلیل تجربهٔ تاریخی و معاصر هزاره‌ها، امکان تبیین هم‌زمان خشونت جسمانی، سلب حقوق شهروندی و تحقیر فرهنگی و پیامدهای روانی-اجتماعی آن‌ها را فراهم می‌کند.

۶-۴. آنتونی گیدنز: دوگانگی ساختار و عاملیت

گیدنز در نظریه ساختاربندی، مفهوم «دوگانگی ساختار» را مطرح می‌کند: ساختارها هم محدودکننده و هم امکان‌ساز هستند؛ و از طریق عمل، همزمان بازتولید و دگرگون می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۴، صص ۱۲۵-۹۵). ساختارها منابع و قواعدی هستند که عاملان از آن‌ها استفاده می‌کنند و در عین حال، آن‌ها را بازتولید یا تغییر می‌دهند. این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا هم بازتولید تبعیض و هم مقاومت و تغییر را همزمان تحلیل کنیم. در مورد هزاره‌ها، ساختارهای تبعیض (قوانین رسمی و غیررسمی، الگوهای فرهنگی، توزیع منابع) هم محدودیت‌هایی را ایجاد کرده‌اند و هم امکان مقاومت را فراهم آورده‌اند. عاملیت هزاره‌ها در شرایط محدودکننده، از روش استراتژی‌های روزمره مقاومت، بازتولید هویت، و تلاش برای دگرگونی ساختارها نمایان می‌شود.

۶-۵. پیر بوردیو: میدان، سرمایه و خشونت نمادین

بوردیو در نظریه خود، جامعه را به‌عنوان شبکه‌ای از میدان‌های قدرت می‌بیند که در آن‌ها، کنشگران برای کسب سرمایه‌های مختلف (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) به رقابت می‌پردازند (بوردیو، ۱۴۰۳، صص ۹۵-۷۵). اما مفهوم کلیدی بوردیو برای

تحلیل تبعیض، خشونت نمادین است. او خشونت نمادین را به‌عنوان شکلی از سلطه تعریف می‌کند که نه از روش اجبار فیزیکی، بلکه از روش طبیعی‌سازی و مشروعیت‌بخشی به نابرابری اعمال می‌شود. در این نوع سلطه، قربانیان خود، ساختارهای نابرابری را به‌عنوان امری طبیعی، بدیهی و اجتناب‌ناپذیر می‌پذیرند و آن را بازتولید می‌کنند. او می‌نویسد: «خشونت نمادین، خشونتی است که قربانیان خود را در تولید و بازتولید آن شریک می‌سازد». این مفهوم به ما امکان می‌دهد تا بفهمیم چگونه تبعیض قومی، از سطح ساختاری به سطح هابیتوس نفوذ می‌کند و درونی می شود. هزاره‌ها، در میدان قدرت افغانستان، با توزیع نابرابر سرمایه‌ها مواجه بوده‌اند؛ و در دوره‌های میانی و معاصر، تبعیض به صورت خشونت نمادین درآمد.

۶-۶. مدل تلفیقی

با ترکیب این نظریه ها، مدل تحلیلی-تبیینی زیر ارائه می‌شود که هم تحلیل (چگونگی) و هم تبیین (چرایی) تبعیض را امکان‌پذیر می‌سازد:

- سطح تاریخی (ابن‌خلدون): شکستن عصبیت هزاره در دوره عبدالرحمن خان ← ساختار قدرت تک‌قومی
- سطح غیاب عدالت (فارابی): عدم شناسایی شهروندی کامل و سلطه عصبیت انحصاری به‌جای مدینه فاضله
- سطح نهادی (بوردیو/گیدنز): بازتولید تبعیض از طریق نهادها، قوانین، آموزش و توزیع نابرابر سرمایه‌ها
- سطح روانی-اجتماعی (هونت): سه شکل عدم شناسایی (محبت، حقوق، تضامن) و آسیب‌های روانی ناشی از آن
- سطح میکروفیزیک (بوردیو/فوکو): رسوب تبعیض در زبان، مدرسه، بازار کار و تعاملات روزمره از روش خشونت نمادین و هابیتوس
- سطح عاملیت (گیدنز): مقاومت و بازیابی شناسایی از روش ارتقای سرمایه فرهنگی، بازنمایی مثبت و جنبش‌های اجتماعی

این مدل تلفیقی نشـــان می‌دهد که تبعیض، پدیده‌ای چندلایه و پویاســـت که در ســـطوح مختلف عمل می‌کند و نیازمند تحلیل همزمان ســـاختار، نهاد، گفتمان، روان و عاملیت است.

۶-۷. نقد ابزارسازی دین برای توجیه تبعیض: تحلیل قرآنی

فارابی و ابن‌خلدون، به‌عنوان اندیشـــمندان مســـلمان، نظریه‌های خود را بر پایه‌های قرآنی و ســـنت نبوی بنا کردند. مفهوم عدالت در اندیشـــه فارابی، ریشـــه در آیات قرآنی دارد که بر برابری ذاتی انســـان‌ها و نفی هرگونه تبعیض قومی و نژادی تأکید می‌کند؛ همچنین ابن‌خلدون، در بحث از ظلم و خراب‌العمران، به تعالیم ا سلامی درباره عدالت و حقوق انســـانی اســـتناد می‌کند. از این رو، تحلیل تعصـــب و تبعیض قومی در افغانســـتان بر مبنای این دو اندیشمند، مستلزم آن است که پایه‌های قرآنی نظریه عدالت را روشن کنیم و نشان دهیم چگونه این آموزه‌ها در عمل، برای توجیه تبعیض ابزارسازی شدند در تضاد آشکار با متون اسلامی.

آیات قرآنی درباره برابری و نفی تبعیض قومی

قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»؛ ای مردم! ما شـــما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شـــما را به قوم‌ها و قبیله‌ها تقسیم کردیم تا یکدیگر را بشناسید؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست».

این آیه، دو اصـــل بنیادین را مطرح می‌کند: اول، خاســـتگاه مشـــترک همه انســـان‌ها و درنتیجه برابری ذاتی آنان؛ دوم، تنها معیار برتری، تقوا و عمل صالح ا ست، نه قوم، نژاد یا زبان. عالمه طباطبایی﵀ در تفسیر این آیه می‌نویسد: «اگر شمول آیه را بپذیریم، قرآن همه اختلافات طبقاتی و قومی را که موجب تفاخر می‌شود نفی کرده است و هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوا» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۸، صـص ۴۷۵-۴۵۰)؛ همچنین در آیه

۱۰ سوره حجرات آمده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ همانا مؤمنان با یکدیگر برادرند». این آیه، رابطه مؤمنان را برادری قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که ایمان، منشأ همبستگی است، نه قوم یا نژاد.

در روایات نبوی نیز بر این اصل تأکید شده است. پیامبر اکرمﷺ در خطبه حجةالوداع فرمودند:

> أیُّها الناس! إنَّ ربَّکم واحدٌ و إنَّ أباکم واحدٌ. کُلُّکم لآدم و آدم من تُراب، إنَّ أکرمَکم عند اهلل أتقاکم، و لیس لعربیٍّ علی عجمیٍّ فضلٌ إلّا بالتقوی؛ ای مردم! پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی؛ همه شما از آدم هستید و آدم از خاک است؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، و برای عرب بر عجم برتری نیست مگر به تقوا» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۵؛ ویکی‌فقه، بی‌تا).

این آیات و روایات، پایه‌های اصلی نظریه عدالت در اسلام را تشکیل می‌دهند و نشان می‌دهند که تعصب و تبعیض قومی، در تضاد آشکار با آموزه‌های قرآنی است.

ابزارسازی دین برای تبعیض: فتوای عبدالرحمن خان

اما در دوره عبدالرحمن خان، این آموزه‌های قرآنی نه‌تنها نادیده گرفته شدند، بلکه دین به ابزاری برای توجیه پاکسازی قومی تبدیل شد. عبدالرحمن خان برای مشروعیت‌بخشی به جنگ علیه هزاره‌ها، از برخی علمای سنی‌مذهب خواست که فتوایی صادر کنند که هزاره‌ها را «کافر» و «خارج از دین» اعلام کند و جنگ با آن‌ها را «جهاد» قلمداد نماید. متن این فتوا چنین است:

«چون کفر اشرارِ هزاره‌یِ دایه و فولاد و زاولی... به جایی رسید که بر جمیع غازیان مسلمان حکم کفر نمودند... حضرت واال به فتوای علمای ملت... اشتهارِ کفرِ طوایف مذکوره هزاره را صادر فرمود... زیرا طغیان سخت را که جماعه‌ی کفار اشرارِ هزاره نموده، بر مسلمانان حکمِ کفر کرده‌اند، جزای سخت و سزای درست لازم است» (فیض‌محمد کاتب، ۱۴۰۲، ج۳، صص ۸۰۹ - ۸۱۲).

این فتوا، جنگ را «جهاد» نامید و اعلام کرد که «زنان، فرزندان و همه دارایی

هزاره‌ها، پاداش مجاهدان ا ست». این یعنی: برده سازی، م صادره زمین و ک شتار، همه به نام دین توجیه شدند.

نقد اسلامی فتوای عبدالرحمن: تضاد با قرآن

این فتوا، در سه سطح، با آموزه‌های قرآنی در تضاد آشکار است:

اول: تکفیر بر اســاس اختلاف مذهبی - قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (مؤمنان برادرند). هزاره‌ها، شــیعه‌مذهب بودند و به خدا، پیامبر و قرآن ایمان داشــتند؛ بنابراین، تکفیر آن‌ها، فقط به دلیل اختلاف در فروع مذهبی، نقض صــریح آیه قرآنی است. علمای سُنّی‌ای که این فتوا را صادر کردند، در واقع دین را برای اهداف سیاسی- قومی عبدالرحمن ابزارسازی کردند.

دوم: تبعیض قومی با پوشــش دینی - آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» به صــراحت می‌گوید که معیار ارزش، تقوا اســت، نه قوم یا نژاد. اما فتوای عبدالرحمن، در واقع بر محور تبعیض قومی بود: هدف، حذف هزاره‌ها به‌عنوان یک گروه قومی- مذهبی و تثبیت ساختار قدرت تک‌قومی (پشتون) بود. پو ش‌دادن این پروژه سیا سی- قومی با لباس «جهاد»، تحریف آشکار آموزه‌های قرآنی است.

ســوم: ظلم و خشــونت، در تضــاد با عدالت - قرآن کریم بارها بر عدالت تأکید می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (ای مؤمنان، قوام به عدالت با شید). و پیامبرﷺ فرمودند: «المسلم أخو المسلم، لا يَظلِمُه و لا يَخذُلُه و لا يَحقِرُه؛ مسلمان برادر مسلمان است؛ به او ظلم نمی‌کند، او را خوار نمی‌سازد و او را تحقیر نمی‌کند». اما فتوای عبدالرحمن، کشتار دسته‌جمعی، برده سازی، مصادره اموال و تجاوز به زنان را مشروع اعلام کرد - همه اینها، صریح‌ترین اشکال ظلم هستند و در تضاد کامل با عدالت قرآنی (ویکی‌فقه، بی‌تا).

فتوای عبدالرحمن‌خان، ابزارســازی ســیاســی دین بود که آموزه‌های قرآنی درباره برابری، عدالت و برادری را نقض کرد. این ابزارسازی، نه‌تنها به پاک سازی قومی منجر شد، ؛ بلکه الگویی ایجاد کرد که در دوره‌های بعدی تا حکومت فعلی طالبان تکرار شد:

استفاده از گفتمان دینی برای توجیه ساختارهای قدرت تک‌قومی و تبعیض ساختاری.

۷. مفاهیم کلیدی پژوهش

این پژوهش بر پنج مفهوم کلیدی اســـتوار اســـت که در تعامل با یکدیگر، چارچوب تحلیلی مقاله را تشکیل می‌دهند:

۷-۱. تعصب قومی

تعصـــب، نگرش و باور اســـت که یک گروه قومی را برتر از دیگران می‌داند. ابن‌خلدون آن را «عصبیت» نامید. احساس همبستگی و برتری‌جویانه گروهی که می‌تواند محرک قدرت‌طلبی باشد. ما در این پژوهش، تعصب قومی را به‌عنوان زمینه‌ساز تبعیض تلقی می‌کنیم؛ یعنی باورها و نگرش‌هایی که رفتارهای تبعیض‌آمیز را توجیه و مشروعیت می‌بخشـند. تعصـب، به تنهایی خطرناک نیسـت؛ اما زمانی که با قدرت سـیاسـی ترکیب می‌شود، به ساختارهای سلطه تبدیل می‌شود.

۷-۲. تبعیض قومی

تبعیض، عمل برخورد نابرابر بر اســاس تعلق قومی اســت. این پژوهش تبعیض را در سه سطح تحلیل می‌کند: (۱) سطح ساختاری (در نظام‌های قدرت و شکل‌گیری دولت)، (۲) سطح نهادی (در قوانین، آموزش، اقتصاد و رسانه)، (۳) سطح روزمره (در تعاملات خرد، زبان و فضـای عمومی). تبعیض، تبلور عملی تعصـب اسـت ـ جایی که باورهای برتری‌جویانه به رفتار و ساختار تبدیل می‌شوند.

۷-۳. میکروفیزیک تبعیض

این مفهوم، برگرفته از «میکروفیزیک قدرت» فوکو، به رســوب تبعیض در شـــبکه پراکنده سازوکارهای خرد و روزمره اشاره دارد – در زبان، نگاه، شوخی، انتظارات معلم از دانش‌آموز، فرایند استخدام غیررسمی، و فضای عمومی. این لایه از تبعیض، نامرئی و

نرمال‌شـده اسـت اما پیامدهای عمیقی بر هویت جمعی دارد. میکروفیزیک تبعیض، نه در قوانین رسمی قابل شناسایی است و نه در سیاست‌های کلان؛ بلکه در همان جاهایی اسـت که زندگی روزمره جریان دارد - در کلاس درس، در مصـاحبه شـغلی، در فروشگاه، در خیابان.

۷-٤. عصبیت (ابن‌خلدون)

در این پژوهش، مفهوم عصبیت دو کارکرد دارد: یکی، عصبیت سلطه‌گر (پشتون) که سـاختار قدرت تک‌قومی را ایجاد کرد و از طریق دولت، نهادها و گفتمان بازتولید شـد؛ دیگری، عصـبیت مقاوم (هزاره) که با شـکسـته‌شـدن در دوره عبدالرحمن، زمینه محرومیت بلندمدت را فراهم کرد، اما بعدها به‌عنوان منبع همبسـتگی و بازیابی هویت عمل کرد. عصبیت، در این چارچوب، نه ذاتاً خوب است و نه بد؛ بلکه بسته به چگونگی استفاده از آن، می‌تواند هم ابزار سلطه و هم ابزار مقاومت باشد.

۷-۵. شناسایی و بازیابی شناسایی

شناسایی (به تعبیر هونت) نیاز بنیادین انسانی است که در سه سطح شکل می‌گیرد: محبت، حقوق، تضامن. عدم شناسایی، به آسیب‌های روانی-اجتماعی منجر می‌شود ـ از دسـت دادن اعتماد به نفس، احترام به خود، و عزت نفس. بازیابی شـناسـایی، فرایند عاملیت جمعی است که گروه تحقیرشده، از طریق سیاسی‌شدن هویت، ارتقای سرمایه فرهنگی و بازنمایی مثبت، جایگاه خود را باز می‌یابد. این فرایند، نه یک شبه و نه کامل نیست؛ بلکه تدریجی، پرتعارض و مداوم است.

رابطه مفاهیم

این پنج مفهوم، در یک زنجیره علّی-تحلیلی قرار می‌گیرند:

تعصـب قومی (نگرش برتری‌جویانه) ← تبعیض سـاختاری (شـکسـتن عصـبیت) ← نهادینه‌شـدن (در قوانین، آموزش، اقتصـاد) ← میکروفیزیک تبعیض (رسـوب در

زندگی روزمره) ← عدم شناسایی (آسیب‌های روانی-اجتماعی)

اما در مقابل:

عاملیت جمعی ← ارتقای سرمایه فرهنگی ← بازنمایی مثبت ← بازیابی شناسایی

این مفاهیم کلیدی، به ما امکان می‌دهد تا تحول تبعیض را از سطح کلان (شکستن عصبیت) تا سطح خرد (میکروفیزیک) و همچنین فرایند مقاومت و تغییر را همزمان تحلیل کنیم.

۸. یافته‌ها: از عصبیت تاریخی تا میکروفیزیک تبعیض

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تعصب و تبعیض علیه هزاره‌ها در سه مرحله تاریخی تحول یافته است که هر مرحله، منطق خاص خود را دارد.

۸-۱. مرحله اول: دوره عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱) ـ حذف آشکار و شکستن عصبیت

دوره عبدالرحمن خان را می‌توان «لحظه بنیادین» تبعیض علیه هزاره ها نامید ـ لحظه‌ای که ساختار قدرت نابرابر شکل گرفت و پایه‌های تبعیض برای دهه‌های بعد بنا شد. در این دوره، سه نوع سازوکار حذف آشکار عمل کرد که همگی به یک هدف مشترک خدمت می‌کردند: شکستن عصبیت هزاره و تثبیت ساختار قدرت تک‌قومی.

نخست، پاکسازی قومی از طریق جنگ‌های گسترده که بر اساس روایت‌های تاریخی، بخش قابل‌توجهی از جمعیت را محو کرد. دوم، برده‌سازی و فروش زنان، مردان و کودکان در بازارهای کابل و قندهار که نه‌تنها به محرومیت اقتصادی، بلکه به تحقیر عمیق انسانی منجر شد. سوم، مصادره زمین، تخریب قلعه‌ها و واگذاری زمین‌های هزاره‌ها به قبایل پشتون که پایگاه اقتصادی و دفاعی هزاره‌ها را نابود کرد.

این سه سازوکار، در مجموع، به «شکستن عصبیت» هزاره‌ها منجر شد ـ یعنی از بین‌بردن توان دفاعی، سازمان اجتماعی، نخبگان و پایگاه اقتصادی آن‌ها. عبدالرحمن خان، برای ایجاد دولت متمرکز، به عصبیت پشتون تکیه کرد و عصبیت‌های دیگر را تهدید علیه قدرت خود دید. ازآنجاکه هزاره‌ها هم تفاوت قومی (غیرپشتون) و هم

تفاوت مذهبی (شیعه) داشتند، به‌عنوان گروه «دیگری» ساخته شدند. ایدئولوژی دینی نیز در این فرایند به خدمت گرفته شد: فتاواهای برخی علمای سُنّی، جنگ را «جهاد» معرفی کردند و برده‌سازی را مشروع دانستند.

این دوره، ساختار قدرت نابرابری ایجاد کرد که در دوره‌های بعدی بازتولید شد: هزاره‌ها از زمین، نخبگان و قدرت دفاعی محروم شدند و به «شهروندان درجه دوم» تبدیل شدند. در اصطلاح هونت، این، اولین شکل عدم شناسایی بود: عدم شناسایی در سطح محبت (خشونت جسمی گسترده) و عدم شناسایی در سطح حقوق (محرومیت از حق مالکیت، امنیت و شهروندی).

۸-۲. مرحله دوم: دوره‌های میانی قرن بیستم_نهادینه‌شدن تبعیض

در قرن بیستم، تبعیض از شکل آشکار و خشن دوره عبدالرحمن، به اشکال نهادی و فرهنگی تحول یافت. در این دوره، چهار سازوکار اصلی عمل می‌کردند که تبعیض را در ساختار جامعه رسوب دادند.

اولاً، قوانین و سیاست‌های تبعیض‌آمیز که محدودیت‌های قانونی برای ورود هزاره‌ها به برخی مشاغل، ارتش و نمایندگی سیاسی ایجاد کرد و بودجه کافی برای مناطق هزاره‌نشین تخصیص نداد. ثانیاً، نظام آموزشی که کتاب‌های درسی آن، تاریخ افغانستان را از منظر پشتون‌محور روایت می‌کردند و هزاره‌ها را یا نادیده می‌گرفتند یا منفی توصیف می‌کردند؛ همچنین دسترسی به مدارس و دانشگاه‌ها محدود بود. ثالثاً، گفتمان و زبان که در آن برچسب‌های تحقیرآمیز و کلیشه‌های منفی درباره هزاره‌ها در زبان عامیانه، ادبیات و رسانه‌ها رواج یافت و تفاوت‌های ظاهری به‌عنوان نشانه «دیگری» بودن تأکید شد. رابعاً، محرومیت اقتصادی که عدم دسترسی به اعتبار، سرمایه و بازارهای اصلی را به همراه داشت و هزاره‌ها را در فقر و حاشیه‌نشینی نگه داشت.

این سازوکارها، تبعیض را از سطح «خشونت آشکار» به سطح «خشونت ساختاری و نمادین» منتقل کردند. خشونت نمادین، به تعبیر بوردیو، نوعی سلطه است که به‌عنوان «طبیعی» و «عادی» پذیرفته می‌شود و قربانیان آن را درونی می‌کنند. در این دوره، بسیاری

از هزاره‌ها، تعاریف منفی درباره خود را باور کردند: احساس «عدم کفایت»، «خجالت از هویت قومی»، و «انتظارات پایین از خود».

چرا تبعیض از شکل آشکار به نهادی تحول یافت؟ دو عامل اصلی را می‌توان شناسایی کرد: یکی، تغییر شرایط بین‌المللی که در قرن بیستم، فشارهای بین‌المللی و گفتمان حقوق بشر، دولت‌ها را مجبور کرد که اشکال آشکار تبعیض را کاهش دهند یا پنهان کنند؛ دیگری، منطق بازتولید که دولت افغانستان دریافت برای حفظ ساختار قدرت تک‌قومی، نیازی به خشونت مستقیم نیست؛ کافی است تبعیض در نهادها، قوانین، آموزش و گفتمان رسوب کند. این شکل تبعیض، هم کم‌هزینه‌تر بود و هم پایدارتر.

در این دوره، عدم شناسایی در سطح تضامن (به تعبیر هونت) تشدید شد: هزاره‌ها در گفتمان عمومی، در تاریخ ر سمی، در کتاب‌های در سی، و در ر سانه‌ها، یا نادیده گرفته شدند یا با تعاریف منفی شناخته شدند. این به فرسایش عزت نفس جمعی منجر شد.

۸-۳. مرحله سوم: دوره معاصر (دهه ۱۹۹۰ به بعد) ـ میکروفیزیک تبعیض

از دهه ۱۹۹۰ به بعد، تبعیض از سطح نهادی به سطح «میکروفیزیک» تحول یافت. میکروفیزیک تبعیض به معنای رسوب تبعیض در شبکه‌ای پراکنده از مکانیسم‌های روزمره، خرد و نامرئی است که در همه جای زندگی اجتماعی حضور دارند اما به‌صورت کلان قابل شناسایی نیستند. این شامل پنج سطح است:

یک، ز بان و گفتمان روزمره: استفاده مداوم از برچسب های تحقیرآمیز در مکالمات روزمره، شوخی‌ها، و فضای مجازی که زبان را به میکروسازوکار طرد تبدیل می‌کند.

دو، مدرسه و آموزش: نه‌تنها در کتاب‌های درسی، بلکه در تعاملات روزمره معلم–دانش‌آموز که انتظارات پایین از دانش‌آموزان هزاره، شوخی‌های قومی، و احساس «دیگری بودن» در کلاس را ایجاد می‌کند.

سه، بازار کار و محیط شغلی: «سقف شیشه‌ای» نامرئی که هزاره‌ها را از ارتقا باز می‌دارد؛ استخدام‌های غیررسمی بر اساس شبکه‌های قومی؛ و تبعیض در دستمزد و شرایط کار.

چهار، فضـــای عمومی و تعاملات روزمره: نگاه‌های مشـــکوک، بررســـی‌های امنیتی بیشتر در فرودگاه‌ها و ایست‌بازرسی‌ها، و احساس «تهدید بالقوه» بودن.

پنج، رسانه و فضای مجازی: تولید و بازتولید کلیشه‌ها در رسانه‌ها، فیلم‌ها، سریال‌ها و شـــبکه‌های اجتماعی؛ نمایش هزاره‌ها در نقش‌های منفی یا فرودســـت؛ و ســـخنان نفرت‌پراکنی آنلاین.

چرا این تحول رخ داد؟ دو عامل اصلی: یکی، جهانی شدن و فشار حقوق بشری که پس از سقوط طالبان (۲۰۰۱) و حضـور جامعه بین‌المللی، دولت افغانسـتان نمی‌توانسـت به صورت آشکار تبعیض کند؛ اما ساختار قدرت تک‌قومی همچنان حفظ شد و تبعیض به لایه‌های عمیق‌تر زندگی اجتماعی رسـوب کرد. دیگری، منطق قدرت پراکنده که در جامعه پیچیده معاصـر، قدرت دیگر فقط از بالا اعمال نمی‌شـود؛ بلکه در میکروتعاملات روزمره بازتولید می‌شود.

میکروفیزیک تبعیض، آســیب‌های روانی-اجتماعی عمیقی ایجاد می‌کند: احســاس ناامنی مداوم، خودســانســوری، «خســتگی نژادی»، اســترس مزمن ناشــی از تبعیض، و تأثیر منفی بر ســلامت روان. اما همزمان، همین تبعیض پراکنده، مقاومت پراکنده نیز ایجاد می‌کند.

۸-۴. بازیابی شناسایی: عاملیت و مقاومت فرهنگی (دهه ۱۹۹۰ به بعد)

در مقابل تبعیض، از دهه ۱۹۹۰ به بعد، اشــکال جدیدی از عاملیت جمعی و بازیابی شناسایی ظهور کرد که در پنج سطح قابل مشاهده است:

یک، سیاسی شدن هویت: تشکیل احزاب و سازمان‌های هزاره، ورود به پارلمان و نهادهای دولتی، و مطالبه حقوق شــهروندی کامل. دوره پس از ۲۰۰۱، به‌ویژه مهم بود: برای اولین بار، هزاره‌ها حضور قابل‌توجه در ساختار قدرت پیدا کردند.

دو، ارتقای ســرمایه فرهنگی: ســرمایه‌گذاری عظیم در آموزش، به‌ویژه در دو دهه اخیر. این، استراتژی «عاملیت از طریق سرمایه فرهنگی» است: در شرایطی که سرمایه اقتصادی و سیاسی محدود است، هزاره‌ها سرمایه فرهنگی را افزایش داده‌اند.

سه، بازنمایی مثبت و بازسازی تاریخ: تولید ادبیات، فیلم، موسیقی و هنر که هزاره‌ها را به‌صورت مثبت نمایش می‌دهد؛ نوشتن تاریخ «از پایین» که روایت رسمی را به چالش می‌کشد؛ و جنبش‌های حافظه تاریخی مانند بزرگداشت قربانیان کشتارها.

چهار، عاملیت زنان هزاره: زنان هزاره، به‌عنوان قربانیان دوگانه تبعیض (قومی و جنسیتی)، در دو دهه اخیر، نقش پیشگام در آموزش، فعالیت اجتماعی و هنر داشته‌اند.

پنج، جنبش‌های اجتماعی و فضای مجازی: جنبش‌های اعتراضی مانند جنبش «روشنایی» (۲۰۱۶) که به قطع برق و محرومیت از زیرساخت اعتراض کرد؛ و استفاده از فضای مجازی برای بازنمایی مثبت، افشای تبعیض و سازماندهی جمعی.

چرا این بازیابی شناسایی در این دوره ممکن شد؟ سه عامل: اول، فرصت‌های ساختاری پس از ۲۰۰۱ که سقوط طالبان و نسبی‌شدن قدرت پشتون‌محور، فضای سیاسی باز کرد. دوم، جهانی‌شدن و ارتباطات که دسترسی به فضای مجازی، امکان سازماندهی، بازنمایی و ارتباط با دیاسپورا را فراهم کرد. سوم، سرمایه فرهنگی انباشته که سرمایه‌گذاری نسل‌های قبلی در آموزش، به ایجاد نسل تحصیل‌کرده‌ای منجر شد که توانایی صدازدن، نوشتن و سازماندهی داشت.

بازیابی شناسایی، کامل نیست و هنوز تبعیض ساختاری ادامه دارد (به‌ویژه در دوره حکومت مجدد طالبان از ۲۰۲۱). اما فرایندهای عاملیت، نشان می‌دهند که ساختارهای تبعیض، نه «بسته» و نه «تغییرناپذیر» هستند.

۹. بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با رویکرد تبارشناختی-جامعه‌شناختی، تحول تعصب و تبعیض قومی علیه هزاره‌های افغانستان را در سه مرحله تحلیل و تبیین کرد: دوره عبدالرحمن (۱۸۸۰-۱۹۰۱) با حذف آشکار و شکستن عصبیت؛ دوره‌های میانی قرن بیستم با نهادینه‌شدن تبعیض در قوانین، آموزش، گفتمان و اقتصاد؛ و دوره معاصر (دهه ۱۹۹۰ به بعد) با تبدیل به میکروفیزیک و رسوب در زبان، مدرسه، بازار کار، فضای عمومی و رسانه. در مقابل، بازیابی شناسایی از طریق عاملیت سیاسی، سرمایه فرهنگی، بازنمایی مثبت و جنبش‌های اجتماعی آغاز شده است.

سـهم نظری مقاله در سـه وجه اسـت: اول، مفهوم‌سـازی «میکروفیزیک تبعیض» که ابزار تحلیلی جدیدی برای فهم لایه‌های نامرئی و روزمره تبعیض فراهم می‌آورد. دوم، تلفیق اندیشه اسلامی و جامعه‌شناسی معاصر که نشان می‌دهد مفاهیم ابن‌خلدون و فارابی، در تعامل با نظریه‌های هونت، گیدنز و بوردیو، می‌توانند فهم عمیق‌تری از پدیده‌های پیچیده اجتماعی فراهم کنند. سـوم، رویکرد دوگانه (تبعیض + بازیابی) که دوگانگی ساختار-عاملیت را در عمل نشان می‌دهد.

محدودیت‌ها و پیشـنهادها: این پژوهش، محدودیت‌هایی دارد. داده‌ها اسـنادی بوده‌اند و کار میدانی انجام نشـده؛ پژوهش‌های آینده می‌توانند با مصـاحبه و مشـاهده، تجربه زیسته تبعیض را عمیق‌تر بررسی کنند. تمرکز بر هزاره‌ها بوده؛ مطالعات تطبیقی با دیگر گروه‌های اقلیت در افغانسـتان می‌تواند الگوهای کلان‌تر را روشـن کند. دوره پس از ۲۰۲۱ (حکومت مجدد طالبان) نیاز به تحلیل جداگانه دارد.

تعصـب و تبعیض قومی، پدیده‌ای اسـت که نه‌تنها به محرومیت مادی، بلکه به آسیب‌های عمیق روانی- اجتماعی منجر می‌شود و در لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی رسـوب می‌کند. تجربه هزاره‌های افغانسـتان نشـان می‌دهد که تبعیض، چگونه از حذف آشـکار به میکروفیزیک تحول می‌یابد؛ اما همچنین نشـان می‌دهد که عاملیت جمعی، بازنمایی مثبت و سرمایه فرهنگی، می‌توانند فرایند بازیابی شناسایی را آغاز کنند. چالش اصلی، از «عاملیت در حاشیه» به «شناسایی کامل و عدالت ساختاری» است و این، نیازمند تحول بنیادین در ساختار قدرت، گفتمان و نهادهای افغانستان است.

منابع

* قرآن کریم.

ابن‌خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۷۵). مقدمه ابن‌خلدون (مترجم: محمد پروین گنابادی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

بوردیو، پیر. (۱۴۰۳). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی (مترجم: مرتضی مردیها). تهران: نقش و نگار.

تیمور خانف. (۱۴۰۱). تاریخ ملی هزاره (مترجم: عزیز طغیان، چاپ پنجم). کابل: انتشارات مقصودی.

حرانی، حسن بن شعبه. (۱۴۰۴ق). تحف‌العقول عن آل الرسول. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۸). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

فارابی، ابونصر. (۱۳۷۶). السیاسة المدنیه (مترجم: حسن ملک‌شاهی). تهران: انتشارات سروش.

فارابی، ابونصر. (۱۳۸۵). آراء اهل المدینه الفاضله (مترجم: سید جعفر سجادی). تهران: انتشارات الزهراء.

فیض‌محمد کاتب، محمد فیض. (۱۴۰۲). سراج‌التواریخ (ج۳، چاپ سوم). تهران: نشر عرفان، .

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). تکوین جامعه: نظریه ساختاربندی (مترجم: منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.

موسوی، سید عسکر. (۱۳۷۹). هزاره‌ها (تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، سیاست) (مترجم: اسدالله شفایی). تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری نقش سیمرغ.

سعادتی، موسی. (۱۴۰۰). مطالعهٔ جامعه‌شناختی رابطهٔ بین هویت قومی و پرخاشگری با تأکید بر نظریهٔ به‌رسمیت‌شناسی اکسل هونت. جامعه‌شناسی کاربردی (دانشگاه اصفهان)، ۳۲(۸۴)، صص ۸۰–۹۹.

ویکی‌فقه (بی‌تا). «پرهیز از تبعیض نژادی در سیره نبوی». قابل دسترس در:
https://fa.wikifeqh.ir

Ibrahimi, N. (2017). *The Hazaras and the Afghan State*. Oxford: Oxford University Press.

Monsutti, A. (2005). *War and Migration: Social Networks and Economic Strategies of the Hazaras of Afghanistan*. New York: Routledge.

Ibrahimi, N. (2017). Shift and drift in Hazara ethnic consciousness. *Ethnic and Racial Studies*, 40(7), pp. 1121-1140.

Islam and Social Studies
EISSN: 2676-7783
PISSN: 2345-5586

A Sociological Study of the Arbaeen Walk and Its Relationship with Social Cohesion*

Ghanbar Hosseinpour[1] **Ali Asghar Abbasi Asfajir**[2]
Manouchehr Pahlavan[3]

1. PhD Student, Faculty of Humanities, Babol Branch, Islamic Azad University Babol, Babol, Iran (**Corresponding Author**). gh.hosseinpour@ccoip.ir
2. Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Babol Branch, Islamic Azad University Babol, Babol, Iran. asfajir@iau.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, Babol Branch, Islamic Azad University, Science and Research Babol Branch, Babol, Iran. Ma.pahlavan@iau.ac.ir

Abstract

Religious rituals and ceremonies in religious societies play a key role in strengthening collective identity, social cohesion, and the reproduction of social capital. The massive Arbaeen Walk, as one of the most widespread religious gatherings in the world, provides an unparalleled opportunity for a sociological study of the effects and consequences of religious occasions on social stability and solidarity among Iranian pilgrims. The present study was conducted with the aim of sociologically investigating the Arbaeen

* This article is an excerpt from a doctoral dissertation titled: "A Sociological Study of Religious Occasions and Their Impact on Social Stability and Cohesion: Case Study: Iranian Pilgrims' Arbaeen Walk" (Supervisor: Mr. Ali Asghar Abbasi Esfajir and Advisor: Mr. Manouchehr Pahlavan). Faculty of Humanities, Babol Branch, Islamic Azad University of Babol, Babol, Iran.

* Hosseinpour, Ghanbar; Abbasi Asfajir, Ali Asghar; Pahlavan, Manouchehr. (2025). A Sociological Study of the Arbaeen Walk and Its Relationship with Social Cohesion. *Islam and Social Studies*, *13*(4), pp. 187-229.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73609.2196

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy
▣ **Received:** 2025/08/21 ● **Revised:** 2025/10/12 ● **Accepted:** 2025/12/11 ●**Online Publication:** 2025/12/30

© 2025
authors retain the copyright and full publishing rights

Walk and its impact on social cohesion. The research method was a survey, and the data collection tool was a researcher-made questionnaire. The statistical population consisted of Iranian pilgrims participating in the Arbaeen Walk, and 400 individuals were selected using a sampling method. Face and content validity were used to evaluate the validity of the questionnaire, and Cronbach's alpha coefficient was used to measure reliability. The research findings showed that participation in the Arbaeen Walk strengthens social solidarity, promotes mutual trust, increases social capital, and consolidates the religious identity of the pilgrims. These results indicate that religious occasions not only leave spiritual effects on the individual dimension, but also act as an important social factor in promoting stability and social cohesion in Iranian society.

Keywords
Religious Occasions, Social Cohesion, Social Stability, Collective Identity, Arbaeen Walk.

اسلام و مطالعات اجتماعی
EISSN: ۲۶۷۶-۷۷۸۳
PISSN: ۲۳۴۵-۵۵۸۶

مطالعه جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین و رابطه آن با انسجام اجتماعی*

قنبر حسین‌پور [۱] علی‌اصغر عباسی اسفجیر [۲] منوچهر پهلوان [۳]

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، بابل، ایران (**نویسنده مسئول**).
gh.hosseinpour@ccoip.ir

۲. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، بابل، ایران.
asfajir@iau.ac.ir

۳. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بابل، بابل، ایران.
Ma.pahlavan@iau.ac.ir

چکیده

مناسک و آیینهای مذهبی در جوامع دینی نقشی کلیدی در تقویت هویت جمعی، انسجام اجتماعی و بازتولید سرمایه اجتماعی دارند. پیاده‌روی عظیم اربعین به‌عنوان یکی از گسترده‌ترین اجتماعات دینی جهان، فرصتی بی‌بدیل برای مطالعه جامعه‌شناختی آثار و پیامدهای مناسبت‌های مذهبی بر ثبات و همبستگی اجتماعی در میان زائران ایرانی فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین و تأثیر آن بر انسجام اجتماعی انجام شد. روش تحقیق، پیمایشی و ابزارگردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود. جامعه آماری شامل زائران ایرانی شرکت‌کننده در پیاده‌روی اربعین بوده و با استفاده از

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان: «بررسی جامعه شناختی مناسبت های مذهبی و تاثیر آن بر ثبات و انسجام اجتماعی«مطالعه موردی: پیاده روی اربعین زائران ایرانی» (استادراهنما: آقای علی‌اصغر عباسی اسفجیر و استاد مشاور: آقای منوچهر پهلوان). دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، بابل، ایران می‌باشد.

* حسین‌پور، قنبر؛ عباسی اسفجیر، علی‌اصغر؛ پهلوان، منوچهر. (۱۴۰۴). مطالعه جامعه شناختی پیاده‌روی اربعین و رابطه آن با انسجام اجتماعی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۱۸۷-۲۲۹.
https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73609.2196

نوع مقاله: پژوهشی؛ **ناشر:** پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰ ● **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ ● **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۹/۲۰ ● **تاریخ انتشار آنلاین:** ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارندهٔ حق‌مؤلف مقالهٔ خود بدون محدودیت هستند»

روش نمونه‌گیری ۴۰۰ نفر انتخاب شدند. برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی صوری و محتوایی و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که مشارکت در پیاده‌روی اربعین موجب تقویت همبستگی اجتماعی، ارتقای اعتماد متقابل، افزایش سرمایه اجتماعی و تحکیم هویت دینی زائران می‌شود. این نتایج حاکی از آن است که مناسبت‌های مذهبی نه‌تنها در بعد فردی آثار معنوی برجای می‌گذارند، بلکه به‌عنوان عامل اجتماعی مهمی در ارتقای ثبات و انسجام اجتماعی در جامعه ایران عمل می‌کنند.

کلیدواژه‌ها

مناسبت‌های مذهبی، انسجام اجتماعی، ثبات اجتماعی، هویت جمعی، پیاده‌روی اربعین.

مقدمه

مناسک مذهبی از دیرباز به‌عنوان یکی از پایدارترین و اثرگذارترین اشکال کنش جمعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و بازتولید ارزش‌های مشترک ایفا کرده‌اند. این آیین‌ها، در نگاه جامعه‌شناسی کلاسیک، نه‌تنها بازتابی از تجربه‌های معنوی افراد بوده؛ بلکه ابزاری برای تقویت پیوندهای اجتماعی، انسجام جمعی و ثبات ساختاری جامعه بشمار می‌روند. به بیان دیگر، مناسک مذهبی تنها عرصه‌ای نمادین نیستند؛ بلکه بستری زنده برای تقویت حس تعلق میان اعضای یک جامعه بشمار می‌آیند. اهمیت این کارکرد در جهان اسلام و به ویژه در سنت شیعی، باتوجه به ماهیت پویا، مردمی و عاطفی این آیین‌ها، برجستگی بیشتری پیدا می‌کند.

دراین میان، «پیاده‌روی اربعین حسینی»به‌عنوان یکی از عظیم‌ترین گردهمایی‌های مذهبی سالانه جهان، نمونه‌ای بی‌بدیل از این پدیده اجتماعی-مذهبی است. این رویداد که میلیون‌ها زائر را از ملیت‌ها، اقوام و طبقات اجتماعی گوناگون در یک مسیر مشترک گردهم می‌آورد، فراتر از یک عمل زیارتی صرف، به رخدادی اجتماعی و فرهنگی با پیامدهای چندلایه بدل شده است. پیاده‌روی اربعین نه‌تنها بازتابی از وفاداری دینی و هویت مذهبی است؛ بلکه با ایجاد فرصت‌های گسترده برای تعاملات جمعی، همدلی اجتماعی و مشارکت داوطلبانه، زمینه‌ای کم‌نظیر برای بازآفرینی انسجام اجتماعی فراهم می‌کند.

با وجود این اهمیت برجسته، بررسی‌های علمی در حوزه جامعه‌شناسی دین کمتر به‌صورت نظام‌مند به واکاوی پیامدهای اجتماعی این پدیده پرداخته‌اند. بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها تاکنون به ابعاد معنوی، اعتقادی و فردی مناسک اربعین توجه داشته و درنتیجه، بعد جامعه‌شناختی و کارکردهای آن در تقویت سرمایه اجتماعی، تحکیم همبستگی و افزایش احساس تعلق ملی-مذهبی کمتر مورد مطالعه قرارگرفته است. این خلأ پژوهشی ضرورت توجه به این پرسش را دو چندان می‌سازد که: چگونه چنین رخدادی می‌تواند در شرایط کنونی جامعه ایران، به‌عنوان عاملی برای تقویت ثبات و انسجام اجتماعی ایفای نقش کند؟

برهمین‌اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر رویکرد جامعه شناختی، در پی آن است تا ابعاد مختلف تأثیر پیاده‌روی اربعین بر انسجام اجتماعی را به مثابه یک مطالعه موردی واکاوی کند. این تحقیق می‌کوشد نشان دهد که این آیین جمعی عظیم چگونه می‌تواند به‌عنوان بستری برای ارتقای سرمایه اجتماعی، بازتولید هویت مشترک و تقویت همبستگی ملی-مذهبی عمل نماید و از این رهگذر، سهمی مهم در پایداری اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی ایفاکند.

۱. بیان مسئله

انسجام اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین شاخص‌های سلامت و پایداری جوامع است که توانایی یک سیستم اجتماعی را برای مقابله با بحران‌ها، تغییرات و چالش‌ها از طریق تقویت همبستگی درونی و شکل‌دهی به راهبردهای جمعی نمایان می سازد. این مفهوم چندبعدی شامل مؤلفه‌هایی چون اعتماد متقابل، مشارکت اجتماعی، احساس تعلق و هویت جمعی است (چلبی، ۱۳۹۵، ص ۵۵). برهمین‌اساس، انسجام اجتماعی در ادبیات جامعه‌شناسی به مثابه زیربنایی برای ثبات سیاسی، همبستگی فرهنگی و سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شود.

از منظر نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر، دین و مناسک جمعی آن همواره یکی از مهمترین منابع انسجام اجتماعی بوده است. دورکیم (۱۳۸۲) در کتاب صوربنیانی حیات دینی، مناسک را ابزار بازتولید همبستگی و هویت جمعی می‌داند (Giddens, 2006). با وجود تأکید بر فرسایش برخی جنبه‌های سنتی دین در عصر مدرن، بر کارکرد بازسازنده آیین‌های دینی در پیوندهای اجتماعی و هویت‌یابی جمعی تأکید دارد. در همین راستا، (Putnam, 2000) دین و شبکه‌های اجتماعی ناشی از آنرا از غنی‌ترین اشکال سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. یافته‌های پژوهش‌های جدید نیز این رویکرد را تأیید می‌کند؛ برای مثال، (Wood, 2017 & Cullen , et al, 2016) نشان داده‌اند که آیین‌های مذهبی جمعی می‌توانند اعتماد اجتماعی، همبستگی و همکاری گروهی را در جوامع مدرن تقویت کنند.

در میان مناسک معاصر، «پیاده‌روی اربعین حسینی» به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های مذهبی- اجتماعی جهان جایگاه ویژه‌ای یافته است. این رویداد که از سطحی محدود به گردهمایی عظیم و فراملی ارتقا یافته، عرصه‌ای زنده برای بروز مشارکت داوطلبانه، نظم خودجوش، ایثار و همیاری اجتماعی (به ویژه در قالب «مواکب») فراهم می‌آورد (فتاحی و همکاران، ۱۴۰۰).

پژوهش‌های داخلی همچون (سلیمانی، ۱۳۹۹) و (رستمی و همکاران، ۱۳۹۸) نیز نشان می‌دهند که پیاده‌روی اربعین، افزون بر تقویت هویت شیعی و تجربه زیسته معنوی، به افزایش احساس تعلق اجتماعی، گسترش اعتماد و تحکیم روابط جمعی منجر می شود؛ همچنین یافته‌های خارجی (مانند مک‌دانل، ۲۰۲۰) است که آیین‌های مذهبی بزرگ، حتی در بسترهای متفاوت فرهنگی، به مثابه سازوکار بازتولید سرمایه اجتماعی عمل می کنند.

با وجود اهمیت این مو ضوع، یک شکاف آ شکار در ادبیات پژوه شی وجود دارد: تمرکز اغلب مطالعات داخلی بر ابعاد سیاسی، اعتقادی یا بین‌المللی اربعین بوده و بررسی نظام‌مند تأثیر این مناسک بر انسجام اجتماعی در بافت جامعه ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است (صادقی، ۱۳۹۷). این درحالی است که جامعه ایرانی با چالش‌هایی همچون گسست نسلی، کاهش مشارکت مدنی و ضعف اعتماد اجتماعی مواجه است(آزادارمکی، ۱۳۹۴، ص۸۸) و مطالعه مناسک عظیمی همچون اربعین می‌تواند پاسخی علمی به این مسائل ارائه دهد.

۲. اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

انسجام اجتماعی یکی از پایه‌های حیاتی سلام، ثبات و توسعه هر جامعه‌ای است که موجب حفظ نظم و همبستگی میان اعضا می شود. یکی از مهمترین عوامل تأمین و تقویت انسجام اجتماع، باورها، اعتقادات و انجام فرائض و آیین‌های دینی مشترک در جامعه است. به‌طوری‌که هرچه اعتقادات دینی میان اعضا از تعهد و ارزشمندی بیشتری برخوردار باشد، انسجام اجتماعی نیز استحکام بیشتری می‌یابد و انجام مناسک دینی انرژی عاطفی و مشارکت اجتماعی گسترده‌تری را در پی خواهد داشت (چلبی، ۱۳۹۵، ص ۵۷).

مناسک مذهبی به‌ویژه مناسبت‌هایی مانند پیاده‌روی اربعین، که از زیارت فردی به حرکتی گروهی عظیم با مشارکت افراد از فرهنگ‌ها، اقوام و حتی ادیان مختلف تبدیل شده است، به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل تقویت همبستگی، نظم و انسجام اجتماعی شناخته می شوند. این مناسک نمادی از سرمایه‌های نمادین، فرهنگی و اجتماعی‌اند که می‌توانند در قالب تجارب جمعی و معنوی، پیوندهای اجتماعی را تقویت و بازتولیدکنند (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۹۶ و فتاح و همکاران، ۱۴۰۰).

با وجود اهمیت بالای مناسک مذهبی به‌ویژه پیاده‌روی اربعین در بازتولید و تقویت انسجام اجتماعی، مطالعات جامعه شناختی دقیق و کاربردی در این حوزه در ایران کمتر انجام شده است. بیشتر پژوهش‌ها عمدتاً به ابعاد سیاسی، معنوی یا بین‌المللی این رویداد پرداخته‌اند و توجه کافی به تأثیرات درونی و اجتماعی آن بر پیوندهای جمعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی نشده است (صادقی، ۱۳۹۷)؛ همچنین، با توجه به گسست نسلی، کاهش مشارکت مدنی و افزایش شکاف‌های فرهنگی در جامعه ایرانی، نیاز به تحقیقات به‌روز و تخصصی که ظرفیت‌های ملی و فراملی این آیین را به عنوان فاکتوری مؤثر در انسجام اجتماعی تحلیل کند، به شدت احساس می‌شود.

این تحقیق، علاوه بر ایجاد شناخت نظری درباره جایگاه و کارکردهای مناسک مذهبی همچون پیاده‌روی اربعین، قابلیت ارائه تحلیل‌های عمیق و راهبردی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران فرهنگی و اجتماعی را دارد؛ همچنین، این پژوهش می‌تواند به نهادهای فرهنگی و دینی کمک کند تا ظرفیت‌های اربعین را به‌عنوان یک مناسک ملی و فراملی برای ارتقای ثبات سیاسی، اجتماعی و انسجام ملی و امت اسلامی بکار گیرند (شجاعی‌زند، ۱۳۹۹).

عدم توجه به ظرفیت‌های مناسک مذهبی و غفلت از تحلیل علمی تأثیرآنها بر انسجام اجتماعی موجب از دست‌رفتن فرصت‌های مهم بازسازی سرمایه اجتماعی و افزایش همبستگی ملی خواهد شد. فقدان این شناخت می‌تواند زمینه ساز تشدید گسست‌های اجتماعی، ضعف اعتماد بین گروه‌ها و افزایش شکاف‌های فرهنگی گردد که پیامدهای آن کاهش توان مقابله جامعه با بحران‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و درنهایت تضعیف

ثبات و توسعه پایدار جامعه خواهد بود. در شرایطی که مناسبت‌هایی چون پیاده‌روی اربعین می‌توانند پیامدهای مثبت گسترده در سبک زندگی زائران و ارزش‌های دینی- مذهبی داشته باشند، بی‌توجهی به آنها خسارات قابل توجهی بر سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی وارد خواهد کرد (آزادارمکی، ۱۳۹۴، ص ۸۸).

انجام این پژوهش به درک بهتر و علمی‌تر نقش مناسک مذهبی، به‌ویژه پیاده‌روی اربعین، در تقویت انسجام اجتماعی و همبستگی جمعی در جامعه ایرانی کمک خواهدکرد. این تحقیق ضمن فراهم‌کردن تحلیل نظری و کاربردی، می‌تواند به تقویت ثبات سیاسی-اجتماعی، ارتقای هویت مشترک، افزایش اعتماد اجتماعی و ترویج سبک زندگی مبتنی بر ارزش‌های دینی و فرهنگی منجرشود؛ همچنین، این پژوهش ظرفیت‌ها و چالش‌های این مناسک ملی و فراملی را آشکار ساخته و راهنمای برنامه‌ریزی‌های سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی خواهد بود تا با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، جامعه‌ای منسجم‌تر، همبسته‌تر و پایدارتر شکل گیرد (سلیمانی، ۱۳۹۹؛ فتاحی و همکاران، ۱۴۰۰).

انسجام اجتماعی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین برای پایداری و توسعه جوامع، همواره مورد توجه متفکران اجتماعی قرارگرفته است. جوامعی که از سطح بالای انسجام اجتماعی برخوردارند، در مواجهه با بحران‌ها، تضادها و چالش‌های درونی و بیرونی، مقاومت و تاب‌آوری بیشتری از خود نشان می‌دهند. این انسجام، مفهومی چندبعدی است که از مؤلفه‌هایی همچون همبستگی، مشارکت، اعتماد متقابل، احساس تعلق، هویت جمعی و پیروی از هنجارهای مشترک تشکیل شده است (چلبی، ۱۳۹۵، ص ۵۷).

۳. اهداف تحقیق

۳-۱. هدف اصلی

- بررسی نقش و تأثیر مراسم پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک مناسک دینی در تقویت انسجام اجتماعی، همبستگی ملی و ارتقا ثبات سیاسی- اجتماعی در جامعه ایران و امت اسلامی است.

۳-۲. اهداف فرعی

۱. تحلیل ابعاد فرهنگی، اجتماعی و دینی مناسک مذهبی در ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی.

۲. شناسایی ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی پیاده‌روی اربعین در ارتقا سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی.

۳. بررسی تأثیر حضور در مراسم پیاده‌روی اربعین بر سبک زندگی دینی، ارزش‌ها و هویت دینی-ملی زائران ایرانی.

٤. تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی مراسم پیاده‌روی اربعین در راستای تدام و گسترش پیام جهانی آن.

۵. ارائه راهکارهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های پیاده‌روی اربعین در جهت تقویت انسجام اجتماعی و ثبات سیاسی-اجتماعی.

٤. پرسش‌های تحقیق

یکی ازعوامل مهمی که می‌تواند به تقویت و بازتولید انسجام اجتماعی کمک کند، مناسبت‌ها و آیین‌های جمعی به‌ویژه با ماهیت دینی است.

برهمین‌اساس، این پژوهش با رویکردی جامعه‌شناختی و با بهره‌گیری از روش پیمایشی، در پی پاسخ به پرسش اصلی زیر است:

٤-۱. پرسش اصلی

مشارکت زائران ایرانی در پیاده‌روی اربعین چه تأثیری بر ابعاد مختلف انسجام و ثبات اجتماعی دارد؟

٤-۲. پرسش‌های فرعی

۱. پیاده‌روی اربعین چه نقشی در افزایش اعتماد اجتماعی میان زائران ایفا می‌کند؟

۲. این آیین چگونه می‌تواند سطح مشارکت اجتماعی و داوطلبانه را درجامعه ارتقا دهد؟

۳. چه تأثیری بر تقویت احساس تعلق و هویت جمعی دینی-ملی دارد؟

٤. پیاده‌روی اربعین تا چه اندازه در تقویت همدلی اجتماعی و باز تولید سرمایه اجتماعی مؤثر است؟

۵. پیاده‌روی اربعین چگونه بر انسجام اجتماعی و همبستگی میان زائران ایرانی تأثیر می‌گذارد؟

٦. چه ابعادی ازمراسم پیاده‌روی اربعین به تقویت هویت دینی و ملی زائران کمک می‌کند؟

۷. نقش مشارکت مردمی و فعالیت‌های گروهی در پیاده‌روی اربعین در افزایش اعتماد و مدلی اجتماعی چیست؟

۸. چه چالش‌ها و فرصت‌هایی در مسیر ارتقای اثرگذاری مراسم پیاده‌روی اربعین بر انسجام اجتماعی وجود دارد؟

۹. سیاست‌گذاری‌های لازم برای بهره‌گیری بهتر از ظرفیت‌های پیاده‌روی اربعین در تقویت انسجام اجتماعی کدام‌اند؟

این تحقیق می‌کوشد با تحلیل جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین، نقش مناسک مذهبی را در تحکیم روابط اجتماعی و بازسازی هویت جمعی در جامعه دینی ایران مورد واکاوی قرار دهد.

۵. فرضیه‌های تحقیق

۵-۱. فرضیه اصلی

بین مشارکت زائران ایرانی در مناسک مذهبی پیاده‌روی اربعین و انسجام اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

۵-۲. فرضیه فرعی

فرضیه ۱: بین شرکت در مناسک مذهبی پیاده‌روی اربعین و میزان احساس تعلق اجتماعی زائران ایرانی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: شرکت در پیاده‌روی اربعین حسینی با افزایش احساس نشاط اجتماعی در میان زائران ایرانی رابطه دارد.

فرضیه ۳ : پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک مناسک دینی، با تقویت هویت دینی در میان مشارکت‌کنندگان ایرانی رابطه معنادار دارد.

فرضیه ۴: بین شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و افزایش احساس امنیت اجتماعی در زائران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۵ : مناسک مذهبی اربعین تأثیر مثبتی بر اعتماد اجتماعی شرکت‌کنندگان ایرانی دارد.

٦. مبانی نظری و مفهومی پژوهش

جوامع بشری از دیرباز تاکنون، به نحوی دارای مذهب بوده‌اند. دانشمندان و جامعه شناسان با بررسی‌های دقیق، به این نکته پی برده‌اند که اساساً در جهان، طایفه و جامعه‌ای بدون اعتقادات و آداب و رسومی که در واقع کیش و مذهب بشمار می‌رود، وجود ندارد.

امروزه نه‌تنها در سرتاسر جهان مذهب وجود دارد؛ بلکه تحقیقات نشان می‌دهد طوایف اولیه‌ی بشر نیز دارای مذهب بوده‌اند. چنان‌که اسلاف و پیشینیان انسان امروزی نئاندرتال‌ها[1] مرده‌های خود را به وضع خاصی دفن می‌کردند و ابزار کارشان را در کنارشان می‌نهادند و بدین طریق، عقیدهٔ خود را بوجود دنیای دیگر به اثبات می‌رساندند (کنیک، ۱۳۵۵، ص ۱۲۶).

در جامعه‌شناسی دین، مناسبات دین و جامعه مورد نظر است، همچنان‌که اندیشه‌های دینی، سازمان‌ها و نهادهای دینی، مناسک و شعائر دینی در این رشته مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جامعه‌شناس دین از قضاوت ارزشی اجتناب می‌ورزد و تنها سعی در شناخت عقاید

۱. نئاندرتال ها گونه‌ای از انسان‌های اولیه بودند که حدود ۴۰ هزار سال پیش در اروپا و آسیای غربی زندگی می‌کردند. آنها با بدن قوی و مغز بزرگ، سازگار با سرمای یخبندان، ابزار سنگی می‌ساختند و از آتش استفاده می‌کردند.

به‌عنوان واقعیاتی مهم و روابط آنها با زمینه‌های اجتماعی دارد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۷۶۷).

به نظر«همیلتون» جامعه‌شناسی دین بر آن است که نقش دین را در جامعه دریابد، اهمیت و تأثیر آن‌را بر تاریخ بشر تحلیل کند، گوناگونی عقاید و مراسم مذهبی در فرهنگ‌های مختلف را باز شناسد و نیروهای اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری آنها را معین کند (Hamilton، 1995).

ازآنجاکه دین امری اجتماعی است یکی از زمینه‌های مطالعاتی جامعه‌شناسی، دین و چگونگی شکل‌گیری آن و ارتباطش با جامعه و ابعاد مختلف آن است، و نیز ازآنجاکه مسجد یک سازمان مذهبی وابسته به نهاد دینی است، ضروری است که مختصری به تعاریف مختلف دین و نظر جامعه‌شناسان دربارهٔ دین پرداخته شود.

تعریف دین در بین جامعه‌شناسان و اندیشمندان متفاوت است. گاهی یک سری آداب و رسوم خاص، دین به شمار می‌آید و گاهی آیین‌های الهی هم که توسط پیامبران الهی بر مردم عرضه شده است نیز دین خوانده می‌شود. شاید یکی از دشوارترین مباحث پایه در جامعه شناسی دین، ارائه تعریفی مناسب از دین باشد که تا حال چنین کاری، یعنی ارائه تعریفی جامع و مانع از دین، انجام نشده است. برای مثال، چند تعریف از دین ارائه می‌شود:

«رانی استارک»، یکی از چهره‌های سرشناس جامعه‌شناسی دین در آمریکا می‌گوید: «دین الگوهای اجتماعاً سازمان‌یافته از باورها و عملکردهایی است که به معنای غایی مربوط می‌شوند و بر فرض وجود ما بعد الطبیعه استوارند» (سیدامامی، ۱۳۷۶).

«آلن بیرو»، به نقل از «بولی»می‌نویسد: «دین، مجموعهٔ باورها و اعمالی را در بر می‌گیرد که نسبت به یک واقعیت یکتا یا جمعی اما متعالی پدید می‌آید. واقعیتی که انسان خود را بدان وابسته می‌داند و درصدد تماس و ارتباط با آن است» (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۶۳۲).

«رابرت بلا»، جامعه‌شناس برجستهٔ معاصر و از شاگردان «تالکت پارسونز» در تعریف دین می‌نویسد: «مجموعه‌ای از اشکال و اعمال نمادین که انسان را به شرایط غایی هستی خودش مربوط می‌کند» (سیدامامی، ۱۳۷۶).

در مبانی نظری «بررسی جامعه‌شناختی مناسبت‌های مذهبی و تأثیر آن بر انسجام اجتماعی با مطالعه موردی: پیاده‌روی اربعین زائران ایرانی» نظریه‌ها و چارچوب‌های جامعه‌شناختی مرتبط با مناسک مذهبی، انسجام اجتماعی و پدیده‌های جمعی اشاره شده که این نظریه‌ها عبارت‌اند از:

٦-١. انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های پایداری و سلامت جامعه، بیانگر میزان همبستگی درونی و توان جامعه در مواجهه با بحران‌ها و چالش‌هاست. مؤلفه‌هایی چون اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی، هویت جمعی و همدلی از عناصر اصلی انسجام اجتماعی به‌شمار می‌آیند (چلبی، ١٣٩٥، ص ٥٥).

٦-٢. دین و مناسک جمعی

در ادبیات کلاسیک جامعه شناسی، دین و به‌ویژه مناسک جمعی آن، نقش محوری در بازتولید همبستگی اجتماعی دارند.

- رحیمی (١٣٨٢، صص٣٢-٣٤) در صور بنیانی حیات دینی، آیین‌های مذهبی را ابزاری برای تحکیم هویت جمعی و بازتولید وجدان جمعی می‌داند.

-گیدنز، نیز اگرچه از فرسایش سنت در نیای مدرن سخن می‌گوید، اما تأکید دارد که آیین‌های دینی همچنان توان بازسازی پیوندهای اجتماعی و هویت مشترک را دارا هستند (Giddens, 2006, pp. 442-445).

٦-٣. سرمایه اجتماعی و مشارکت دینی

سرمایه اجتماعی، که به‌ویژه توسط «پاتنام» مفهوم‌پردازی شده، شامل اعتماد، هنجارهای همکاری و شبکه‌های اجتماعی است که به تقویت همکاری و انسجام اجتماعی منجر می‌شود (Putnam, 2000, pp. 18-22). ازاین منظر، مشارکت در آیین‌های دینی می‌تواند یکی از قوی‌ترین منابع تولید سرمایه اجتماعی باشد.

٦-٤. سرمایه‌های بوردیو و آیین اربعین

بوردیو با معرفی انواع سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین)، نشان می‌دهد که مناسک مذهبی می‌توانند زمینه‌ای برای انباشت و بازتولید سرمایه اجتماعی و نمادین باشند. در آیین اربعین، سرمایه نمادین (مبتنی بر ایثار و معنویت) و سرمایه اجتماعی (مبتنی بر شبکه‌های همکاری مانند مواکب) به‌شدت تقویت می‌شود (Bourdieu, 1986, p. 248).

٦-٥. پیاده‌روی اربعین به‌مثابه پدیده اجتماعی

مطالعات اخیر نشان داده‌اند که آیین اربعین افزون بر بُعد معنوی، دارای آثار اجتماعی قابل توجهی بر تقویت هویت شیعی، احساس تعلق، همیاری و اعتماد اجتماعی است (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۹۴ ؛رستمی و همکاران، ۱۳۹۸؛ فتاحی و همکاران، ۱۴۰۰). بااین‌حال، پژوهش‌های موجود بیشتر بر ابعاد سیاسی و بین‌المللی این آیین متمرکز بوده و کمتر به سنجش نظام‌مند نقش آن در بازتولید انسجام اجتماعی در بستر جامعه ایران پرداخته‌اند (صادقی، ۱۳۹۷). برای تحلیل جامعه‌شناختی پیاده‌روی اربعین و نقش آن در انسجام اجتماعی، می‌توان از چند رویکرد نظری استفاده کرد:

۱. نظریه انسجام اجتماعی دورکیم

دورکیم معتقد است آیین‌ها با ایجاد احساس تعلق مشترک و بازتولید ارزش‌های جمعی، عامل اصلی انسجام اجتماعی هستند. از این منظر، پیاده‌روی اربعین با گردآوردن میلیون‌ها فرد در یک تجربه معنوی مشترک، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند.

۲. نظریه مناسک گذار ترنر

ترنر، آیین‌ها را فرایندی می‌داند که در آن شرکت‌کنندگان از حالت فردی خارج و به یک «اجتماع عاطفی» وارد می‌شوند. در پیاده‌روی اربعین نیز زائران تجربه‌ای جمعی و فراملی از همبستگی و برابری می‌یابند که انسجام اجتماعی را تعمیق می‌بخشد.

۳. سرمایه اجتماعی پاتنام

براساس نظریه پاتنام، مشارکت در آیین‌های جمعی می‌تواند سرمایه اجتماعی (اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای همکاری) را تقویت کند. پیاده‌روی اربعین نیز

با تقویت روابط اجتماعی، همبستگی دینی و اعتماد متقابل، در تولید سرمایه اجتماعی مؤثر است.

۴. کنش ارتباطی هابرماس

هابرماس بر اهمیت ارتباط و تعامل در فضای عمومی تأکیددارد. در پیاده‌روی اربعین، تعاملات گسترده میان زائران ایرانی و دیگر ملیت‌ها، فضای ارتباطی و تفاهم جمعی ایجاد می‌کند که به تحکیم انسجام اجتماعی کمک می‌نماید.

۷. چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق به شناخت و بررسی تاثیر مراسم و مناسبت‌های مذهبی (پیاده‌روی اربعین) بر زائرین از مباحث اصلی جامعه شناسی به شمار می‌رود و دامنه وسیعی از تئوری‌ها و نظریه‌های مرتبط به خود اختصاص داده شده که برای تبیین متغیرها می‌توان با تکیه بر رویکرد کارکردگرایی و ساخت‌گرایی از چارچوب نظری حوزه جامعه‌شناسان مانند دورکیم و پارسونز استفاده می شود. نظام‌های سیاسی همواره تلاش می‌کنند با افزایش قابلیت و ظرفیت خود، توانایی پاسخ به درخواست‌ها و امکان رویارویی با مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را بدست آورند.

صاحب‌نظران و جامعه‌شناسان برجسته «الگوی کارکردی-سیستمی» از امیل دورکیم، تالکوت پارسونز و دیوید ایستون گرفته تا «گابریل آلموند» و «بینگهام پاول» درباره مناسک دینی-مذهبی، جشن‌ها که باعث همبستگی و انسجام اجتماعی می شود دیدگاه زیادی داشتند. دورکیم اعتقاد داردکه مناسک دینی و جشن‌های دسته‌جمعی، همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کند. وی می‌گوید این اهمیت ندارد که اعضای گروه برای چه کاری گردهم می‌آیند، مهم این است که آنها گردهم می‌آیند و کاری را به‌گونهٔ دسته‌جمعی انجام می‌دهند. به بیان بهتر امر اساسی این است که انسان‌ها گرد هم می‌آیند، احساسات مشترکی را تجربه می‌کنند و به‌گونهٔ یک کنش جمعی آن را بیان می‌کنند. بنابرآنچه که دورکیم می‌گوید مهم کنش جمعی است، مهم نیست به چه منظوری.

بنابراین دورکیم کارکرد مناسک دینی را در قالب کنش جمعی و در نتیجه همبستگی و انسجام اجتماعی تبیین می‌کند. بر این منوال شاید بتوان صور دیگر پدیده‌های اجتماعی را که منجر به کنش جمعی می‌شوند را عامل انسجام اجتماعی تلقی کرد. جشن‌های دسته‌جمعی ازجمله جشن‌های استقلال و پیروزی مردم در انقلاب‌ها را می‌توان یکی از موارد مهم از این نوع دانست. جشن‌ها، مراسم دسته‌جمعی و مناسک دینی-مذهبی به‌طور معمول به‌صورت گروهی برگزار می‌شوند. تعدادی از افراد جامعه گردهم آمده و با تمسک به یک موضوع خاص به تبادل احساسات و عواطف نسبت به هم می‌پردازند.

این‌گونه جشن‌ها برای خود قاعده‌مندی‌ها و روش‌های خاص دارند. از این نظر بین جشن‌های دسته‌جمعی و مناسک مختلف اجتماعی-دینی یک نوع همانندی وجود دارد. بدین‌معنا که در هر دو پدیده، عنصر قاعده‌مندی و روش‌مندی وجود داشته و برگزاری آن فاقد نظم و مقررات خاص نیست. جشن‌های گروهی برخلاف مناسک دینی که از تقدیس برخوردار بوده و کمتر تغییرپذیرند، آسان‌تر با شرایط، مقتضیات و نیازهای زندگی بشری سازگار می‌گردند. ازسویی برگزاری جشن‌های دسته‌جمعی ضمن اینکه منجر به کنش جمعی می‌شوند، از لحاظ روحی و روانی، شادابی، کاهش تنش‌های عاطفی، رفع تیره‌گی‌های روابط میان افراد و کاهش کشمکش‌های اجتماعی و درنهایت تقویت وحدت و امنیت ملی را به همراه دارد.

چارچوب نظری این پژوهش، با توجه به موضوع آن، نگاه کارکردگرایانه‌ای دارد، که روی مناسک و اعمال دینی گرایش بیشتری دارند، به خصوص بر نظریات دورکیم تأکید خواهد داشت که از منظری کارکردی به موضوع دین و مناسک دینی پرداخته و بیشترین تأکید او بر بعد مناسکی دین بوده است. در رابطه با تعریف دین از منظر کارکردگرایی به‌خصوص نظرات دورکیم، می‌توان این بررسی را انجام داد که دورکیم، در معرفی اجزاء دین به دو جزء عقاید و مناسک دینی توجه کرده و بیش از هر چیز کارکرد این عقاید و مناسک را مورد توجه قرار داده است.

«دورکیم»، دین را چنین تعریف می‌کند: «دین نظامی منسجم از عقاید و اعمال

مرتبط با چیزهای مقدس است. عقاید و اعمالی که همه پیروان را در قالب یک اجتماعی واحد (جامعه دینی) اتحاد می‌بخشد» (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۶۳).

به نظر «دورکیم»، پدیده‌های دینی به‌طورعمده به دو مقوله باورها و مناسک تقسیم می‌شوند (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۴۸). «دورکیم» کیش عبادی یا مناسک دینی را فقط مجموعه‌ای از اعمال تکراری که ایمان از راه آنها ترجمان بیرونی پیدا می‌کند، نمی‌داند، بلکه مجموعه وسایلی می‌داند که ایمان و احساس دینی از طریق آنها ایجاد و دوره به دوره تکرار می‌شود (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

به استدلال «دورکیم»، دین در واقع زاییده مناسک است. ازطریق مشارکت در مناسک و مراسم مذهبی است که قدرت اخلاقی جامعه آشکارا احساس می شود و احساسات اخلاقی و اجتماعی از همین طریق تقویت و تجدید می‌شوند (همیلتون، ۱۳۸۱، ص ۱۷۶).

به بیان «دورکیم»، دین شیوه‌های بیان ارزش‌های اخلاقی و اعتقادات جمعی هر اجتماع است. دین عقیده‌ای صرف نیست؛ بلکه با مراسم و مناسک همراه است که این خود نوعی حس همبستگی گروهی را تقویت می‌کند و بیانگر تأثیر و نفوذ جمع بر فرد است.

«دورکیم» استدلال می‌کنند که دین در خود، هم احساس و رفتار دارد و هم شیوه تفکر (افروغ، ۱۳۷۷، صص ۱۱۰-۱۰۹). «دورکیم» معتقد است، همه ادیان دارای مناسک و رفتارهای دینی منظمی هستند که در آن گروهی از مؤمنان گردهم جمع می‌شوند و حس همبستگی گروهی در آنها تقویت می‌شود (Giddens, 2006, p. 492).

درواقع مناسک دینی از نظر دورکیم، برای پیونددادن اعضای گروه ضروری است؛ ازاین‌رو است که آنها نه‌تنها در وضعیت‌های عادی پرستش، بلکه در بحران‌های گوناگون زندگی که در آنها تغییرات گذرهای عمده اجتماعی مانند تولد، ازدواج با مرگ یافت می‌شود، تجربه می‌شود (Giddens, 2006, p. 493).

«هاری آلبر»، پژوهشگر دورکیمی چهار کارکرد عمده دین را از نظر دورکیم این‌گونه بیان می‌کند. دین برای نیروهای اجتماعی، انضباط‌بخش، انسجام‌بخش بود (با مراسم)، حیات بخش (با انتقال ارزش‌ها)، خوشبختی بخش است (فراستخواه، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲).

همان‌طورکه بیان شد در این پژوهش از منظرکارکردی و از نگاه دورکیم، به مناسک و رفتارهای دینی پرداخته می شود. به اعتقاد دورکیم، منا سک دینی برخلاف کنش‌های اقتصـــادی که در آن مردم به‌صـــورت جداگانه زندگی می‌کنند و به اهداف اجتماعی یا فردی خود مشغول هستند، با برقراری نوعی روابط عاطفی مثبت سبب انسجام و یکپارچگی میان شرکت‌کنندگان می شود. بخصوص در ایام برگزاری این مرا سم گروه‌ها و افراد در کنار هم به گونه‌های دیگر از اوقات معمولی خویش د ست به کنش‌های واحدی می‌زند و خود را از دیگران باز نمی شناسند (جمشیدی‌ها و قبادی، ۱۳۸۶).

این اعتقادات، باورها و گرایش‌ها (فرضـــیه جامعه‌پذیری دینی) در هنگام برگزاری مراسم، وحدت، علاقه‌مندی و یکدلی را شرکت‌کنندگان فراهم می‌سازد (فرضیه انسجام اجتماعی) (جمشیدی‌ها و قبادی، ۱۳۸۶).

همبستگی و یگانگی که از روش همانندی در احساسات و تبعیت از نظام‌های ارزشی واحد صورت می‌گیرد، می‌تواند کنشگران را به هم متصل سازد. ازسوی دیگر ازآنجاکه ســـنن وآداب دینی در مراســـم مـذهبی بـا گریـه‌هـا و عزاداری‌هـای جمعی کـه بـا شورآفرینی‌های خاصی همراه است، کنشگران با این عمل مذهبی نوعی احساس تطهیر و نزدیکی به خدا می‌کنند. این امر سـبب نوعی کامیابی و نشـاط برای کنشـگران عزادار می شود. درواقع تفریح اجتماعی در این مرا سم با توجه به ویژگی‌ها و جاذبه‌های خاص آن موجب تقویت، تحرک و آرامش و تجدید حیات فردی می‌شـــود (فرضـــیه تجدید حیات اجتماعی و دینی) (جمشیدی‌ها و قبادی، ۱۳۸۶).

به عقیده دورکیم در هر دینی انجام یک‌سری اعمال خاص برای پیروان و مؤمنان آن دین ممنوع گردیده اسـت. انجام چنین اعمالی یک فرد تنبیه، ملامت یا دسـت‌کم نفرت عمومی را به دنبال خواهد داشـت. در پی انجام اعمال ممنوعه، فرد گناهکار شـده و باید منتظر نوعی عذاب از طرف جامعه یا طبیعت باشـد (فرضـیه نظارت و کنترل اجتماعی) (دورکیم، ۱۳۸۲، ص ۳۰۰).

به‌طور خلا صه چارچوب نظری این تحقیق مبتنی بر دیدگاه‌های کلا سیک و معا صر

جامعه‌شناسی دین و انسجام اجتماعی است. سه نظریه‌پرداز کلیدی در این چارچوب عبارت‌اند از:

امیل دورکیم: کارکردگرایی و انسجام مکانیکی

دورکیم در اثر بنیادین خود صور بنیانی حیات دینی (۱۹۱۲) مناسک دینی را ابزاری برای تقویت انسجام اجتماعی می‌داند. از نظر وی، مشارکت در آیین‌های جمعی نوعی «هم‌احساسی جمعی» ایجاد می‌کند که منجر به شکل‌گیری وجدان جمعی و همبستگی مکانیکی در جوامع سنتی می‌شود (Durkheim, 1912, p. 223). مناسک، به‌ویژه زمانی که به‌صورت جمعی و با نمادهای مقدس انجام می‌شوند، نقش پیونددهنده و یکپارچه‌ساز دارند.

ویکتور ترنر: آیین‌های گذار و جماعت‌گرایی[1]

ترنر، با تمرکز بر مفهوم «لیمنالیته» در آیین‌های گذار، معتقد است که مناسک مذهبی می‌توانند فضایی خارج از ساختارهای قدرت و قشربندی ایجاد کنند که در آن احساس برابری، وحدت و «جماعت‌گرایی» تقویت می‌شود (Turner, 1969, p. 96). پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک «آیین‌گذار جمعی»، می‌تواند فرصت شکل‌گیری جماعتی دینی-فرهنگی را فراهم آورد که بر انسجام اجتماعی تأثیرگذار است.

پیر بوردیو: میدان، سرمایه فرهنگی و بازتولید هویت

از منظر بوردیو، مشارکت در مناسک دینی را می‌توان نوعی کنش در «میدان مذهبی» دانست که در آن سرمایه فرهنگی و نمادین باز تولید می‌شود. مناسبت‌هایی مانند پیاده‌روی اربعین، علاوه بر کارکردهای آیینی، فرصت‌هایی برای نمایش هویت، تعلق اجتماعی و سرمایه‌گذاری نمادین در قالب کنش‌های مذهبی فراهم می‌سازند (Bourdieu, 1991, p. 125).

نتیجه‌گیری چارچوب نظری

براساس ترکیب نظریات فوق، چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای این پیش‌فرض

1. Communitas

استوار است که مشارکت درمناسبت‌های مذهبی، به‌ویژه آیین‌های جمعی مانند پیاده‌روی اربعین، می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی، همبستگی گروهی و احساس تعلق جمعی میان زائران منجر شود. انسجام اجتماعی، در این چارچوب، نه‌تنها به‌عنوان یک پیامد فردیِ تجربه دینی، بلکه به‌عنوان یک فرایند اجتماعی-فرهنگی بازتولیدشونده در بستر آیین‌های جمعی تحلیل می‌شود.

پس چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای دیدگاه‌های کارکردگرایانه، تفسیری و نظریات انتقادی در جامعه‌شناسی دین و انسجام اجتماعی بنا شده است. از دیدگاه دورکیم، مناسک مذهبی نقش بنیادینی در تقویت وجدان جمعی و انسجام اجتماعی ایفا می‌کنند. ترنر با طرح مفهوم «جماعت‌گرایی» بر قدرت مناسک در خلق تجربه‌های جمعی و احساس یگانگی موقت تأکید دارد. در کنار این دو، بوردیو مناسک دینی را به‌عنوان میدانی برای بازتولید سرمایه فرهنگی و نمادین تفسیر می‌کند. در ترکیب این دیدگاه‌ها، پژوهش حاضر فرض می‌کند که مشارکت در آیین پیاده‌روی اربعین، به‌واسطه خلق فضاهای آیینی-اجتماعی، موجب تقویت انسجام اجتماعی در میان زائران ایرانی می‌شود.

۱. جدول مفهومی[1]

ابعاد و مؤلفه‌ها	نظریه‌پرداز / منبع	تعریف مفهومی	مفهوم نظری
اعتماداجتماعی-وفاق اجتماعی- مشارکت مدنی-حس تعلق جمعی	دورکیم (۱۹۹۵) / چن و همکاران (۲۰۰۶)	میزان احساس تعلق، اعتماد متقابل، همبستگی و همکاری در میان اعضای یک جامعه	انسجام اجتماعی
نظم آیینی-تجربه جمعی- تکرارپذیری- بازتولید هویت	Durkheim (1912) Turner (1969)	کنش‌های آیین، نمادین و تکرارشونده با هدف ایجاد پیوند میان انسان و امر قدسی و همچنین تقویت پیوندهای اجتماعی	مناسک مذهبی

1. Operationalized Conceptual Table

ابعاد و مؤلفه‌ها	نظریه‌پرداز / منبع	تعریف مفهومی	مفهوم نظری
جماعت‌گرایی (Communitas) همبستگی دینی- مشارکت خودجوش- مقاومت فرهنگی	علمداری (۲۰۲۰)	آیینی بزرگ درجهان تشیع بامشارکت میلیونها زائر، که حامل پیام‌های دینی، هویتی، مقاومت فرهنگی و همبستگی اجتماعی است.	پیاده‌روی اربعین
اعتبار مذهبی-ارزش نمادین مشارکت-نمایش دینداری و تعهد اجتماعی	Bourdieu (1991)	مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی، آیینی، ارزشی و نمادین که افراد بامشارکت در آیین‌های مذهبی کسب می‌کنند.	سرمایه فرهنگی/نمادین

۸. مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش: پیاده‌روی اربعین

	⬇	
	احساس تعلق اجتماعی	
	احساس نشاط اجتماعی	
تجربه‌های فرهنگی- نمادین	هویت دینی	شبکه‌های اجتماعی شکل‌گرفته
	احساس امنیت	
	اعتماداجتماعی	
	⬇	

انسجام اجتماعی:

۹. پیشینه پژوهش

جدول شماره ۱. پیشینه‌های داخلی و خارجی پژوهش

پژوهش داخلی					
ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	روش تحقیق	تعداد نمونه	یافته‌ها
۱	فتحی (۱۴۰۴)	تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت داوطلبانه در پیاده‌روی اربعین حسینی	کیفی: تئوری زمینه‌ای	۳۰ نفر زائر یا خدمت‌رسان	یافته‌ها نشان داد که مشارکت داوطلبانه در قالب مواکب، منجر به شکل‌گیری «سرمایه اجتماعی قوی»، «اعتماد تعمیم‌یافته» و «احساس تعلق خاطرعمیق» در میان شرکت‌کنندگان می‌شود. این مطالعه به این نتیجه رسید که اربعین به‌عنوان یک «مدرسه اجتماعی» عمل می‌کند که ارزش های همیاری و ایثار را بازتولید می‌نماید.
۲	طاهرخانی و همکاران (۱۳۹۹)	تأثیر پیاده‌روی اربعین بر تقویت هویت ملی و مذهبی در میان جوانان ایرانی	پیمایشی/پرسشنامه	۳۸۰ نفر جوانان ایرانی شرکت‌کننده در راهپیمایی اربعین	نتایج حاکی از آن بود که میان مشارکت در پیاده‌روی اربعین و تقویت هویت ملی-مذهبی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین، این آیین باعث افزایش احساس غرور ملی و تقویت پیوندهای فراقومی در میان جوانان شرکت‌کننده شده بود.

پژوهش داخلی					
ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	روش تحقیق	تعداد نمونه	یافته‌ها
۳	موسوی و بیات (۱۳۹۷)	بازشناسی سرمایه‌های نمادین در آیین اربعین: مطالعه‌ای میدانی	کیفی، مردم‌نگاری مشاهده و مصاحبه عمیق	نامشخص	یافته‌ها نشان می‌دهد که آیین اربعین عرصه‌ای برای تولید و بازتولید «سرمایه نمادین» (براساس ایثار و قربانی) و «سرمایه اجتماعی» است. این فرایند منجر به ایجاد نوعی «و جدان جمعی نوین» و تقویت انسجام در میان جامعه زائران می‌شود.

پژوهش خارجی					
ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	روش تحقیق	تعداد نمونه	یافته‌ها
۴	Enjil (2024)	دیجیتال و الهی: رسانه‌های اجتماعی و دگرگونی زیارت اربعین	روش آمیخته؛ تحلیل محتوای کمّی پُست‌ها و کیفی و مصاحبه	نامشخص	این مطالعه بررسی می‌کند که چگونه پلتفرم های رسانه های اجتماعی، تجربه اربعین را متحول کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که به اشتراک گذاری دیجیتال این زیارت، پیام‌های همبستگی و مراقبت را تقویت می‌کند، حس جمعی را فراتر از شرکت‌کنندگان فیزیکی گسترش می‌دهد و یک آرشیو دیجیتالی از انسجام اجتماعی ایجاد می‌کند که اثر این مناسک را در طول سال تقویت می‌نماید.

پژوهش خارجی					
ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	روش تحقیق	تعداد نمونه	یافته‌ها
۵	Al-Mohammad & Peluso (2023)	زیارت اربعین: همبستگی، تقدس و بقا	قوم‌نگاری؛ مشاهده و مصاحبه عمیق	زائران عراق، ایران و لبنان	این مطالعه استدلال می‌کند که پیاده‌روی اربعین شکلی منحصر به فرد از «همبستگی فراملی» و یک «اجتماع عاطفی» ایجاد می‌کند که فراتر از مرزهای ملی، قومی و طبقاتی عمل می‌نماید. این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه اعمال مهمان‌نوازی (موکب)، پیوندهای اجتماعی قدرتمند و حس هویت مشترک را ایجاد می‌کند و به عنوان مکانیسمی برای انسجام اجتماعی در منطقه‌ای دوپاره عمل می‌نماید.
۶	Szanto (2022)	فراتر از فرقه‌گرایی: زیارت اربعین و همبستگی شیعی	قوم نگاری و تحلیل گفتمان	زائران و مقامات مذهبی	سزانتو خوانش‌های صرفاً فرقه‌گرایانه از اربعین را به چالش می‌کشد. این تحقیق نشان می‌دهد که این زیارت، شکل پیچیده‌ای از همبستگی را بیان می‌کند که اگرچه ریشه در هویت شیعی دارد، اما همچنین فضاهای همه شمول برای برخورد و همکاری ایجاد می‌نماید. این مطالعه نتیجه می‌گیرد که مناسک بزرگ مقیاس می‌توانند به‌عنوان عوامل قدرتمند یکپارچگی اجتماعی عمل کنند، حتی در میانه مناقشات سیاسی.

پژوهش خارجی					
ردیف	نویسنده/ نویسندگان (سال)	عنوان پژوهش	روش تحقیق	تعداد نمونه	یافته‌ها
۷	Deeb & Harb (2020)	تقوا، نیکوکاری و اخلاق مراقبت در زیارت شیعیان	کیفی؛ فرم‌نگاری	زائران شیعه	نویسندگان نشان می‌دهند که چگونه خدمات داوطلبانه و اعمال خیریه در طول زیارت‌هایی مانند اربعین، تنها تکالیف مذهبی نیستند، بلکه اعمالی هستند که اخلاق اجتماعی و اخلاق عمومی را تولید و تقویت می‌کنند. این «اخلاق مراقبت»، پیوندهای اجتماعی را تقویت کرده و شبکه‌های اجتماعی تاب‌آور می‌سازد که سهمی مهم در ثبات اجتماعی دارد.

تطابق فرضیه‌ها با چارچوب نظری تحقیق

براساس مبانی فوق، چارچوب نظری این پژوهش بر ایده اصلی «نقش مناسک مذهبی در تقویت انسجام و ثبات اجتماعی» استوار است. دراین چارچوب:

– متغیرمستقل: مشارکت در پیاده‌روی اربعین.

– متغیروابسته: انسجام وثبات اجتماعی با ابعاد پنجگانه: احساس نشاط اجتماعی، هویت دینی، احساس تعلق اجتماعی، احساس امنیت و اعتماد اجتماعی.

– مکانیزم‌های واسطه‌ای: شبکه‌های اجتماعی شکل‌گرفته در طول پیاده‌روی اربعین (مانند مواکب و گروه‌های دوستی) و تجربه‌های فرهنگی–نمادین (ایثار، وفاداری، معنویت جمعی) ناشی از پیاده‌روی اربعین.

جدول ۲. چارچوب نظری و فرضیه‌ها

نظریه‌پرداز	ایده	تعمیم ایده	فرضیه
امیل دورکیم (۱۳۸۲)	نقش دین و مناسک دینی در بازتولید هویت جمعی و همبستگی اجتماعی	پیاده‌روی اربعین با ایجاد فضای تجربه مشترک و مناسک دینی، انسجام اجتماعی میان زائران ایرانی را بطور معناداری افزایش می‌دهد.	بین شرکت در مناسک مذهبی پیاده‌روی اربعین و میزان احساس تعلق اجتماعی زائران ایرانی رابطه معناداری وجود دارد.
Giddens (2006)	استمرار نقش آیین‌های دینی در شکل گیری هویت جمعی حتی در عصر مدرن تأکید دارد.	مشارکت فعال در مراسم پیاده‌روی اربعین باعث تقویت هویت دینی و ملی در زائران می‌شود.	شرکت در پیاده‌روی اربعین حسینی با افزایش احساس نشاط اجتماعی در میان زائران ایرانی رابطه دارد.
چلبی (۱۳۹۵)	نظریه‌های سرمایه اجتماعی که مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل را کلیدانسجام اجتماعی می‌دانند.	فعالیت های گروهی و داوطلبانه در پیاده‌روی اربعین منجربه افزایش اعتماد اجتماعی وهمدلی میان شرکت‌کنندگان می‌شود.	پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک مناسک دینی، با تقویت هویت دینی در میان مشارکت‌کنندگان ایرانی رابطه معنادار دارد.
شجاعی‌زند (۱۳۹۹)	مطالعات جامعه‌شناختی که به موانع بازتولید سرمایه اجتماعی در مناسک جمعی اشاره دارند.	وجود چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی می‌تواند اثر گذاری پیاده‌روی اربعین بر انسجام اجتماعی را محدود کند.	بین شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و افزایش احساس امنیت اجتماعی در زائران رابطه معناداری وجود دارد.
دورکیم (۱۳۸۲) Putnam (2000)	رویکردهای کارکردگرایانه در جامعه‌شناسی که بر نقش سیاست‌گذاری در حفظ و تقویت سرمایه‌های اجتماعی تأکید دارند.	اجرای سیاستگذاری‌های دقیق و کارشناسانه در مدیریت مراسم پیاده‌روی اربعین، ظرفیت آن‌را در تقویت انسجام اجتماعی بطورقابل توجهی افزایش می‌دهد.	مناسک مذهبی اربعین تأثیر مثبتی بر اعتماد اجتماعی شرکت‌کنندگان ایرانی دارد.

۱۰. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، پیمایشی است. روش پیمایش باتوجه به ماهیت موضوع و لزوم گردآوری داده‌های میدانی از زائران ایرانی شرکت‌کننده در پیاده‌روی اربعین انتخاب گردید.

۱۱. جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زائران ایرانی شرکت‌کننده در مرا سم پیاده‌روی اربعین حسینی در سال (۱۴۰۳) می‌با شد. باتوجه به گستردگی جامعه آماری و محدودیت‌های زمانی و مکانی، امکان سرشماری کل جامعه وجود نداشت؛ ازاین‌رو، نمونه‌گیری صورت گرفت.

۱۲. حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

با بهره‌گیری از فرمول کوکران و در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای مجاز۰/۰۵، حجم نمونه مورد نیاز۳۸۴ نفر برآورد شد. برای اطمینان از دقت و پوشش کافی، حجم نمونه نهایی به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. روش نمونه‌گیری بصورت تصادفی سیستماتیک (با فاصله زمانی مشخص) در میان زائران ایرانی در مرزهای ورودی و خروجی کشور در موکب‌های مستقر در ایران انجام گرفت.

۱۳. ابزارگردآوری داده‌ها

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که براساس مبانی نظری و مطالعات پیشینه طراحی گردید. پرسشنامه شامل دو بخش اصلی بود:

۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی (سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل و سابقه حضور در مراسم اربعین).

۲. گویه‌های اصلی تحقیق در ابعاد مختلف انسجام اجتماعی (احساس نشاط اجتماعی، هویت دینی، احساس تعلق اجتماعی، احساس امنیت و اعتماد اجتماعی). این

گویه‌ها در قالب طیف شش درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) طراحی شدند.

۱۴. روایی پرسشنامه

برای بررسی روایی پرسشنامه، از دو روش استفاده شد:

۱. روایی صوری: پرسشنامه در اختیار چند تن از اساتید رشته جامعه‌شناسی و کارشناسان حوزه دین و فرهنگ قرار گرفت و اصلاحات لازم براساس نظر آنان انجام شد.

۲. روایی محتوایی: گویه‌ها براساس مبانی نظری معتبر و مطالعات پیشینه طراحی گردید تا پوشش‌دهنده ابعاد مختلف انسجام اجتماعی باشد.

۱۵. پایایی پرسشنامه

به منظور سنجش پایایی پرسشنامه، یک پیش‌آزمون بر روی ۳۰ نفر از زائران ایرانی اجرا گردید. سپس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقدار بدست‌آمده برابر ۰/۸۵۲ بود که نشان‌دهنده پایایی مناسب ابزار تحقیق محسوب می‌شود.

۱۶. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری داده‌ها، آنها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در سطح توصیفی از شاخص‌هایی مانند میانگین، انحراف معیار و فراوانی استفاده شد و در سطح استنباطی برای آزمون فرضیات از آزمون‌های آماری نظیر همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره بهره گرفته شد.

۱۷. یافته‌های توصیفی تحقیق

نتایج نشان می‌دهد که از میان ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۶۳ درصد مرد و ۳۷ درصد زن بوده‌اند. ۳۱/۵ درصد در گروه سنی کمتر از ۳۰ سال، ۵۲/۵ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۵۰ سال و

۱٦ در صد در گروه سنی ۵۰ سال و بالاتر قرار دارند. میانگین سنی پاسخ‌گویان حدود ۳۷/٤ سال است. ۱ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۱۷/۳ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۷ در صد دارای تحصیلات پیش‌دانشگاهی و دیپلم، ۳۹ در صد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و لیسانس و ۱۵/۷ در صد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و دکتری بوده‌اند. ۲۳/٦ در صد پاسخ‌گویان دارای شغل آزاد، ۱۹/۳در صد کارمند، ۱٤/۳ درصدخانه‌دار، ۱۰/۸ درصد دانشجو، ٦/۷ درصد کاسب، ۵/۵ درصد محصل، ۵ درصد کارگر، ۳/۹ درصد بازنشسته، ۳/٦ درصد فرهنگی، ۳/٤ درصد بیکار، ۱/۹ درصد نظامی، ۱/۵ درصد روحانی و ۰/۵ درصد به مشاغل دیگری اشاره کرده‌اند. ۳۷/۵ درصد پاسخ‌گویان دارای قومیت فارس، ۱۹/٦ در صد ترک، ۱۱/۷ در صد عرب، ۱۰/۵ در صد کرد، ۹/۳ در صد لر، ۲/۳ در صد لک، ۲ در صد بلوچ، ۱/۵ در صد گیلکی، ۱/۵ در صد مازنی، ۱/۳ در صد طالشی، ۰/۷ در صد تات و ۲ در صد دیگر اقوام بودند. ۳٤/۲ در صد پاسخ‌گویان از مرز مهران، ۲۰/۹ در صد از مرز شلمچه، ۱۳/۸ در صد از مرز خسروی، ۱۱/۱ در صد از مرز تمرچین، ۱۰/٤ در صد از مرز باشماق و ۹/۷ در صد از مرز چذابه از ایران خارج شده‌اند . ۳٤/٤ درصد پاسخ‌گویان از مرز مهران، ۲۰/۸ درصد از مرز شلمچه، ۱۳/۳ درصد از مرز خسروی، ۱۰/۸ درصد از مرز تمرچین، ۱۰/٤ درصد از مرز باشماق و ۱۰/۲ درصد از مرز چذابه به کشور وارد شده‌اند. ٦۳/۸ درصد زائران بیش از ٤ مرتبه، ۱۸/۹ در صد ۳ مرتبه، ۱۱/۲ در صد ۲ مرتبه و ٦/۱ در صد یک مرتبه در پیاده‌روی اربعین امسال و سال‌های گذشته حضور داشته‌اند.

انسجام اجتماعی

نتایج نشان داد که میانگین و انحراف معیار پاسخ‌ها از ۲۰ نمره در پنج بُعد انسجام اجتماعی و شاخص آن شامل: احساس نشاط اجتماعی (میانگین ۱۰/۵٦ و انحراف معیار ۵/۸۰۲)، هویت دینی (میانگین ۱۱/٤٤ و انحراف معیار ۵/۷۲٤)، احساس تعلق اجتماعی (میانگین ۱٤/۱۲ و انحراف معیار ۵/۷۲۳)، احساس امنیت (میانگین ۱۰/٤۸ و انحراف

معیار ۵/۵۲۶) و اعتماد اجتماعی (میانگین ۱۱/۳۲ و انحراف معیار ۵/۵۲۱). میانگین کل شاخص انسجام اجتماعی از ۲۰ نمره ۱۱/۵۸ و انحراف معیار آن ۰/٤٤۳ است.

میانگین ۱۱/۵۸ از ۲۰ نمره به وضوح بالاتر از نقطه میانی مقیاس یعنی ۱۰ قرار دارد، این نتیجه حاکی از آن است که به‌طورکلی، احساس انسجام اجتماعی در میان زائران پیاده‌روی اربعین در سطح بسیار مطلوب و بالایی ارزیابی شده و شرکت در این مراسم به وضوح با تقویت ابعاد مختلف انسجام اجتماعی همراه بوده است.

واریانس۰/٤٤۳ نشان‌دهنده پراکندگی بسیار کم میانگین‌های ابعاد پنج‌گانه حول میانگین کل است. این میزان واریانس پایین حاکی از آن است که اگرچه هر بعد به تنهایی میانگین متفاوتی دارد (برای مثال تعلق اجتماعی بسیار بالا و احساس امنیت به نسبت پایین‌تر،)؛ اما این مقادیر به‌طور همگون حول یک میانگین مرکزی جمع شده‌اند و شاخص کلی از ثبات و یکپارچگی خوبی برخوردار است. به عبارت دیگر، ابعاد مختلف انسجام اجتماعی به‌صورت متعادل و هماهنگ در تجربه زائران حضور داشته‌اند.

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار ابعاد انسجام اجتماعی و شاخص آن

متغیر	میانگین (از ۲۰ نمره)	انحراف معیار
احساس نشاط اجتماعی	۱۰/۵۶	۵/۸۰۲
هویت دینی	۱۱/۴۴	۵/۷۲۴
احساس تعلق اجتماعی	۱۴/۱۲	۵/۷۲۳
احساس امنیت	۱۰/۴۸	۵/۵۲۶
اعتماداجتماعی	۱۱/۳۲	۵/۵۲۱
شاخص انسجام اجتماعی	۱۱/۵۸	۵/۶۵۲
انحراف معیار بین‌گروهی		**۰/۴۴۳**

ضریب همبستگی

ازآنجاکه پایه و اساس مطالعات تحلیل مسیر، سنجش اثر همبستگی میان متغیرها می‌باشد، در ادامه ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. نتایج جدول همبستگی‌های زوجی نشان می‌دهد که، ضریب همبستگی مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و تعلق اجتماعی ۰/۵۰۲ و سطح معنی‌داری آن (p= ۰/۰۰۰<۰/۰۱) است؛ بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد میان مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و تعلق اجتماعی رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد.

ضریب همبستگی مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و افزایش نشاط اجتماعی زائران ایرانی ۰/۶۴۵ و سطح معنی‌داری آن (p= ۰/۰۰۰<۰/۰۱) است؛ بنابراین در سطح معنی‌داری۱ درصد میان مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و افزایش نشاط اجتماعی زائران ایرانی رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد.

ضریب همبستگی مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و هویت دینی۰/۵۸۶ و سطح معنی‌داری آن (p=۰/۰۰۰<۰/۰۱)است؛ بنابراین در سطح معنی‌داری۱ درصد میان مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و هویت دینی رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد.

ضریب همبستگی مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و احساس امنیت ۰/۵۸۵ و سطح معنی‌داری آن (p=۰/۰۰۰<۰/۰۱) است؛ بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و احساس امنیت رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد.

ضریب همبستگی مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و اعتماد اجتماعی ۰/۷۰۷ و سطح معنی‌داری آن (p=۰/۰۰۰<۰/۰۱) است؛ بنابراین در سطح معنی‌داری ۱ درصد بین مؤلفه شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و اعتماد اجتماعی رابطه معنی‌داری در سطح ۱ درصد وجود دارد .

جدول ۴. ضریب همبستگی شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و مؤلفه‌های انسجام اجتماعی در بین زائران

نام متغیرها (شاخص)	آزمون وسطح آن	۱	۲	۳	۴	۵	۶
شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین	ضریب همبستگی	۱					
	سطح معنی‌داری						
تعلق اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۵۰۲**	۱				
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰					
نشاط اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۶۴۵**	۰/۴۸۷**	۱			
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰				
هویت دینی	ضریب همبستگی	۰/۵۸۶**	۰/۷۳۴**	۰/۵۷۲**	۱		
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			
احساس امنیت	ضریب همبستگی	۰/۵۸۵**	۰/۶۸۹**	۰/۷۶۳**	۰/۶۶۷**	۱	
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
اعتماداجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۷۰۷**	۰/۸۱۱**	۰/۸۵۹**	۰/۶۲۰**	۰/۶۸۳**	۱
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	

**. معنی‌داری آزمون در سطح ۱ درصد
*. معنی‌داری آزمون در سطح ۵ درصد

تحلیل مسیر

در این پژوهش برای بررسی اثرات مستقیم وغیرمستقیم شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین بر مؤلفه‌های انسجام اجتماعی مدلی نظری بر اساس پیشینه نظری و تجربی طراحی شد. فرضیه‌های ارائه شده نیز بیانگر روابط علی میان متغیرهای موجود در مدل است. در این پژوهش بررسی همزمان فرضیه‌ها در قالب مدل اوّلیه صورت می‌گیرد. برای ارزیابی مدل فرضی این پژوهش، ابتدا با استفاده از روش پیشینه احتمال به برآورد پارامترها پرداخته شد. پارامترهای برآوردشده شامل ضرایب اثر مستقیم، ضرایب اثر غیرمستقیم و

ضرایب اثر کل می‌باشد که برای هرکدام از این پارامترها جدول جداگانه‌ای حاوی ضرایب برآورد استانداردشده، خطای استاندارد برآورد و ارزش t مربوط به آزمون معنی‌داری این پارامترها ارائه شده است. ضمن اینکه پاسخ‌گویی به فرضیه‌های پژوهش باتوجه به این ضرایب صورت گرفت. پیش از هرچیز، نمودار مدل اولیه شرکت در پیاده‌روی اربعین و مؤلفه‌های انسجام اجتماعی در بین زائران ایرانی به همراه مشخصه‌های برازندگی مدل ارائه شده است؛ لذا د رادامه، نمودار مسیر مدل اصلاح‌نشده شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین همراه با پارامترهای برآورد شده (مقادیر استاندارد) و اعداد معناداری (t) ارائه شده است.

مشخصات برازندگی مدل

به منظور برر سی مدل با ا ستفاده از نرم‌افزار ایموس به برر سی برازندگی آن باداده‌ها پراخته شد. برای برآورد پارامترها، بهترین برازندگی روش بیشینه احتمال[1] می‌باشد. در روش مذکور یک فرایند تکرار شونده به‌منظور برآورد پارامترها انجام می‌گیرد و بر پایه این برآورد تابعی به نام تابع برازندگی محاسبه می‌گردد. این تابع ضریبی است که برازندگی پارامترها را باداده‌ها توصیف می‌کند. زمانی که یک مدل دقیقا مشخص گردید و دارای ویژگی‌های همانند بوده و برآورد و آزمون آن امکان پذیر گردد، دراین صورت برای برآزندگی آن می‌توان از شاخص‌های برازش[2] استفاده کرد. X^2 یکی از پرکاربردترین این شاخص‌ها به‌شمار می‌آید که هرچه مقدار آن به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده برازش بهتر مدل است. بااین‌حال باتوجه به اینکه مقدار مجذور کای تحت تأثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل ساختاری قرار می‌گیرد و لذا شاخص مطمئنی نیست، از شاخص‌های دیگری نیز برای برازش مدل‌ها استفاده می‌شود. ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)[3] شاخص دیگری ا ست که برای مدل‌های خوب کمتر از ۰/۰۵ و برای مدل‌های متو سط بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ و برای مدل‌های ضعیف بالاتر

1. maximum likelihood
2. Fit indexes
3. Root Mean Square Error of Approximation

از ۱/۰ است (براون و سودك، ۱۹۹۳)؛ همچنین برا ساس یک قاعده کلی، شاخص‌های برازندگی تطبیقی (CFI)[1]، نُرم‌شده برازندگی(NFI)[2]، نُرم‌نشده برازندگی (NNFI)[3]، نیکویی برازش (GFI)[4]، نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)[5] و برازش افزایشی[6] (IFI) برای مدل‌های خوب بالاتر از ۰/۹۰ خواهد بود. مقادیر بالای ۰/۸۰ نیز نشان‌دهنده برازش به نسبت خوب یا متوسط مدل است (مك‌کالوم و اوستین، ۲۰۰۰م؛ کلاین، ۲۰۰۵م)؛ همچنین ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده استاندارد شده[7] (SRMR) بایستی کمتر از ۰/۰۵ باشد. در جدول شاخص‌های برازش مدل اولیه آمده است.

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل اولیه

شاخص	χ^2/df	RMSEA	NFI	NNFI	CFI	GFI	AGFI	IFI	SRMR
مقادیر	۳/۷۵	۰/۰۸۵	۰/۹۸	۰/۹۴	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۹۹	۰/۰۲۳

از تقسیم مجذورکای بر درجات آزادی شاخصی بدست می‌آید که چنان‌چه کوچک‌تر از ۳ باشد قابل قبول می‌باشد. در این پژوهش شاخص ذکر شده ۳/۷۵ بدست آمده است. با این حال ازآنجا که این شاخص برازش تحت تاثیر حجم نمونه و همبستگی‌های موجود در مدل است، از دیگر شاخص‌های برازش ازجمله ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب (RMSEA)، شاخص نرم‌شده برازش (NFI)، شاخص نرم‌نشده برازش (NNFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)، و برازش افزایشی (IFI) و ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده استانداردشده (SRMR) نیز استفاده می‌گردد. براساس نتایج بدست آمده باتوجه به اینکه

1. Comparative Fit Index
2. Normed Fit Index
3. Non-Normed Fit Index
4. Goodness of Fit Index
5. Goodness of Fit Index
6. Incremental Fit Index
7. Standardized Root Mean of Residuals

مقدار (RMSEA=۰/۰۸۵) اســت می‌توان برازش مدل را تا اندازه‌ای مطلوب دانســت؛ همچنین در دیگر شــاخص‌ها ازجمله (NFI، NNFI، CFI، GFI و AGFI) نتایج بالاتر از ۰/۹۰ می‌باشد که حاکی از برازش قابل قبول مدل می‌باشد. ضمن اینکه شاخص SRMR نیزکوچکتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است. بااین‌حال، نظر به اینکه دو مسیر موجود در مدل دارای ضـرایب غیرمعنادار شـده‌اند؛ لذا به منظر دسـتیابی به مدل اصـلاحی و برازش‌یافته پژوهش، اقدام به حذف این دو مســیر شــد تا شــاخص‌های برازش نیز بهبود یابد. برهمین‌اســاس در ادامه، نمودار مســیر مدل نهایی و برازش‌شــده شــرکت در مراســم پیاده‌روی اربعین همراه با پارامترهای برآورد شـده (مقادیر اسـتاندارد) و اعداد معناداری (t) ارائه شده است؛ بنابراین می‌توان گفت مدل علی روابط شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و مؤلفه‌های انسـجام اجتماعی در بین زائران ایرانی برازش مناسـبی با داده‌ها دارد. نمودار مسیر مدل اولیه شرکت در پیاده‌روی اربعین و مؤلفه‌های انسجام اجتماعی در میان زائران ایرانی و شاخص‌های برازش آن بیانگر برازش مطلوب مدل بود.

۱۹. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی مناسبت‌های مذهبی به‌ویژه آیین پیاده‌روی اربعین و تأثیر آن بر انســجام و ثبات اجتماعی زائران ایرانی انجام شــد. یافته‌های بدست‌آمده از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها حاکی از آن است که پیاده‌روی اربعین به‌مثابه یک رخداد دینی-فرهنگی بزرگ، کارکردهای اجتماعی و انســجام‌بخش قابل‌توجهی دارد. این آیین توانسـته اسـت در سـطح بین‌فردی و جمعی، احسـاس همبسـتگی، مشـارکت، اعتماد اجتماعی و هویت مشترک را در میان زائران تقویت کند.

مطابق نتایج، ابعاد گوناگون انسجام اجتماعی، ازجمله همبستگی عاطفی، انسجام هویتی، مشــارکت اجتماعی، مدارای فرهنگی، و تقویت ســرمایه اجتماعی در تجربه زائران حضورمعناداری داشتند. مناسک جمعی، فضای معنوی، همسفری، خدمت‌رسانی داوطلبانه و همدلی میان شرکت‌کنندگان ازجمله عوامل مؤثر در تقویت این مؤلفه‌ها بودند.

از منظر نظری، یافته‌ها با دیدگاه‌های دورکیم در مورد نقش آیین‌ها در تقویت وجدان

جمعی، نظریه گافمن در خصوص تعاملات نمادین، و مفهوم «سرمایه اجتماعی» پاتنام همخوانی دارند؛ همچنین، مقایسه با تحقیقات پیشین داخلی و خارجی نیز نشان داد که مناسبت‌های مذهبی بزرگ‌مقیاس، به‌ویژه آیین‌های مشارکتی مانند اربعین، توان بالقوه‌ای در بازتولید انسجام اجتماعی، شکل‌دهی به هویت دینی مشترک و تقویت همبستگی ملی دارند.

در مجموع، این پژوهش نشان داد که مناسبت مذهبی اربعین نه‌تنها پدیده‌ای دینی، بلکه پتانسیلی قوی برای انسجام‌بخشی اجتماعی به شمار می‌رود؛ بنابراین، توجه سیاست‌گذاران فرهنگی، نهادهای اجتماعی، و مراکز دینی به کارکردهای اجتماعی این آیین می‌تواند به تقویت پیوندهای اجتماعی، کاهش شکاف‌های فرهنگی و ارتقای سرمایه اجتماعی در سطح ملی منجر شود. پس نتیجه می‌گیریم که یافته‌های حاصل از تحلیل همبستگی و فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد که مشارکت در این آیین جمعی، تأثیر مثبت و معناداری بر ابعاد مختلف انسجام اجتماعی دارد. در ادامه، هر فرضیه به تفکیک مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

تحلیل فرضیه ۱: رابطه مشارکت در مناسک اربعین و تعلق اجتماعی

فرضیه اول تحقیق بیان می‌کرد: «بین شرکت در مناسک مذهبی پیاده‌روی اربعین و میزان احساس تعلق اجتماعی زائران ایرانی رابطه معناداری وجود دارد». ضریب همبستگی میان مشارکت در پیاده‌روی و تعلق اجتماعی ۰/۵۰۲ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۱ است، که نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار در سطح ۱ درصد می‌باشد.

این یافته با نظریه دورکیم (۱۳۸۲) همسو است که مناسک مذهبی را ابزار بازتولید هویت جمعی و تقویت وجدان جمعی می‌داند. تجربه مشترک آیینی، حس تعلق اجتماعی و همبستگی میان زائران را افزایش می‌دهد (دورکیم، ۱۹۹۵م).

یافته‌های مشابه در پژوهش‌های داخلی و خارجی نیز مشاهده شده است؛ برای مثال، سلیمانی (۱۳۹۹) نشان داد که مشارکت در آیین‌های جمعی مذهبی باعث تقویت حس تعلق اجتماعی و هویت جمعی در میان زائران می‌شود.

تحلیل فرضیه ۲ :رابطه مشارکت درپیاده‌روی اربعین ونشاط اجتماعی:

فرضیه دوم بیان می‌کرد: «شرکت در پیاده‌روی اربعین حسینی با افزایش احساس

نشـاط اجتماعی در میان زائران ایرانی رابطه دارد». ضـریب همبسـتگی ۰/٦٤٥ با سـطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ نشان می‌دهد که مشارکت در این منا سک، نشاط اجتماعی زائران را به‌طور معناداری افزایش می‌دهد.

این نتایج با دیدگاه Giddens (2006) درباره اسـتمرار نقش آیین های دینی در شـکل‌گیری هویت جمعی و ایجاد تجربه‌های مثبت اجتماعی، همسـو اسـت. مشـارکت فعال زائران در این آیین، زمینه تعاملات اجتماعی، همدلی و انرژی جمعی را فراهم می‌آورد که به افزایش نشـاط اجتماعی منجر می‌شـود. یافته‌های پژوهش‌های مک‌دانل (۲۰۲۰) و حیدر و احمد (۲۰۲۱) نیز نشـان می‌دهند که آیین‌های مذهبی بزرگ باعث ارتقای مشارکت اجتماعی و نشاط جمعی می‌شوند.

تحلیل فرضیه ۳: رابطه مشارکت در پیاده‌روی و هویت دینی

فرضـیه سـوم بیان می‌کرد: «پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک مناسـک دینی، با تقویت هویت دینی در میان مشـارکت‌کنندگان ایرانی رابطه معنادار دارد». ضـریب همبسـتگی ۰/۵۸٦، (P<۰/۰۱) نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار است.

این یافته‌ها مطابق با نظریه Giddens (2006) و Bourdieu (1986) است؛ مشارکت در آیین‌های جمعی، علاوه بر ایجاد سرمایه اجتماعی، بازتولید سرمایه فرهنگی و نمادین را نیز موجب می‌شـود. پیاده‌روی اربعین با بازنمایی ارزش‌هایی چون ایثار، وفاداری و همدلی، هویت دینی و فرهنگی زائران را تقویت می‌کند (Giddens, 2006 & Bourdieu, 1986).

تحلیل فرضیه ٤: رابطه مشارکت و احساس امنیت اجتماعی

فرضیه چهارم: «بین شرکت در مراسم پیاده‌روی اربعین و افزایش احساس امنیت در زائران رابطه معناداری وجود دارد». ضریب همبستگی ۰/۵۸۵، (P<۰/۰۱) نشان می‌دهد که مشارکت در این آیین جمعی، حس امنیت اجتماعی زائران را افزایش می‌دهد.

این یافته‌ها با مطالعات پیشـین فتاحی و همکاران (۱٤۰۰) و رسـتمی و همکاران (۱۳۹۸) مطابقت دارد. مشارکت در آیین‌های مذهبی جمعی، با ایجاد شبکه‌های حمایت اجتماعی، حس امنیت و اعتماد متقابل را افزایش می‌دهد. از منظر نظری، این نتیجه نشان

می‌دهد که مناسک جمعی مذهبی علاوه بر اثرات معنوی، کارکردی اجتماعی در جهت ارتقای ثبات و امنیت اجتماعی دارند (Putnam, 2000).

تحلیل فرضیه ۵: رابطه مشارکت و اعتماد اجتماعی

فرضیه پنجم: «مناسک مذهبی اربعین تأثیر مثبتی بر اعتماد اجتماعی شرکت‌کنندگان ایرانی دارد». ضریب همبستگی ۰/۷۰۷، (P<۰/۰۱) بیانگر رابطه مثبت و معنادار میان مشارکت و اعتماد اجتماعی است.

این یافته‌ها نشان می‌دهند که مشارکت در پیاده‌روی اربعین باعث شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، همکاری‌های داوطلبانه و ایجاد فضای اعتماد متقابل میان زائران می‌شود، که مطابق نظریه Putnam (2000) و شجاعی‌زند (۱۳۹۹)است. ایجاد شبکه‌های داوطلبانه و مواکب، نمونه‌ای عملی از تولید سرمایه اجتماعی در بستر مناسک مذهبی است که نقش اساسی در بازتولید انسجام اجتماعی دارد.

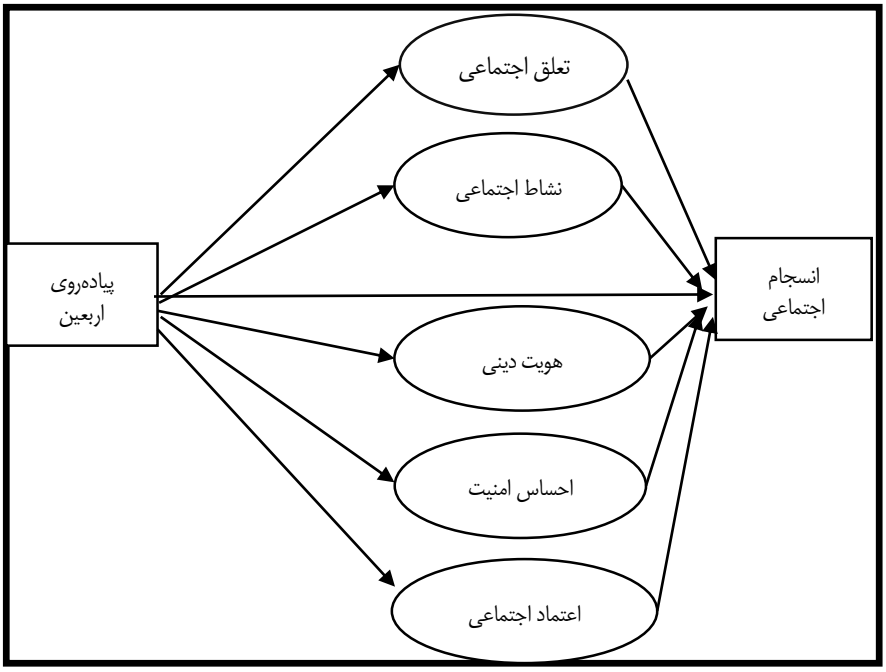

شکل۲. مدل نهایی تحلیل مسیر

جمع‌بندی

همه فرضیات در سطح ۱ درصد تأیید شدند. قوی‌ترین اثر مربوط به اعتماد اجتماعی است (r=۰/۷۰۷) و پس از آن نشاط اجتماعی (r=۰/٦٤٥)، هویت دینی (r=۰/٥٨٦) و احساس امنیت (r=۰/٥٨٥) قرار دارند؛ تعلق اجتماعی نیز اثر معنادار و متوسط رو به بالا نشان می‌دهد (r=۰/٥۰۲). الگوی همبستگی‌های درونیِ بالا میان ابعاد، از وجود یک سازه مرتبه دوم «انسجام اجتماعی» حمایت می‌کند و از نظر فنی، استفاده از CFA/SEM را برای آزمون مدل نهایی (با مسیرهای میانجی) توجیه می‌نماید. از منظر نظری، نتایج با دورکیم، پاتنام، گیدنز و بوردیو همسویی قوی دارد و از منظر کاربردی، بر «سیاست‌های تقویت مشارکت داوطلبانه، معنابخشی جمعی و تضمین امنیت/نظم» تأکید می‌کند.

نتیجه‌گیری کلّی

با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که پیاده‌روی اربعین یک مناسک مذهبی چندبعدی است که افزون بر اثرات معنوی فردی، نقش مهمی در ارتقای انسجام و ثبات اجتماعی ایفا می‌کند. مشارکت در این آیین:

- تعلق اجتماعی، نشاط اجتماعی و هویت دینی را تقویت می‌کند؛
- حس امنیت اجتماعی و اعتماد میان زائران را افزایش می‌دهد؛
- بستر مناسبی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، فعالیت‌های داوطلبانه و بازتولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آورد.

۲۱. پیشنهادات کاربردی

۱. استفاده از ظرفیت مناسک مذهبی برای تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی؛

۲. برنامه‌ریزی و مدیریت مؤثر مراسم پیاده‌روی اربعین برای تقویت مشارکت داوطلبانه و شبکه‌سازی اجتماعی؛

۳. انجام مطالعات آینده درباره اثرات طولانی مدت آیین های جمعی مذهبی بر کاهش گسست‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایران.

منابع

آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی اعتماد اجتماعی در ایران. تهران: نشر نی.

افروغ، عماد. (۱۳۷۷). فضـــا و نابرابری اجتماعی «ارائه الگویی برای جدایی گزینی فضـــایی و پیامدهای آن». تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ قبادی، علیرضا. (۱۳۸٦). تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا. تاریخ اسلام، ۸(۳۰)، صص ۳۷-٦۰.

چلبی، مسـعود. (۱۳۹۵). جامعه‌شـناسـی نظم: بررسـی نظم اجتماعی در ایران. تهران: انتشـارات جامعه‌شناسان.

دورکیم، امیل. (۱۳۸۲). صور بنیانی حیات دینی (مترجم: باقر پرهام). تهران: نشر نی.

رستمی، مرتضی؛ احمدی، حسین و رضایی، سعید. (۱۳۹۸). پیاده‌روی اربعین و بازتولید هویت شیعی. پژوهشنامه علوم اجتماعی اسلامی ایران، ۶(۲)، صص ٤۵-٦۸.

ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی. تهران: ناشر کیهان.

سلیمانی، علی. (۱۳۹۹). تجربه زیسته زائران در آیین پیاده‌روی اربعین». جامعه‌شناسی فرهنگی، ۱۲(۳)، صص ۸۵-۱۱۲.

ســیدامامی، کاووس. (۱۳۷٦). نظری بر جامعه‌شـــناســـی دین. دانشـــگاه امام صـــادق، ۳(٤)، صص ۱٤۱-۱۵٦.

شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۹۹). چالش‌های بازتولید سرمایه اجتماعی درمناسک جمعی: «مطالعه موردی پیاده‌روی اربعین». جامعه‌شناسی ایران.

صادقی، محمد. (۱۳۹۷). ابعاد بین‌المللی آیین اربعین و پیامدهای اجتماعی آن. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۴(۱)، صص ۳۵-۵۵.

طاهرخانی، عبداله؛ ســوادیان، پروین و شــریفی، منصــور. (۱۳۹۹). راهپیمایی اربعین نمادی از شکل‌گیری هویت جمعی مسلمانان. جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۹(۱)، صص.

فتاحی، مهدی؛ کریمی، رحیم و مرادی، هادی. (۱۴۰۰). مواکب و سرمایه اجتماعی در آیین اربعین. مطالعات فرهنگی ایران، ۹(۱)، صص ٤٥-٦٧.

فتحی، ابراهیم. (۱۴۰۴). پیاده‌روی اربعین مقاومت فرهنگی در برابر سلطه نظام جهانی سرمایه‌داری. فرهنگ و سیره اهل‌بیت. ۳(۱۱)، صص ۲۹-۵۸.

فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۷). دین و جامعه (مجموعه مقالات). تهران: شرکت سهامی انتشار.

کنیک، ساموئل. (۱۳۵۵). جامعه‌شناسی (مترجم: مشفق همدانی). تهران: امیرکبیر.

کونیگ، رنه. (۱۳۵۵). جامعه‌شناسی دین (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

موسوی، سیداحمد؛ بیات، رضا. (۱۳۹۷). کاوشی در آیین پیاده‌روی اربعین حسینی و اثرگذاری کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن. پژوهشنامه فرهنگ و رسانه، ۳(۵)، صص۹۲-۱۱٦.

همیلتون، ملکم. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی دین (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: انتشارات تبیان.

Al-Mohammad, H., & Peluso, D. M. (2023). The Arbaeen Pilgrimage: Solidarity, Sanctity, and Survival. *Journal of Religious and Political Practice*, 9(1), pp. 45-63.

Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*. In J. Richardson (Ed.), Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, (pp. 241–258). New York: Greenwood. (p. 248)

Cullen, J., White, M., & Brown, R. (2016). Collective rituals and social cohesion in contemporary societies. *Journal of Sociology*, 52(3), pp. 587–603.

Deeb, L. ,& Harb, M. (2020) .Piety, Charity and the Ethics of Care in Shia Pilgrimage. International *Journal of Middle East Studies*, 52(4), pp. 645-662.

Durkheim, É. (1912). *The elementary forms of religious life*. (J. W. Swain, Trans.). New York: The Free Press.

Enjil, A. (2024). The Digital and the Divine: Social Media and the Transformation of the Arbaeen Pilgrimage. *Digital Religion*, 3(1), pp. 112-130.

Giddens, A. (2006) .Sociology (5th ed.).Cambridge: Polity Press.

Haider, A., & Ahmed, S. (2021). Religious gatherings and the production of social capital: Evidence from South Asia. *International Journal of Sociology and Social Policy*, 41(5/6), pp. 497–513.

McDonnell, T.E. (2020) .The sociology of religious mass events: Pilgrimage, ritual, and solidarity. Annual Review of Sociology, 46,421–440.

Putnam, R. D. (2000). *Bowlingalone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon & Schuster.

Putnam, R. D., & Campbell, D. E. (2012). *American Grace:How Religion Divides and Unites Us*. New York : Simon & Schuster.

Szanto, E. (2022). Beyond Sectarianism: The Arbaeen Pilgrimage and the Performance of Shi'i Solidarity. *Journal of the American Academy of Religion*, 90(1), pp. 178-200.

Turner, V. (1969). *The Ritual Process: Structure and Anti-Structure*. Chicago: Aldine.

Wood, M. (2017). Religion and trust: A social capital perspective. *Social Compass*, 64(1), pp. 91-109.

Editorial Board

(Persian Alphabetical Order)

Nasrullah Aqajani

Assistant Professor, School of Social Science, Baqir al_Olum University.

Karim Khan Mohammadi

Associate professor and head of the Educational Department for Cultural Studies and Relations, Baqir al_Olum University.

Mahmud Rajabi

Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute

Sayyed Abbas Salehi

Assistant Professor, Research Center For Civilization Islam, Islamic Science And Culture Academy

Hassan Ghaffari_far

Assistant Professor, School of Social Science, Baqir al_Olum University.

Hossein Kachuyan

Associate Professor, School of Social Science, Tehran University

Nematollah Karamollahi

Associate Professor, School of Social Science, Baqir al_Olum University.

Shamsullah Mariji

Professor, School of Social Science, Baqir al_Olum University.

Reviewers of this Volume

Mohammad Reza Aghaie, Saeed AmirKaveh, Khalil Amirizadeh, Mohammad Reza Anvari, Sayyed Abbas Hosseini, Sayyed Mirsaleh Hosseini, Davood Rahimi Sajasi, Mohammad Rafigh, Ebrahim Fathi, Mohsen Ghanbari Nik, Mahmood Maleki Rad.

The Quarterly Journal of

Islam and Social Studies

Vol. 13, No. 3 , Winter 2025

51

Islamic Sciences and Culture Academy

www.isca.ac.ir

Manager in Charge:

Najaf Lakzaei

Editor in Chief:

Hamid Parsania

Executive Director:

Mohsen GHanbari Nik

Tel.:+ 98 25 31156909 ● P.O. Box.: 37185/3688

Jiss.isca.ac.ir

www.jiss.isca.ac.ir

راهنمای اشتراک مجلات تخصصی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

ضمن تشکر از حسن انتخاب شما

مرکز توزیع مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم عهده دار توزیع و اشتراک مجلات ذیل می باشد. لطفاً پس از انتخاب مجله مورد نظر، فرم ذیل را تکمیل کرده و به نشانی ارسال فرمایید.

فرم اشتراک

جستارهای فقهی و اصولی	آینه پژوهش	نقد و نظر	فقه	حوزه
یک سال اشتراک ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال	یک سال اشتراک ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال	یک سال اشتراک ۳,۲۰۰,۰۰۰ ریال	یک سال اشتراک ۳,۲۰۰,۰۰۰ ریال	یک سال اشتراک ۲,۸۰۰,۰۰۰ ریال

اخلاق	جامعه مهدوی	مطالعات علوم قرآنی	اسلام و مطالعات اجتماعی	پژوهشهای قرآنی
یک سال اشتراک ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال	یک سال اشتراک ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال	یک سال اشتراک ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال	یک سال اشتراک ۳,۲۰۰,۰۰۰ ریال	یک سال اشتراک ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال

نام و نام خانوادگی:
نام پدر:
نام نهاد: / شرکت:
تاریخ تولد:
میزان تحصیلات:

نشانی:
استان:
شهرستان:
خیابان:
کوچه:
پلاک:
کد پستی:
صندوق پستی:
رایانامه:
کد اشتراک قبل:
پیش شماره:
تلفن ثابت:
تلفن همراه:

هزینه های بسته بندی و ارسال به عنوان تخفیف محاسبه شده است.

قم، چهارراه شهدا، ابتدای خیابان معلم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
کدپستی: ۳۷۱۵۶-۱۶۴۳۹ تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۱۱۶۲
شماره پیامک: ۳۰۰۰۲۷۰۲۵۰۰۰۰۰ رایانامه: magazine@isca.ac.ir

شماره حساب سیبا بانک ملی ۰۱۰۹۱۴۶۰۶۱۰۰۵ نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی